



صنعت و دانشگاه

نشریه علمی جمعیت ایرانی پیشبرد ارتباط صنعت و دانشگاه

سال هجدهم، شماره ۶۹ و ۷۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

هیأت تحریریه:

دکتر بهروز کریمی (استاد): دانشگاه صنعتی امیرکبیر
دکتر سعید یعقوبی (دانشیار): دانشگاه علم و صنعت
دکتر قاسم رمضان پورنرگسی (دانشیار): سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران
دکتر حسن ظهور (استاد): دانشگاه صنعتی شریف
دکتر فتح الله مضطرزاده (استاد): دانشگاه صنعتی امیرکبیر
دکتر سیداحمد معتمدی (استاد): دانشگاه صنعتی امیرکبیر
دکتر علیرضا جهانگیریان (دانشیار): دانشگاه صنعتی امیرکبیر
دکتر حسین سالارآملی (استاد): دانشگاه صنعتی امیرکبیر
دکتر حجّت الله حاج حسینی (استادیار): سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران
دکتر علی محمد کیمیاگری (دانشیار): دانشگاه صنعتی امیرکبیر

صاحب امتیاز: جمعیت ایرانی پیشبرد ارتباط صنعت و دانشگاه

مدیر مسئول: دکتر مسعود شفیعی

سردبیر: دکتر حجت الله حاج حسینی

مدیر اجرایی: دکتر ابادر اشتری مهرجردی

کارشناس: سمیه آهاری

هیأت مدیره:

دکتر مسعود شفیعی (رئیس)

دکتر فرامرز خالقی (نایب رئیس)

مهندس محسن خدابخشی (خزانه‌دار)

دکتر محمدرضا حمیدی زاده

دکتر سعید قاضی مغربی

دکتر رضا مهدی

دکتر سیدعطاءالله سینایی

دکتر اصغر زمانی

دکتر محمدعلی نعمتی

مهندس مهندس علی کیانی

مهندس امیر شهاب شاهمیری

دکتر ابوالفضل لطفی (علی البدل)

دکتر حمیدرضا امیری نیا (علی البدل)

مهندس عباس شعری مقدم (بازرس)

مهندس امیرعباس شفیعی اردستانی (بازرس)

براساس نامه شماره ۸۴/۲۱۹ مورخ ۱۳۸۶/۷/۱۰ دفتر امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بنیانه رأی کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۳۱، درجه علمی - ترویجی به این فصلنامه اعطا شده است.

آدرس: تهران، خیابان حافظ، دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ساختمان

ابوریحان، طبقه ۶ اتاق ۶۱۲

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۵۸۵۶ تلفکس: ۰۲۱-۶۶۴۹۵۴۳۳

پست الکترونیکی: Sanat-daneshgah@yahoo.com

وب سایت: www.jiu.ir

فهرست

- ۱ تحول در محتوای صنعت چندرسانه‌ای‌ها مورد بررسی: آینده ژانر برنامه‌های تلویزیون ایران
در افق ۱۴۱۰
حسینعلی افخمی
- ۱۷ توسعه راهبردهایی برای بهبود تعاملات مالی و اقتصادی شهرداری‌ها و شرکت‌های خدماتی
(مورد مطالعه: شهرداری تهران و شرکت‌های خدمات‌رسان آب و برق)
رضا مهدی
- ۳۷ بررسی اثرات عوامل درونی و بیرونی بر روی نرخ بهره بین‌بانکی در ایران
علی حسینی‌نوه‌اکبرآبادی، سجاد برخورداری دورباش
- ۵۷ رابطه بین رهبری دانش محور، توسعه منابع انسانی، جو نوآوری و رفتار کاری خلاقانه با
مزیت رقابتی پایدار با نقش میانجی نوآوری سازمانی
علی خاکشور، قاسم قاسمی
- ۸۱ نقش اراضی خالصه، مستحده و ساحلی در تولید و کارآفرینی
اباذر اشتری‌مهرجردی
- ۱۰۱ ارزیابی ابعاد نظری و عملی نظام‌های آموزشی هنرستان‌های دخترانه فنی و حرفه‌ای
محیا رحمانی، مجید دارابی، طیبه موسوی امیری
- ۱۲۱ راهنمای نگارش مقالات
- ۱۲۳ معرفی جمعیت
- ۱۲۵ فرم اشتراک نشریه
- ۱۲۶ فرم آگهی
- ۱۲۷ فرم درخواست عضویت حقیقی و حقوق جمعیت

تحول در محتوای صنعت چندرسانه‌ای‌ها مورد بررسی: آینده ژانر

برنامه‌های تلویزیون ایران در افق ۱۴۱۰

* حسینعلی افخمی

* دانشیار، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

hafkhami48@hotmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۹

چکیده

تعمیم محتوای رسانه‌های ارتباط جمعی با گسترش و تنوع آن‌ها و غالب شدن چندرسانه‌ای‌ها، به تدریج دشوارتر شده است و ژانرهای تثبیت شده اغلب تکثیر و جهش یافته‌اند. مطالعه برای تجزیه و تحلیل و درک نحوه کارکرد متون سعی دارد تا با انواع خروجی‌های رسانه‌های سنتی و نوین همگام شود. کاوش در زمینه‌های تولید و پخش پیام از طریق تجزیه و تحلیل ژانرها، فریم‌ها، قالبها و متنها به ما کمک می‌کند تا تحول در معنا را بهتر درک کنیم. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش آینده‌پژوهی و تکنیک دلفی، به بررسی تحولات احتمالی در نگرش و انتظارات مخاطبان نسبت به برنامه‌های سیاسی تلویزیونی ایران در افق سال ۱۴۱۰ می‌پردازد.

مطالعات پیشین حاکی از ناکارآمدی قالب‌های سنتی و ضرورت بهره‌گیری از قالب‌های ترکیبی، مناظره‌محور، مستندهای چندوجهی و حتی عناصر نمایشی است. این تغییر، نیازمند بازنگری در قالب‌ها، محتوا و سیاست‌های رسانه‌ای است. مؤلفه‌هایی همچون چالشی و انتقادی بودن برنامه‌ها، جذابیت‌های بصری، روایت‌گری چندلایه، افنای ذهنی و عاطفی مخاطب، و موضع‌گیری شفاف مجریان، از جمله انتظارات مخاطبان آینده به‌شمار می‌آیند.

نتایج این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که مخاطبان آینده دیگر تنها دریافت‌کننده‌ی منفعل پیام‌ها نخواهند بود، بلکه به کنشگرانی فعال، تحلیل‌گر، مشارکت‌جو و گزینش‌گر بدل خواهند شد. از این‌رو، سیاست‌گذاران رسانه‌ای باید رویکرد خود را از مدیریت درون‌محور به تحلیل‌گر، مشارکت‌جو و پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی آنها تغییر دهند. رسانه‌ی تلویزیون در صورت عدم انطباق با این تحولات محتوایی و نیازهای مخاطبان، به احتمال زیاد با بحران عدم مشروعیت و مرجعیت رسانه‌ای مواجه خواهد شد. در مقابل، با پذیرش گفتمان‌های سیاسی، تنوع‌پذیری و تعامل‌محوری، می‌تواند جایگاه خود را تعالی بخشد یا در سطح موجود حفظ کند. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، پلتفرم‌های تعاملی و تولیدات چندرسانه‌ای نیز ضرورتی انکارناپذیر برای آینده‌ی رسانه‌ای چون تلویزیون در کشور است.

واژه‌های کلیدی: آینده پژوهی، چندرسانه‌ای، تلویزیون، مخاطبان، ژانر.

نوع مقاله: علمی

۱- مقدمه و بیان مساله

گیرد. این دگرگونی نه‌تنها در ساختار توزیع محتوا، بلکه در شیوه‌های تولید، قالب‌های برنامه‌ای، الگوهای مصرف و میزان اعتماد مخاطبان به رسانه‌ها تجلی یافته است. در این میان، یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که به‌واسطه این تحولات تحت تأثیر قرار گرفته، حوزه برنامه‌های سیاسی تلویزیونی است؛ برنامه‌هایی که در گذشته نقشی بی‌بدیل در

در دهه‌های اخیر، رسانه‌ها به‌واسطه گسترش فناوری‌های جدید ارتباطی، دستخوش تحولاتی چشمگیر شده‌اند. ظهور شبکه‌های اجتماعی مجازی، گسترش پلتفرم‌های پخش محتوا، افزایش ضریب نفوذ اینترنت و رشد مخاطبان فعال و مشارکت‌جو، موجب شده است که نقش و جایگاه رسانه‌های سنتی، به‌ویژه تلویزیون، مورد بازنگری جدی قرار

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: حسینعلی افخمی Hafkhami48@hotmail.com

تنوع‌بخشی به قالب‌های برنامه‌سازی و مهم‌تر از همه، بازسازی اعتماد عمومی به رسانه تلویزیون در ایران باشد. از سوی دیگر، توجه به تغییر نسلی در الگوهای مصرف رسانه‌ای، نیز یکی از پایه‌های اصلی این پژوهش است. در سال ۱۴۱۰، نسل متولد دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بخش بزرگی از مخاطبان فعال جامعه را تشکیل خواهند داد؛ نسلی که با رسانه‌های تعاملی، تصویرمحور، کوتاه، فوری و شبکه‌ای رشد کرده‌اند و نسبت به رسانه‌های رسمی نگاهی انتقادی و گزینشی دارند. برای این نسل، «دسترسی به اطلاعات» کافی نیست؛ آن‌ها «کنترل بر محتوا»، «تعامل با تولیدکننده»، «بی‌واسطگی»، و «بازنشر و مشارکت در روایت» را نیز مطالبه می‌کنند. بنابراین، برنامه‌های سیاسی تلویزیون در آینده برای بقا، نیازمند تحولاتی ریشه‌ای در محتوا، ساختار و راهبرد است.

در این راستا، قالب‌های سنتی مانند مناظره‌های طولانی، گفت‌وگوهای رسمی و تفسیرهای یک‌طرفه، جای خود را به قالب‌هایی چابک، تعاملی، داستان‌محور، چندرسانه‌ای، تحلیلی و قابل انتشار در فضای مجازی خواهند داد. همچنین، توزیع محتوا از حالت یک‌سویه (بخش متمرکز) به مدل‌های شبکه‌ای و تعاملی تغییر خواهد کرد که در آن مخاطب نه فقط مصرف‌کننده، بلکه شریک فرآیند معناپردازی رسانه‌ای است. این تحولات، اقتضاتاتی دارند که شناخت دقیق آن‌ها برای طراحی سیاست‌های رسانه‌ای در دهه آینده ضروری است.

پژوهش حاضر با چنین رویکردی، در پی آن است تا چارچوبی تحلیلی برای درک الگوهای مصرف آینده را با تأکید بر ژانرهای محتوایی ارائه دهد. این چارچوب بر بررسی روندهای کلان فرهنگی و رسانه‌ای، شناسایی تحولات فناورانه، تحلیل تغییرات رفتاری مخاطبان، و ارزیابی جایگاه رسانه‌های رسمی در چشم‌انداز دهه آینده مبتنی است. ابزار اصلی تحقیق، روش دلفی است که از طریق آن، نظر جمعی از خبرگان رسانه‌ها برای ترسیم تصویری همگرا از آینده مصرف رسانه‌ای استفاده شده است. یافته‌های کیفی این پژوهش، امکان ارائه پیشنهادی سیاستی و کاربردی را فراهم می‌کند.

در نهایت، دو واقعیت باید به‌روشنی مورد توجه قرار گیرند: نخست آنکه، استمرار وضع موجود در رسانه تلویزیون در سطح ملی، به‌ویژه در حوزه برنامه‌های سیاسی، به‌معنای تشدید فاصله با مخاطبان، کاهش مشروعیت گفتمانی و

شکل‌دهی به افکار عمومی، مشارکت سیاسی و تبیین مسائل کلان جامعه داشتند، اما امروز با چالش‌هایی چندگانه مواجه‌اند.

تلویزیون در ایران که برای چند دهه منبع اصلی دریافت اخبار و تحلیل‌های سیاسی مردم بوده است، در دهه اخیر با افول اعتماد عمومی، افزایش تنوع رسانه‌های جایگزین و شکاف نسلی در مصرف رسانه‌ای روبرو شده است. مخاطبان امروز دیگر همچون گذشته، به شکل یک‌سویه و منفعلانه به تماشای برنامه‌های تلویزیونی نمی‌نشینند. آنان به مصرف‌کنندگانی انتخاب‌گر و چندپلتفرمی تبدیل شده‌اند که بسته به علائق، زمان، موقعیت و اعتمادی که به منبع دارند، مسیر خود را در میان انبوه رسانه‌های رسمی و غیررسمی انتخاب می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های فراملی، پلتفرم‌های محتوایی و حتی یوتیوبرها و اینفلوئنسرها، رقبای پرنفوذ رسانه‌های سنتی هستند و مخاطب نیز میان این منابع، به حق انتخاب وسیع‌تری دست یافته است.

در چنین بستری، پرسش‌هایی برای آینده تلویزیون سیاسی مطرح می‌شود از جمله: اگر این روندها ادامه یابد، در سال ۱۴۱۰ مخاطبان ایرانی چه نوع برنامه‌های سیاسی را ترجیح خواهند داد؟ قالب و محتوای برنامه‌های سیاسی باید چه نوع تغییراتی را تجربه کنند تا برای مخاطبان آینده جذاب و مؤثر باقی بمانند؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم عبور از نگاه توصیفی به وضعیت موجود و حرکت به سمت نگاهی آینده‌نگرانه است.

این پژوهش با بهره‌گیری از روش دلفی، مصاحبه‌های عمیق با خبرگان حوزه رسانه تلویزیون، چشم‌انداز مصرف سیاسی رسانه‌ای در ایران تا سال ۱۴۱۰ ترسیم می‌کند. تمرکز اصلی بر آن است که چه نوع قالب‌هایی بیشترین جذابیت، اثربخشی و مقبولیت را برای مخاطبان آینده خواهند داشت. به بیان دیگر، پژوهش حاضر می‌خواهد درکی روشمند و آینده‌نگرانه از «الگوی مصرف برنامه‌های سیاسی تلویزیونی در ایران» ارائه دهد.

اهمیت این موضوع نه تنها از منظر نظری بلکه از دیدگاهی راهبردی نیز قابل توجه است. در سطح نظری، تلفیق میان مفاهیم ارتباطات سیاسی، مطالعات رسانه‌ای و آینده‌پژوهی، امکان ارائه پاسخی بین‌رشته‌ای و نوین را فراهم می‌آورد. در سطح سیاست‌گذاری، یافته‌های این پژوهش می‌تواند مبنایی برای بازطراحی مأموریت‌های شبکه‌های تلویزیونی،

خلأهای موجود شناسایی شده و جایگاه پژوهش حاضر در پر کردن این خلأ را تبیین کند.

در سطح بین‌المللی، پژوهش‌های متعددی به تحلیل تحولات مصرف رسانه‌ای سیاسی پرداخته‌اند. برای نمونه، موسسه پژوهشی [۲۷] طی سال‌های اخیر گزارش‌های معتبری درباره تغییرات الگوی مصرف اخبار سیاسی در ایالات متحده و سایر کشورها منتشر کرده است. یافته‌های این مطالعات نشان می‌دهند که کاربران به‌ویژه جوانان، در حال فاصله گرفتن از تلویزیون و تمایل بیشتر به مصرف محتوا از طریق رسانه‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های شخصی‌سازی شده هستند. همچنین، مطالعات منتشر شده توسط [۲۹] نشان می‌دهند که ویدیوهای کوتاه، محتوای اینستاگرامی و پادکست‌های خبری جایگاه ویژه‌ای در مصرف سیاسی نسل‌های جدید پیدا کرده‌اند. از منظر مفهومی، آثار نظری محققانی چون [۱۹]، [۱۸] و [۱۹]، بر فهم روابط میان رسانه، قدرت و مخاطبان در عصر دیجیتال بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. کاستلز واضح نظریه جامعه شبکه‌ای بر این نکته تأکید دارد که رسانه‌ها دیگر یک‌سویه نیستند و کنشگران فردی در شبکه‌ها به بازیگرانی مؤثر در تولید و مصرف محتوا تبدیل شده‌اند. در این رویکرد، مشارکت فعال مخاطبان، عنصر کلیدی برای درک ساختار رسانه‌ای آینده است.

[۵] در مقاله ای زیر عنوان «گونه‌شناسی برنامه‌های غیرداستانی تلویزیون»، انواع ژانرهای مورد استفاده در تولید برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان معاصر در سطح ملی و فرامرزی را معرفی می‌کنند. [۱۰] در رساله دکتری با عنوان «آمیختگی سیاست و سرگرمی در رسانه‌ها»، به تحلیل ساختاری، محتوایی و مخاطب‌محور شش برنامه سیاسی سرگرم‌کننده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و صداوسیما جمهوری اسلامی پرداخته است. این پژوهش با بهره‌گیری از مفاهیمی چون اطلاعات-سرگرمی، سیاست-سرگرمی، نرم‌خبر و نظریه‌های کاشت و استفاده و رضامندی، نشان می‌دهد که مهم‌ترین انگیزه مخاطبان از تماشای این برنامه‌ها، آگاهی از اخبار و سرگرمی است.

[۱] در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «آینده‌پژوهی حضور صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در فضای

واگذاری میدان به رقبا خواهد بود. دوم آنکه، بازسازی اعتماد، احیای کارآمدی و ارتقاء اثربخشی و نفوذ رسانه‌ای، بدون شناخت دقیق از ذات‌ها و نیازهای مخاطبان آینده ممکن نیست. پژوهش حاضر، تلاشی در این مسیر است تا به کمک آینده‌پژوهی، مسیر بازتعریف نقش تلویزیون سیاسی در ایران را هموارتر سازد.

در چنین شرایطی، رسانه‌های رسمی به‌ویژه تلویزیون برای حفظ نقش خود در حوزه عمومی، نیازمند بازتعریف جایگاه و کارکرد هستند. آنچه تلویزیون را در آینده در وضعیتی قابل رقابت قرار می‌دهد، صرفاً بازتولید محتوای قدیمی در بستر جدید نیست، بلکه خلق تجربه‌ای رسانه‌ای منطبق با ارزش‌های نسل نو، فناوری‌های جدید و الگوهای نوین مصرف است. آینده محتوای سیاسی از آن رسانه‌هایی خواهد بود که بتوانند از یکسو اعتماد مخاطبان را جلب کنند، و از سوی دیگر، امکان مشارکت، بازخورد، تعامل و حتی تولید مشترک محتوا را برای او فراهم آورند. چنین رسانه‌ای باید هم از نظر فنی چابک باشد، هم از نظر محتوایی پاسخ‌گو، و هم از نظر راهبردی آینده‌نگر.

در این چارچوب، پژوهش حاضر با استفاده از روش آینده‌پژوهی، می‌کوشد چشم‌اندازی راهبردی برای فهم و پیش‌بینی قالب‌های پُر مصرف برنامه‌های سیاسی تلویزیونی تا سال ۱۴۱۰ را ارائه دهد. تمرکز بر روندهای بلندمدت، تغییرات نسلی، فناوری‌های نوظهور، و الگوهای کنشگری رسانه‌ای، به سیاست‌گذاران فرهنگی و نهادهای رسانه‌ای این امکان را می‌دهد تا از وضعیت انفعالی خارج شده و برای مواجهه با آینده‌ای پیچیده، گام‌های سنجیده و مبتکرانه بردارند.

۲- پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مصرف رسانه‌ای، برنامه‌های سیاسی و آینده‌پژوهی رسانه‌ای نشان می‌دهد که هر یک از این حوزه‌ها به‌صورت مستقل مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، اما تلفیق این سه حوزه به‌ویژه با تمرکز بر چشم‌انداز آینده مصرف رسانه‌ای مخاطبان ایرانی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این بخش تلاش می‌شود ضمن مروری بر مطالعات داخلی و خارجی مرتبط،

3. Blumler
4. McQuail

1. Pew Research
2. Castells

۳- مرور مفهومی

برای درک روند تحولات ویژگی‌های محتوایی و قالب‌های مطلوب برنامه‌های سیاسی تلویزیونی در افق آینده، ضروری است مفاهیم کلیدی مرتبط با رسانه‌ها، ارتباطات، قالب‌های برنامه‌ای، فناوری‌های نوین و نظریه‌های مخاطب مورد مطالعه قرار گیرند.

رسانه‌های جمعی به ابزارهایی اطلاق می‌شوند که از طریق آن‌ها، فرستنده می‌تواند پیام خود را به تعداد زیادی از مخاطبان به‌طور هم‌زمان منتقل کند [۳]. ارتباط جمعی، برخلاف ارتباط فردی، ماهیتی سازمانی دارد و فرستنده در آن اغلب حرفه‌ای و نهادینه است. پیام در این نوع ارتباط نه خودجوش، بلکه از پیش‌ساخته و تکثیرشده است [۸].

خدمات رسانه‌ای خطی و غیرخطی نیز تفاوت مهمی دارند: در نوع خطی، مخاطب تابع زمان‌بندی پخش از مبدأ است و نمی‌تواند زمان یا ترتیب مشاهده را کنترل کند [۷]. اما در نوع غیرخطی، مخاطب امکان انتخاب زمان و ترتیب مصرف محتوا را دارد. مخاطب نیز در این میان به مجموعه‌ای از دریافت‌کنندگان محتوا اطلاق می‌شود که شامل شنوندگان، بینندگان و خوانندگان رسانه‌هاست [۸]. [۲۲] آینده پژوهی را مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها و جهان بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده می‌داند آنچه از بررسی تعاریف یادشده بدست می‌آید، فقدان اجماع میان آینده پژوهان در توصیف این دانش راهبردی است. البته یکی از عوامل این امر، نوظهور بودن آینده پژوهی است. با عنایت به این مهم، باید ادعا کرد که ارائه تعریفی جامع و مانع از آینده پژوهی دشوار است.

آینده پژوهی بر چند فرضیه درباره جهان هستی و نقش انسان استوار است. در اینجا برخی از این اصول اساسی را که نشانه اصلی تفکر آینده پژوهان است، مرور می‌کنیم: اتصال گذشته و حال: این اصل تقریباً میان تمام آینده پژوهان مشترک است که جهان هستی یکپارچه و نه آمیخته‌ای از اجزای مستقل و بی ارتباط با یکدیگر است. از دیدگاه آینده پژوهی، انسان مثل همه کائنات، بخشی از هستی را تشکیل می‌دهد. به عقیده آینده پژوهان، بسیاری از جلوه‌های جهان آینده از درون جهان حال خلق می‌شود؛

اینترنت»، با تحلیل روندهایی همچون رشد فناوری، تغییرات فرهنگی و اجتماعی، رقابت رسانه‌ای و تحول در الگوهای تبلیغاتی، چهار سناریوی محتمل برای آینده رسانه تلویزیون در فضای اینترنت شامل: حضور مطلق، موازی، مکمل و سایه‌ای ارائه کرده است. بر اساس نظر ۲۰ صاحب‌نظر در قالب روش دلفی، حضور موازی با کسب امتیاز ۹۴،۴۴ درصدی، به‌عنوان آینده مطلوب رسانه ملی طی ده سال آینده معرفی شده است.

در پژوهشی دیگر، [۲] در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «آینده‌پژوهی ضریب نفوذ شبکه‌های سیما (شبکه یک) بر مخاطبان در پنج سال آینده»، با تمرکز بر متغیرهایی همچون محتوا، قالب پیام، دینداری، هویت ملی و گرایش به غرب، به تحلیل عوامل مؤثر بر گرایش مخاطبان به رسانه‌های داخلی و خارجی پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت پیام، دینداری، هویت ملی، فناوری و گرایش به غرب، بیشترین تأثیر را بر الگوی مصرف رسانه‌ای در آینده نزدیک خواهند داشت.

با وجود اهمیت این مطالعات، باید اذعان کرد که ترکیب رویکرد آینده‌پژوهی با مطالعات رسانه‌ای سیاسی در ایران هنوز در مراحل آغازین قرار دارد. اغلب پژوهش‌ها یا نگاهی توصیفی به وضعیت فعلی مصرف رسانه‌ای دارند یا صرفاً به فناوری‌ها و بسترها می‌پردازند و کمتر تلاش شده تا تصویری تلفیقی از روندهای فناورانه، تحولات نسلی، قالب‌های رسانه‌ای نوظهور و دگردیسی نقش مخاطب در آینده ارائه شود. به‌ویژه، برنامه‌های سیاسی تلویزیونی که زمانی ستون فقرات اطلاع‌رسانی سیاسی در ایران بودند، در ادبیات پژوهشی آینده‌پژوهانه جایگاه پررنگی نیافته‌اند. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ طراحی شده است. تلفیق دو محور اصلی شامل «تحلیل قالب‌های رسانه‌ای» و «تصویرسازی از نیازهای محتوایی مخاطب آینده»، این امکان را فراهم می‌سازد که پاسخی جامع و کاربردی برای سیاست‌گذاری رسانه‌ای در افق ۱۴۱۰ ارائه شود. استفاده از روش دلفی برای اجماع‌سازی میان خبرگان، و تحلیل روند برای ترسیم مسیرهای محتمل آینده، وجه تمایز این پژوهش نسبت به مطالعات پیشین است.

داشته باشند و تولیدات و خدمات را بر اساس آن انتخاب کنند. هر دوی این ساختارها ممکن است با ساختار محقق یا منتقد فیلم، تلویزیون، بازی یا اخبار مطابقت داشته یا نداشته باشند. علاوه بر این، ایجاد تمایز بین یک ژانر و ژانرهای دیگر دشوار است: ژانرها همپوشانی دارند و «ژانرهای ترکیبی» و تقاطع زیادی وجود دارد. [۲۶] از رویکردی حمایت می‌کند که «ژانرها را در روابط متقابل و پیچیده میان متن، صنایع، مخاطبان و زمینه‌های تاریخی قرار می‌دهد».

در رسانه‌های دیجیتال، ژانرها معمولاً توسط الگوریتم‌هایی مانند نرم‌افزار توصیه‌ای که توسط شرکت‌هایی مانند آمازون و نتفلیکس ایجاد شده‌اند، تعریف می‌شوند که محصولات را بر اساس داده‌ها بین یک پروفایل مشتری خاص طبقه‌بندی می‌کنند. سپس نتایج چنین ساختار الگوریتمی از دسته‌های محصول برجسته‌گذاری می‌شوند و منجر به ژانرهای خردی می‌شوند که می‌توانند برای تک تک کاربران پلتفرم خاص باشند.

قدرت ژانر خبری با وجود امکانات و محدودیت‌های بسیار متفاوت هر کدام به میزان مشخصی از ویژگی‌های اساسی در رسانه‌های مختلف چاپی، رادیو و تلویزیون، آنلاین و تلفن همراه تأیید می‌شود. برخی از این ویژگی‌های منظم بودن در کشورهای مختلف بسیار یکسان هستند [۳۰].^۵

قالب اخبار نشانه‌هایی از اهمیت نسبی رویدادها و انواع محتوا ارائه می‌دهد. اهمیت به طور عمده با توالی محتوا و با مقدار نسبی فضا یا زمان اختصاص داده شده نشان داده می‌شود. بولتن‌های خبری تلویزیون عموماً با هدف برانگیختن علاقه اولیه با برجسته کردن برخی رویدادها، حفظ علاقه از طریق تنوع و علاقه انسانی، نگه داشتن برخی از اطلاعات حیاتی تا انتها مانند نتایج مسابقات ورزشی و پیش بینی آب و هوا. ساختار مشابهی در اکثر قالب‌های خبری چاپی و آنلاین وجود دارد که از سبک «هرم معکوس» برای آوردن برجسته‌ترین حقایق خبر در ابتدا استفاده می‌کند. مانند تلویزیون، زمینه مادی رسانه تأثیر مهمی بر توسعه قالب خبری دارد [۸].^۶

[۱۱] در مورد نقشها و کارکردهای ژانرها در رسانه‌ها، آن را به عنوان شکلی از کنش اجتماعی معرفی می‌کند که معنا

از این رو، با نگاه دقیق به رویدادهای جهان طی چند سال گذشته می‌توانیم نکات بسیاری را درباره آینده دریابیم.

مفهوم «چشم‌انداز راهبردی» نیز وجود این رابطه را به گونه‌ای دیگر آشکار می‌سازد. بر این اساس، آینده برای حال و گذشته جنبه علیت پیدا می‌کند و چشم‌اندازی که ما از آینده و آینده مطلوب داریم تصمیمات حال و گذشته ما را دگرگون می‌سازد: «هدف تفکر بر پایه چشم‌انداز، روشن ساختن گزینش‌های حال و گذشته در پرتو آینده‌های ممکن است» [۲۱].^۱ امروزه یکی از عوامل تأثیرگذار بر آینده، در کنار روندها، رویدادها و ...، تصاویری است که ما از آینده داریم و این همان چیزی است که از آن به قدرت چشم‌انداز در خلق آینده مطلوب تعبیر می‌شود.

کلمه ژانر به سادگی به معنای «نظم» است. در مورد آثار هنری، ژانر یک نوع، طبقه یا دسته از ارائه است که ویژگی‌های متمایز و به راحتی قابل شناسایی را به اشتراک می‌گذارد. نمونه‌هایی از ژانرها شامل ژانر عاشقانه‌ها، علمی تخیلی، کمدی‌های موقعیت و برنامه‌های خبری است. حتی موسیقی پاپ نیز در ژانرهای اساسی یا قالب‌ها قرار می‌گیرد [۳۱].

اصطلاح «ژانر» به سادگی به معنای گونه‌ای از یک متن است. برای اولین بار در تئوری فیلم، از این اصطلاح استفاده شد و به دلیل تنش بین خلاقیت فردی نویسنده و مکان در یک ژانر بحث برانگیز شد [۱۵]. [۲۰] ژانر را وسیله‌ای برای برساختن مخاطب می‌داند، زیرا جذابیت به و یا درون یک ژانر خاص یا ترکیبی از عناصر ژانر، نوع خاصی از مخاطب را با انتظارات و ترجیحات خاص تولید می‌کند. برای مثال، فیلمی که عناصر «علمی تخیلی» را با «ابر قهرمانان» ترکیب می‌کند، یک بازار هدف برای خود می‌سازد. [۹] برای دسته‌بندی انواع برنامه‌ها و تولیدات تلویزیونی از اصطلاح ژانر استفاده می‌کند که هر کدام از قواعد خاصی پیروی می‌کند. [۱۳] در کتاب «تلویزیون، تکنولوژی و شکل فرهنگ»، ژانرهای تلویزیونی را شامل اخبار، مجادله و مباحثه، آموزش، درام، فیلم، واریته، ورزش، آگهی‌های تجاری و سرگرمی ذکر می‌کند.

بنابراین، ژانرها فقط بر اساس صنایع تعریف و طبقه‌بندی نمی‌شوند. مخاطبان تمایل دارند که تصور خود را از ژانرها

4. Mittell
5. Rositi
6. Dennis McQuail

1. Godet
2. Fiske
3. David McQueen

سالهای اخیر؛ هفت قالب پیام یا ژانر محتوای برنامه‌های سیاسی تلویزیون دسته‌بندی شدند:

قالب ساده (سخنرانی): قالبی کم‌هزینه که با حداقل امکانات، مانند پخش سخنرانی‌ها، محتوای سیاسی ارائه می‌دهد. نمونه آن خطبه‌های نماز جمعه از شبکه اول است.

قالب میزگرد: در این قالب، چند کارشناس با دیدگاه‌های مختلف پیرامون یک موضوع سیاسی به بحث می‌پردازند. انتخاب مجری توانا و کارشناسان معتبر، برای اثربخشی آن حیاتی است. برنامه‌های شبکه خبر مثال خوبی هستند.

قالب گفت‌وگو: بر مبنای گفت‌وگویی میان مجری و مهمان طراحی شده است و معمولاً به مسائل روز سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی می‌پردازد. برنامه‌هایی چون گفت‌وگوی ویژه خبری یا دست‌خط در این دسته قرار می‌گیرند.

قالب مستند: با استناد به تصاویر آرشیوی، اسناد رسمی و روایت شاهدان عینی، به تحلیل مسائل سیاسی می‌پردازد. مستندهایی مانند «از خون سنگ» یا «سفارت کودتا» مثال‌هایی از این ژانر هستند.

قالب ترکیبی: ترکیبی از گزارش، گفت‌وگو، تحلیل و آرشیو که انعطاف بیشتری در پوشش موضوعات دارد. برنامه‌هایی مانند «نگاه یک» از این نوع هستند.

قالب نمایشی: مسائل سیاسی در قالب طنز یا نمایش بازآفرینی می‌شوند. برنامه‌هایی چون «بدون تعارف» در بخش خبری ۲۰:۳۰ از نمونه‌های این قالب‌اند.

قالب مناظره: این قالب بر مواجهه اندیشه‌ها و تضارب آرا تأکید دارد و با رعایت چارچوب گفت‌وگوی منطقی، مورد توجه عموم قرار می‌گیرد. برنامه‌هایی مانند «دیروز، امروز، فردا» و مناظرات دهه ۱۳۶۰ مثال‌هایی هستند.

مرور مفهومی حاضر تأکید دارد که طراحی و تولید برنامه‌های سیاسی تلویزیونی در آینده نه‌تنها باید به تحولات فناوری و قالب‌های نوین توجه داشته باشد، بلکه باید بر شناخت دقیق از ذائقه، ارزش‌ها، نیازها و انتظارات مخاطب متکی باشد. این شناخت، پیش‌نیاز سیاست‌گذاری رسانه‌ای آینده‌نگر و تولید محتوای اثربخش در سال ۱۴۱۰ خواهد بود.

تولید می‌کنند. با قالب‌بندی یک متن (چه نوشتاری، عکاسی، فیلم‌برداری یا اینفوگرافیک) به روشی خاص، خالق احتمال اینکه مخاطب خاصی آن را بفهمد را افزایش می‌دهد. چیزی که اشمیت (۱۹۸۷) آن را «طرحواره-عمل-رسانه» می‌نامد. به همان اندازه که انعکاسی از یک عمل ارتباطی خاص است، یک عمل خاص را تولید می‌کند. [۱۱] در تأملی در مورد تأثیر کار خود خاطرنشان می‌کند که اینترنت نگرانی‌های پیچیده‌ای را در مورد ژانر ایجاد می‌کند، زیرا بسیاری از اشکال جدید رسانه‌ها به طور مداوم توسط تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان، از جمله، متخصصان رسانه‌ها و سیاست‌گذاران تولید می‌شوند.

این ژانر را می‌توان وسیله‌ای کاربردی برای کمک به هر رسانه ارتباط جمعی برای تولید مداوم و کارآمد و مرتبط ساختن تولید خود با انتظارات مخاطبان در نظر گرفت. از آنجایی که به تک تک کاربران رسانه‌ها کمک می‌کند تا انتخاب‌های خود را برنامه‌ریزی کنند، می‌تواند به عنوان سازوکاری برای نظم‌بخشیدن به روابط بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نیز در نظر گرفته شود. [۱۴] به سه نقش متفاوت که مفهوم ژانر در تولید رسانه‌ها، محتوا و دریافت مخاطبان ایفا می‌کند، اشاره دارد. [۱۲] تولید برنامه‌های تلویزیون در سه مرحله شامل تدارکات و برنامه‌ریزی، تولید یعنی ضبط و تصویربرداری، و سپس پساتولید یعنی تدوین، اقدامات تکمیلی و ارائه نسخه نهایی.

ژانرهای سیاسی تلویزیونی: قالب (ژانر) به عنوان طبقه‌بندی ساختاری برنامه‌های رسانه‌ای، ابزاری برای شناخت کلی ویژگی‌ها و انتظارات مخاطبان از یک اثر است. برنامه‌های سیاسی نیز در تلویزیون در قالب‌های متنوعی تولید می‌شوند که هر یک متناسب با موضوع، هدف و مخاطب خود طراحی شده‌اند. [۱۷] در مقاله‌ای که نتیجه مصاحبه با تولیدکنندگان شبکه‌های تلویزیون بریتانیا در کارزار انتخاباتی سال ۱۹۶۶ انجام داد به هفت قالب پیام اشاره می‌کند: سخنرانی سیاستمدار، تحلیل و ارزیابی خبرنگاران از کمپین نامزدها و احزاب، مصاحبه با سیاستمداران، مناقشه‌های رقبای سیاسی، گزارش از مردم، گزارش و ارزیابی نظرسنجی‌ها، فیلم تبلیغات انتخاباتی احزاب. در این مطالعه با توجه برنامه‌های تلویزیونی در



۴- روش پژوهش

این پژوهش به روش آینده‌پژوهی و با تکنیک دلفی انجام شد. آینده‌پژوهی، رویکردی علمی و تجربی برای درک و تجسم آینده‌های ممکن و محتمل است که از طریق تحلیل روندها، منابع، الگوها و عوامل متغیر یا ثابت به برنامه‌ریزی برای آینده می‌پردازد [۴]. از آنجا که موضوع پژوهش حاضر تحلیل آینده‌پژوهانه ویژگی‌های محتوایی و قالب‌های مطلوب برنامه‌های سیاسی تلویزیونی در افق ۱۴۱۰ است و هدف آن شناسایی قالب‌های رسانه‌ای و مجراهای ترجیحی مخاطبان آینده می‌باشد، از روش آینده‌پژوهی و تکنیک دلفی استفاده شد.

تکنیک دلفی نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ در شرکت رند^۱ در آمریکا به کار رفت. این تکنیک در قالب چند مرحله پرسشنامه‌ای پی‌درپی اجرا می‌شود و از مجموعه‌ای از نظرات خبرگان برای ایجاد اجماع درباره آینده استفاده

می‌کند. در مرحله اول، پرسشنامه‌ای بدون ساختار یا با پاسخ باز در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار می‌گیرد تا به‌طور آزادانه به بیان نظرات، ایده‌ها و پیشنهادهای خود بپردازند. از آنجا که در پژوهش‌های دلفی، انتخاب دقیق مشارکت‌کنندگان نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتبار نتایج دارد؛ جامعه نمونه این تحقیق را خبرگان و نخبگان حوزه رسانه در ایران تشکیل دادند که آشنایی حرفه‌ای و تخصصی با تلویزیون، فضای مجازی و مخاطب‌شناسی رسانه‌ای دارند. و از تکنیک دوم برای انتخاب شرکت‌کنندگان استفاده شد؛ به این صورت که فهرستی از متخصصان حوزه‌های مختلف رسانه تهیه شد و بر اساس سطح تخصص، تجارب کاری، و امکان دسترسی، افراد مناسب برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. با توجه به ساختار جدول زیر، ۱۴ نفر از متخصصان رسانه‌های رسمی و خصوصی در ایران شامل اساتید دانشگاه، فعالان رسانه‌ای و کارشناسان رسانه‌های دیجیتال، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند:

جدول ۱. مشخصات تخصصی و تحصیلی شرکت‌کنندگان در دلفی

جمع	تحصیلات		تخصص			زمینه آشنایی خبرگان در پژوهش
	دکتری	کارشناسی ارشد	شاغلان رسانه‌های غیردولتی	فعالان حوزه صدا و سیما	استادان دانشگاه	
۶	۳	۳	۰	۵	۱	تلویزیون
۳	۲	۱	۳	۰	۰	فضای مجازی
۵	۵	۰	۲	۱	۲	مخاطب‌شناسی

اجرای این مطالعه در دومرحله انجام شد. در مرحله اول، پرسشنامه‌ای باز در اختیار ۱۴ نفر از خبرگان قرار گرفت تا ویژگی‌های مصرف رسانه‌ای مخاطبان را در سه حوزه قالب‌های برنامه‌های سیاسی، مجراهای دسترسی، و موضوعات جریان‌های سیاسی تشریح کنند. پاسخ‌های دریافتی تحلیل، کدگذاری و دسته‌بندی شد. نظرات مشابه تلفیق و موارد تکراری حذف گردید. سپس بر اساس مضامین اصلی، پرسشنامه دور دوم طراحی شد.

در دور دوم، پرسشنامه ساختاریافته میان همان گروه از خبرگان توزیع شد و از آن‌ها خواسته شد احتمال وقوع هر گزاره را در افق ۱۴۱۰ تعیین کنند. پس از جمع‌آوری

برای عملیاتی‌سازی این پژوهش، از ابزار پرسشنامه در قالب دو دور دلفی استفاده شد. دور اول پرسشنامه‌ها به‌صورت باز طراحی شد تا شرکت‌کنندگان نظرات کلی خود درباره وضعیت محتوا و قالب‌های مطلوب برنامه‌های سیاسی تلویزیونی در آینده را بیان کنند. داده‌های حاصل از این مرحله کدگذاری و موضوع‌بندی شدند. در مرحله دوم، پرسشنامه‌ای ساختارمند و بسته بر اساس گزاره‌های استخراج‌شده تهیه شد. از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا بر اساس قضاوت حرفه‌ای خود، میزان احتمال وقوع هر گزاره را در سال ۱۴۱۰ مشخص کنند.

1. RAND



به‌عنوان گزاره‌های معتبر در چشم‌انداز آینده تلقی شدند. در کنار آن، ثبات نسبی پاسخ‌ها میان دو دور نیز به‌عنوان نشانه تکمیل فرآیند دلفی لحاظ شد.

۵- یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های به‌دست‌آمده از نظرات خبرگان و نخبگان رسانه‌ای در قالب تحلیل محتوای حاصل از دو مرحله دلفی ارائه می‌شود. این یافته‌ها در دو محور اصلی سازماندهی شده‌اند: الف- گزاره‌های مورد توافق درباره ویژگی‌های محتوایی مطلوب برنامه‌های سیاسی تلویزیونی در افق ۱۴۱۰؛ ب- قالب‌های مناسب برای تحقق این ویژگی‌ها.

الف: گزاره‌های مورد توافق درباره برنامه‌های سیاسی

تلویزیونی مطلوب در افق ۱۴۱۰

بر اساس ارزیابی از دیدگاه‌های خبرگان، ده گزاره اصلی درخصوص ویژگی‌های مورد توجه مخاطبان برنامه‌های سیاسی تلویزیونی شناسایی شد که در دور دوم به این گزاره‌ها نمره داده شد و در ادامه به تفصیل تحلیل می‌شوند.

پرسشنامه‌ها، داده‌ها تحلیل و درصد توافق برای هر گزاره محاسبه شد. در ادامه گزاره‌هایی که بیش از ۶۰ درصد توافق خبرگان را کسب کرده بودند، تأیید و گزاره‌هایی با توافق کمتر از این میزان، حذف یا تعدیل شدند. این فرآیند به محقق کمک کرد تا بر پایه اجماع تخصصی، تصویری معتبر از چشم‌انداز آینده مصرف برنامه‌های سیاسی تلویزیونی در ایران ترسیم کند.

اعتبار یافته‌های این مطالعه به دو روش سنجیده شد. اعتبار خارجی: به میزان انطباق نظرات خبرگان با واقعیت‌ها یا سایر روش‌های تحقیق اشاره دارد. در این پژوهش تلاش شد با انتخاب دقیق خبرگان و اجرای ساختارمند فرآیند، این اعتبار تقویت شود. اعتبار داخلی: مبتنی بر این فرض است که دلفی به‌واسطه طراحی تکرارشونده و اجماع‌سازی، پیش‌بینی‌های دقیق‌تری ارائه می‌دهد.

تحلیل داده‌ها بر اساس برآورد میزان توافق میان خبرگان در دو مرحله انجام شد. در این تحقیق آن طور که [۲۴] اشاره می‌کنند، آستانه وفاق بر اساس معیار رایج در مطالعات دلفی، حداقل ۶۰ درصد در نظر گرفته شد. گویه‌هایی که در دور دوم بیش از ۶۰ درصد توافق داشتند،

جدول ۲. گزاره‌های مورد توافق درباره ویژگی قالب‌های محتوایی مطلوب برنامه‌های سیاسی تلویزیونی در افق ۱۴۱۰

گزاره‌های کلیدی ویژگی‌های مورد انتظار مخاطبان	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	جمع
۱ چالشی و انتقادی بودن برنامه‌ها	۶۴,۲۹	۳۵,۷۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
۲ جذابیت بصری برنامه برای مخاطبان	۳۵,۷۱	۵۰,۰۰	۱۴,۲۹	۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
۳ روایت‌های مختلف از یک رویداد یا حادثه	۲۸,۵۷	۵۰,۰۰	۲۱,۴۳	۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
۴ تنوع در آیت‌های برنامه	۲۱,۴۳	۵۰,۰۰	۲۸,۵۷	۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
۵ موضعگیری مشخص مجری و کارشناسان در برنامه، پیرامون موضوعات مشخص هر برنامه	۲۸,۵۷	۵۰,۰۰	۱۴,۲۹	۷,۱۴	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
۶ قابلیت تاثیرگذاری توأمان احساسی و عقلانی بر مخاطبان	۲۸,۵۷	۵۷,۱۴	۱۴,۲۹	۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
۷ استفاده از روش‌های مختلف و متنوع برای اقناع و پذیرش مخاطبان	۲۱,۴۳	۵۷,۱۴	۲۱,۴۳	۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
۸ انطباق پذیری با شرایط گوناگون و مناسبت‌های خاص	۱۴,۲۹	۲۱,۴۳	۳۵,۷۱	۱۴,۲۹	۱۴,۲۹	۱۰۰,۰۰
۹ سهولت در اخذ مجوز پخش برای مخاطبان	۷,۱۴	۷,۱۴	۲۱,۴۳	۳۵,۷۱	۲۸,۵۷	۱۰۰,۰۰
۱۰ کم هزینه بودن برنامه تولید شده و صرفه جویی در بودجه برای مخاطبان	۰,۰۰	۷,۱۴	۲۱,۴۳	۲۱,۴۳	۵۰,۰۰	۱۰۰,۰۰



• چالشی و انتقادی بودن: با ۱۰۰ درصد نظر موافق، در سطح «اهمیت خیلی زیاد»، همه خبرگان بر آن توافق داشتند.

• تأثیرگذاری عقلانی و احساسی توأمان: این ویژگی با ۸۵/۷۱ درصد توافق، در سطح «اهمیت زیاد و خیلی زیاد»، مورد توافق خبرگان و نخبگان قرار گرفت.

• کم‌هزینه بودن برنامه و صرفه‌جویی در بودجه: این گزاره با ۴۳،۷۱ درصد پاسخ در سطح «اهمیت کم و خیلی کم»، مورد توافق خبرگان و نخبگان قرار نگرفت.

• جذابیت بصری: با ۷۱،۸۵ درصد توافق در سطح «اهمیت زیاد و خیلی زیاد»، مورد توافق خبرگان و نخبگان قرار گرفت.

• با توجه به نمرات کسب شده از خبرگان؛ گزاره‌های انطباق‌پذیری با شرایط و مناسبت‌ها، سهولت در اخذ مجوز برای مخاطب، کم‌هزینه بودن برنامه و صرفه‌جویی در بودجه مورد توافق قرار نگرفت. در مقابل گزاره‌های ارائه روایت‌های متنوع از رویدادها، چالشی و انتقادی بودن، تنوع در آیتم‌ها، جذابیت بصری، استفاده از روش‌های متنوع برای اقناع و تهییج، تأثیرگذاری عقلانی و احساسی توأمان و موضع‌گیری مشخص مجری و کارشناسان، مورد توافق خبرگان قرار گرفتند.

• روایت‌های متنوع از رویدادها: با ۷۸/۵۷ درصد توافق، در سطح «اهمیت زیاد و خیلی زیاد»، مورد توافق خبرگان واقع شد. -قابلیت تأثیرگذاری عقلانی و احساسی توأمان: این ویژگی با ۷۱،۸۵ درصد توافق، در سطح «اهمیت زیاد و خیلی زیاد»، مورد توافق خبرگان و نخبگان قرار گرفت.

• تنوع در آیتم‌ها: با ۷۱/۴۳ درصد توافق در سطح «اهمیت زیاد و خیلی زیاد»، مورد توافق خبرگان قرار گرفت.

• استفاده از روش‌های متنوع برای اقناع و پذیرش: با ۵۷،۷۸ درصد توافق در سطح «اهمیت زیاد و خیلی زیاد»، مورد توافق خبرگان و نخبگان قرار گرفت.

ب: قالب‌های تلویزیونی مناسب در برنامه‌های سیاسی برای تحقق ویژگی‌های مطلوب مورد انتظار مخاطبان

• موضع‌گیری مشخص مجری و کارشناسان: با ۵۷،۷۸ درصد توافق در سطح «اهمیت زیاد و خیلی زیاد»، مورد توافق خبرگان و نخبگان قرار گرفت.

• در این بخش، دیدگاه‌های خبرگان رسانه‌ها درباره قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیونی را که بیشترین تناسب با هر یک از گزاره‌های مورد تایید بالا را دارند، مشخص شدند که در جدول‌های ۴ تا ۷ ارائه می‌شوند.

• انطباق‌پذیری با شرایط و مناسبت‌ها: این گزاره با ۳۵،۷۱ درصد در سطح «اهمیت زیاد و خیلی زیاد»، ۳۵/۷۱ درصد در

جدول ۳. نمرات قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیونی که موضع‌گیری مجری و کارشناسان را دارد.

	قالب ساده	قالب میزگرد	قالب گفتگو	قالب مستند	قالب ترکیبی	قالب نمایشی	قالب مناظره	جمع
تعداد	۰	۱	۷	۰	۱	۰	۵	۱۴
درصد	۰،۰۰	۷،۱۴	۵۰،۰۰	۰،۰۰	۷،۱۴	۰،۰۰	۳۵،۷۱	۹۹،۹۹

بر اساس نظر خبرگان رسانه‌ها، قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیون که بیشتر ویژگی موضع‌گیری مشخص مجری و کارشناسان را دارد، به ترتیب قالب گفتگو با ۷ نظر،

قالب مناظره با ۵ نظر و قالب میزگرد تنها یک نظر را دارا می‌باشند. قالب‌های ساده، مستند و نمایشی ویژگی موضع‌گیری مشخص مجری و کارشناسان را ندارند.

جدول ۴. نمرات قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیونی از جنبه احساسی و عقلانی تأثیر بیشتر بر مخاطبان دارد.

	قالب ساده	قالب میزگرد	قالب گفتگو	قالب مستند	قالب ترکیبی	قالب نمایشی	قالب مناظره	جمع
تعداد	۰	۰	۰	۶	۶	۰	۲	۱۴
درصد	۰،۰۰	۰،۰۰	۰،۰۰	۴۲،۸۶	۴۲،۸۶	۰،۰۰	۱۴،۲۸	۱۰۰،۰۰

با ۲ نظر را دارا می‌باشند. قالب‌های ساده، میزگرد، گفتگو و نمایشی ویژگی قابلیت تاثیرگذاری توامان احساسی و عقلانی بر مخاطب را دارا نمی‌باشند.

بر اساس نظر خبرگان رسانه‌ها، قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیون که بیشتر ویژگی قابلیت تاثیرگذاری توامان احساسی و عقلانی بر مخاطب را دارند، به ترتیب قالب مستند با ۶ نظر، قالب ترکیبی با ۶ نظر و قالب مناظره

جدول ۵. نمرات قالب‌های تلویزیون که بیشتر ویژگی کاربرد روش‌های متنوع برای اقناع و پذیرش مخاطبان را دارد.

جمع	قالب مناظره	قالب نمایشی	قالب ترکیبی	قالب مستند	قالب گفتگو	قالب میزگرد	قالب ساده	
۱۴	۳	۳	۶	۲	۰	۰	۰	تعداد
۱۰۰,۰۰	۲۱,۴۳	۲۱,۴۳	۴۲,۸۶	۱۴,۲۸	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	درصد

قالب‌های ساده، میزگرد و گفتگویی ویژگی استفاده از روش‌های مختلف و متنوع برای اقناع و پذیرش مخاطبان را ندارند.

بر اساس نظر خبرگان رسانه‌ها، قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیون که بیشتر ویژگی استفاده از روش‌های مختلف و متنوع برای اقناع و پذیرش مخاطب را دارد، به ترتیب قالب ترکیبی با ۶ نظر، قالب نمایشی با ۳ نظر، قالب مناظره با ۳ نظر و قالب مستند با ۲ نظر را دارا می‌باشند.

جدول ۶. نمرات قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیون که ویژگی جذابیت بصری بیشتر را دارد.

جمع	قالب مناظره	قالب نمایشی	قالب ترکیبی	قالب مستند	قالب گفتگو	قالب میزگرد	قالب ساده	
۱۴	۰	۵	۶	۳	۰	۰	۰	تعداد
۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۳۵,۷۱	۴۲,۸۶	۲۱,۴۳	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	درصد

مستند با ۳ نظر را می‌باشند. قالب‌های ساده، میزگرد، گفتگویی و مناظره‌ای ویژگی جذابیت بصری را ندارند.

بر اساس نظر خبرگان رسانه‌ها، قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیون که بیشترین ویژگی جذابیت بصری را دارند، به ترتیب قالب ترکیبی با ۶ نظر، قالب نمایشی با ۵ نظر و قالب

جدول ۷. نمرات قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیون که تنوع بیشتر در آیتم‌ها را دارد.

جمع	قالب مناظره	قالب نمایشی	قالب ترکیبی	قالب مستند	قالب گفتگو	قالب میزگرد	قالب ساده	
۱۴	۰	۰	۰	۱۴	۰	۰	۰	تعداد
۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	درصد

شناخته شد. قالب‌های ساده، میزگرد، گفتگو، ترکیبی، نمایشی و مناظره ویژگی تنوع در آیتم‌ها را ندارند.

بر اساس نظر خبرگان رسانه‌ها، قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیون که بیشترین ویژگی تنوع در آیتم‌ها را دارند، قالب ترکیبی با ۱۴ نظر موافق به عنوان تنها قالب

جدول ۸: نمرات قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیون که بیشتر ویژگی چالشی و انتقادی بودن را دارد.

جمع	قالب مناظره	قالب نمایشی	قالب ترکیبی	قالب مستند	قالب گفتگو	قالب میزگرد	قالب ساده	
۱۴	۱۲	۰	۱	۰	۰	۱	۰	تعداد
۹۹,۹۹	۸۵,۷۱	۰,۰۰	۷,۱۴	۰,۰۰	۰,۰۰	۷,۱۴	۰,۰۰	درصد



۱ نظر و قالب ترکیبی با ۱ نظر قرار می‌گیرند. قالب‌های ساده، گفتگو، مستند و نمایشی ویژگی چالشی و انتقادی بودن را ندارند.

بر اساس نظر خبرگان رسانه‌ها، قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیون که بیشتر ویژگی چالشی و انتقادی بودن را دارد، به ترتیب قالب مناظره با ۱۲ نظر، قالب میزگرد با

جدول ۹. نمرات قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیون که بیشتر ویژگی روایی مختلف از رویداد یا حادثه را دارد.

	قالب ساده	قالب میزگرد	قالب گفتگو	قالب مستند	قالب ترکیبی	قالب نمایشی	قالب مناظره	جمع
تعداد	۰	۰	۰	۳	۶	۰	۵	۱۴
درصد	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۲۱,۴۳	۴۲,۸۶	۰,۰۰	۳۵,۷۱	۱۰۰,۰۰

بر اساس همین مؤلفه‌های مطلوب، قالب‌های سنتی برنامه‌سازی مانند گفتگوهای ایستا، میزگردهای کم‌تحرک و ساختارهای ساده و تک‌لایه کارآمد نخواهند بود. در عوض، قالب‌های ترکیبی که قابلیت ترکیب گزارش میدانی، تحلیل کارشناسی، گفت‌وگوی انتقادی، آیت‌های مستند و حتی عناصر نمایشی را دارند، می‌توانند تجربه‌ای متفاوت و درگیرکننده برای مخاطب فراهم سازند. قالب مناظره نیز، به دلیل ماهیت تضارب دیدگاه‌ها، قابلیت بالایی در جذب مخاطب مشارکت‌جو دارد. مستندها به شرط داشتن روایت‌های چندوجهی و عمیق،

می‌توانند مخاطبان را درگیر لایه‌های پنهان‌تر وقایع کنند و قالب نمایشی نیز در صورتی که به شیوه‌ای هنرمندانه به مسائل سیاسی بپردازد، می‌تواند از منظر احساسی و نمادین تأثیرگذار باشد.

از سوی دیگر، آنچه از عدم وفاق خبرگان بر برخی مؤلفه‌ها چون کم‌هزینه بودن تولید، سهولت در اخذ مجوز یا انطباق‌پذیری با مناسبت‌ها به دست می‌آید، نشان‌دهنده این واقعیت است که مخاطب آینده درگیر سازوکارهای پشت‌پرده رسانه نیست و اساساً انتظار دارد آنچه بر صفحه نمایش می‌بیند، صرف‌نظر از محدودیت‌ها، نهایت کیفیت، خلاقیت و صداقت را دارا باشد. این موضوع، سیاست‌گذاران رسانه‌ای را با این الزام روبه‌رو می‌سازد که به جای تمرکز صرف بر ملاحظات اداری و درون‌سازمانی، تمرکز خود را بر تحلیل نیازهای مخاطب و پاسخ‌گویی به خواسته‌های او قرار دهند.

در سطح کلان، یافته‌های این پژوهش را می‌توان نوعی هشدار و همچنین راهبردی برای آینده برنامه‌سازی سیاسی در رسانه تلویزیون دانست. هشدار از آن جهت که در صورت عدم تطابق سیاست‌ها، محتوا و قالب‌های برنامه‌سازی با واقعیت‌های تحولی مخاطب، رسانه ملی در رقابت با

بر اساس نظر خبرگان رسانه‌ها، قالب‌های برنامه‌های سیاسی تلویزیون که بیشتر حالت ویژگی روایت‌های مختلف از یک رویداد یا حادثه را دارد، به ترتیب قالب ترکیبی با ۶ نظر، قالب مناظره با ۵ نظر و قالب مستند با ۳ نظر را قرار دارند. سایر قالب‌ها شامل ساده، میزگرد، گفتگو، نمایشی و چالشی و انتقادی بودن مورد توجه قرار نگرفتند.

۶- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر که با بهره‌گیری از روش آینده‌پژوهی و تکنیک دلفی انجام شد، نشانگر تحولی بنیادین در نگرش و انتظارات مخاطبان برنامه‌های سیاسی تلویزیونی ایران در افق سال ۱۴۱۰ است. بررسی نظرات خبرگان و نخبگان رسانه‌ای در دو مرحله متوالی دلفی، گویای آن است که مخاطبان آینده ناظرانی منفعل نخواهند بود، بلکه در جایگاه کنشگرانی فعال، تحلیل‌گر، گزینش‌گر و مشارکت‌جو ایفای نقش خواهند کرد. آنان نه تنها به دریافت پیام‌ها بسنده نخواهند کرد، بلکه خواستار درگیری فکری، احساسی و حتی کنشی با محتوای ارائه‌شده خواهند بود.

از این منظر، مؤلفه‌هایی چون چالشی و انتقادی بودن، برخورداری از جذابیت‌های بصری، روایت‌گری چندلایه و استفاده از روش‌های متنوع برای اقناع و تحریک ذهنی و عاطفی مخاطبان، از اولویت‌های اصلی در تولید و طراحی برنامه‌های سیاسی در آینده خواهد بود. افزون بر این، ضرورت موضع‌گیری شفاف مجریان و کارشناسان نیز از آن جهت حائز اهمیت است که مخاطبان آینده نسبت به ابهام، کلی‌گویی و نقض بی‌طرفی، حساسیتی دوچندان خواهد داشت. از دیدگاه مخاطبان آگاه و چندمنبعی آینده، رسانه‌ای مؤثر است که علاوه بر رعایت صحت و صداقت، بلکه اجازه تضارب آراء، نقد آزاد و بازتاب دیدگاه‌های متنوع را نیز فراهم آورد.

حرکت می‌کند، بازطراحی شوند.

از حیث نیروی انسانی نیز، تلویزیون آینده نیازمند تربیت نسلی تازه از مجریان، کارشناسان و تهیه‌کنندگان خواهد بود که نه تنها تخصص رسانه‌ای داشته باشند، بلکه با زبان مخاطب دیجیتال، مهارت در روایت‌گری جذاب، دانش بصری، و قدرت تعامل برخط نیز آشنا باشند. به بیان دیگر، تحول رسانه‌ای صرفاً فنی نیست، بلکه فرهنگی، شناختی و نهادی است و این تحول می‌تواند در ساختار رسانه ای چون تلویزیون نهادینه شود.

آینده قالب‌های محتوا، به هر طریقی، باید در ارتباط دادن «محتوا» به ساختارهای گسترده‌تر معنا و زمینه‌های اجتماعی در جامعه باشد. این مسیر را احتمالاً می‌توان از طریق تحلیل گفتمان، که سایر نظام‌های معنایی در فرهنگ مبدأ را در نظر می‌گیرد، نیز دنبال کرد، یا از طریق مطالعات ترکیبی که محتوا را با تحلیل دریافت مخاطبان ترکیب می‌کند، با این تصور که کاربران رسانه‌ها نیز معنا می‌سازند. در مواجهه با همگرایی صنعت و استراتژی‌های چند پلتفرمی، دیجیتالی کردن آرشیوهای متنی و سمعی و بصری عظیم و توسعه سریع روش‌های دیجیتال و خودکار، فرصت‌های هیجان‌انگیزی برای تحقیق وجود دارد، اگرچه گاهی اوقات زیربنای نظری و روش‌شناختی صریح آثار منتشر شده وجود ندارد. دلیل نگرانی است.

رسانه‌های خصوصی داخلی و بین‌المللی و حتی بسترهای دیجیتال غیررسمی، جایگاه خود را بیش از پیش از دست خواهد داد. راهبرد از آن رو که یافته‌ها به‌وضوح نشان می‌دهند چه ویژگی‌هایی می‌توانند در طراحی برنامه‌های آینده مورد استفاده قرار گیرند و چه قالب‌هایی با چه کارکردهایی می‌توانند جذاب، مؤثر و درگیرکننده باشند.

همچنین، ضرورت استفاده از فناوری‌های نوین، پلتفرم‌های تعاملی، و بهره‌گیری از رسانه‌های دیجیتال مکمل، به عنوان بخشی از زیست‌بوم رسانه‌ای آینده، غیرقابل انکار است. مخاطب آینده، نه صرفاً با گیرنده تلویزیونی، بلکه با تلفن هوشمند، تبلت، پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی و حتی محیط‌های واقعیت افزوده با محتوای سیاسی در تعامل خواهد بود. این گستره وسیع از بسترهای ارتباطی ایجاد می‌کند که تولیدات رسانه‌ای، قابلیت بومی‌سازی، انطباق‌پذیری و حضور چندرسانه‌ای را داشته باشند.

در این راستا، پیشنهاد می‌شود تولید برنامه‌های سیاسی با رویکرد فرامتن و چندپلتفرمی صورت گیرد. به عبارتی، یک برنامه تلویزیونی باید دارای مکمل‌هایی در قالب تیزرهای تحلیلی، نظرسنجی‌های برخط، ارتباط زنده با مخاطب، فضای گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی و ارائه مستندات در پلتفرم‌های اختصاصی باشد. همچنین تولیدات باید متناسب با ذائقه‌ی نسلی که به سرعت از رسانه‌های رسمی فاصله می‌گیرد و به سمت فضای شخصی‌سازی شده دیجیتال

منابع

۱. علمی مطالعات میان رشته‌ای ارتباطات و رسانه، سال سوم، ش ۷، بهار، صص ۱۶۵-۲۱۳.
۲. گلن، سی و جوجی گوردون، تئودور جی (۱۳۹۰)، «دلفی روش نظاممند برای تضارب آرا در مورد آینده»، ترجمه مرضیه فخرایی و مرضیه کیقبادی. هنرنهم، دوره ۲، شماره ۱.
۳. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۹۰)، وسایل ارتباط جمعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. مک کوئل، دنیس (۱۳۸۸)، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۵. مک کوئین، دیوید (۱۳۸۴)، راهنمای شناخت تلویزیون، ترجمه عصمت گیویان؛ و فریده کرمعلی، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.

۱. البرزی دعوتی، هادی (۱۳۹۷)، آینده‌پژوهی حضور صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در فضای اینترنت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۲. بشارتی، مرتضی (۱۳۹۹)، آینده‌پژوهی ضریب نفوذ شبکه‌های سیما رسانه ملی (شبکه یک) بر مخاطبان در پنج سال آینده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۳. بلیک، رید؛ هارولدسن، ادوین (۱۳۹۰)، طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: سروش.
۴. خزاعی، سعید؛ محمودزاده، امیر (۱۳۹۲)، آینده پژوهی، اصفهان: علم آفرین.
۵. شمسایی‌نیا، رامین و ابوذر خوش بیان (۱۹۹۹)، «گونه‌شناسی برنامه‌های غیرداستانی تلویزیون»، فصلنامه



22. Inayatullah, Sohail, (2007), *Questioning the Future: Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation*, Taipei, Taiwan: Tamkang University Press.
23. Jenkins, H. (2006) *Convergence Culture: Where Old and New Media Collide*. New York: New York University Press.
24. Kastein, M. R; Jacobs, M; Van der Hell, F. (1993), "Delphi, the Issue of reliability Delphi study in primary health care in the Netherlands", *Technological Forecasting and Social Change*. 44, 315-323.
25. McQuail, D. and Deuze, M. (2020), *McQuail's Media and Communication Theory* (7th ed.). Sage Publications.
26. Mittell, J. (2011), 'A cultural approach to TV genre theory', *Cinema Journal*, 40(3): 3-24.
27. Pew Research Center. (2020), 'Americans are divided on whether social media is good or bad for democracy', <https://www.pewresearch.org/>.
28. Radway, J. (1984), *Reading the Romance*. Chapel Hill, NC: University of North Carolina Press.
29. Reuters Institute for the Study of Journalism. (2022). *Digital News Report 2022*. <https://reutersinstitute.politics.ox.ac.uk/digital-news-report/2022>
30. Rositi, F. (1976), "The Television News Programme: fragmentation and recomposition of our image of society", in *News and Current Events on TV*, Rome: RAI.
- Silverblatt, Art (2007), *Genre Studies in Mass Media: a handbook*, New York: M.E. Sharpe, Inc.
۱۰. موذن، کاظم (۱۳۹۸). آمیختگی سیاست و سرگرمی در رسانه؛ بررسی ابعاد ساختاری و محتوایی و تحلیل مخاطب در برنامه‌های سیاسی سرگرم‌کننده دو شبکه ماهواره‌ای فارسی‌زبان و سیمای جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۱۱. میلرسون، جرالد (۱۳۹۲)، فن برنامه‌سازی تلویزیونی، ترجمه مهدی رحیمیان، تهران: سروش.
۱۲. میلرسون، ج و ج. اوونز (۱۳۹۵)، فرهنگ جامع تولید برنامه‌های تلویزیونی، ترجمه سعید شعبانی، تهران: مارلیک.
۱۳. ویلیامز، ریموند (۱۳۸۵)، تلویزیون، تکنولوژی و شکل فرهنگ، ترجمه محمد بیگدلی خمسه، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیمای.
14. Altman, Rick (1989), *Concepts in Film Theory*, New York: Oxford University Press.
15. Andrew, David (1996), *Concepts in Film Theory*, New York: Oxford University Press.
16. Blumler, J. G., & Katz, E. (Eds.). (1974), *The Uses of Mass Communications: Current Perspectives on Gratifications Research*, London: Sage.
17. Blumler, J. G. (1966), "Producers' Attitudes Towards Television Coverage of an Election Campaign", in Richard Rose (ed.), *Studies in British Politics*, London: Macmillan.
18. Blumler, J. G., & McQuail, D. (1968), *Television in Politics: its uses and influence*, London: Faber.
19. Castells, M. (2009), *The Rise of the Network Society* (2nd ed.). London: Wiley-Blackwell.
20. Fiske, John (1987), *Television Culture*, London: Methuen.
21. Godet, M. and Fabric Rubella (1996), "Creating the future: the use and misuse of scenarios", *Long Range Planning*, Vol. 9, No. 1.





Evolution in the Content of the Multimedia Industry Case Study: The Future of Iranian TV Program Genres in the Horizon of 1410

* Hosseinali Afkhami 

* Associate Professor, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. hafkhami48@hotmail.com

Received: 29.04.2025

Accepted: 24.09.2025

Abstract

Generalizing the content of mass media has become increasingly difficult with their expansion and diversity, and the dominance of multimedia, and established genres have often multiplied and mutated. The study of analyzing and understanding how texts work tries to keep pace with the types of outputs of traditional and new media. Exploring the fields of message production and dissemination through the analysis of genres, frames, formats, and texts helps us to better understand the evolution of meaning. The present study, using the future research methodology and the Delphi technique, examines possible changes in the audience's attitudes and expectations towards Iranian Television's political programs in the horizon of 1410.

The results of this study also show that future audiences will no longer be passive recipients of messages, but will become active, analytical, participatory, and selective actors. The use of new technologies, interactive platforms, and multimedia productions is also an undeniable necessity for the future of media such as television in the country.

Keywords: Futures Studies, Multimedia, Television, Audience, Genre.



Introduction

In recent decades, the media Due to the expansion of new communication technologies, the emergence of virtual social networks, the expansion of content distribution platforms, the increase in Internet penetration, and the growth of active and participatory audiences, there has been a serious review of the role and position of traditional media, especially television and multimedia. In such a context, questions arise for the future of political television, including: If these trends continue, what types of political programs will Iranian audiences prefer in 1410? What types of changes should the format and content of political programs undergo in order to remain attractive and effective for future audiences? Answering these questions requires moving beyond a descriptive view of the current situation and moving toward a forward-looking view.

Literature Review

Review of research background conducted in the field of media consumption, political programs, and futures studies. The media shows that each of these areas has been studied independently, but the integration of these three areas, especially focusing on the future prospects of Iranian media consumption, has received less attention.

Internationally, numerous studies have analyzed developments in political media consumption. For example, the Pew Research Center (2020) has reports on changes in political news consumption patterns in the United States and other countries. In this study, based on television programs from recent years, seven message formats or content genres of political television programs were categorized: Simple format, Roundtable format, Template Conversation, Documentary format, Object format, Display format, and Debate format.

Methodology

This study employs a future research method based on the Delphi technique. Since the subject of the present research is prospective analysis, the content and desirable formats of political television programs are on the horizon of 1410. The sample population of this study consisted of experts and elites in the media field in Iran who have professional and specialized knowledge of television, cyberspace, and audience research. The second technique was used to select participants from a list of experts in various media fields to participate in the research based on their level of expertise, work experience, and accessibility. This study was conducted in two phases.

Finding

Findings obtained from the opinions of experts and media elites in the form of content analysis resulting from two Delphi stages. They are presented in two main axes: A- Agreed statements about the desirable content characteristics of television programs in the 1410 horizon; B- Suitable templates to realize these features.

a. Agreed propositions: Based on an assessment of the experts' views, ten main features of interest to the audience of political television programs were identified, and in the second round, these statements were scored and ranked in the following order: 1. Challenging and critical, with 100% agreement; 2. Both rational and emotional influence, with 71.85 percent agreement; 3. Visual appeal, with 71.85 percent agreement; 4. Diverse narratives of events, with 78.57 percent agreement; 5. Diversity in items, with 71.43% agreement; 6. Using various methods for persuasion and acceptance, with 57.78 percent agreement; 7. A clear stance by the presenter and experts, with 57.78 percent agreement; 8. The program's low cost and budget savings, with 43.71 percent of the responses agreed upon; 9. Adaptability to conditions and occasions, with 35.71 percent agreement;



10. Ease of obtaining permission for the audience, with 29.64 percent the lowest level of agreement, which was not agreed upon by experts and elites at the level of 'low and very low importance'.

b. Television formats expected by the audience: The views of media experts, about the formats of political television programs that are most consistent with each of the above- approved statements were identified and presented in six separate tables. Based on the experts' opinions the media, the formats of political television programs that are mostly characterized by a specific stance of the presenter and experts are, respectively, the dialogue format with 7 opinions, the debate format with 5 opinions, and the roundtable format with only one opinion, documentary, and drama formats do not have the characteristic of a specific stance of the presenter and experts.

Findings

The results of the present study, which was conducted using the Delphi technique, indicate a fundamental change in the attitudes and expectations of the audience of Iranian political television programs in the year 2031. The examination of the opinions of experts and media elites in two consecutive Delphi stages indicates that the audience of the future will not be passive observers, but will play the role of active, analytical, selective, and participatory actors. They will not only receive messages, but will also demand intellectual, emotional, and even practical engagement with the content presented.

At a macro level, the findings of this study can be summarized as follows: It is a warning and a strategy for the future of political programming on television. It also highlights the need to use new technologies, interactive platforms, and complementary digital media as part of the ecosystem. The future of media is undeniable. The future audience will not only be connected to the TV set, but also to smartphones, tablets, and other platforms. Social networks and even environments, augmented reality will interact with political content. This wide range of communication platforms requires media productions to be localized, adaptable, and have a multimedia presence.





توسعه راهبردهایی برای بهبود تعاملات مالی و اقتصادی شهرداری‌ها و شرکت‌های خدماتی (مورد مطالعه: شهرداری تهران و شرکت‌های خدمات‌رسان آب و برق)^۱

* رضا مهدی

* دانشیار گروه مطالعات آینده‌نگر، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی، تهران، ایران.

mahdi002@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

چکیده

شهرداری تهران به‌مثابه یک سیستم جامع پیچیده سازگار شونده، در راستای ارتقای بهره‌وری لازم است با تمامی نهادهای خدمات شهری از جمله شرکت‌های خدمات‌رسان آب و برق، تعامل هم‌افزا و هم‌آفرین داشته باشد. لازمه این تعاملات، سازگاری، تنظیم و بهبود مستمر آنها با مقضیات روز با آرمان حکمرانی خوب نهاد شهرداری و کلان‌شهر تهران و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تهرانی است. با این دیدگاه، حکمرانی مطلوب کلان‌شهر تهران نیازمند مشارکت قانون‌مند و مسئولانه همه دستگاه‌ها و اشخاص در تمامی ساحت‌های اقتصادی-اجتماعی، سیاسی، فناوری، زیست‌محیطی و حقوقی-قانونی است. براساس قوانین و مقررات موجود هر یک از دستگاه‌های خدمات‌رسان باید به وظایف و تکالیف خود در اداره خوب کلان‌شهر تهران عمل کنند. به دلایل متعدد، دست کم از منظر مالی و اقتصادی تعاملات شهرداری تهران با شرکت‌های خدمات‌رسان دارای زمینه‌های بهبود قابل توجه است و در مواردی حقوق شهرداری و همچنین تکالیف آن به نحو احسن ایفا نمی‌شود. شهرداری تهران سالانه با میلیاردها ریال هزینه، عدم نفع یا فرصت از دست‌رفته به‌خاطر عدم تنظیم و ناشفافیت تعاملات مواجه است. در این مقاله، با استفاده از روش واکاوی و تحلیل بیش از ۴۳ عنوان قانون و مقرره مصوب ۸۰ سال اخیر، راهبردهایی برای حل‌وفصل تعارضات و کاهش مسائل و چالش‌های مرتبط با تعاملات شهرداری و شرکت‌های خدمات‌رسان ارائه شده است. در آفاق میان‌مدت و بلندمدت، پیامد بهبود تعاملات شهرداری تهران و شرکت‌های خدمات‌رسان علاوه بر ایجاد شفافیت، پاسخگویی و انضباط مالی همه طرف‌ها، خلق میلیاردها ریال درآمد و صرفه‌جویی یا کاهش هزینه‌ها در نهاد حکمروایی شهری است.

واژه‌های کلیدی: تعاملات شهرداری، شرکت‌های خدمات‌رسان، سیستم‌های پیچیده، سیستم‌های سازگار شونده، شهرداری تهران.

نوع مقاله: علمی

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی راهبردهای بهبود تعاملات مالی و اقتصادی شهرداری تهران با سازمان‌های خدماتی فعال در شهر تهران» است که با حمایت مالی «مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران» در سال ۱۴۰۴-۱۴۰۳ انجام شده است.

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: رضا مهدی Mahdi002@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مساله

از دیدگاه سیستمی و نظریه سیستم‌ها، شهرداری تهران به‌مثابه سیستم جامع پیچیده سازگار شونده [۱]، لازم است با تمامی نظام‌های همکار و فعال در حوزه خدمات شهری تعامل مؤثر، هم‌افزا و هم‌آفرین داشته باشد. لازمهٔ تعاملات هم‌افزا و هم‌آفرین تنظیم و بهبود مستمر این روابط با شرایط و مقضیات روز با اهداف با شرایط و مقضیات روز با اهداف ادارهٔ خوب شهرداری و شهر، رفاه بیشتر مردم و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تهرانی است. از این منظر، مدیریت و اداره خوب و کارآمد شهر نیازمند مشارکت نظام‌مند و قانون‌مند همه اشخاص حقیقی و حقوقی در تمام ارکان و ساحت‌های اقتصادی-اجتماعی، سیاسی، فناوری، زیست‌محیطی و حقوقی-قانونی است. براساس قوانین مصوب نظیر قانون درآمد پایدار و هزینه شهرداری‌ها و دهیاری‌ها هر یک از سازمان‌ها و شرکت‌های خدمات‌رسان فعال در سطح شهر باید به وظایف و تکالیف خود عمل کنند و از حقوق مسلم خود برخوردار شوند. این در حالی است که به‌دلایل متعدد دست‌کم از منظر مالی-اقتصادی، شهرداری تهران تعاملات مناسب و مؤثری با سازمان‌ها و شرکت‌های ذی‌حق و صاحب تکلیف در امور خدمات شهری نداشته و در بسیاری از موارد حقوق شهرداری از منظر مالی-اقتصادی ایفا نمی‌شود، [۲، ۳، ۴، ۵]. واقعیت این است که شهرداری کلان‌شهر تهران سالانه میلیاردها تومان هزینه، زیان، عدم نفع یا فرصت از دست‌رفته بخاطر عدم تنظیم، شفاف نبودن یا عدم انضباط مالی دقیق و قابل پیش‌تعاملات با شرکت‌های خدمات‌رسان دارد.

هدف اصلی این مقاله، مطالعه، تحلیل و ارائه راهبردهای بهبود تعاملات شهرداری تهران با شرکت‌های خدمات‌رسان فعال در سطح شهر تهران از منظر اقتصادی-مالی است. علاوه بر هدف اصلی، اهداف فرعی شامل شناسایی شرکت‌های خدمات‌رسان دارای تعاملات عمده با شهرداری تهران و مطالعه و تحلیل این تعاملات به منظور تنظیم و بهبود روابط شهرداری تهران با شرکت‌های خدمات‌رسان فعال در سطح شهر، ایجاد شفافیت، پاسخگویی و انضباط مالی همه طرف‌های متعامل، ایجاد درآمد جدید عمدتاً پایدار و افزایش یابنده برای شهرداری، صرفه‌جویی مستقیم یا غیر مستقیم یا کاهش هزینه‌های مستقیم یا غیر مستقیم شهرداری است [۲۵]. همچنین، ارائه راهبردهای لازم نظیر پیشنهادها، لوایح، تفاهم‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها برای حل‌وفصل بخشی از مسائل و خلأهای موجود در تعاملات شهرداری تهران با شرکت‌های خدمات‌رسان دست‌کم از منظر

مالی-اقتصادی از اهداف مهم این مقاله است. در واقع، هدف نهایی، زمینه‌چینی و بسترسازی اولیه مفهومی و عملیاتی برای درآمدزایی، کاهش هزینه‌ها و انتفاع شهرداری تهران در حکمرانی خوب کلان‌شهر تهران با رعایت اصل حقوق و تکالیف برای همه ذی‌نفعان و متعاملان است. از این‌رو، پرسش اصلی این است که با هدف احقاق حقوق و انجام تکالیف همه ذی‌نفعان تعاملات شهرداری تهران و شرکت‌های خدمات‌رسان آب و برق چگونه و با چه سازوکاری می‌تواند (و باید) تنظیم و مدیریت شود؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

این مطالعه نظریه‌محور نبوده و متمرکز بر شناسایی مسائل و خلأها در تعاملات شهرداری تهران با شرکت‌های خدمات‌رسان شهری بر پایهٔ قوانین و مقررات مصوب و تولید و پیشنهاد راهکارهای لازم برای حل مسائل و کاهش آسیب‌ها و خلأها و افزایش درآمدها و انتفاع شهرداری تهران و کاهش عدم نفع‌ها و هزینه‌ها است. با وجود این، شهرداری تهران یک نهاد اجتماعی فعال امروزی به‌مثابه یک سیستم جامع پیچیده سازگار شونده می‌باشد [۶، ۱]. چنین نهادی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است و سازگار شوندگی به ظرفیت سیستم برای تغییر و تحول دلالت دارد. در یک سیستم پیچیده سازگار شونده، عناصر سیستم براساس محل (زیست‌بوم) یا براساس شرایط و دانش اطراف عمل می‌کنند. این سیستم‌ها دارای شبکه ارتباطی از عوامل هستند که پُر اتصال بوده و هر یک از عناصر براساس طرح خود یا دانش محلی خود عمل می‌کند. در سیستم‌های پیچیده سازگار شونده، کنترل به‌صورت پراکنده و غیر متمرکز است و هیچ‌یک از عناصر در حالت ایده‌آل نهایی قرار ندارند و حالت‌های تعادلی، موقتی هستند. در این سیستم‌ها نمی‌توان از روش کنترلی از بالا به پایین استفاده کرد. در عوض، نقش مدیریت ایجاد شرایطی برای انعطاف‌پذیری، پاسخ خودسازمانده و پدیدار شدن پویایی‌های ذاتی به‌واسطه توانمندسازی عناصر سیستم در برخورداری از قضاوت و تصمیم‌گیری درست است. یادگیری و بازخورد در حین حرکت موجب خودسازماندهی و ایجاد کنترل‌پذیری این سیستم‌ها می‌شود. این سیستم‌ها همیشه در حال تغییر و سازماندهی مجدد قرار دارند و با دوره‌های تعادلی، تکامل پیدا می‌کنند. عناصر این سیستم‌ها قابلیت خودتنظیمی داشته و می‌توانند خود را تغییر دهند [۷]. از این‌رو، برای راهبری مطلوب شهرداری باید تعاملات آن با محیط و سایر سازمان‌ها و نظام‌های پیرامون تنظیم، مدیریت،

استناد است که در این مقاله برخی از مهم‌ترین آنها به اختصار و در سطح نیاز این تحقیق، معرفی شده است [۷].

سیستم‌های پیچیده سازگار شونده. ورودی‌ها، فرایندها، خروجی‌ها، بازخوردها و محیط بیرونی از عناصر اصلی سیستم‌های باز هستند. سیستم‌ها از منظر پیچیدگی دارای درجه بندی بوده و سیستم‌های اجتماعی در طیف سیستم‌های پیچیده و بسیار پیچیده قرار دارند. فرض عمده سیستم‌های پیچیده این است که در صورت کاهش پیچیدگی و تنوع رفتاری آن، سیستم محکوم به زوال خواهد بود [۸]. در سیستم پیچیده، پیچیدگی بر تنوع و طیف گسترده عناصر (تعدد عناصر) دلالت دارد و در یک سیستم پیچیده سازگار شونده^۱، سازگار شوندگی به ظرفیت سیستم برای تغییر یا تحول دلالت دارد. تحول، توانایی یادگیری از تجربه‌هاست. در یک سیستم پیچیده سازگار شونده همه عوامل مستقل اند. این عوامل بر اساس محل (بوم) یا بر پایه شرایط و دانش اطراف عمل می‌کنند. سیستم پیچیده سازگار شونده، دارای شبکه ارتباطی از عوامل است که بر اتصال بوده و هر یک بر اساس طرح خود یا دانش محلی خود عمل می‌کند [۹]. در سیستم‌های پیچیده سازگار شونده، کنترل به صورت پراکنده و غیر متمرکز است. اصل رشد و تکامل را دارا هستند. هیچ یک از عوامل و عناصر سیستم‌های پیچیده سازگار شونده در حالت ایده آل نهایی قرار ندارند و حالت‌های تعادلی، موقتی‌اند. این سیستم‌ها همیشه در حال تغییر و سازماندهی مجدد قرار دارند و با دوره‌های تعادلی تکامل می‌یابند [۱۰].

در سیستم‌های پیچیده سازگار شونده، باید بخش‌های مختلف سیستم یا عناصر متعدد آن، آزادی و توانایی پاسخ به محرک را از راه‌های متفاوت و غیر قابل پیش‌بینی داشته باشند. به همین دلیل، نوپیدایی^۲، شگفت‌آوری^۳ و رفتار خلاقانه، سه ویژگی این نوع سیستم‌هاست. در سیستم‌های پیچیده سازگار شونده عناصر سیستم، قابلیت خودتنظیمی دارند و می‌توانند همانند انسان که در زندگی مدام در حال یادگیری و تغییر است، خود را تغییر دهند. باز خوردی که از تعامل با محیط‌های مختلف می‌گیرد، موجب یادگیری و تحول وی می‌شود. سازگار شوندگی، فرایندهای پاسخ‌دهی به عدم پیوستگی زیاد یا فقدان هماهنگی بین نظام و

شفاف، کارآمد و به‌روز شود. تنظیم روابط شهرداری با سازمان‌ها و سیستم‌های خدمات‌دهنده و خدمات‌گیرنده در راستای هم‌افزایی و هم‌آفرینی و ارائه خدمات بهتر به مردم و جامعه و مهم‌تر از آن، پیشرفت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، محیط‌زیستی، قانونی و حقوقی است. تنظیم، تنویر، مدیریت، به‌روزرسانی و کارآمدسازی روابط با سایر سازمان‌ها و نظام‌ها دست‌کم از سه منظر همسو با اصول شهرداری خوب است. نخست، جلوگیری از هدررفت منابع کمیاب که برای ادامه حیات بالنده شهرداری مهم و کلیدی است. دوم، استقرار و توسعه انضباط مالی که لازمه پایداری هر سازمان و سیستم سالم و بالنده است. سوم، جلوگیری از اجحاف در حقوق سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های متعامل ذی‌حق که به نحوی از عدم تنظیم روابط با سیستم شهرداری تهران دچار زیان و خسران عمدتاً مالی-اقتصادی، می‌شوند. به عبارتی، در تنظیم روابط سیستم‌ها هم حقوق هر یک از آنها به‌ویژه شهرداری تهران در ارتباط با سایر سیستم‌ها مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد و هم تکالیف هر یک از سیستم‌ها به‌ویژه شهرداری تهران لحاظ می‌شود. این تنظیمات به نوعی یک سازوکار سه بُرد (برد شهرداری تهران، بُرد شرکت‌های متعامل و بُرد ملی و شهروندان) را تعقیب می‌کند. موضوع تکمیلی دیگر، خلأها و آسیب‌های کل‌نگری در طراحی، تصویب و ابلاغ سیاست‌ها، قوانین و مقررات در اداره و تنظیم روابط سازمان‌ها است. این کل‌نگری و کلیات باید موقع اجرا و عملیات به جزئیات قابل پایش و کنترل تقسیم و شکسته شده و نقش و سهم هر یک از عناصر و اجزا به طور شفاف مشخص شود. شفافیت و تعیین جزئیات سیاست‌ها و قوانین امکان پایش، آسیب‌شناسی و عارضه‌یابی و نهایتاً امکان مذاکره، چانه‌زنی و تفاهم با سایر ذی‌نفعان حقیق و حقوقی را فراهم و تسهیل می‌کند. عموماً سوء تفاهمات و اختلافات میان سازمان‌ها و اشخاص در جزئیات و موارد خاص است. این جزئیات و موارد خاص، امکان تفسیر به جانب و استفاده یا سوءاستفاده طرفین را فراهم می‌کند. واقعیت آن است که عمده اختلافات مالی-اقتصادی شهرداری‌ها با شرکت‌های خدمات‌رسان شهری نه در کلیات و اصل سیاست‌ها و قوانین، بلکه در جزئیات و نحوه تفسیر آگاهانه یا ناآگاهانه آنها است [۳]. با مدل‌سازی تعاملات شهرداری با شرکت‌های خدمات‌رسان، عناصر و جزئیات شفاف شده و امکان فهم آنها از قوانین و مقررات و حقوق و تکالیف خود و دیگری بیشتر می‌شود. برای تبیین تعاملات نهادها، نظام‌ها و سازمان‌ها، الگوها و نظریه‌های متعددی قابل ارائه و

1. Complex Adaptive System

2. Emergent

3. Surprising

ویژگی اصلی شبکه‌های فراگیر به‌خاطر فقدان یک ساختار سازمانی معین و با ثبات سازمانی قابل توجه هستند [۱۳]. در این دیدگاه، شبکه دارای شکلی شبیه به دایره است که رهبر در هسته مرکزی آن قرار دارد و خطوطی از این مرکز تا نقاط مختلف دایره امتداد یافته است. نقاط دایره‌های متحدالمرکز مجزایی را تشکیل می‌دهند که مجموعه نامنظم و بهم‌پیوسته‌ای از خطوط محوری و شعاعی آن‌ها را به هم متصل می‌کند: خطوطی که همانند تار و پود قالی ذی‌قیمتی ایرانی در سراسر ساختار پخش و توزیع می‌شوند. علت اضافه کردن واژه فراگیر به مفهوم شبکه این است که رهبران نهادهای تلاش می‌کنند تا تمامی عناصر در تمامی نقاط ساختار را به مرکز نزدیک کنند تا اینکه پیوندها قوی‌تر شوند، افراد بیشتر در معرض دید قرار گیرند و به مشارکت هرچه بیش‌تر ترغیب و تشویق شوند.

ممکن است کسانی که با سایر اشکال سازمانی خو گرفته‌اند در شناسایی ساختار مبتنی بر شبکه فراگیر دچار مشکل شوند. در واقع، از منظر افرادی که رویکرد سنتی بوروکراسی را در ذهن دارند، سازمانی با ساختار شبکه‌ای ممکن است به‌عنوان سازمانی نیازمند ترمیم و نظم‌دهی به نظر برسد. بنابراین، مفهوم شبکه فراگیر یک ساختار سازمانی تحول‌یافته و تحول‌ساز^۴ تلقی می‌شود. شرکت‌هایی که از این شکل سازمانی تبعیت می‌کنند صرفاً در حال بازی با مرزهای یک ساختار بوروکراتیک نیستند، بلکه در حال بکارگیری اشکال جدیدی از ارتباطات، رهبری و قدرت در جهت تغییر هنجارها و روش‌های عملیاتی هستند. شبکه به مثابه الگو و فرایند^۵، سازگار شونده، باز، پاسخگو است. فرایندهای فراگیر و مشارکتی، صور این گونه سازمان‌ها را نشان می‌دهند. در شبکه فراگیر، رهبری تعاونی و ارتباطی بوده، قدرت تسهیم^۶ شده و فرایندهای ارتباطی باز، بخشی از کارکرد نهادی است.

نظریه سازمان و نهاد یادگیرنده. از منظر پیتر سنج^۷ (۱۹۹۰)، سازمان یادگیرنده^۸ سازمانی است که با استفاده از افراد، ارزش‌ها و سایر عناصر و سیستم‌های فرعی، با تکیه بر درس‌ها و تجربه‌هایی گذشته به‌طور پیوسته، عملکرد خود را بهبود می‌بخشد [۱۴]. یک سازمان یادگیرنده با قدرت و به

محیط است. سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌توانند از جمله سیستم‌های پیچیده سازگار شونده باشند [۱]. بنیاد عمومی این سیستم‌ها، ساختار تحولی موجود در آنها است. ساختار تحولی به این معنی است که این سیستم‌ها تغییر می‌کنند و اجزاء سازنده خود را در راستای سازگار شوندگی با مسائلی که آنها را احاطه کرده است، سازماندهی مجدد^۱ می‌کنند. در سیستم‌های پیچیده سازگار شونده نمی‌توان از روش کنترلی از بالا به پایین استفاده کرد در عوض، نقش مدیریت ایجاد شرایطی برای انعطاف‌پذیری، پاسخ خودسازمانده و پدیدار شدن پویایی‌های ذاتی به واسطه توانمندسازی عناصر سیستم در برخورداری از قضاوت درست است [۱۱]. یادگیری و بازخورد در حین حرکت موجب خودسازماندهی و بوجود آمدن کنترل‌پذیری سیستم‌های پیچیده سازگار شونده می‌شود.

نظریه شبکه فراگیر. شبکه فراگیر^۲ (تار عنکبوتی) یکی از شیوه‌های اثربخش در سازمان‌دهی نهادهای اجتماعی نظیر شهرداری‌ها است. این نوع شبکه با شکل سلسله‌مراتبی که از دیرباز به‌عنوان قالب هنجار در زندگی سازمانی مطرح بوده است کاملاً تفاوت دارد. سازمان‌دهی تلاش‌های بشری بر مبنای دارایی‌های ماشین^۳ به خروج انسان از معادله منجر شد. نتیجه قابل پیش‌بینی چنین شرایطی آن بود که انسان‌ها به موجوداتی کاملاً مفلوک تبدیل شدند یا خود را با شرایط جدید وفق داده و به تبع آن، نیروی حیاتی و روح خود را از دست دادند. قربانی شدن مهارت‌ها و خلاقیت‌های افراد در برابر ساختار خشک و انعطاف‌ناپذیر ماشینی آنها را از سرچشمه‌های اصلی خود جدا کرد و این مسئله منجر به عدم توازن در جهان انسانی شد [۱۲، ۱۳]. به‌کارگیری استعاره شبکه القای نوعی پیوند و اتصال فراگیر است. این نوع از پیوند شبیه تار عنکبوت است و تغییر در یک بخش سازمان منجر به ایجاد تغییرات فراگیر در سایر بخش‌ها می‌شود. در مفهوم استعاره شبکه، این نکته مورد پذیرش است که ایجاد یک تغییر در یک بخش از سازمان بر تمامی بخش‌های سازمان تأثیر خواهد داشت. پیوستگی متقابل ساختاری و رویه‌ای ارتباطات، تعاملات انسانی و رهبری، مورد تأکید این رویکرد است.

4. transformed and transforming organizational structure

5. web as pattern and a process

6. power is shared

7. Senge

8. learning organization

1. Reorganize

2. Web of Inclusion

3. machine properties

صورت جمعی، یاد می‌گیرد و دائماً خود را به‌نحوی تغییر می‌دهد که بتواند با هدف موفقیت مجموعه سازمانی، به نحو بهتری اطلاعات از جمله اطلاعات محیطی را گردآوری، مدیریت و استفاده کند (همان). سازمان یادگیرنده گروهی است که در آن یادگیری، نیاز همیشگی تمامی منابع انسانی تلقی می‌شود و در آن، ضمن تأکید بر آموختن، چگونه آموختن، جذب و توزیع دانش نو، به خلق، تولید اطلاعات و دانش جدید و مورد نیاز پرداخته می‌شود و تمامی این دانش‌ها در رفتار و عملکرد منابع انسانی سازمان، تبلور می‌یابد.

در سازمان‌های یادگیرنده پنج قاعده یا فرمان شامل تفکر سیستمی، الگوهای ذهنی، آرمان مشترک، یادگیری تیمی، قابلیت فردی تعریف شده است. تفکر سیستمی از قواعد اساسی این نوع سازمان‌ها است.

برای تأسیس تفکر سیستمی نخستین گام، جزئی‌نگری و توجه به اجزا و عناصر سازمانی است. دوم، ریشه‌یابی مرزهای نهاد است. در تفکر سیستمی، ریشه‌ها به‌خوبی بررسی شده و به کمک الگوهای پویا، تمامی علت‌ها و معلول‌ها مطالعه می‌شود.

یکی از زیرمجموعه‌های تفکر سیستمی، مرزبندی میان بخش‌های یک سیستم است که هویت سیستم در این مرزبندی مشخص شده و ارتباط بین سیستم و محیط در آن تعیین می‌شود. تمامی درونداها و برونداها از مرز سیستم عبور می‌کنند. زیرمجموعه دیگر تفکر سیستمی، کل‌نگری است. سیستم، کلی است متشکل از مجموعه دو یا تعداد بیشتری از اجزاء که رفتار هر جزء بر رفتار کل اثر می‌گذارد و وجود بستگی به تعامل اجزاء با یکدیگر دارد. آنچه که در بحث ریشه‌یابی به‌عنوان زیرمجموعه مهم تفکر سیستمی سازمان مطرح است، شناسایی ریشه مسائل بر پایه تعامل اجزای سیستم با یکدیگر به ویژه با محیط بیرونی، است. رهبران نهادها و سازمان‌های یادگیرنده، مسئولیت ایجاد امکانات و شرایط یادگیری را در سازمان دارند، کارکنان باید به طور مستمر در یادگیری و افزایش دانش خود دخالت داشته باشند. با توجه به تحولات شرایط محیطی، مدیریت‌های سنتی پاسخگوی کارآمدی شرکت‌های امروزی نیستند، باید سازمان‌ها بر نوآوری و خلاقیت تأکید داشته باشند. نکته مهم در سازمان‌های یادگیری، سبک و نقش رهبری سازمانی است. رهبران شرکت‌های یادگیرنده تفکر سیستمی دارند، کمتر روی موضوعات روزمره تأکید دارند و بیشتر روی روندها و عواملی که موجب تغییرات و تحولات می‌شوند، تأکید می‌کنند.

نظریه انتخاب راهبردی. تصمیمات مهم و راهبردی که رهبران و مدیران سازمان‌ها اتخاذ می‌کنند پیامدهای بسیار بزرگی دارد. تحولات سازمانی صرفاً عکس العمل منفعلانه سازمان در برابر تغییرات محیطی نیست، بلکه پیامد تصمیمات و یادگیری‌های سازمان است [۱۵]. بر پایه نظریه انتخاب راهبردی برای تصمیم‌گیری باید میان چهار مؤلفه زمینه (محیط بیرونی و متأثر از تصمیم)، محتوا، فرایند و پیامدهای تصمیم، رابطه برقرار شود. بنابراین، هر گونه انتخاب راهبردی که به حیات و ممت سازمان مربوط می‌شود باید در تعامل با محیط و بر اساس نیروهای پیشران تغییر برون‌سازمانی انجام شود.

نظریه اقتضایی. تلاش نظریه‌پردازان مدیریت سنتی، شناسایی بهترین راه برای فعالیت مدیران در وضعیت‌های گوناگون بود به طوری که پس از دستیابی به اصول جهانشمول، مدیریت خوب الزاماً منوط به یادگیری و نحوه بکارگیری این اصول باشد. اما پژوهشگران دریافته‌اند که ضروری است گاهی اوقات برخی اصول سنتی مورد تأکید نظریه پردازان مدیریت سنتی برای کسب نتایج بهتر نادیده گرفته شوند. بر اساس همین ضرورت از دهه ۱۹۶۰ پیدایش نظریه اقتضایی آغاز شد [۱۶]. بر پایه مدیریت اقتضایی، عملکرد مدیریت در هر زمان باید با توجه به موقعیت و مجموعه شرایط فعالیت وی ارزیابی شود. وظیفه نظریه و علم تجویز یک عمل برای یک وضعیت خاص نیست، بلکه یافتن روابط بنیادی، فنون اساسی و سازماندهی دانش موجود بر مبنای مفاهیمی روشن است، مدیریت اثربخش همواره بر مبنای شناخت مقتضیات تحقق می‌پذیرد.

بر اساس نظریه اقتضایی، هر گونه تصمیم‌گیری، وابسته به شرایط محیطی و بیرونی سازمان نظیر رقابت، فناوری، اقتصاد و سیاست است. محیط‌های نامطمئن و در حال تغییر، مستلزم ساختارهای پویا، ارتباطات افقی و عمودی، کارگزاران مستقل و انعطاف‌پذیری و سازگاری بیشتر هستند [۱۷]. نظریه اقتضایی برای سازگاری سازمان با محیط بیرونی، بر رابطه بین محیط بیرونی و ساختار سازمانی تأکید دارد. مورگان^۱ (۲۰۰۶) ایده اصلی نظریه اقتضایی برای تعامل سازمان با محیط پیرامون را برشمرده است [۱۸]: سازمان، سیستم باز بوده و برقراری توازن بین نیازهای داخلی و محیط مستلزم مدیریت

1. Morgan

که مدیریت امور شهرها با درآمدهای پایدار و ناپایدار مواجه است و در ایران، بالاترین آمار درآمدهای پایدار به حدود سی درصد کل درآمدها می‌رسد. از این‌رو، دغدغه دستیابی به درآمدهای پایدار برای حکمرانی‌های محلی اهمیت به‌سزایی دارد. سرمایه‌گذاری، برون‌سپاری، مدیریت مالی، فناوری اطلاعات، ارزیابی سازمان، پژوهش، واگذاری اختیارات دولتی، نیروی انسانی، ارتباطات و متفرقه برای روش‌ها، عوارض، زمین و ساختمان، مدیریت هزینه، اوراق، تبلیغات و متفرقه برای منابع و نیروی انسانی، حق خوری، شفافیت، ضعف عملکرد، فساد، قانون، مردم و متفرقه برای موانع دستیابی به درآمد پایدار شهری است. روش‌ها، منبع‌ها و موانع دستیابی به درآمدهای پایدار در شهرداری ارومیه شناسایی و پیشنهادهایی برای افزایش این نوع درآمدها ارائه شده است.

پوراحمد، مهدیان و مهدی (۱۳۹۲) مدیریت واحد شهری در قوانین کشور بررسی و مسائل قانونی آن را شناسایی کرده‌اند [۴]. از منظر این پژوهش، در سال‌های اخیر پیچیدگی‌های شهرنشینی و طرح مباحثی چون توسعه پایدار شهری، توسعه انسانی، تقویت اقتصاد شهر، تأکید بر عدالت اجتماعی، حفظ محیط‌زیست، مقوله مدیریت شهری را بیش از پیش با مباحث پیچیده و نظام‌مند مواجه کرده است. در نتیجه، با توجه به گستره امور، نیاز به رویکردی تازه در مدیریت شهری از سویی و راهبردهای دولت و ایجاد تحول در ساختار اداری و مدیریتی کشور از سوی دیگر، لزوم توجه به شهرداری‌ها و واگذاری وظایف جدید را توجیه می‌کند. با این حال، امروزه با تمام تأکیدها و تلاش‌هایی که به‌ظاهر و در عمل صورت می‌گیرد، سیستم واحد و مناسبی در نظام مدیریت شهری کشور تحقق نیافته است. در فقدان مدیریت یکپارچه شهری، نابسامانی، ناهماهنگی، اتلاف منابع اعم از انسانی و مادی و بالاخره نارضایتی فزاینده شهروندان گریزناپذیر خواهد بود. از این‌رو، طرح موضوع مدیریت یکپارچه شهری و تحلیل سیستم مدیریت شهری موجود، جهت رفع موانع و کاستی‌ها می‌تواند حائز اهمیت فراوان باشد.

اسدی و برک‌پور (۱۳۹۹) ساختارهای هماهنگی و یکپارچگی بین‌سازمانی بررسی و ساختارهای متناسب برای تحقق یکپارچگی در مدیریت شهرها را ارزیابی کرده‌اند [۵]. این ارزیابی با طرح ویژگی‌های چندین ساختار و تشریح تناسب هر کدام با زمینه مدیریت شهری موجود کشور صورت گرفته است. از نظر آنها ساختار یا مدل سازمان رهبر، مدل متناسبی برای گذار به مدیریت شهری یکپارچه است. بر پایه این

صحیح است، در محیط‌های مختلف، ساختارهای سازمانی متفاوتی مورد نیاز است، مدیریت باید اهتمام ویژه‌ای بر سازگاری سازمان با محیط داشته باشد، در یک سازمان، بهترین راه سازماندهی وجود ندارد، بلکه سازماندهی هر سازمان وابسته به محیط است، و برای انجام وظایف یک سازمان، رویکردهای متفاوتی مورد نیاز است.

نظریه وابستگی به منابع. مفهوم سیستم‌های باز، مبین تأثیرپذیری و به‌هم‌پیوستگی سازمان و محیط است. محیط بیرونی بر ورودی‌ها و درونداها، ساختارهای درون سازمانی، فرایندها و برونداهای سازمانی مؤثر است. بر اساس نظریه وابستگی به منابع، برای توضیح رفتار منابع انسانی و فعالیت‌های نهاد باید محیط بیرونی مورد توجه و مذاقه قرار گیرد. بر پایه این نظریه، محیط بیرونی منبع اصلی تدارک منابع مختلف مالی، انسانی، دانش و اطلاعات و تولید و خدمت است. در واقع، سازمان‌ها و نهادها نمی‌توانند برای بقا و پایداری، منابع مورد نیاز خود را تأمین کنند و برای کسب منابع باید با عناصر محیطی در تعامل دائم باشند. همچنین، بخش عمده‌ای از تغییر و تحولات سازمانی به واسطه توانایی رقابت سازمان‌ها برای کسب منابع و کنترل منابع حیاتی قابل توضیح است. میزان نیاز به هر منبع و میزان در دسترس بودن آن، دو عامل کلیدی در توضیح رفتار سازمان بر مبنای این نظریه است. نکته کلیدی اینکه، رقابت برای دستیابی به منابع کمیاب، موجب افزایش و تشدید وابستگی به منابع رقابتی و محیط بیرونی تأمین‌کننده منبع می‌شود [۱۵].

افزون بر نتایج مطالعات و پژوهش‌های جهانی و بین‌المللی [۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲]، در حوزه داخلی نیز تازه‌دل و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه شهردار کلان‌شهر مشهد با هدف دستیابی به الگوی مناسب مدیریت یکپارچه حوزه مادر شهری مشهد با در نظر گرفتن جایگاه تمامی کنشگران انجام‌شده است، پیشنهاد می‌کنند که نهاد یکپارچه مدیریت مادر شهری شکل گیرد که بر کل حوزه مسلط باشد [۲]. این نهاد متشکل از شورای مادر شهر باشد که وظیفه قانون‌گذاری، تصمیم‌گیری و تهیه طرح را بر عهده داشته باشد. اعضای شورا ترکیبی از نمایندگان تمام کنشگران باشد که با قانون‌گذاری و انتخاب شهردار در مدیریت حوزه دخیل شوند. براساس مطالعه قلی‌پور، دروریش‌زاده و پیران‌نژاد (۱۳۹۸) که با هدف شناسایی روش‌ها، منبع‌ها و مانع‌های دستیابی به درآمد پایدار شهری در شهرداری ارومیه انجام شده است [۳] بیان می‌شود



۳- روش تحقیق

روش انجام این پژوهش، روش ترکیبی عمدتاً رفت‌وبرگشتی است. ابتدا ۴۳ قانون و مقرره مصوب مراجع ذیصلاح طی ۸۰ سال اخیر درباره شهرداری به‌طور عام و شهرداری تهران به‌طور خاص (به‌شرح جدول شماره ۱) گردآوری و مرور اسنادی شده و به روش تحلیل محتوا با معیار و ملاک «تعامل شهرداری با شرکت‌های خدمات‌رسان آب و برق» موارد تعامل شهرداری و شرکت‌های خدمات‌رسان واکاوی، تحلیل و دسته‌بندی شده است. همچنین، در این مرحله، پیشینه تحقیق جمع‌آوری و در راستای کمک به این مطالعه، طبقه‌بندی شده است. در مرحله دوم این مطالعه، با هدف شناسایی آسیب‌ها و شواهد تجربی تعاملات شهرداری تهران و شرکت‌های خدمات‌رسان، نشست‌های هدفمند با برخی از متخصصان حوزه مدیریت شهری شهرداری (دستگاه بهره‌بردار) انجام شده است. انتخاب متخصصان به‌روش هدفمند از سوی نمایندگان دستگاه بهره‌بردار انجام شده است. یکی از موارد پرسش‌ها در نشست‌ها، کم‌وکیف تعاملات شهرداری و شرکت‌های خدمات‌رسان بر پایه یافته‌های مرحله اول این تحقیق است. ترکیب تحلیل محتوای اسناد و شواهد منتج به خروجی و محصول نهایی این پژوهش شده است. مرور اسناد و تحلیل محتوا و شناسایی و دسته‌بندی مسائل و چالش‌ها همگی به روش گروه کانونی متشکل از متخصصان اجرایی شهرداری تهران (دستگاه بهره‌بردار) انجام شده است. همچنین، راهبردهای بهبود تعاملات شهرداری تهران و شرکت‌های خدمات‌رسان بر پایه تحلیل محتوای اسناد و تقاطع آنها با شواهد، توسعه داده شده و پیشنهاد شده است [۲۶].

۴- یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در این مرحله از طرح کلان بررسی راهبردهای بهبود تعاملات شهرداری تهران و شرکت‌های خدمات‌رسان در جدول ۲ ارائه شده است. در این جدول، صرفاً شهرداری به‌عنوان بهره‌بردار و دریافت‌کننده خدمت مد نظر قرار گرفته و سایر نقش‌های شهرداری شامل تولیدکننده و ارائه‌دهنده خدمت و همکار و هم‌آفرین وزارت نیرو و شرکت‌های خدماتی بررسی نشده است.

ساختار، شوراها و شهرداری‌ها باید نقش هدایت‌کننده و هماهنگ‌کننده کلیه کنشگران توسعه شهری و تمامی فرایندها را در اداره امور و توسعه شهر برعهده گیرند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد نهاد مدیریت شهری به‌دلایل متعددی نظیر چندکارکردی بودن، مکان‌مبنا بودن، انتخابی بودن، بیش از سایر نهادهای عمومی و دولتی واجد بیشترین صلاحیت برای بر عهده گرفتن نقش سازمان رهبر در هماهنگی منابع و نهادهای مختلف شهر است. بر عهده گرفتن چنین رسالتی برای تحقق هماهنگی بیشتر در اداره شهرها حتی بدون واگذاری وظایف بیشتر به آنها، که همیشه با مقاومت سازمان‌های خدماتی بخشی دولتی مواجه بوده است، ممکن و عملی است.

پژوهش طالب‌پور و مجاهد (۱۳۹۸) که به منظور بررسی نقش مدیریت یکپارچه شهری در بهبود مدیریت بحران و افزایش کیفیت خدمات عمومی به شهروندان انجام شده است [۲۳] نشان می‌دهد که متغیرهای مدیریت یکپارچه شهری بر آمادگی مدیریت بحران، سرعت و کیفیت ارائه خدمات، هماهنگی بین‌بخشی، برنامه‌ریزی مناسب و تأمین الزامات مورد نیاز در شرایط بحران، مؤثرند. بابایی و ابراهیمی (۱۳۹۵) در طرح بررسی مؤلفه‌های مدیریت یکپارچه در شهر اصفهان [۲۴] نتیجه‌گیری کرده‌اند که پُرشماری مدیریت و ناهماهنگی نهادهای متولی امور شهری از مسائل اساسی در حوزه مدیریت شهری، است و اداره مطلوب شهرها بدون مدیریت یکپارچه شهری امکان‌پذیر نیست. در این پژوهش، مؤلفه‌های مدیریت یکپارچه شهری شناسایی، و تبیین و بررسی شده است. جامعه آماری این مطالعه، مهم‌ترین دستگاه‌های اجرایی حوزه مدیریت شهری نظیر شهرداری، استانداری، شرکت‌های خدمات‌رسان آب برق بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل دستیابی به یکپارچگی، ایجاد مدیریت واحد شهری است. راهکارهای اصلی رسیدن به این امر شامل ایجاد انسجام، همپایانی، هماهنگی، دیدگاه سیستمی، تعامل در دستگاه‌های اجرایی متولی امور شهری و تحقق حکمرانی خوب در سطح شهر اصفهان بیان شده است.

جدول ۱. قوانین و مقررات مرتبط با تعاملات شهرداری و شرکت‌های خدمات‌رسان

ردیف	عنوان قانون	سال تصویب	مرجع تصویب
۱	قانون برنامه بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور	۱۴۰۴	مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی	۱۴۰۳	قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران	۲
مجلس شورای اسلامی	۱۴۰۱	قانون درآمد پایدار و هزینه شهرداری‌ها و دهیاری‌ها	۳
مجلس شورای ملی و شورای اسلامی	۱۴۰۱ و ۱۳۳۴	قانون شهرداری با اصلاحات و الحاقات	۴
مجلس شورای اسلامی	۱۳۹۶	قانون هوای پاک با اصلاحات و الحاقات	۵
مجلس شورای اسلامی	۱۳۹۶	قانون مجازات استفاده غیر مجاز از آب و فاضلاب، برق، گاز و تلفن	۶
مجلس شورای اسلامی	۱۳۹۵	قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور	۷
مجلس شورای اسلامی	۱۳۹۴	قانون توسعه و بهینه‌سازی آب شرب شهری و روستایی	۸
مجلس شورای اسلامی	۱۳۸۹	قانون الگوی مصرف انرژی با اصلاحات و الحاقات	۹
مجلس شورای اسلامی	۱۳۸۹	قانون حمایت از احیا، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری	۱۰
مجلس شورای اسلامی	۱۳۸۸	قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها	۱۱
مجلس شورای اسلامی	۱۳۷۵	قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و انتخاب شهرداران با اصلاحات و الحاقات	۱۲
مجلس شورای اسلامی	۱۳۷۲	قانون احداث تونل مشترک شهری با اصلاحات و الحاقات	۱۳
مجلس شورای اسلامی	۱۳۷۰	قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها	۱۴
مجلس شورای اسلامی	۱۳۶۹	قانون تشکیل شرکت‌های آب و فاضلاب	۱۵
مجلس شورای اسلامی	۱۳۶۱	قانون توزیع عادلانه آب با اصلاحات و الحاقات	۱۶
شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران	۱۳۵۹	لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، مصوب ۱۳۵۹	۱۷
مجلس سنا	۱۳۵۵	قانون آئین‌نامه معاملات شهرداری تهران	۱۸
مجلس شورای ملی	۱۳۵۱	قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری با اصلاحات و الحاقات	۱۹
مجلس شورای ملی	۱۳۴۸	قانون نوسازی و عمران شهری با اصلاحات و الحاقات	۲۰
مجلس شورای ملی	۱۳۴۷	قانون آب و نحوه ملی شدن آن	۲۱
مجلس شورای ملی	۱۳۴۷	قانون اساسنامه شرکت تولید و انتقال نیروی برق ایران (توانیر)	۲۲
مجلس شورای ملی	۱۳۴۶	قانون سازمان برق ایران با اصلاحات و الحاقات	۲۳
مجلس شورای ملی و سنا	۱۳۴۶	قانون آئین‌نامه مالی شهرداری‌ها	۲۴
مجلس شورای ملی	۱۳۴۳	قانون تأسیس شرکت برق منطقه‌ای تهران	۲۵
مجلس شورای ملی	۱۳۲۰	قانون اصلاح قانون توسعه معابر	۲۶
هیأت وزیران	۱۴۰۴	آیین‌نامه تسویه و تهاتر بدهی‌ها و مطالبات دولت	۲۷
شورای اسلامی شهر	۱۴۰۳ و ۱۳۹۷	دستورالعمل اجرایی مدیریت منابع و مصارف غیر نقد	۲۸
شورای اسلامی شهر	۱۴۰۳	جوابیه به هیأت تطبیق فرمانداری تهران نسبت به مصوبه «اصلاحیه مصوبه بهای خدمات صدور مجوز حفاری، لکه‌گیری و ترمیم آسفالت معابر» - ابلاغی ۱۴۰۳	۲۹
شورای اسلامی شهر	۱۴۰۳	اصلاحیه مصوبه «بهای خدمات صدور مجوز حفاری، لکه‌گیری و ترمیم آسفالت معابر» ابلاغی ۱۳۸۵ و اصلاحات و الحاقات بعدی	۲۹
شورای اسلامی شهر	۱۴۰۲	مصوبه عوارض صدور مجوز احداث و نصب تأسیسات شهری (آنتن‌ها و دکل‌ها) از ۱۴۰۳	۳۰
شورای اسلامی شهر	۱۴۰۱	مصوبه عوارض صدور مجوز احداث و نصب تأسیسات شهری (آنتن‌ها و دکل‌ها) در ۱۴۰۲	۳۱
شورای عالی استان‌ها	۱۴۰۱	آیین‌نامه اجرایی ماده یک قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها	۳۲



۳۳	آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۳ قانون توسعه و بهینه‌سازی آب شرب شهری و روستایی با اصلاحات و الحاقات	۱۳۹۵	هیأت وزیران
۳۴	اصلاحیه مصوبه نحوه صدور مجوز حفاری در شهر تهران ابلاغی ۱۳۸۵ اصلاحیه بعدی	۱۳۹۵	شورای اسلامی شهر
۳۵	اساس‌نامه شرکت تولید نیروی برق تهران با اصلاحات و الحاقات	۱۳۹۳	هیأت وزیران
۳۶	آیین‌نامه هماهنگی اقدامات عمرانی مؤسساتی که خدمات‌شان مستلزم حفاری معابر و احداث تأسیسات شهری است	۱۳۶۶ و ۱۳۹۰	هیأت وزیران
۳۷	دستورالعمل الزام شهرداری تهران به اجرای برنامه اصلاح الگوی مصرف	۱۳۸۸	شورای اسلامی شهر
۳۸	مجوز تشکیل ستاد هماهنگی دستگاه‌های اجرایی حوزه فنی- خدماتی شهر تهران	۱۳۸۷	شورای اسلامی شهر
۳۹	دستورالعمل پیوست مصوبه نحوه صدور مجوز حفاری در شهر تهران	۱۳۸۵	شورای اسلامی شهر
۴۰	آیین‌نامه بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیل‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی و شبکه‌های آبرسانی، آبیاری و زهکشی	۱۳۷۹	هیأت وزیران
۴۱	آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر موضوع قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای و انتخاب شهرداران	۱۳۷۸	هیأت وزیران
۴۲	آیین‌نامه اجرایی ماده ۴۱ نظام مهندسی و کنترل ساختمان	۱۳۷۵	هیأت وزیران
۴۳	آیین‌نامه اجرائی ماده ۱۲ قانون نوسازی و عمران شهری	۱۳۴۹	هیأت وزیران

جدول ۲. شهرداری تهران به‌عنوان بهره‌بردار و دریافت‌کننده خدمات آب و برق

ردیف	خدمات مورد بهره‌برداری در حوزه‌های آب و برق	قوانین و مقررات مرتبط
۱	تعویض و نصب ابزارهای اندازه‌گیری هوشمند آب در محل‌های پرمصرف شهرداری نظیر بوستان‌ها و سایر فضاهای سبز و عمومی.	قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران
۲	دریافت آب غیر شرب از شرکت خدمات‌رسان آب و فاضلاب برای آبیاری فضای سبز (در صورت وجود آب جایگزین به تشخیص وزارت نیرو).	
۳	دریافت اراضی بلااستفاده یا بایر متعلق به دولت و سازمان‌ها و نهادهای دولتی برای ایجاد فضاهای عمومی شهری و استفاده در کاربری‌های مذکور با حفظ مالکیت دولت و ایجاد فضاهای شهری برای استفاده عمومی از محل منابع شهرداری حداکثر ظرف سه‌سال. تهاثر اراضی مذکور پس از ایجاد و بهره‌برداری در ازای بدهی دولت به شهرداری با قیمت منطقه‌ای زمان واگذاری و نوع کاربری مورد استفاده.	
۴	حفظ انشعابات آب و برق موجود در محدوده‌های مصوب بازآفرینی شهری و در اولویت قرار دادن برقراری انشعابات جدید در این محدوده‌ها.	
۵	اخذ انشعابات مورد نیاز شامل آب و برق از شرکت‌های خدمات‌رسان ذی‌ربط برای محاسبه، کنترل و پرداخت هزینه‌های آب و برق مصرفی فراتر از موارد معافیت.	قانون درآمد پایدار و هزینه شهرداری‌ها و دهیاری‌ها
۶	تأمین روشنایی و برق تمامی معابر، میدین و بوستان‌های شهر تهران بدون پرداخت هزینه و تأمین کل نیروی برق مورد نیاز سایر مصارف شهرداری تهران با پرداخت هزینه، توسط شرکت خدمات‌رسان برق	
۷	جایجایی تمامی تأسیسات خدمات شهری از جمله تأسیسات آب و برق، برای اجرای طرح‌های توسعه شهری مصوب مراجع ذی‌صلاح.	
۸	تهیه آب شرب شهر و تأمین وسائل توزیع و وضع مقررات مربوط و تعیین نرخ آب مصرفی در شهر (در صورت عدم تأمین توسط وزارت نیرو)	قانون شهرداری با اصلاحات و الحاقات
۹	احداث تأسیسات تولید و توزیع برق و تأمین برق مصرفی شهر و تعیین نرخ آن (در صورت عدم تأمین توسط وزارت نیرو)	
۱۰	اخذ موافقت و نظر وزارت نیرو (به‌واسطه شرکت‌های خدمات‌رسان آب) برای اجرای هرگونه عملیات	

	عمرانی در بستر رودخانه‌ها.	
قانون هوای پاک با اصلاحات و الحاقات	دریافت آب مورد نیاز طرح افزایش سرانه فضای سبز شهر تهران به ۱۵ مترمربع از وزارت نیرو (شرکت خدمات‌رسان آب).	۱۱
	دریافت منابع آب مورد نیاز از آب مازاد حاصل از تغییر روش آبیاری سنتی به روش آبیاری نوین از وزارت نیرو (شرکت خدمات‌رسان آب) و از محل پساب تولیدی یا سایر منابع آبی برای آبیاری حریم سبز بزرگراه‌ها و کمربند سبز شهر تهران برای مقابله با پدیده گردوغبار و آلودگی ناشی از آن.	۱۲
قانون مجازات استفاده غیر مجاز از آب وفاضلاب، برق، گاز و تلفن	اخذ انشعاب مجاز و قانونی برای تمامی مصارف آب و برق شهرداری و تعیین تکلیف انشعابات غیر مجاز و بلا تکلیف آب و برق با شرکت‌های خدمات‌رسان ذی‌ربط.	۱۳
	برقراری انواع انشعابات غیر دائم و موقت (حسب ضرورت) برای انجام خدمات عمومی در شهر تهران مطابق تعرفه قانونی آب و برق.	۱۴
قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور	استفاده نظام‌مند از امکان برخورداری از ظرفیت سقف تغییر مجاز ۵ درصد در طرح‌های تفصیلی در تعاملات خود با سایر کنشگران و شرکا.	۱۵
قانون توسعه و بهینه‌سازی آب شرب شهری و روستایی	بهره‌برداری از منابع آبی حاصل از بازچرخانی پساب خروجی از تأسیسات فاضلاب برای تأمین بخشی از آب مورد نیاز در مصارف بهداشتی و آبیاری فضای سبز شهر تهران.	۱۶
قانون الگوی مصرف انرژی با اصلاحات و الحاقات	نصب و جایگزینی کنتورهای هوشمند مجهز به سیستم قرائت و کنترل هوشمند بار و امکانات فناوری‌های اطلاعاتی روزآمد برای موارد مصرف آب، برق و گاز قدیمی و جدید در تمامی اماکن و ساختمان‌های تحت حکمرانی شهرداری تهران.	۱۷
قانون حمایت از احیا، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری	حفظ حق امتیازهای آب و برق در محدوده‌های طرح‌های مصوب احیا، بهسازی و نوسازی و برقراری و تأمین خدمات مورد نیاز پس از نوسازی توسط شرکت‌های خدمات‌رسان ذی‌ربط.	۱۸
قانون توزیع عادلانه آب با اصلاحات و الحاقات	استفاده و بهره‌برداری مجاز و قانونی از بستر و حریم انهار، کانال‌های عمومی و رودخانه‌ها و مسیل‌ها با موافقت وزارت نیرو و شرکت‌های خدمات‌رسان ذی‌ربط بدون ایجاد مزاحمت در امور آب و برق.	۱۹
	حفر چاه و استفاده از آب‌های زیرزمینی با دریافت مجوز و پروانه بهره‌برداری از وزارت نیرو و شرکت خدمات‌رسان ذی‌ربط.	۲۰
	تجهیز چاه‌های مورد استفاده شهرداری به وسائل اندازه‌گیری سطح آب و میزان آبدهی طبق تشخیص و نظر وزارت نیرو و شرکت خدمات‌رسان ذی‌ربط، پرداخت هزینه تهیه و نصب کنتور آب توسط وزارت نیرو و شرکت خدمات‌رسان آب (در صورت نصب به تشخیص وزارت نیرو).	۲۱
	دریافت مجوز بهره‌برداری از وزارت نیرو و شرکت خدمات‌رسان ذی‌ربط برای استفاده از هر نوع منبع آبی در سطح شهر تهران.	۲۲
قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری با اصلاحات و الحاقات	نقش‌آفرینی کمیسیون ماده ۵ با تشکیل منظم جلسات با حضور اعضای مؤثر و بررسی، اصلاح و تصویب طرح‌های توسعه شهری شهر تهران.	۲۳
قانون آب و نحوه ملی شدن آن	اقدام به پوشاندن روی نهر، جوی، چاه و قنات برای جلوگیری از ایجاد خطر یا خسارت برای عابران، وسائل و راه در سطح شهر تهران.	۲۴
	دریافت مجوز (اجازه) از وزارت نیرو (شرکت خدمات‌رسان آب) برای احداث نهر، جوی، چاه و قنات در سطح شهر تهران.	۲۵
	بهره‌برداری مستمر از نهر، جوی، چاه و قنات متعلق به شهرداری در سطح شهر تهران (عدم اعراض از بهره‌برداری بیش از سه‌سال و عدم دریافت اخطار از وزارت نیرو).	۲۶
	تعمیر و نگهداری نهر، جوی، چاه و قنات فعال در سطح شهر تهران (در هماهنگی با شریک یا شرکای استفاده‌کننده از نهر، جوی، چاه و قنات از جمله وزار نیرو و شرکت‌های خدمات‌رسان ذی‌ربط).	۲۷
	دریافت مصوبه (مجوز) از وزارت نیرو و شرکت خدمات‌رسان آب برای ساخت و ایجاد مجرای جایگزین مناسب برای هر نهر جاری در اراضی متعلق به شهرداری تهران که مانع عملیات عمرانی مطلوب می‌شود.	۲۸
قانون سازمان برق ایران با	اقدام فوری به تغییر محل وسائل انتقال و توزیع برق توسط شرکت خدمات‌رسان برق در صورت تغییر	۲۹



اصلاحات و الحاقات	و تعمیر یا تجدید ساختمان توسط شهرداری تهران که مستلزم تغییر محل وسائل انتقال و توزیع برق است.	
دستورالعمل اجرایی مدیریت منابع و مصارف غیر نقد	تأدیه دیون و بدهی‌ها از طریق تهاتر با دستگاه‌های خدمات‌رسان براساس فرایند اجرایی تهاتر مندرج در دستورالعمل ابلاغی شورای اسلامی شهر تهران.	۳۰
آیین‌نامه بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیل‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی و شبکه‌های آبرسانی، آبیاری و زهکشی	امکان اجاره و بهره‌برداری از بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار طبیعی و مسیل‌های مُرده و خشکیده محدوده شهر تهران با ضوابط و مقررات وزارت نیرو و شرکت آب ذی‌ربط.	۳۱
	امکان دیواره‌سازی بستر رودخانه‌ها، انهار و مسیل‌های محدوده شهر تهران با اجازه و موافقت شرکت آب منطقه‌ای تهران.	۳۲
	امکان اجاره باقیمانده بستر رودخانه‌ها، انهار و مسیل‌های محدوده شهر از شرکت آب منطقه‌ای تهران پس از ساخت دیواره.	۳۳
آیین‌نامه اجرائی ماده ۱۲ قانون نوسازی و عمران شهری	اقدام نظام‌مند به بررسی و قطع برق مؤدیان و مشترکان بدهکار به شهرداری تهران براساس درخواست و فهرست ارسالی شهرداری با دریافت هزینه‌های مربوط.	۳۴

۵- بحث و نتیجه‌گیری

همکاری شهرداری تهران با شرکت‌های خدمات‌رسان شهری آب و برق، یکی از عناصر کلیدی مدیریت شهری است که تأثیر مستقیمی بر کیفیت خدمات ارائه‌شده به شهروندان و توسعه پایدار شهر دارد. این همکاری‌ها در زمینه‌های مختلفی از جمله زیرساخت‌های شهری، تأمین منابع انرژی، ارائه خدمات ارتباطی و مدیریت مصرف منابع حیاتی تعریف می‌شود. با این حال، این تعاملات با چالش‌های متعددی همراه است که حل‌وفصل آن‌ها برای حفظ منافع شهرداری و ارتقای کارآمدی خدمات شهری ضروری است. شهرداری تهران به‌عنوان نهاد مسئول مدیریت شهر، به خدمات شرکت‌های آب و برق برای انجام وظایف خود وابسته است. این خدمات برای اجرای پروژه‌های شهری، تأمین انرژی زیرساخت‌ها و فراهم کردن نیازهای اساسی شهروندان ضروری هستند. در مقابل، این شرکت‌ها نیز به هماهنگی و همکاری شهرداری برای توسعه و نگهداری زیرساخت‌های خود نیاز دارند. این وابستگی متقابل، ماهیت همکاری‌ها را پیچیده و نیازمند شفافیت، توافق‌نامه‌های دقیق و تعاملات سازنده می‌سازد. چالش‌های مالی و اقتصادی ناشی از این همکاری‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند. تأخیر در پرداخت بدهی‌ها یکی از مهم‌ترین مسائل است. شهرداری و شرکت‌های خدمات‌رسان در برخی مواقع با تأخیر در تسویه بدهی‌ها مواجه می‌شوند که این امر می‌تواند ناشی از کمبود بودجه، عدم هماهنگی در قراردادهای یا اختلافات بر سر محاسبه هزینه‌ها باشد. اختلاف بر سر تعرفه‌ها و حق انشعاب نیز یکی دیگر از مشکلات مهم است. شهرداری‌ها اغلب از

تعرفه‌ها یا هزینه‌های انشعاب شرکت‌های خدمات‌رسان انتقاد دارند و معتقدند که این هزینه‌ها فشار مالی مضاعفی را بر بودجه شهرداری وارد می‌کند. علاوه بر این، بار مالی ناشی از اختلافات میان شهرداری و شرکت‌های خدمات‌رسان علاوه بر تأثیرات مالی، پیامدهای اجتماعی و عملکردی نیز به‌همراه دارد. تأخیر در تسویه بدهی‌ها یا اختلافات حقوقی می‌تواند منجر به قطع خدمات یا کندی در اجرای پروژه‌های شهری شود که این امر به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندان و اعتماد آن‌ها به مدیریت شهری تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین، فقدان همکاری مناسب می‌تواند باعث کندی یا توقف پروژه‌های توسعه‌ای شود که در بلندمدت به ضرر شهر و شهروندان است. برای کاهش چالش‌ها و افزایش کارآمدی همکاری‌ها، راهکارهای متعددی قابل ارائه و اعمال است. در این راستا، شفافیت مالی و تنظیم قراردادهای دقیق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توافق‌نامه‌های مالی باید با شفافیت کامل تنظیم شوند و هر دو طرف نسبت به تعهدات خود آگاهی و التزام داشته باشند. استفاده از فناوری‌های نوین مانند سامانه‌های دیجیتال برای مدیریت بدهی‌ها و صورت‌حساب‌ها نیز می‌تواند کمک‌کننده باشد. تشکیل کارگروه‌های مشترک میان شهرداری و شرکت‌های خدمات‌رسان برای حل‌وفصل اختلافات و هماهنگی بهتر در اجرای پروژه‌ها ضروری است. همچنین، تدوین سیاست‌های مالی پایدار که به شهرداری امکان پرداخت بدهی‌ها و اجرای پروژه‌ها را بدهد، از دیگر اقدامات مهم است. استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی

نیز می‌تواند به کاهش بار مالی شهرداری و تسریع در اجرای پروژه‌های شهری کمک کند. علاوه بر این، تعریف مدل‌های مشارکتی جدید مانند قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال^۱ می‌تواند به همکاری‌های سازنده‌تر میان شهرداری و شرکت‌های خدمات‌رسان منجر شود. نظارت دقیق بر عملکرد مالی و اجرایی شهرداری و شرکت‌های خدمات‌رسان نقش کلیدی در کاهش اختلافات دارد. ایجاد سامانه‌های شفافیت مالی و ارائه گزارش‌های دوره‌ای می‌تواند به اعتمادسازی و مدیریت بهتر منابع کمک کند. همچنین، استفاده از ابزارهای هوشمندسازی شهری، مانند سامانه‌های مدیریت مصرف آب و انرژی، می‌تواند به کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی منجر شود.

در نهایت، همکاری میان شهرداری تهران و شرکت‌های خدمات‌رسان آب و برق یک ضرورت غیرقابل انکار برای مدیریت شهر و ارائه خدمات پایدار به شهروندان است. با این حال، چالش‌های مالی و اقتصادی موجود نیازمند راهکارهای جامع و پایدار است. شفافیت، هماهنگی و تدوین سیاست‌های مشترک از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به بهبود این تعاملات کمک کنند. شهرداری تهران با اتخاذ رویکردی سیستماتیک و مبتنی بر اعتماد متقابل می‌تواند نقش کلیدی در بهبود تعاملات با شرکت‌های خدمات‌رسان و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان ایفا کند.

پیشنهادهایی برای بهبود تعاملات

براساس تحلیل قوانین و مقررات و فرایندهای اجرایی موجود، می‌توان دریافت که تعاملات فعلی شهرداری تهران و شرکت‌های خدمات‌رسان آب و برق، عمدتاً بر پایه فرایندهای اداری سنتی، مکاتبات رسمی و تأکید بر رعایت قوانین و مقررات متعدد و عمدتاً پیچیده است. برای بهبود این تعاملات، پیشنهادهایی زیر ارائه شده است. کلید بهبود تعاملات، حرکت از رویکرد مبتنی بر مجوزگیری مودی و واکنشی به رویکرد مبتنی بر حکمرانی و مدیریت یکپارچه و مشترک، شیوه‌نامه‌های شفاف و فناوری است. این تغییر نه تنها موجب تسریع پروژه‌های شهری، بلکه باعث کاهش

هزینه‌های اداری طرفین شده و نهایتاً منجر به ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی به شهروندان تهرانی خواهد شد.

۱. با توجه به نوع و ماهیت چالش‌ها و مسائل مبتلابه در تعاملات سهل‌المتنع شهرداری تهران و شرکت‌های خدمات‌رسان آب و برق، شاید پیشنهاد کلیدی پایه‌ای و زیربنایی، حرکت نظام‌مند و مستمر به سمت وسوسوی شیوه حکمرانی و مدیریت واحد و یکپارچه شهری در محدوده کلان‌شهر تهران باشد.

۲. تشکیل اتاق عملیات مشترک: در راستای توسعه مفهومی حکمرانی و مدیریت واحد و یکپارچه شهری، وجود یک «اتاق عملیات مشترک» به منظور هماهنگی و تسریع در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های مرتبط ضروری است. انتظار می‌رود با تشکیل چنین اتاقی بخش زیادی از ناهماهنگی‌ها و سوءبرداشتهای طرفین در تعریف، طراحی و انجام عملیات عمرانی رفع شود. برای صرفه‌جویی در زمان و هزینه، عمده فعالیت این اتاق می‌تواند (و باید) به صورت مجازی و در فضای دیجیتال طراحی و انجام شود.

۳. انعقاد تفاهم‌نامه‌های چارچوب: به جای اخذ مجوز برای هر طرح و پروژه به صورت جداگانه، می‌تواند (و باید) تفاهم‌نامه‌های کلی برای انواع پروژه‌های متداول مانند جابجایی تأسیسات، دریافت انشعابات مورد نیاز، آبیاری فضای سبز، میان طرفین منعقد گردد تا فرایندها، تعرفه‌ها و مسئولیت‌ها یکبار برای مدت طولانی شفاف شود.

۴. تهیه و تبادل نقشه‌های یکپارچه زیرساخت: ایجاد یک نظام اطلاعات جغرافیایی^۲ مشترک که موقعیت دقیق تمامی تأسیسات زیرزمینی و هوایی آب و برق را نشان دهد. این کار از بروز مشکل در پروژه‌های عمرانی شهری و نیاز به جابجایی‌های اضطراری خواهد کاست.

۵. ایجاد دبیرخانه واحد برای مدیریت درخواست‌ها: شهرداری تهران می‌تواند یک دبیرخانه متمرکز برای دریافت، رهگیری و پیگیری تمامی درخواست‌های خود از شرکت‌های آب و برق ایجاد کند. این کار از پراکندگی درخواست‌ها از مناطق ۲۲گانه جلوگیری کرده و امکان عارضه‌یابی، راستی‌آزمایی، گزارش‌گیری و مدیریت زمان‌بندی طرح‌ها و پروژه‌ها را فراهم خواهد کرد.

2. GIS

1. BOT

۱۰. طراحی و استقرار سامانه الکترونیکی صدور مجوز: این سامانه شامل پورتال یکپارچه برای درخواست، پیگیری و دریافت مجوزهای حفاری و نصب تأسیسات توسط شرکت‌های خدمات‌رسان آب و برق و شفاف‌سازی جریمه‌ها و عوارض شامل اعلام عمومی تعرفه‌های عوارض و جریمه‌ها، انتشار تعرفه‌های عوارض حفاری و جریمه‌های تخلف در سایت شهرداری و سامانه یکپارچه، تهیه راهنمای عملیاتی برای شرکت‌های خدمات‌رسان، تدوین جزوات آموزشی برای شرکت‌های خدمات‌رسان درباره فرایندهای مجوز، عوارض و جریمه‌ها خواهد بود.

۱۱. اجرای تهاتر هوشمند: گسترش سازوکار تهاتر به همه حوزه‌های مشترک. برای مثال، شهرداری تهران بتواند خدمات عمرانی یا اجاره فضاهای خود را در ازای بخشی از بدهی‌های قبلی آب و برق تهاتر کند و برعکس.

۱۲. توسعه مدل‌های مالی و سرمایه‌گذاری مشترک: توسعه مدل‌های مالی و سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند شامل ایجاد صندوق پروژه‌های مشترک با تأمین مالی از روش‌های کمک‌های بلاعوض دولتی، انتشار اوراق مشارکت پروژه‌محور، سهم‌الشرکه شهرداری تهران و شرکت‌های خدمات‌رسان با اهداف تأمین مالی پروژه‌های مشترک ساخت و بهره‌برداری از نیروگاه‌های خورشیدی، بازچرخانی آب، جمع‌آوری آب باران، تولید آب از پساب‌های شهری، اجرای طرح‌های توسعه شهری، پوشش هزینه‌های مطالعات فنی- اقتصادی اولیه و نظایر اینها باشد.

۶. تدوین دستورالعمل‌های اجرایی مشترک: تبدیل متون پراکنده قوانین و مقررات نظیر آنچه که در ۵۰ قانون و مقرر مصوب آمده است، به دستورالعمل‌های گام به گام و به زبان ساده برای مدیران اجرایی و کارکنان طرفین.

۷. اخذ مجوزهای لازم و ایجاد هماهنگی، تفاهم و توافق قبل از شروع هر عملیات: اخذ مجوزهای لازم نظیر انواع انشعابات آب و برق یا ایجاد هماهنگی، تفاهم و توافق قبل از شروع هر عملیات مالی- اقتصادی و فنی- عمرانی مرتبط با شرکت‌های خدمات‌رسان آب و برق، اقدام بسیار مهمی در بهبود تعاملات در برقراری روابط مؤثر و سازنده خواهد بود.

۸. طراحی و استقرار سامانه درخواست و پیگیری برخط: ایجاد یک پورتال مشترک که در آن، درخواست‌های شهرداری به‌صورت الکترونیکی ثبت و شماره پیگیری دریافت کنند، وضعیت درخواست (در دست بررسی، نیاز به مکاتبه، اصلاحات مورد نیاز، مدارک و مستندات مورد نیاز، اخذ مجوز، تکمیل شده و نظایر اینها) به‌صورت برخط قابل رهگیری باشد، مهلت‌های قانونی برای پاسخگویی به هر نوع درخواست در سیستم تعریف شده و به‌صورت خودکار یادآوری شود.

۹. توسعه برنامه کاربردی^۱ مطالبات و بدهی‌ها: این برنامه به عوامل اجرایی طرفین اجازه می‌دهد تا در لحظه، اطلاعات مالی مرتبط با حقوق و تکالیف خود در مقابل طرف مقابل را با جزئیات لازم نظیر نوع عملیات، محل عملیات، دلایل مطالبه یا بدهی، مدارک و مستندات، قانون یا مقرر یا توافق‌نامه مورد استناد، ببینند و راجع به پذیرش، رد یا نیاز به اصلاح و تکمیل ادعای طرف، اعلام نظر نمایند.

Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University.

11. Clark, A. (1999). Control and Intervention in Complex Adaptive Systems: From Biology to Biogen. Jossey-Bass: San Francisco, 1999, pp 47-66.

12. Helgesen, S. (1995). The web of inclusion: A new architecture for building great organizations. New York: Doubleday.

13. Helgesen, S. (2006). Challenges for leaders in the years ahead. In F. Hesselbein & M. Goldsmith (Eds.), The leader of the future: Vol. 2. Visions, strategies, and practices for the new era, San Francisco, CA: Jossey-Bass.

14. Senge, P.M. (1990), The fifth discipline: the art and practice of the learning organization, NY: Doubleday.

15. Farhadirad, H. (2011). Designing a model for university adaptation to the external environment, PhD thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran.

16. Rezaian, A. (2013). Principles of Management, Tehran, SAMT Pub.

17. Leweling, T. A. (2007), Extending Organizational Contingency Theory For Team Performance- An Information Processing and Knowledge Flows Perspective. Dissertation for Postgraduate Degree.

18. Morgan, G. (2006). Images of Organization, USA California, Sage publication Inc

19. Valeriu Ioan-Franc, Ana-Lucia Ristea, Constanța Popescu. (2015). Integrated Urban Governance: A New Paradigm of Urban Economy, Procedia Economics and Finance 22, pp.699-705.

20. Wong, Siu-Wai & Tang, Bo-Sin & Van Horen, Basil. (2006). Strategic Urban Management in China: A Case Study of Guangzhou Development District, Habitat International, Vol.30, pp. 645-667.

21. Alexander, E. (1993). Inter-organizational Coordination: Theory and Practice, Journal of Planning Literature, 7(4), pp. 48-62. Barlow, I. M. (1991).

منابع

1. Sporn, B. (1999). Adaptive University Structures: An Analysis of Adaptation to Socioeconomic Environments of US and European Universities, Jessica Kingsley Publishers, London, UK.
- 2. Tazehdel, S., Shieh, I., Seyedalhosseini, M. and Habibi, K. (2021). Integrated management of Metropolitan constituency with emphasis on governance, Journal of Urban and Regional Development Planning, 6(16), pp. 25-48.
- 3. Gholipor, R., Darvishzadeh, M. M, and Pirannejad, A. (2019). Identification of the Methods, Resources and Barriers of Achieving Sustainable Urban Income (Case Study: Urmia Municipality), Journal of Public Administration, 11(1), pp. 151-178.
- 4. Pourahmad A, Mahdian Bahnamiri M. and Mahdi A. (2013). An Analysis of the Factors Preventing the Realization of an Urban Integrated Management through the Lens of Existing Laws. IUESA 2013; 1 (2), pp. 31-50.
5. Asadie, I. and BarakPour, N. (2019). Lead Organization: An Appropriate Model of integrated urban management in Iran, *The Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 4(25), pp. 17-30.
6. Duran, D. (1997). Systems Theory, translated by Mohammad Yemeni Dozi Sorkhabi, Tehran, Scientific and Cultural Pub.
7. Mahdi, R. (2018). University Interaction with the Surrounding Environment, Tehran, Institute for Cultural and Social Studies (ISCS).
8. Morin, E. (1990). An Introduction to Complex Thought, translated by Afshin Jahandideh, Tehran, Ney Publications.
9. Begun, J. W., Zimmerman, B. and Dooly, K. (2003). Health Care Organizations as Complex Adaptive Systems, San Francisco, Jossey-Bass, pp.288-252.
10. Salehi, M. (2016). Evaluation of the Adaptability of Tehran State Universities and Factors Affecting It, PhD Thesis,



Integrated Urban Management in Isfahan, *Journal of Urban Economics*, 1(1), pp. 17-36.

25. Biswas, A. (2020). Establishing metropolitan governance and local governance simultaneously: Lesson from India's 74th Constitutional amendment act, *Journal of Urban Management*, 9(3), pp.316-330.

26. Higgins, M. J. (2005). *Entrepreneurship: 101 Creative Problem Solving Techniques*, translated by Mahmoud Ahmadpour Dariani, Tehran, Amir Kabir Pub.

Metropolitan Government, Rutledge, London and New York.

22. European Union. (2011), *Cities of Tomorrow: Challenges Visions, Ways forward*, European Commission, Directorate General for Regional Policy.

23. Talebpour A, Mojahed, D. M. (2019). The role of integrated urban management in improving crisis management and improving the quality of public services to citizens (Case study: Tehran province), *Journal of Socio - Cultural Development Studies*, 7 (4), pp. 67-92

24. Mahnaz Babaei, M. and Ebrahimi, S. (2016). *Studying the Components of*



The Strategies for Improving Financial and Economic Interactions of Municipalities and Service Companies (Case Study: Tehran Municipality and Water and Electricity Providers)¹

* Reza Mahdi 

* Associate Professor, Department of Futures Study, Institute for Social and Cultural Studies, Tehran, Iran. mahdi002@gmail.com

Received: 04.08.2025

Accepted: 13.10.2025

Abstract

Tehran Municipality as a comprehensive complex and adaptable system, must have synergistic and co-creative interactions with urban services companies in order to improve productivity. The prerequisite for synergistic and co-creative interactions is the continuous adjustment and improvement of these relationships with the needs of the day with the goals of good municipal and urban administration, greater welfare of the people, and improvement of the quality of life of citizens. From the perspective, the optimal governance of the urban requires the lawful participation of all natural and legal persons in all economic-social, political, technological, environmental, and legal-legal pillars. Based on existing laws, each of the municipal service providers must fulfill their duties and responsibilities. However, for various reasons, at least from a financial-economic perspective, Tehran Municipality does not have appropriate and effective interactions with municipal service companies, and in many cases, the municipality's rights are not fulfilled from a financial-economic perspective. Tehran Municipality faces billions of RIALS in costs, lack of benefits, or lost opportunities annually due to the lack of regulation and lack of transparency in interactions with service companies of water, electricity, gas, and telecommunications. The article presents strategies that can be applied to solve some of the problems and gaps in the municipality's interactions with urban service companies, at least from a financial-economic perspective, and improve the current situation. The result of regulating and improving the municipality's interactions with service companies, in addition to creating transparency, accountability, and financial discipline for all parties, is the creation of billions of RIALS in new, mostly sustainable and increasing income, billions of RIALS in direct or indirect savings, or a reduction of billions of RIALS in direct or indirect costs for the municipality.

Keywords: Municipality Interactions, Urban Service Companies, Complex Systems, Adaptive Systems, Tehran Municipality.

1. The article is an extract from a research project titled "Investigating Strategies for Improving Financial and Economic Interactions between Tehran Municipality and Service Organizations Active in Tehran," which was conducted with the financial support of the "Tehran Urban Research and Planning Center (TURPC)" in 2024-2025.

Corresponding Author: Reza Mahdi- Mahdi002@gmail.com



Introduction

Based on systems theory, Tehran Municipality as a comprehensive complex and adaptive system [1], needs to have effective, synergistic, and co-creative interactions with all cooperating and active systems in the field of urban services. The prerequisite for synergistic and co-creative interactions is the continuous regulation and improvement of these relationships with the requirements of the day with the goals of good municipal and urban administration, greater welfare of the people, and improvement of the quality of life of citizens. From the perspective, good and efficient management of the urban requires systematic and lawful participation of all natural and legal persons in all economic-social, political, technological, environmental, and legal-legal pillars and areas. Based on approved laws, each of the service companies active in the urban must fulfill their duties and enjoy their established rights. The is despite the fact that for numerous reasons, at least from a financial-economic perspective, Tehran Municipality does not have effective interactions with organizations and companies that have the right and responsibility in municipal services, and in many cases, the municipality's rights are not fulfilled from a financial-economic perspective [2,3,4,5]. The reality is that Tehran Metropolitan Municipality incurs billions of RIALS in costs, losses, lack of benefits, or missed opportunities annually due to the lack of regulation, transparency, or lack of accurate financial discipline in interactions with service companies.

The main purpose of the article is to study and analyze strategies to improve Tehran Municipality's interactions with service companies from an economic-financial perspective [6]. In fact, the ultimate goal is to lay the groundwork and initial conceptual and operational groundwork for revenue generation, cost reduction, and benefit of Tehran Municipality in the good administration and governance of Tehran metropolis by observing the principle of rights and duties for all stakeholders and interlocutors. Therefore, the main questions are which of the service companies in the Tehran metropolis should have up-to-date, synergistic, and co-creative interactions with Tehran Municipality, and with the aim of realizing the rights and performing the duties of stakeholders from an economic-financial perspective, how and with what mechanism should (and can) these interactions be regulated and managed?

Methodology

The method of conducting the research is a mixed method, mainly a round-trip method. In the study, first, all the laws and regulations inside and outside the Tehran Municipality that are somehow related to the municipality in general and the Tehran Municipality in particular were collected and reviewed, and the municipality's interactions with service companies were identified and categorized using the content analysis method with the criterion of "interaction of the municipality with four service companies". Also, in the stage, the research background was collected and categorized in order to help the study. In the second stage of the study, with the aim of identifying the damages, complications, gaps, and objective and empirical evidence of the interactions of the Tehran Municipality with service companies, targeted meetings were held with some experts in the field of urban management of the municipality. The selection of experts was carried out in a targeted manner by the representatives of the users. One of the questions in the meetings was the quality of the municipality's interactions with service companies based on the findings of the first stage of the research. The combination of content analysis of documents and evidence, damages and gaps has resulted in the final output and product of the research. Review of documents and their content analysis and identification and classification of damages, gaps and evidence have all been carried out by the focus group method consisting of executive experts and representatives of Tehran Municipality. Also, strategies for improving Tehran Municipality's interactions with service



companies based on the content analysis of documents and their intersection with gaps and evidence have been developed [7].

Findings

Tehran Municipality's cooperation with service companies, including gas, water and wastewater, electricity and telecommunications, is one of the key elements of urban management that has a direct impact on the quality of services provided to citizens and the sustainable development of the urban. These collaborations are defined in various fields, including urban infrastructure, energy supply, communication services, and management of vital resource consumption. However, these interactions are accompanied by numerous challenges, the resolution of which seems essential to protect the interests of the municipality and improve the efficiency of urban services. As the institution responsible for urban management, Tehran Municipality depends on the services of gas, water, electricity and telecommunications companies to carry out its duties. These services are essential for implementing urban projects, supplying energy to infrastructure, and providing for the basic needs of citizens. In turn, these companies also need the coordination and cooperation of the municipality to develop and maintain their infrastructure. The interdependence makes the nature of collaborations complex and requires transparency, detailed agreements, and constructive interactions. The financial and economic challenges arising from these partnerships fall into several categories. Delays in debt payments are one of the most important issues. The municipality and service companies sometimes face delays in settling debts, which can be due to budget shortages, lack of coordination in contracts, or disputes over cost calculations. Disputes over tariffs and branching fees are also another important problem. Municipalities often criticize the tariffs or branching fees of service companies, believing that these costs put additional financial pressure on the municipal budget. In addition, the financial burden resulting from exemptions and discounts, especially for disadvantaged areas or specific groups, can strain the municipality's limited financial resources.

Disputes between the municipality and service companies have social and operational consequences in addition to financial impacts. Delays in settling debts or legal disputes can lead to service interruptions or delays in the implementation of urban projects, which directly affects the quality of life of citizens and their trust in urban management. Also, the lack of proper cooperation can slow down or stop development projects, which is detrimental to the urban and citizens in the long run. Several solutions can be proposed and implemented to reduce challenges and increase the efficiency of cooperation. In the regard, financial transparency and the preparation of accurate contracts are of particular importance. Financial agreements should be prepared with complete transparency and both parties should be aware of and committed to their obligations. The use of new technologies such as digital systems for managing debts and invoices can also be helpful. The formation of joint working groups between the municipality and service companies is essential to resolve disputes and better coordinate the implementation of projects. Also, developing sustainable financial policies that allow the municipality to pay off debts and implement projects is another important measure. Using private sector capacities can also help reduce the financial burden of the municipality and accelerate the implementation of urban projects. In addition, defining new partnership models such as build, operate, and transfer contracts can lead to more productive cooperation between the municipality and service companies. Close monitoring of the financial and executive performance of the municipality and service companies plays a key role in reducing disputes. Establishing financial transparency systems and providing periodic reports can help build trust and better manage



resources. Also, using urban smart tools, such as water and energy consumption management systems, can lead to cost reduction and increased efficiency.

Conclusion

Based on the analysis of existing laws, regulations, and executive processes, it can be seen that the current interactions between Tehran Municipality and water and electricity companies are mainly based on traditional administrative processes, formal correspondence, and an emphasis on compliance with numerous and mostly complex laws and regulations. To improve these interactions, the following suggestions are presented. The key to improving interactions is to move from an approach based on case-based and reactive licensing to an approach based on integrated and shared governance and management, transparent procedures, and technology. This change will not only accelerate urban projects, but also reduce administrative costs for both parties and ultimately lead to improving the quality of service provision to Tehran citizens: 1. Given the type and nature of the challenges and issues involved in the easily avoidable interactions between Tehran Municipality and water and electricity service companies, perhaps the key basic and infrastructural suggestion is a systematic and continuous move towards a single and integrated urban governance and management style within the Tehran metropolitan area, 2. Establishing a Joint Operations Room: In line with the conceptual development of unified and integrated urban governance and management, the existence of a "Joint Operations Room" is essential to coordinate and expedite the implementation of related plans and projects. It is expected that the establishment of such a room will eliminate a large part of the inconsistencies and misunderstandings between the parties in defining, designing, and carrying out construction operations. To save time and money, the majority of the activities of this room can (and should) be designed and carried out virtually and in the digital space, 3. Concluding framework agreements: Instead of obtaining permits for each plan and project separately, general agreements can (and should) be concluded between the parties for a variety of common projects such as moving facilities, receiving required branches, and watering green spaces, so that processes, tariffs, and responsibilities become clear once and for all, 4. Develop and exchange integrated infrastructure maps: Create a shared geographic information system that shows the precise location of all underground and aerial water and electricity facilities. This will reduce problems in urban development projects and the need for emergency relocations, 5. Create a single secretariat for managing requests: Tehran Municipality could create a centralized secretariat to receive, track, and follow up on all its requests from water and electricity companies. This will prevent the dispersion of requests from 22 regions and will enable troubleshooting, verification, reporting, and scheduling management of plans and projects, 6. Develop shared implementation guidelines: Convert the scattered texts of laws and regulations, such as those contained in the 50 approved laws and regulations, into step-by-step, plain-language guidelines for executive directors and employees of both parties, 7. Obtaining the necessary permits and establishing coordination, understanding and agreement before starting any operation: Obtaining the necessary permits such as various types of water and electricity branches or establishing coordination, understanding and agreement before starting any financial-economic and technical-construction operations related to water and electricity service companies will be a very important step in improving interactions in establishing effective and constructive relationships, 8. Designing and deploying an online request and tracking system: Creating a common portal where municipal requests are registered electronically and receive a tracking number, the status of the request (under review, need for correspondence, required amendments, required documents and documentation, obtaining a permit, completed, etc.) can be tracked online, and the legal deadlines for responding to each type of request



are defined in the system and automatically reminded, 9. Development of the Claims and Debts Application: This application allows the executive agents of the parties to view, in real time, financial information related to their rights and obligations towards the other party with the necessary details such as the type of operation, location of the operation, reasons for the claim or debt, documents and documentation, the law or regulation or agreement cited, and to express an opinion on the acceptance, rejection or need to amend and supplement the party's claim, 10. Design and implementation of the electronic licensing system: This system will include an integrated portal for requesting, tracking and receiving permits for drilling and installation of facilities by water and electricity service companies and transparency of fines and charges, including public announcement of toll tariffs and fines, publication of drilling toll tariffs and violation fines on the municipality website and the integrated system, preparation of operational guidelines for service companies, development of training booklets for service companies on licensing processes, tolls and fines, 11. Implementation of smart clearing: Expansion of the clearing mechanism to all common areas. For example, Tehran Municipality could exchange its construction services or space rentals for a portion of its previous water and electricity debts, and vice versa, and 12. Development of financial models and joint investment: Development of financial models and joint investment could include the creation of a joint project fund with financing from government grants, issuance of project-based partnership bonds, joint ventures between Tehran Municipality and service companies with the aim of financing joint projects for the construction and operation of solar power plants, water recycling, rainwater harvesting, water production from urban wastewater, implementation of urban development plans, covering the costs of initial technical and economic studies, and the like.

References

1. Sporn, B. (1999). *Adaptive University Structures: An Analysis of Adaptation to Socioeconomic Environments of US and European Universities*, Jessica Kingsley Publishers, London, UK.
2. Tazehdel, S., Shieh, I., Seyedalhosseini, M. and Habibi, K. (2021). Integrated management of Metropolitan constituency with emphasis on governance, *Journal of Urban and Regional Development Planning*, 6(16), pp. 25-48.
3. Gholipor, R., Darvishzadeh, M. M, and Pirannejad, A. (2019). Identification of the Methods, Resources and Barriers of Achieving Sustainable Urban Income (Case Study: Urmia Municipality), *Journal of Public Administration*, 11(1), pp. 151-178.
4. Pourahmad A, Mahdian Bahnamiri M. and Mahdi A. (2013). An Analysis of the Factors Preventing the Realization of an Urban Integrated Management through the Lens of Existing Laws. *IUESA* 2013; 1 (2), pp. 31-50.
5. Asadie, I. and BarakPour, N. (2019). Lead Organization: An Appropriate Model of integrated urban management in Iran, *The Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 4(25), pp. 17-30. 6.
6. Biswas, A. (2020). Establishing metropolitan governance and local governance simultaneously: Lesson from India's 74th Constitutional amendment act, *Journal of Urban Management*, 9(3), pp.316-330.
7. Higgins, M. J. (2005). *Entrepreneurship: 101 Creative Problem Solving Techniques*, translated by Mahmoud Ahmadpour Dariani, Tehran, Amirkabir Publ.





بررسی اثرات عوامل درونی و بیرونی بر روی نرخ بهره بین بانکی در ایران

* علی حسینی نوه کبرآبادی
** سجاد برخوردار داری دورباش
* دانشجوی دکترای اقتصاد پولی، گروه اقتصاد، پردیس بین الملل کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
hosseininaveh.ali23@gmail.com
** دانشیار گروه اقتصاد بین رشته ای، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
barkhordari@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی اثرات عوامل درونی و بیرونی بر روی نرخ بهره بین بانکی در ایران، است. در این مطالعه، از روش حداقل مربعات کاملاً تعدیل شده (FM-OLS) استفاده گردید. داده‌های مورد استفاده، داده‌های بانک‌های دولتی و خصوصی، بانک مرکزی و داده‌های مرکز آمار ایران برای سال‌های ۱۳۷۰-۱۴۰۱ می‌باشند. از نتایج اصلی مطالعه، عبارت است از اینکه، تغییرات توسعه تامین اعتبارات و اندازه بانک همان گونه که قابل انتظار است، با ضریب ۹۹ صدم و ۹۵ صدم، باعث بهبود اثرات نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد بازار پول شده است. از سویی دیگر، تغییرات متغیرهای (نرخ ارز و نرخ تورم، دارای تأثیرات معناداری بر بهبود اثرات نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد بازار پول، است زیرا ضریب آنها ۹۹ درصد و ۹۴ درصد محاسبه شده است. این موضوع مؤید اثری است که نرخ ارز و نرخ تورم در همه جنبه‌های اقتصادی آن، می‌تواند بر بهبود اثرات نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد بازار پول داشته باشد. از طرفی دیگر، متغیرهای میزان تسهیلات بانک‌ها نسبت به سپرده‌ها، نرخ بهره و نرخ رشد نقدینگی با ضریب ۹۱ صدم دارای اثرات معنادار و مشابهی بر بهبود اثرات نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد بازار پول هستند، در حالی که، متغیرهای سرمایه بانک، نرخ ذخیره قانونی، نرخ رشد اقتصادی و شاخص بازار سهام با ضریب تقریبی ۸۰ صدم در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از منظری دیگر، با توجه به اینکه، آماره رگرسیون تعدیل شده (R^2) برای تمامی متغیرهای پژوهش، بالای ۸۵ صدم محاسبه شده، بنابراین نتایج برآورد معادلات به روش حداقل مربعات معمولی تعدیل شده، بسیار قابل اعتماد است.

واژه‌های کلیدی: عوامل درونی بانک، عوامل بیرونی بانک، حداقل مربعات کاملاً تعدیل شده، نرخ بهره بین بانکی.

نوع مقاله: علمی

۱- مقدمه

وجود بازار بین بانکی به رغم اینکه باعث کاهش اضافه برداشت از بانک مرکزی و به تبع آن کاهش هزینه مدیریت نقدینگی برای بانک‌ها می‌گردد، از آثار تومی اضافه برداشت نیز می‌کاهد؛ از این رو، ویژگی اساسی بازار بین بانکی، ایمن سازی بانک‌ها در برابر شوک‌های نقدینگی است که باعث تسهیلات‌دهی و تسهیلات‌گیری در بازار بین بانکی می‌گردد [۵].

بازار بین بانکی بازاری است که در آن بانک‌ها و دیگر مؤسسه‌های اعتباری نسبت به معامله با یکدیگر جهت تأمین مالی کوتاه مدت اقدام می‌نمایند. این بازار نقشی اساسی در اجرای سیاست‌های پولی دارد و برای مقامات پولی اهمیت بالایی دارد؛ زیرا بازار بین بانکی در قلب سیاست پولی قرار می‌گیرد. زمانی که این بازار به خوبی کار کند (محقق نیا و همکاران، ۱۳۹۸)، می‌تواند اعتبارات کوتاه مدت بانک‌ها را تأمین نموده و مشکل‌های نقدینگی بانک‌ها را بدون دخالت بانک مرکزی حل و فصل کند.

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: سجاد برخوردار داری دورباش Barkhordari@ut.ac.ir



پژوهش ۵ عوامل متغیر درونی صنعت بانکداری (نرخ ذخیره قانونی، توسعه تامین اعتبارات، سرمایه بانک، میزان تسهیلات بانکها نسبت به سپرده‌ها، اندازه بانک) و ۶ متغیر بیرونی که متغیرهای کلان نیز می‌نامند (نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی، نرخ رشد نقدینگی، نرخ ارز، نرخ بهره و شاخص بازار سهام) و تاثیر این عوامل بر نرخ بهره بین بانکی بررسی می‌شود.

۲- مبانی نظری

بازار بین بانکی بعنوان یکی از بسترهای اجرای سیاست‌های پولی، از جمله شاخه‌های کلیدی نظام بانکی است و بانکها برای مدیریت نقدینگی خود به بازار پول وابسته هستند. بازار بین بانکی یکی از مواردی است که از آن جهت مدیریت نقدینگی بهره‌برداری می‌گردد [۶]. بازار بین بانکی سبب جریان یافتن حجم عظیمی از پول‌ها و منابع خارجی به نظام بانکی یک کشور و برعکس می‌گردد که این هدایت تحت یک شبکه الکترونیکی وجوه بین بانکها صورت می‌گیرد. بازار بین بانکی یکی از شاخه‌های کلیدی نظام بانکی است و بانکها برای مدیریت نقدینگی خود به بازار پول وابسته هستند [۹]. این در حالی است که بازار بین بانکی از جمله موارد مهمی است که به منظور مدیریت جریان حجم عظیمی از پول‌های داخلی و خارجی به نظام بانکی یک کشور و برعکس می‌گردد. علل اصلی ایجاد بین بانکی عبارتند از [۱۷] و [۱]:

متعادل سازی سطح نقدینگی: بانکها برای انجام عملیات‌های روزمره خود، مانند نقد نمودن چک و پرداخت سپرده‌های مشتریان، نیاز به نقدینگی دارند. اگر بانکی در یک روز خاص ذخایر مالی کافی نداشته باشد، می‌تواند از سایر بانکها وام بگیرد تا سطح نقدینگی خود را متعادل کند. بعنوان مثال، اگر یک بانک نگران باشد که نتواند یک سپرده بزرگ را در موعد مقرر پرداخت کند، می‌تواند از سایر بانکها وام گرفته تا بتواند این کار را انجام دهد.

نگهداری ذخایر مالی در سطح مطلوب: بیشتر بانکهای مرکزی دنیا حداقل میزان نقدینگی که باید توسط بانک نگهداری شود، را مشخص می‌نمایند. در نتیجه اگر ذخایر

در واقع، نرخ بهره بین بانکی یک نظام مالی و تجاری ارزی بین بانکی است. تنش در این بازار موجب می‌گردد که سایر بازارها نیز دچار نوسانات شوند. تنش‌ها می‌تواند باعث کمبود ارزی، کاهش نقدینگی و افزایش نوسانات گردد [۲]. اگر بانکها بتوانند برای ادامه فعالیتت بانکی خود اعتبار کافی را به دست آورند (از طریق بازار بین بانکی)، قادر خواهند بود که اعتباردهی خود را در زمینه وام دهی به مشتریان بانکی خود، مصرف کنندگان، متقاضیان وام مسکن و طیف گسترده قرض گیرندگان گسترش دهند [۱۱]. به این ترتیب تنش و آشفتگی در بازار بین بانکی می‌تواند پیامدهایی برای بی ثبات نمودن اقتصاد و روند بازار داشته باشد. از این رو، است که این بازار در دنیا توسط مقامات مربوطه به دقت بررسی می‌گردد [۱۰].

هدف اصلی این پژوهش بررسی علمی و استنباطی تاثیر عوامل درونی و بیرونی صنعت بانکداری بر روی نرخ بهره بین بانکی می‌باشد. با توجه به مطالعات نظری و تجربی انجام شده در زمینه نرخ بهره بین بانکی و بازار بین بانکی و همچنین در نظر گرفتن محدودیت های آماری، نرخ بهره بین بانکی موجب می‌گردد که بانکها دیگر برای تامین نقدینگی و منابع مالی مورد نیاز کوتاه مدت خود به بانک مرکزی مراجعه نکنند که خود این موضوع به بانک مرکزی در جهت کنترل حجم نقدینگی کمک می‌نماید. عمده وام‌های بین بانکی دارای سررسید یک هفته و کمتر بوده و نرخ بهره بر مبنای نرخ بهره بین بانکی تعیین می‌گردد.

با توجه به اینکه تنوع ابزارها در حوزه پولی و مالی علاوه بر گسترش و تعمیق بازارهای مالی، موجب افزایش اثرگذاری سیاست‌های پولی نیز می‌گردد، در شرایط فعلی که منابع موجود در شبکه بانکی پاسخگوی تقاضای روز افزون بازار نمی‌باشد، رونق بازار بین بانکی و خلق ابزارهای نوین همراه با مدیریت تقاضا در بازارهای مالی کشور، می‌تواند در کارکرد بهینه در بازارهای مالی و به ویژه بازار پول نقشی به سزا ایفا نماید. با اجرای این پژوهش انتظار می‌رود به صورت علمی و استنباطی رفتار نرخ بهره بین بانکی شناسایی و تاثیر عوامل درونی و بیرونی بر روی این نرخ بهره بررسی شود. از این رو، اطلاع از عوامل تعیین کننده نرخ بهره بین بانکی و اثر نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد بازار پول دارای اهمیت بسیار بالایی می‌باشد. از این رو، در این



هماهنگی، تدوین مقررات، نظارت، کنترل و تسویه معاملات را بر عهده داشته و جهت اعمال سیاست‌های پولی در بازار بانک می‌نماید.

بازار بین بانکی به دو گروه بازار وام بین بانکی^۱ و بازار ارزی بین بانکی^۲ تقسیم می‌گردد [۴]. «بازارهای وام بین بانکی» نهادهایی هستند که بانک‌ها برای دوره مشخص در چارچوب آن به یکدیگر وام میدهند. بسیاری از وام‌های بین بانکی دارای سررسید یک هفته و کمتر هستند و اکثراً «وام‌های یک‌شبه»^۳ میباشند. انجام عملیات استقراض در این بازارها بر مبنای «نرخ بهره شبانه»^۴ است و این نرخ در عمل همان نرخ است که مقام پولی سعی در مدیریت آن دارد. «بازارهای ارزی بین بانکی» نیز بازارهایی هستند که بانک‌ها نسبت به مبادله ارزهای مختلف به صورت عمده در آن‌ها مبادرت می‌نمایند [۷]. آمارهای مربوط به نرخ سود بین بانکی بالای ۱۵ درصد در کشورهای مختلف در جدول ذیل آمده است.

یک بانک از حد مجاز کمتر شده باشد، احتمالاً به سراغ وام بین بانکی خواهد رفت [۱۲].

بازار بین بانکی در واقع موجودیتی است که کمبود نقدینگی کوتاه مدت بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری در آن تأمین می‌گردد. این بازار حداقل دو نقش حیاتی در نظام‌های مالی نوین ایفا می‌نماید. اولین و مهمترین نقش آن مداخله فعالانه و موثر بانک مرکزی در اجرای سیاست پولی از طریق راهبری نرخ‌های سود است [۱۶]. دوم، بازارهای بین بانکی کارآمد، نقدینگی را به شکل مطلوبی از مؤسسات مالی دارای مازاد وجوه به مؤسسات دارای کسری وجوه انتقال میدهند. هدف از تشکیل بازار بین بانکی تقویت مدیریت نقدینگی بانک‌ها و تسهیل تأمین مالی منابع مورد نیاز بانک‌ها در کوتاه مدت، برقراری انضباط پولی و اجرای مؤثرتر سیاست‌های پولی کشور است [۲۱] و [۲۰].

. بانک مرکزی بعنوان تنظیمگر بازار پول و همچنین بازار بین بانکی، کلیه امور مربوط به برنامه‌ریزی، ساماندهی،

جدول ۱. الف) آمارهای مربوط به بیشترین نرخ سود بین بانکی در کشورهای مختلف

کشورها	نرخ سود بین بانکی
آرژانتین	۹۲,۳۲
ایران	۲۳,۵
سیرالئون	۲۳,۰۶
نیجریه	۲۱,۹۴
پاکستان	۲۰,۴
مصر	۱۸,۳۸
روسیه	۱۷,۴۷

منبع: بانک جهانی، ۲۰۲۴

جدول ۱. ب) آمارهای مربوط به کمترین نرخ سود بین بانکی زیر ۳ درصد در کشورهای مختلف

کشورها	نرخ سود بین بانکی
ویتنام	۲,۸۲
تایلند	۲,۶۵
چین	۲,۴۶
تایوان	۱,۴۹
پرو	۰,۸۱
ژاپن	۰,۱۴

منبع: بانک جهانی، ۲۰۲۴

3. Overnight Loans
4. Overnight Rate

1. Interbank Lending Market
2. Interbank Foreign Exchange Market

اقتصادی افزایش یا کاهش مییابد. وقتی اقتصاد کشور در حالت رکود باشد، بانک مرکزی نرخ تنزیل را کاهش میدهد تا امکان وام گرفتن برای بانکهای عضو افزایش پیدا کند. زمانی که بانکها بتوانند با نرخ کمتری از بانک مرکزی وام بگیرند، با نرخ سود پایینتری نیز به مشتریان خود وام خواهند داد [۱۸]. بدین صورت شرایطی به وجود میآید که افراد به وام گرفتن تشویق میگردند و مخارج مصرف کنندگان افزایش مییابد. زمانی که نرخ رشد اقتصاد به صورتی است که امکان دارد ابرتورم به وجود بیاید، بانک مرکزی نرخ سود را افزایش میدهد. وقتی بانکهای عضو نتوانند از بانک مرکزی با نرخ مقرون به صرفه، پول قرض نمایند، وامدهی به مشتریان خود را با ایجاد شرایط سختتری انجام خواهند داد [۱۷].

بر اساس نسبت ذخیره قانونی در بسیاری از موارد بانکها ملزم به نگهداری قسمتی از سپردههای تودیع شده نزد خود در بانک مرکزی میباشند. ذخیره قانونی بانکها بعنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی در مقایسه با دیگر ابزارها از مزیت‌های زیادی برخوردار است. برای مثال، تأثیر بکارگیری تغییرات نسبت ذخیره قانونی بانکهای تجاری و تخصصی، در مورد تمام بانکهای کشور ظاهر می‌گردد [۴]. در جدول ذیل، نرخ سود بین بانکی و نرخ ذخیره قانونی در ۱۸ سال اخیر مقایسه شده است:

زمانی که این بازار بین بانکی به خوبی کار کند، می‌تواند اعتبارات کوتاه مدت بانکها را تأمین نموده و مشکل نقدینگی بانکها را بدون دخالت بانک مرکزی و با هزینه کمتر از استقراض از بانک مرکزی حل و فصل کند. مواجه شدن با ریسک نقدینگی باعث می‌گردد تا بانکها مجبور به پذیرش هزینه‌های بالاتر از نرخ‌های معمول بازار برای تأمین منابع مالی شود [۸] و [۱].

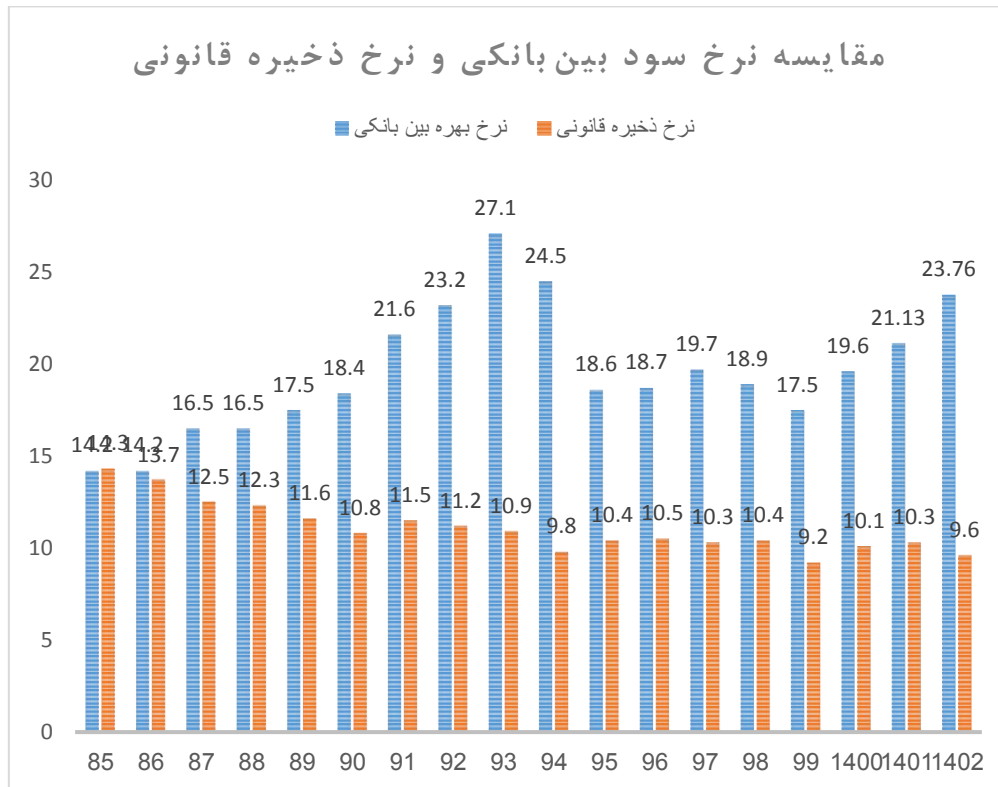
مبادلات در بازار بین بانکی عموماً مبتنی بر نرخ‌های بهره کوتاه مدت و آنی شکل می‌گیرد و سایر نرخ‌های بهره در اقتصاد از جمله نرخ‌های بهره بلندمدت از طریق «ساختار زمانی نرخ بهره» متأثر می‌گردند که نقش مهمی در تشکیل سرمایه در اقتصاد و رشد و توسعه اقتصادی دارند [۱۵]. در صورتی که بازار بین بانکی عملکرد مناسبی داشته باشد، بانک مرکزی به نحو مؤثرتری می‌تواند فشار کمتری را بعنوان آخرین قرض دهنده متحمل شود و از ایجاد شوکهای مرتبط با این نقش بر عملکرد نظام پولی بکاهد. از این رو، در اغلب شرایط، میزان وام گرفتن با نرخ تنزیل بسیار اندک است. این وام منبع پشتوانه‌ای برای نقدینگی بانکها به شمار میرود تا نرخ بهره بانک مرکزی، افزایشی بیشتر از نرخ هدف را تجربه نکند [۱۳].

زمانی که بانک مرکزی نرخ بهره بین بانکی یا نرخ تنزیل را تغییر میدهد، بسته به نتیجه تغییر، میزان فعالیت

جدول ۲. مقایسه نرخ سود بین بانکی و نرخ ذخیره قانونی در ۱۸ سال اخیر (منبع: بانک مرکزی، ۱۴۰۲)

سال	نرخ بهره بین بانکی	نرخ ذخیره قانونی
۸۵	۱۴,۲	۱۴,۳
۸۶	۱۴,۲	۱۳,۷
۸۷	۱۶,۵	۱۲,۵
۸۸	۱۶,۵	۱۲,۳
۸۹	۱۷,۵	۱۱,۶
۹۰	۱۸,۴	۱۰,۸
۹۱	۲۱,۶	۱۱,۵
۹۲	۲۳,۲	۱۱,۲
۹۳	۲۷,۱	۱۰,۹
۹۴	۲۴,۵	۹,۸
۹۵	۱۸,۶	۱۰,۴
۹۶	۱۸,۷	۱۰,۵
۹۷	۱۹,۷	۱۰,۳
۹۸	۱۸,۹	۱۰,۴

۹،۲	۱۷،۵	۹۹
۱۰،۱	۱۹،۶	۱۴۰۰
۱۰،۳	۲۱،۱۳	۱۴۰۱
۹،۶	۲۳،۷۶	۱۴۰۲



نمودار ۱. مقایسه نرخ سود بانکی و نرخ ذخیره قانونی (منبع: بانک مرکزی، ۱۴۰۲)

تأمین مالی برای بنگاه‌ها کاهش یافته و زمینه برای افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصاد فراهم می‌شود. برعکس، افزایش نرخ بهره باعث گران شدن تسهیلات و کاهش تمایل بنگاه‌های صنعتی و تولیدی به دریافت وام و گسترش فعالیت‌های خود خواهد شد. از این رو، سیاست‌گذاران همواره در تلاشند تا نرخ بهره را در سطحی تنظیم کنند که ضمن کنترل تورم، موتور محرکه توسعه صنعتی و اقتصادی کشور نیز باقی [۱۱] و [۹]. در بسیاری از کشورها، تجربه نشان داده که بازار بین بانکی و نرخ بهره بین بانکی، بستر تعیین نرخ‌های پایه برای سایر تسهیلات بانکی است. به عبارتی، رونق بازار بین بانکی و مدیریت صحیح نرخ‌های آن می‌تواند بر کاهش هزینه تأمین مالی برای واحدهای تولیدی و صنعتی اثرگذار باشد. مثلاً، در پژوهش حاضر تأکید شده که هرگونه تنش و افزایش بی ثباتی در بازار بین بانکی می‌تواند به سایر بازارها نیز سرایت کند و موجب نوساناتی در تأمین مالی کوتاه‌مدت و حتی بلندمدت بنگاه‌های تولیدی شود. لذا ثبات و شفافیت نرخ

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها با گذشت زمان کاهش یافته ولی نرخ سود بین بانکی با گذشت زمان افزایش پیدا می‌نماید. از مهم‌ترین علل این افزایش نرخ سود بین بانکی می‌توان به کاهش ذخایر نزد بانک‌ها به واسطه خرید اوراق و بازگشت نرخ ذخیره قانونی به مقدار قبل اشاره نمود. با گذشت زمان نیز این نرخ با شدت نوسان کمتری مواجه بوده است. اما در مورد نقش و نسبت نرخ بهره‌های بانکی با توسعه اقتصادی، تولید و صنعت باید گفت: نرخ بهره بانکی یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی است که هم بر تخصیص منابع مالی و هم بر سطح سرمایه‌گذاری و تولید در بخش‌های مختلف اقتصاد تأثیرگذار است. در اقتصادهای در حال توسعه، از جمله ایران، نرخ بهره علاوه بر اینکه نقش راهبردی در هدایت نقدینگی و مدیریت تقاضای کل ایفا می‌کند، تعیین‌کننده اصلی در جذب یا دفع سرمایه‌گذاری در بخش تولید و صنعت محسوب می‌شود. زمانی که نرخ بهره بانکی در سطحی پایین و باثبات قرار گیرد، هزینه

خلاصه پیشینه داخلی:

در تحقیق [۱] به ارزیابی عملکرد بانک های تجاری و تخصصی در ایران با تمرکز بر اثر نرخ بهره بین بانکی، پرداخته شده و یافته های تحقیق براساس داده های بورس اوراق بهادار و بانک سری های زمانی بانک مرکزی ج.ا.و متشکل از ۱۷ بانک تجاری و تخصصی دولتی و خصوصی، پیاده سازی شده است.

در تحقیق [۷] به بررسی اثر شیوع ویروس کووید-۱۹ بر نرخ بهره بین بانکی در بانکداری بدون ربا ایران، پرداخته شده. یافته های تحقیق مذکور براساس داده های بانک مرکزی ج.ا.و از ۳۰ بهمن ماه ۱۳۹۸ تا ۳۰ آذر ماه ۱۴۰۱، پیاده سازی شد.

تحقیق [۴] به بررسی تغییرات نرخ بهره بین بانکی بر متغیرهای پولی کشور و اثرات آن بر فروش اوراق بدهی و بازار سهام، اختصاص دارد. یافته های این تحقیق براساس داده های بورس اوراق بهادار و بانک سری های زمانی بانک مرکزی ج.ا.و در مورد تورم طرف عرضه و تورم طرف تقاضا، پیاده سازی شد.

[۳] به «بررسی تاثیر نرخ بهره بین بانکی و شیب منحنی عایدی بر سودآوری بانک های منتخب در ایران» طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۸ پرداخته اند و نتایج کلی الگوهای برآوردی بیانگر آن است که متغیرهای اهرم مالی و نرخ رشد دارایی تاثیر منفی و معنی دار بر نرخ بازده دارایی و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و تاثیر مثبت بر خالص درآمد بهره ای دارد.

[۵] کار « بررسی تاثیر عوامل درونی و بیرونی صنعت بانکداری بر ریسک اعتباری بانک ها در ایران » در دوره ۱۳۸۰-۱۳۹۵ و جامعه آماری شامل ۱۳ بانک را انجام داده اند. نتایج حاکی از آن است که از میان متغیرهای درونی بانک ها، اندازه و سرمایه اثر مثبت و اندازه بانک اثر منفی می گذارد.

[۶] به «بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه نرخ سود بانک ها در ایران و با بکارگیری روش داده های تابلویی» و داده های طی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ پرداخته اند. نتایج الگوی برآورد شده نشان می دهد از میان متغیرهای کلان، کل حجم معاملات بازار سهام بیشترین تاثیر و سپرده های جاری کمترین تاثیر را بر این متغیر داشته اند و نقدینگی بازار سهام اثر معناداری بر این متغیر نداشته است.

بهره بین بانکی به بانک ها اجازه می دهد که با ریسک کمتر و هزینه پایین تر، نیازهای اعتباری بخش تولید را تأمین کنند و از این طریق سهم خود را در رشد اقتصادی افزایش دهند [۳] و [۱۰].

در طرف دیگر، ارتباط نرخ بهره با رشد و توسعه صنعت به شدت متأثر از عوامل بیرونی و کلان اقتصادی است؛ عواملی مانند نرخ تورم، نرخ ارز، رشد نقدینگی و تحولات بازار سهام همگی می توانند بر رفتار نرخ بهره اثر بگذارند و از این طریق بر هزینه وام گیری بنگاه های صنعتی و تولیدی تاثیر بگذارند. طبق یافته های پژوهش، نرخ تورم و نرخ ارز دو عامل کلان بسیار تاثیر گذارند که با ضرایب بالایی بر نرخ بهره بین بانکی و به تبع آن بر عملکرد بازار پول تاثیر می گذارند. افزایش تورم موجب بالا رفتن نرخ بهره حقیقی و اسمی می شود و از این طریق انگیزه برای سرمایه گذاری های مولد را کاهش می دهد، زیرا سود مورد انتظار بنگاه ها کاهش یافته و ریسک پذیری کاهش می یابد. همین طور، نوسانات نرخ ارز به ویژه در اقتصادهای واردات محور، هزینه تجهیزات و مواد اولیه را افزایش می دهد و در صورت بالا بودن نرخ بهره، فشار مضاعفی بر بخش تولید و صنعت وارد خواهد شد [۱۵].

به علاوه، ساختار بانکی، اندازه و سرمایه بانک ها، و میزان تسهیلات دهی نسبت به سپرده ها به عنوان عوامل درونی نظام بانکی می تواند بر میزان و جهت دهی اعتبارات به بخش تولید و صنعت تاثیر گذار باشد. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که توسعه تأمین اعتبارات و اندازه بانک با ضرایب بالا (۹۹ و ۹۵ درصد) توانسته اند اثر مثبت و معناداری بر بهبود اثرات نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد بازار پول داشته باشند؛ به عبارتی، بانک هایی که بزرگ تر و دارای تأمین مالی گسترده تر هستند، بهتر می توانند به بخش تولید و صنعت خدمات مالی ارائه دهند و از آثار منفی نوسانات نرخ بهره بکاهند. از این منظر، اصلاح ساختار بانک ها، افزایش سرمایه گذاری درون بانکی و توسعه ابزارهای نوین مالی، همگی می توانند اثر تسهیل گری برای تولید و صنعت داشته باشند [۹] و [۴].

۳- پیشینه تحقیق

در حقیقت، خلاصه پیشینه پژوهش های انجام شده در این حوزه به شرح زیر است:

دادند. نتایج تحلیل رگرسیون داده‌های تابلویی نشانگر آن است که بین نقدینگی بانک‌ها و عواملی همچون کفایت سرمایه، نرخ بهره وام و سودآوری رابطه مثبت حاکم است و توسعه تامین اعتبارات، حاشیه سود، نرخ بهره و نرخ بهره بین بانکی رابطه‌ای منفی با نقدینگی بانک‌ها دارد. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه‌ای مبهم بین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نقدینگی بانک است. بیکاری، وام‌های غیرتوجهی و نیز بحران‌های مالی، تأثیر معناداری بر نقدینگی بانک‌های مجارستان ندارند.

[۱۴] در مطالعه خود با عنوان عوامل اثرگذار بر نرخ بهره بانکی در کشور رومانی، نشان داده اند وقتی ظرفیت اقتصاد به شکل تدریجی اشباع می‌گردد، فاینانس می‌تواند خودش را فاینانس کند، مستقل (از هر نوع ارتباط از منظر افزایش سرمایه گذاری واقعی) با چرخه اصلی اقتصاد. این منجر به شکل‌گیری حساب در حوزه دارایی شده و این حساب مستقل از چرخه واقعی تولید دائم خودش را گسترش می‌دهد تا جایی که این حساب یا بدهی معادلش در اقتصاد دچار ترکیبگی شود. همگام با ایجاد حساب، ابزار ایجاد چنین حسابی نرخ بهره بانکی می‌باشد.

۴- مدل تجربی و داده‌ها

در اینجا با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته و مرور انتقادی کتاب‌ها و مقالات مرتبط با مدل پژوهش، با توسعه مدل‌های موجود در پژوهش‌های [۱۷] و [۱۲] و [۱۶] و [۲۱] و [۲۰] و [۱۱] و [۱] و [۴] و [۷] و [۳] در ابتدا متغیرها و معیارهایی شناسایی گردید. برای بررسی اثرات عوامل درونی و بیرونی بر روی نرخ بهره بین بانکی در ایران بر مبنای مباحث تئوریک و ملاحظات تجربی، مدل داده‌های ترکیبی که در بحث فوق‌الذکر توضیح داده شده را بسط و گسترش می‌دهیم. از این‌رو، مدل مورد بررسی ریاضی در این پژوهش، به صورت زیر می‌باشد:

$$\text{LIBORit} = C + b1\text{LBZit} + b2\text{LBCit} + b3\text{LDOf} + b4\text{LBFit} + b5\text{LRRit} + b6\text{LEGit} + b7\text{LINFit} + b8\text{LNGit} + b9\text{LCURit} + b10\text{LINTit} + b11\text{LSMIit} + \varepsilon_{it}$$

توکلی (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای به «برآورد اثر نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد (سودآوری) بانک‌های ایران با بکارگیری روش داده‌های تابلویی اقتصادسنجی» برای دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۲ می‌پردازد. نتایج مطالعه رفتار سودآوری بانک‌های ایران را عواملی غیر از عوامل موجود در این پژوهش توضیح می‌دهد.

خلاصه پیشینه خارجی:

در تحقیق [۱۷] به بررسی تصمیمات بین بانکی^۲ و حاشیه ثبات پولی مبتنی بر رویکرد ثابت جریان سهام بانکی^۳، اقدام شده. نتایج تحقیق مذکور براساس داده‌های ارزش سهام سرمایه و مخارج دولت به صورت برونزا بر اساس آمار یورواستات در سال ۲۰۲۲ اجرایی گردید.

در تحقیق [۱۲] به ارزیابی انتقال نقدینگی بین بانکی^۵ و کانال اعتباری سیاست پولی پرداخته شده. در واقع، یافته‌های تحقیق مذکور براساس داده‌های پانلی نامتعادل سه ماهه ۱۰۷ بانک تجاری در کشور چین از Q4 ۲۰۰۵ تا Q4 ۲۰۲۰ پیاده‌سازی شد.

در تحقیق [۲۰] به تحلیل ساختار شبکه ای بازار بین بانکی^۷، اقدام شده. پیشنهادات تحقیق مذکور براساس داده‌های نظام بانکداری کشور ترکیه برای دوره ۲۰ ساله اجرایی شد.

در تحقیق [۲۱] به بررسی معیارهای مرکزیت شبکه با نرخ بهره در بازارهای بین بانکی امن و ناامن^۹، اقدام گردید. در حقیقت، نتایج تحقیق مذکور براساس داده‌های نظارتی در سطح معامله از پایگاه‌های داده بانک مرکزی کشور مکزیک (۵۲ موسسه) از ژانویه ۲۰۰۵ تا ژوئن ۲۰۱۷ و پایگاه داده بازار امن (۴۸ موسسه) اجرایی گردید.

تحقیق [۱۶] به ارزیابی سیاست نرخ بهره بانکی^{۱۱} و تجزیه بازار بین بانکی^{۱۲}، پرداخته است. یافته‌های تحقیق مذکور براساس داده‌های ۱۴ کشور OECD توسط دانشگاه دویسبورگ-اسن، کشور آلمان، پیاده‌سازی شد.

[۱۱] عوامل مؤثر بر نقدینگی بانک‌های تجاری مجارستان را در دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ مورد بررسی قرار

8. Téllez
9. Secured and Unsecured Interbank Markets
10. Nückles
11. Interest Rate Policy
12. Interbank Market Breakdown
13. Delechat
14. Munteanu

1. Reale
2. Interbank Decisions
3. Bank Stock-Flow Consistent Approach
4. Jiang
5. Interbank Liquidity Transmission
6. Sümer & Özyıldırım
7. Interbank Market Network Structure

بدست آوردن تاثیر نرخ بهره بین بانکی وارد مدل خواهیم کرد.

۵- روش شناسی

این پژوهش از نظر نتایج پژوهش از نوع کاربردی و از حیث گردآوری داده ها از نوع اسنادی یا کتابخانه‌ای می باشد. این پژوهش از داده‌های رسمی در سطح بانکها و بانک مرکزی و مرکز آمار ایران در ایران در طول دوره آمارهای سالهای ۱۳۷۰-۱۴۰۱ بهره‌برداری می نماید. آمار مورد نیاز از طریق مراجعه به سایت بانکهای دولتی و خصوصی و بانک اطلاعات و داده‌های مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران گردآوری و تجزیه و تحلیل می گردد. روش آزمون فرضیه‌ها در این پژوهش به صورت علی و همبستگی است که ضرایب رگرسیون مطرح شده در بخش سوالات مشخص پژوهش مورد آزمون قرار می گیرد. برای بررسی تاثیر عوامل درونی و بیرونی بر نرخ بهره بین بانکی در کشور ایران، مدل حداقل مربعات کاملاً تعدیل شده (FM-OLS) در بخش تخمین مدل تصریح شد زیرا روش $FM-OLS^1$ تخمین‌های قابل اطمینانی را برای نمونه‌های کوچک ارائه می نماید. این روش برای بررسی وجود رابطه بلند مدت بین متغیرها ارائه شده است. در واقع این روش امکان و شرایط لازم برای برآورد پارامترهای یک معادله هم انباشتگی را فراهم می آورد. لذا در صورت وجود رابطه بلند مدت و هم انباشتگی بین متغیرها مدل را می توان به روش FM-OLS برآورد و ضرایب بلند مدت را به دست آورد. برای برآورد این مدل مراحل زیر طی می گردد:

(الف) آزمون مانایی

(ب) آزمون همخطی

(ج) آزمون هم انباشتگی

(د) انجام برآورد FM-OLS

(ه) بررسی نتایج

این پژوهش در صدد آن است با بکارگیری آمار استنباطی و از طریق آزمون فرضیه‌ها و به کمک مدل‌های تجربی به بررسی اثرات عوامل درونی و بیرونی بر روی نرخ بهره بین بانکی در ایران بپردازد. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و از طریق سایت بانکها دولتی و خصوصی ایران و داده‌های سری زمانی بانک مرکزی

متغیر وابسته پژوهش عبارت‌اند از:

LIBORit: لگاریتم نرخ بهره بین بانکی در کشور ایران t سال در سال t تعریف شده است.

متغیرهای مستقل درونی پژوهش عبارت‌اند از:

LRRit: لگاریتم نرخ ذخیره قانونی در کشور ایران t سال در سال t تعریف شده است.

LBFit: لگاریتم توسعه تامین اعتبارات در کشور ایران t سال در سال t تعریف شده است.

LBCit: لگاریتم سرمایه بانک در کشور ایران t سال در سال t تعریف شده است.

LDOFit: لگاریتم تسهیلات بانکها نسبت به سپرده‌ها در کشور ایران t سال در سال t تعریف شده است.

LBZit: لگاریتم اندازه بانک در کشور ایران t سال در سال t تعریف شده است.

متغیرهای مستقل بیرونی پژوهش عبارت‌اند از:

LINFit: لگاریتم نرخ تورم در کشور ایران t سال در سال t تعریف شده است.

LEGit: لگاریتم نرخ رشد اقتصادی در کشور ایران t سال در سال t تعریف شده است.

LNGit: لگاریتم نرخ رشد نقدینگی در کشور ایران t سال در سال t تعریف شده است.

LCURit: لگاریتم نرخ ارز در کشور ایران t سال در سال t تعریف شده است.

LINTit: لگاریتم نرخ بهره در کشور ایران t سال در سال t تعریف شده است.

LSMIt: لگاریتم نرخ شاخص بازار سهام در کشور ایران t سال در سال t تعریف شده است.

b ها: نشان دهنده پارامترهای تخمین می باشند.

ε_{it} : جزء خطای تصادفی مدل

داده‌های مربوط به متغیر وابسته (LIBORit) و همچنین همه متغیرهای مستقل از آمارهای داخلی (سطح بانکها و بانک مرکزی و مرکز آمار ایران) استخراج می گردد. ما نرخ بهره بین بانکی را بعنوان شاخص متغیر وابسته‌مان در نظر می گیریم و یک تابع لگاریتمی را فرض نموده ایم و پنج متغیر درونی بانک و شش متغیر بیرونی بانک که می توانند به نرخ بهره بین بانکی در کشور ایران تاثیر بگذارد را برای

1. Fully Modified Ordinary Least Squares

جمهوری اسلامی ایران است. در این پژوهش، ابتدا بمنظور مرور ادبیات مربوط به عوامل درونی و بیرونی صنعت بانکداری، در مرحله بعد برای استنباط و آزمون فرضیه‌ها و پاسخ به سوالات، اطلاعات آماری از طریق سایت شعب بانک‌ها و داده‌های سری زمانی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران گردآوری و در نهایت بمنظور بررسی ارتباط، مدل معرفی شده در پژوهش با بکارگیری پنل دیتا به روش (FM-OLS) طی دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۱ تخمین زده می‌گردد اقتصادسنجی ارائه شده و در قالب آن با بکارگیری نرم‌افزار Eviews10 تجزیه و تحلیل مورد نظر انجام می‌گردد. بدین منظور ابتدا آزمون پایایی عمدتاً بمنظور جلوگیری از رگرسیون‌های کاذب انجام می‌گیرد برای حصول اطمینان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها، آزمون هم‌انباشتگی انجام خواهد شد، و وقتی متغیرها ناماناست باشند، ممکن است بین آن‌ها یک رابطه تعادلی یا بلندمدت وجود داشته باشد. بدین منظور ابتدا برای تعیین وجود (عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورها از آزمون F بهره‌برداری می‌گردد و سپس برای تعیین بکارگیری مدل اثر ثابت در مقابل مدل اثر تصادفی، از آزمون هاسمن بهره‌برداری می‌گردد. به عبارت دیگر، رایج‌ترین آزمون برای تعیین نوع مدل داده‌های ترکیبی، آزمون هاسمن است. آزمون هاسمن بر پایه وجود یا عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل مدل شکل گرفته است. اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد، مدل اثر تصادفی و اگر این ارتباط نشان‌دهنده وجود نداشته باشد، مدل اثر ثابت کاربرد خواهد داشت. نوآوری این پژوهش با توجه به اینکه در مطالعات گذشته در زمینه بررسی اثرات عوامل درونی و بیرونی بر روی نرخ بهره بین بانکی موجود نمی‌باشد لذا در این پژوهش برآنیم که این تاثیر را مطالعه نموده و رابطه بین متغیرهای دورنی (نرخ ذخیره قانونی، توسعه تامین اعتبارات، سرمایه بانک، میزان تسهیلات بانک‌ها نسبت به سپرده‌ها، اندازه بانک) و متغیرهای بیرونی (نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی، نرخ رشد نقدینگی، نرخ ارز، نرخ بهره و شاخص بازار سهام) و نرخ بهره بین بانکی را بدست بیاوریم. مشکلی که در خصوص داده‌های ناماناست یا دارای روند وجود دارد، این است که تکنیک‌های رگرسیون استاندارد OLS منجر به نتایج نادرست می‌گردد. می‌توان نشان داد که در چنین مواقعی مقادیر بسیار بالای R^2 به دست می‌آید. همچنین مقادیر

بسیار بالایی برای نسبت‌های t ممکن است بدست آید درحالی‌که متغیرهای بهره‌برداری شده در تحلیل‌ها هیچ‌گونه ارتباطی با یکدیگر ندارند. از این‌رو، قبل از برآورد مدل لازم است آزمون ریشه واحد انجام گیرد تا دچار رگرسیون کاذب نشویم. بدین منظور از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) و فیلیپس پرون بوسیله نرم افزار Eviews 10 بهره‌برداری می‌گردد. اگر متغیرها ریشه واحد داشته باشند باید از متغیرها تفاضل‌گیری کرد. با ت تفاضل‌گیری متغیرها ریشه واحد نخواهند داشت اما مدل اطلاعات مهم بلندمدت خود را با تفاضل‌گیری از دست می‌هد. برای جلوگیری از دست دادن اطلاعات روشی توسط پدرونی توسعه یافته است که به هم‌انباشتگی معروف است. وقتی متغیرها ناماناست باشند، ممکن است بین آن‌ها یک رابطه تعادلی یا بلندمدت وجود داشته باشد. در چنین حالتی، یک ترکیب خطی مانا از متغیرها بدست می‌آید که این ترکیب مانا بوده که همان رابطه تعادلی یا هم‌انباشتگی است. به عبارت دیگر هم‌انباشتگی راه‌حلی برای مشکل نامانایی است که رابطه بلندمدت را بین متغیرها توصیف می‌نماید.

۶ یافته‌ها

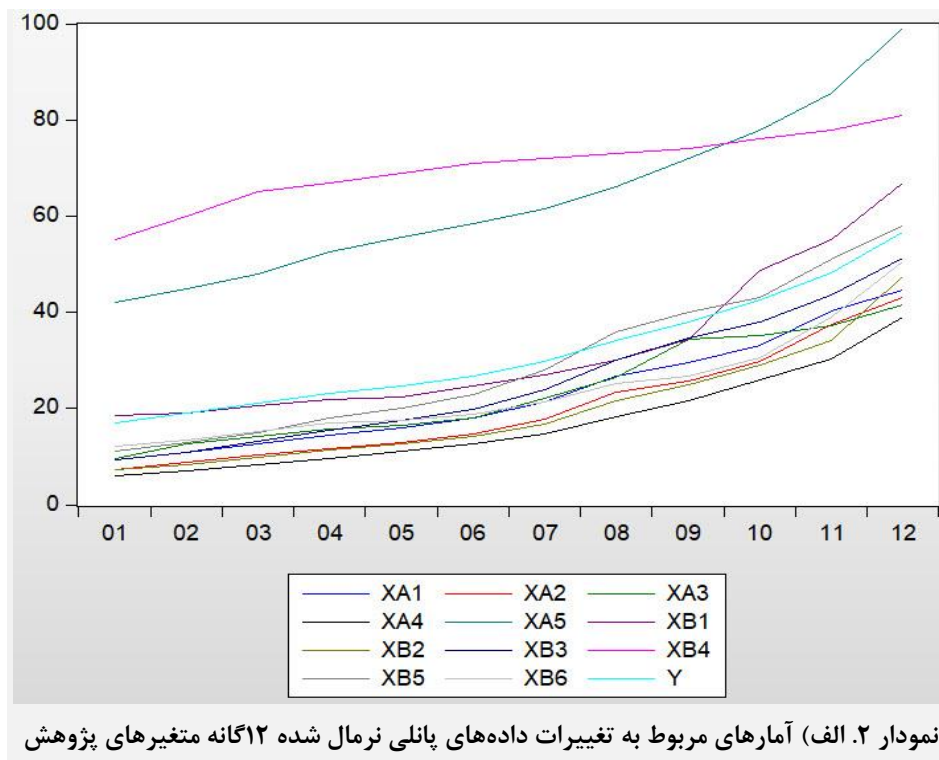
پژوهش حاضر، یک مطالعه تحلیلی و گذشته نگر است و داده‌های تابلویی در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۱ جهت بررسی اثرات عوامل درونی و بیرونی بر روی نرخ بهره بین بانکی در ایران، قادر به تصریح و آزمون مدل‌های رفتاری پیچیده‌تری نسبت به سری‌های زمانی و مقطعی محض هستند. لذا این پژوهش در بازه ۱۲ سری زمانی انجام می‌گردد:

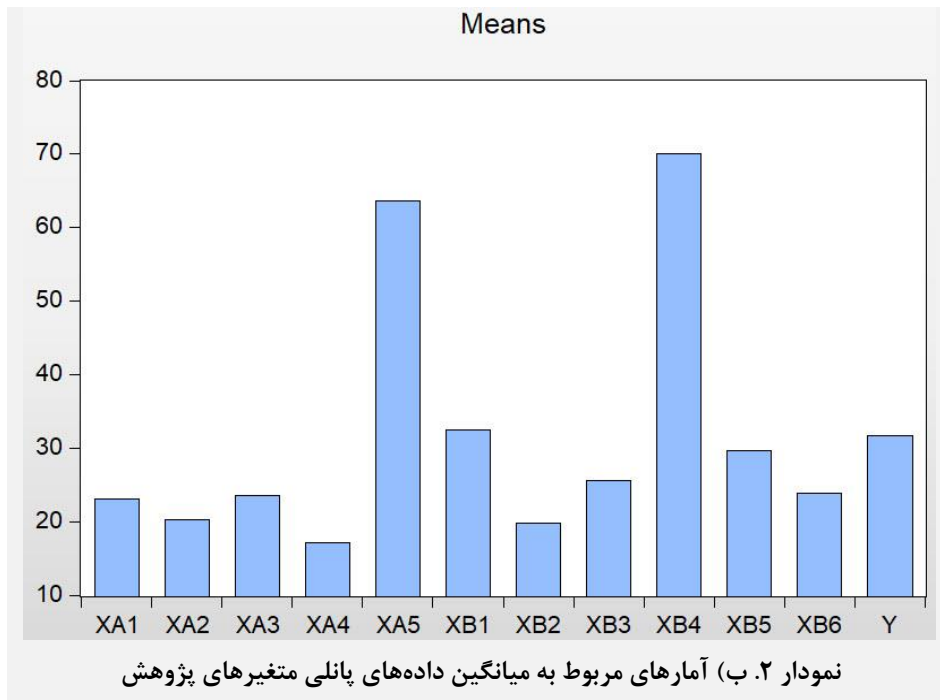
داده‌های تابلویی اول: داده‌های نرمال شده سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۱
داده‌های تابلویی دوم: داده‌های نرمال شده سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴
داده‌های تابلویی سوم: داده‌های نرمال شده سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷
داده‌های تابلویی چهارم: داده‌های نرمال شده سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰
داده‌های تابلویی پنجم: داده‌های نرمال شده سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳



داده‌های مورد بهره‌گیری در این مطالعه جهت برآورد متغیر هدف (Y) یعنی بهبود اثرات نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد بازار پول در برگیرنده متغیرهایی از قبیل: عوامل درونی بانک‌ها (A) (سرمایه بانک (XA1)، اندازه بانک (XA2)، میزان تسهیلات بانک‌ها نسبت به سپرده‌ها (XA3)، نرخ ذخیره قانونی (XA4)، توسعه تامین اعتبارات (XA5))؛ و عوامل بیرونی بانک‌ها (B) (نرخ ارز (XB1)، نرخ بهره (XB2)، نرخ رشد اقتصادی (XB3)، نرخ تورم (XB4)، نرخ رشد نقدینگی (XB5) و شاخص بازار سهام (XB6)). جهت گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد بهره‌گیری در این مطالعه از وب سایت مرکز آمار ایران و پایگاه داده‌ای بانک مرکزی بهره‌گیری شد. با بکارگیری داده‌های تابلویی مربوط به گزارش‌های مالی و دیتاست‌های بانک مرکزی، آمارهای مربوط به میانگین داده‌های پانلی متغیرهای پژوهش ارائه شده است:

داده‌های تابلویی ششم: داده‌های نرمال شده سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۴
داده‌های تابلویی هفتم: داده‌های نرمال شده سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۸۷
داده‌های تابلویی هشتم: داده‌های نرمال شده سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۰
داده‌های تابلویی نهم: داده‌های نرمال شده سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۳
داده‌های تابلویی دهم: داده‌های نرمال شده سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۶
داده‌های تابلویی یازدهم: داده‌های نرمال شده سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۳۹۸
داده‌های تابلویی دوازدهم: داده‌های نرمال شده سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۰





(XA4) در عوامل درونی بانک‌ها و متغیر نرخ بهره (XB2) در عوامل درونی بانک‌ها، تغییرات کمتری را نشان می‌دهد. از آنجاکه متغیرهای مذکور، در طول دوره مورد بررسی، تغییرات کمتری داشته‌اند، امری معقول و طبیعی است. از سویی دیگر، بررسی مانایی متغیرها پیش از ورود به برآورد مدل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در جدول ذیل، نتایج آزمون مانایی ایم، پسران و شین ارائه شده است:

بر اساس آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش، میانگین تغییرات داده‌های پانلی نرمال شده متغیر توسعه تامین اعتبارات (XA5) در عوامل درونی بانک‌ها و متغیر نرخ تورم (XB4) در عوامل درونی بانک‌ها، دارای بیشترین افزایش در طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۱ بوده‌اند. تغییرات متغیرهای مذکور در پانل ۱۲۱۱ یعنی بین سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ به بالاترین حد رسیده است. از سویی دیگر، داده‌های پانلی نرمال شده متغیر نرخ ذخیره قانونی

جدول ۳. نتایج آزمون مانایی ایم، پسران و شین (منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

متغیرهای پژوهش	P-value در سطح	P-value تفاضل مرتبه اول
سرمایه بانک (XA1)	۰,۰۰۱	-
اندازه بانک (XA2)	۰,۰۰۰	-
میزان تسهیلات بانک‌ها نسبت به سپرده‌ها (XA3)	۰,۰۰۰	-
نرخ ذخیره قانونی (XA4)	۰,۰۰۲	۰,۰۳۰
توسعه تامین اعتبارات (XA5)	۰,۰۰۰	-
(نرخ ارز) (XB1)	۰,۰۰۰	-
نرخ بهره (XB2)	۰,۰۰۰	-
نرخ رشد اقتصادی (XB3)	۰,۰۰۰	-
نرخ تورم (XB4)	۰,۰۰۰	-
نرخ رشد نقدینگی (XB5)	۰,۰۰۱	۰,۰۲۰
شاخص بازار سهام (XB6)	۰,۰۰۰	۰,۱۰۰



با توجه به نتایج آزمون مانایی ایم، پسران و شین، برخی از متغیرها در سطح مانا بوده و برخی نیز با یکبار تفاضل گیری مانا هستند. در ادامه، نتایج آزمون خودهمبستگی بین مقاطع جزء اخلاص پسران در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول ۴. آزمون خودهمبستگی بین مقاطع جزء اخلاص پسران (منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

متغیرهای پژوهش	آماره خودهمبستگی بین مقاطع (CD-) (test)	P-value
سرمایه بانک (XA1)	۱,۰۲	۰,۰۰۰
اندازه بانک (XA2)	۵,۲۴	۰,۰۰۰
میزان تسهیلات بانک‌ها نسبت به سپرده‌ها (XA3)	۰,۹۲	۰,۰۱۰
نرخ ذخیره قانونی (XA4)	۱۱,۶۳	۰,۰۰۰
توسعه تامین اعتبارات (XA5)	۷,۸۱	۰,۰۰۰
(نرخ ارز (XB1)	۶,۰۳	۰,۰۰۰
نرخ بهره (XB2)	۲,۲۴	۰,۰۰۳
نرخ رشد اقتصادی (XB3)	۰,۵۷	۰,۰۰۰
نرخ تورم (XB4)	۷,۶۳	۰,۰۰۰
نرخ رشد نقدینگی (XB5)	۷,۸۸	۰,۰۰۰
شاخص بازار سهام (XB6)	۹,۴۲	۰,۰۲۱

رابطه بلندمدت بین متغیرها از آزمون هم انباشتگی کائو بهره‌برداری شده است. نتایج آزمون هم انباشتگی کائو برای همه معادلات در جدول ذیل ارائه شده است:

با توجه به اینکه، P-value در آزمون خودهمبستگی بین مقاطع جزء اخلاص پسران، کمتر از ۵ صدم محاسبه شده، بنابراین، تمامی ۱۱ متغیر پژوهش، از منظر خودهمبستگی در وضعیت مناسبی قرار دارند. از این‌رو، بمنظور بررسی

جدول ۵. نتایج آزمون هم انباشتگی کائو (منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

معادلات آزمون	P-value
معادله ۱	۰,۰۰۲
معادله ۲	۰,۰۱۷
معادله ۳	۰,۰۰۵
معادله ۴	۰,۰۰۱
معادله ۵	۰,۰۱۱
معادله ۶	۰,۰۰۷
معادله ۷	۰,۰۲۳
معادله ۸	۰,۰۰۴
معادله ۹	۰,۰۰۳
معادله ۱۰	۰,۰۲۷
معادله ۱۱	۰,۰۱۹

همان‌گونه که در نتایج آزمون هم انباشتگی کائو قابل مشاهده است، همه معادلات هم انباشته هستند زیرا P-value برای تمامی متغیرهای پژوهش، کمتر از ۵ صدم محاسبه شده است. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون‌های انجام شده، نتایج برآورد معادلات به روش حداقل مربعات معمولی تعدیل شده در جدول ذیل آورده شده است:

همان‌گونه که در نتایج آزمون هم انباشتگی کائو قابل مشاهده است، همه معادلات هم انباشته هستند زیرا P-value برای تمامی متغیرهای پژوهش، کمتر از ۵ صدم



جدول ۶. نتایج برآورد معادلات به روش حداقل مربعات معمولی تعدیل شده (FM-OLS) (منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

آماره رگرسیون تعدیل شده (R ²)	شاخص بازار سهام (XB6)	نرخ رشد نقدینگی (XB5)	نرخ تورم (XB4)	نرخ رشد اقتصادی (XB3)	نرخ بهره (XB2)	(نرخ ارز (XB1)	توسعه تامین اعتبارات (XA5)	نرخ ذخیره قانونی (XA4)	میزان تسهیلات بانکها نسبت به سپرده‌ها (XA3)	اندازه بانک (XA2)	سرمایه بانک (XA1)	FM-OLS
۰,۹۵											۰,۸۲ (۰,۰۰۰)	معادله ۱
۰,۸۹										۰,۹۵ (۰,۰۰۱)		معادله ۲
۰,۸۶									۰,۹۱ (۰,۰۰۰)			معادله ۳
۰,۹۱								۰,۷۸ (۰,۰۰۱)				معادله ۴
۰,۹۴							۰,۹۹ (۰,۰۰۰)					معادله ۵
۰,۸۸						۰,۹۱ (۰,۰۰۱)						معادله ۶
۰,۸۷						۰,۹۲ (۰,۰۰۰)						معادله ۷
۰,۹۵				۰,۷۹ (۰,۰۰۱)								معادله ۸
۰,۹۸				۰,۹۸ (۰,۰۰۰)								معادله ۹
۰,۹۷		۰,۹۱ (۰,۰۰۱)										معادله ۱۰
۰,۹۳	۰,۸۱ (۰,۰۰۰)											معادله ۱۱

اعداد موجود در جدول بالا نشان‌دهنده ضرایب رگرسیونی متغیرها و اعداد داخل پرانتز بیانگر P-value هستند. در حقیقت، تغییرات توسعه تامین اعتبارات (XA5) و اندازه بانک (XA2) همان‌گونه که قابل انتظار است، با ضریب ۹۹ صدم و ۹۵ صدم، باعث بهبود اثرات نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد بازار پول شده است. از سویی دیگر، تغییرات متغیرهای (نرخ ارز (XB1) و نرخ تورم (XB4)، دارای تأثیرات معناداری بر بهبود اثرات نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد بازار پول، است زیرا ضریب آنها ۹۹ درصد و ۹۴ درصد محاسبه شده است. این موضوع مؤید اثری است

که نرخ ارز و نرخ تورم در همه جنبه‌های اقتصادی آن، می‌تواند بر بهبود اثرات نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد بازار پول داشته باشد. از طرفی دیگر، متغیرهای میزان تسهیلات بانکها نسبت به سپرده‌ها (XA3)، نرخ بهره (XB2) و نرخ رشد نقدینگی (XB5) با ضریب ۹۱ صدم دارای اثرات معنادار و مشابهی بر بهبود اثرات نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد بازار پول هستند، درحالی که، متغیرهای سرمایه بانک (XA1)، نرخ ذخیره قانونی (XA4)، نرخ رشد اقتصادی (XB3) و شاخص بازار سهام (XB6) با ضریب تقریبی ۸۰ صدم در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از منظری



تامین اعتبارات در تبیین رفتار نرخ بهره بین بانکی بوده است.

در سوی دیگر، تحلیل اثر عوامل بیرونی نشان داد که نرخ ارز، نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم، رشد نقدینگی و شاخص بازار سهام همگی بر نرخ بهره بین بانکی اثر مثبت و معنادار دارند. ضریب این روابط برای نرخ ارز ۹۱ درصد، نرخ رشد اقتصادی ۷۹ درصد، نرخ تورم ۹۸ درصد، نرخ رشد نقدینگی ۹۱ درصد و شاخص بازار سهام ۸۱ درصد برآورد شده است. این نتایج به روشنی اهمیت متغیرهای کلان اقتصادی را در تعیین نرخ بهره بین بانکی آشکار می سازد. برای مثال، افزایش نرخ تورم از سوی بانک مرکزی با سیاست افزایش نرخ بهره بین بانکی پاسخ داده می شود تا از طریق کاهش نقدینگی، تورم کنترل گردد. این رویکرد سیاستی در واقع یک سیاست انقباضی به شمار می رود و افزایش نرخ بهره موجب جذب منابع مالی مردم به سوی بانکها و کاهش تمایل به سرمایه گذاری در بازارهای موازی مانند مسکن، ارز و طلا می شود. هرچند در کوتاه مدت ممکن است برخی معتقد باشند که افزایش نرخ بهره بین بانکی اثر منفی بر بازار سرمایه دارد، اما تحلیل های مبتنی بر شواهد پژوهش نشان می دهد که این اثر بیشتر روانی و موقت است. یافته های مرتبط با عوامل بیرونی نیز با مطالعات [۲۱] و [۲۰] و [۱۱] و [۱] و [۴] همسویی دارد و بر ضرورت تحلیل جامع متغیرهای کلان اقتصادی در سیاست گذاری نرخ بهره تأکید دارد.

در این میان، پژوهش حاضر از منظر نوآوری علمی نیز قابل توجه است؛ چرا که با مدل سازی روابط میان عوامل درونی بانکها (مانند سرمایه، اندازه، تسهیلات، ذخیره قانونی و تامین اعتبارات) و عوامل بیرونی (همچون نرخ ارز، تورم، رشد اقتصادی و نقدینگی) و اثرگذاری متقابل آنها بر عملکرد بازار پول و نرخ بهره بین بانکی، گامی مهم در پر کردن شکاف های پژوهشی این حوزه برداشته است. به همین منظور، پیشنهاد می شود پژوهش های بعدی از تکنیک های تصمیم گیری چندشاخصه (MCDM) فازی جهت رتبه بندی روابط و ساختن آنتولوژی فازی برای مدل سازی جامع تر دانش این حوزه بهره ببرند و همچنین استفاده از الگوریتم های هوش مصنوعی و متدلوژی نظام داینامیکز (Vensim) برای تحلیل پویای ساختارهای پیچیده توصیه می گردد.

دیگر، با توجه به اینکه، آماره رگرسیون تعدیل شده (R^2) برای تمامی متغیرهای پژوهش، بالای ۸۵ درصد محاسبه شده، بنابراین نتایج برآورد معادلات به روش حداقل مربعات معمولی تعدیل شده (FM-OLS) بسیار قابل اعتماد است زیرا مزیت کلیدی روش FM-OLS در ساختن ماتریس کوواریانس بلندمدت تخمین زنده ها است. سایر نتیجه گیری ها در بخش بعدی، یعنی نتیجه گیری و پیشنهادات، جهت بهره گیری کارشناسان و مدیران نظام بانکداری کشور و خبرگان دانشگاهی در رشته های بانکداری؛ اقتصاد پولی؛ حسابداری و مدیریت مالی ارائه می گردند.

۷- نتیجه گیری

یکی از نتایج اساسی پژوهش حاضر، تأیید تمامی ده فرضیه پژوهش است که به صورت جامع روابط میان متغیرهای درونی و بیرونی تأثیرگذار بر نرخ بهره بین بانکی در ایران را بررسی و تبیین نموده است. بر مبنای یافته ها، بین سرمایه بانک و نرخ بهره بین بانکی رابطه مثبت و معناداری با ضریب ۸۲ درصد وجود دارد؛ همچنین، اندازه بانک با نرخ بهره بین بانکی رابطه ای مثبت و معنادار با ضریب ۹۵ درصد دارد. نرخ ذخیره قانونی نیز با ضریب ۷۸ درصد، میزان تسهیلات بانکها نسبت به سپرده ها با ضریب ۹۱ درصد و توسعه تامین اعتبارات با ضریب ۹۹ درصد همگی نشان دهنده اثرگذاری مستقیم و معنادار بر نرخ بهره بین بانکی در ایران هستند. این نتایج با ساختار نظام بانکی ایران و ماهیت عملکرد بازار بین بانکی مطابقت دارد، چرا که نرخ بهره بین بانکی در ایران با میانگین وزنی معاملات بین بانکها محاسبه می شود و به عنوان معیاری برای تنظیم رفتار روزانه بانکها نقش آفرین است. در عین حال، به دلیل ماهیت نوسانی این بازار و امکان افزایش یا کاهش شدید نرخها در کوتاه مدت، بانک مرکزی با تعیین دامنه نرخ برای بازار بین بانکی (در حال حاضر ۱۴ تا ۲۲ درصد)، تلاش نموده است ثبات نسبی را حفظ و از شوک های ناگهانی جلوگیری کند. بر همین مبنای، افزایش نرخ سود بین بانکی معمولاً منجر به کاهش تورم و رکود می شود و کاهش آن، بالعکس، موجب افزایش تورم و رونق نسبی خواهد بود. یافته های مبتنی بر عوامل درونی بانکها با مطالعاتی همچون [۱۷]، [۱۲]، [۱۶]، [۷] و [۳] همخوانی دارد که تأکید آنها بر نقش سرمایه، اندازه، تسهیلات دهی، ذخیره قانونی و توسعه

آسیب‌پذیری بانک‌ها و فعالان اقتصادی در برابر نوسانات نرخ ارز و تورم فراهم می‌کند. از سوی دیگر، تنوع‌بخشی منابع درآمدی دولت و حرکت به سمت پایه‌های مالیاتی پایدار و کاهش اتکا به درآمدهای ناپایدار (مانند صادرات مواد خام یا نفت) باعث کاهش وابستگی نرخ ارز و تورم به تکانه‌های بیرونی و افزایش قابلیت مدیریت بازار پول خواهد شد. گسترش و تعمیق بازار سرمایه و ایجاد کانال‌های متنوع تأمین مالی غیر از نظام بانکی، نیز می‌تواند اثر مستقیم نرخ بهره بانکی را بر بخش تولید و صنعت متعادل سازد و امکان جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی در شرایط بی‌ثباتی محیطی را تسهیل نماید. ارتقای شفافیت آماری و دسترسی آزاد و به‌هنگام به داده‌های اقتصادی برای سیاست‌گذاران و پژوهشگران، به بهبود فرآیند پیش‌بینی و واکنش به تحولات بیرونی کمک می‌کند و امکان سیاست‌گذاری فعالانه و داده‌محور را فراهم می‌آورد.

در نهایت، باید خاطرنشان ساخت که کنترل و محدودسازی اثرات عوامل بیرونی نه یک فرایند کوتاه‌مدت، بلکه سیاستی مستمر و چندبعدی است که مستلزم همکاری نهادهای مختلف، تقویت زیرساخت‌های اطلاعاتی و ایجاد انعطاف‌پذیری در ساختار نظام بانکی و سیاست‌گذاری پولی است. بدین ترتیب، نظام بانکی و بازار پول ایران می‌توانند در برابر نوسانات بیرونی مقاوم‌تر شده، از انتقال شوک‌های کلان به بخش واقعی اقتصاد پیشگیری کنند و بستر مناسبی برای رشد پایدار، رونق تولید و توسعه اقتصادی کشور فراهم آورند.

بانک‌های منتخب در ایران. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی ۲۱۱-۲۴۳.

۴. شکرآبی، سید امیرحسین و بناکار، مهسا و مومن زاده، محمدمهدی، ۱۴۰۰، بررسی تغییرات نرخ بهره بین‌بانکی بر متغیرهای پولی کشور و اثرات آن بر فروش اوراق بدهی و بازار سهام، سومین همایش مالی ایران: محور اصلی آینده پژوهی صنعت مالی، تهران.

۵. محقق‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تاثیر عوامل درونی و بیرونی صنعت بانکداری بر ریسک اعتباری بانک‌ها، فصلنامه اقتصاد اسلامی.

۶. نظریان، رافیک و آزاده، محرابیان (۱۳۹۶) «بررسی اثر چرخه‌های اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها در ایران مطالعه

با وجود این پیشرفت‌ها و نتایج ارزشمند، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به فقدان مدل‌های کاملاً مشابه جهت تحلیل جامع متغیرها، کمبود داده‌ها و گزارش‌های مالی و نیز محدود بودن دامنه زمانی داده‌ها اشاره نمود. همچنین باید توجه داشت که تعمیم نتایج این مطالعه به دیگر دوره‌های زمانی یا بخش‌های اقتصادی نیازمند احتیاط است و همواره احتمال وجود عوامل تأثیرگذار خارج از کنترل پژوهشگر باقی خواهد ماند.

درباره کنترل یا محدودسازی اثرات عوامل بیرونی باید گفت: در تکمیل تحلیل‌ها و نتایج، باید توجه ویژه‌ای به مسئله مدیریت و کنترل اثرگذاری عوامل بیرونی بر نرخ بهره بین‌بانکی و عملکرد بازار پول داشت. واقع آنکه اگرچه بسیاری از متغیرهای بیرونی مانند نرخ ارز، تورم یا رشد نقدینگی تحت تأثیر عوامل کلان داخلی و حتی تحولات بین‌المللی قرار دارند و کنترل آن‌ها در کوتاه‌مدت دشوار است، اما راهکارهایی علمی و سیاستی وجود دارد که می‌تواند اثرگذاری این عوامل را کاهش داده یا مدیریت کند. یکی از راهبردهای مهم در این زمینه، تقویت هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی میان بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سایر نهادهای اثرگذار است تا تصمیمات مهم در خصوص نقدینگی، کنترل تورم و سیاست‌های ارزی به شکل یکپارچه و همزمان اجرا شود و از انتقال شوک‌های بیرونی به نظام بانکی و بازار پول پیشگیری گردد. همچنین بهره‌گیری از ابزارهای مالی نوین همچون بازار مشتقات، قراردادهای پوشش ریسک ارزی و بیمه‌های مالی، زمینه‌ای برای کاهش

منابع

۱. امینی میلانی، مینو و سفری شرفشاده، حسین و سید نورانی، سید محمدرضا، ۱۴۰۲، ارزیابی عملکرد بانک‌های تجاری و تخصصی در ایران با تمرکز بر اثر نرخ بهره بین‌بانکی، پژوهشنامه اقتصاد کلان، دوره: ۱۸، شماره: ۳۹
۲. توکلی، مسعود. (۱۳۹۵) «برآورد اثر نرخ بهره بین‌بانکی بر عملکرد (سودآوری) بانک‌های ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ.
۳. رحیمی زکیه، هراتی جواد (۱۳۹۹). بررسی تاثیر نرخ بهره بین‌بانکی و شیب منحنی عایدی بر سودآوری



14. Munteanu, I. (2018), "Bank Liquidity and its Determinants in Romania", *Procedia Economics and Finance*, No. 3, PP. 993-998.
15. Nechi, Salem & Houcem Eddine Smaoui, 2019. Interbank offered rates in Islamic countries: Is the Islamic benchmark different from the conventional benchmarks?. *The Quarterly Review of Economics and Finance* November 2019
16. Nückles, Marc, 2020. Interest rate policy and interbank market breakdown. *Economic Modelling*. Volume 91, September 2020, Pages 779-789
17. Reale, Jessica, 2024. Interbank Decisions and Margins of Stability: an Agent-Based Stock-Flow Consistent Approach. *Journal of Economic Dynamics and Control* 29 January 2024.
18. Saroyan, Susanna, 2024. Counterparty choice, maturity shifts and market freezes: Lessons from the European interbank market. *Journal of Economic Dynamics and Control* 20 January 2024.
19. Siklos, Pierre L. & Martin Stefan, 2021. Exchange rate shocks in multicurrency interbank markets. *Journal of Financial Stability* 31 May 2021.
20. Sümer, Tuba Pelin & Süheyla Özyıldırım, 2022. Network structure of Turkish interbank market. *Central Bank Review* 1 December 2022.
21. Téllez-León, Isela-Elizabeth, et al. 2021. How are network centrality metrics related to interest rates in the Mexican secured and unsecured interbank markets?. *Journal of Financial Stability* 20 May 2021.
- موردی بانک ملی ایران « مجله اقتصاد مالی پاییز ۱۳۹۶ شماره ۴۰.
۷. وطنخواه، مهدی و کشاورز، محسن، ۱۴۰۲، بررسی اثر شیوع ویروس کوید-۱۹ بر نرخ بهره بین بانکی در بانکداری بدون ربا، پنجمین همایش ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی، تهران.
8. Abul Kashem, Mohammad & Mohammad Mafizur Rahman, 2018. Nexus between the banking sector interest rate spread and interbank borrowing rate: An econometric investigation for Bangladesh. *Research in International Business and Finance* January 2018
9. Berger, A. N., & Sedunov, J. (2017). Bank Liquidity Creation and Real Economic Output. *Journal of Banking and Finance* , doi: 10.1016/j.jbankfin.2017.04.005
10. Carlos, Juan et al. (2016), " Stressed interbank markets: evidence from the European financial and sovereign debt crisis ", *ECB Working Paper*
11. Delechat, C., et al. (2019). The determinants of banks' liquidity buffers in Central America. *International Monetary Fund* .
12. Jiang, Hai, et al. 2023. Interbank liquidity transmission and the credit channel of monetary policy in China. *Research in International Business and Finance* 7 June 2023
13. Li, Ming, et al. 2021. Intertemporal imitation behavior of interbank offered rate submissions. *Journal of Banking & Finance* 19 June 2021.





The Effects of Internal and External Factors on the Interbank Interest Rate in Iran

* Ali Hosseini Naveh Akbarabadi 

** Sajjad Barkhordari Dorbash 

* PhD Student in Monetary Economics, Kish International Campus, University of Tehran, Iran.

hosseininaveh.ali23@gmail.com

** Associate Professor, Faculty of Economics, University of Tehran, Iran. barkhordari@ut.ac.ir

Received: 30.01.2025

Accepted: 07.10.2025

Abstract

The main objective of this study is to examine the effects of internal and external factors on the interbank interest rate in Iran. The study employs the Fully Modified Ordinary Least Squares (FM-OLS) method using data from public and private banks, the Central Bank of Iran, and the Statistical Center of Iran over the period 1991–2022. Results indicate that internal variables such as *credit supply development* and *bank size* significantly enhance the interbank rate's impact on money market performance, with coefficients of 0.99 and 0.95, respectively. Similarly, external factors like *exchange rate* and *inflation rate* exhibit strong positive effects with coefficients of 0.99 and 0.94. Other variables, including *loan-to-deposit ratio*, *interest rate*, and *liquidity growth*, also show significant influences (around 0.91). The adjusted R^2 exceeding 0.85 confirms the model's reliability and robustness.

Keywords: Internal Banking Factors, External Banking Factors, Interest Rate, Interbank Rate, FM, OLS.

Corresponding Author: Sajjad Barkhordari Dorbash- Barkhordari@ut.ac.ir



Introduction

The interbank market plays a vital role in implementing monetary policy and stabilizing short-term liquidity in the banking system. Efficient interbank operations reduce reliance on the Central Bank and enhance monetary control. This research seeks to analyze both micro-banking (internal) and macroeconomic (external) factors affecting Iran's interbank interest rate. The study considers five internal variables—reserve requirement ratio, credit provision development, bank capital, loan-to-deposit ratio, and bank size—and six external variables—exchange rate, inflation rate, economic growth, liquidity growth, interest rate, and stock market index.

Methodology

This study is applied in nature and based on documentary and statistical data. Annual data covering 1991–2022 were obtained from the Central Bank, commercial banks, and the Statistical Center of Iran. The FM-OLS method was applied to estimate long-term relationships among variables. Diagnostic tests such as unit root, multicollinearity, and Kao cointegration tests were conducted to ensure model validity. Data analysis was performed using *EViews 10* software under a panel data framework.

Findings

The empirical results show significant long-run relationships between the interbank interest rate and both internal and external variables. Among internal factors, *credit provision development* (0.99) and *bank size* (0.95) have the strongest positive impact. Among external factors, *exchange rate* (0.99) and *inflation rate* (0.94) exert the most substantial effects. Other variables, including *loan-to-deposit ratio*, *interest rate*, and *liquidity growth* (each around 0.91), also exhibit notable associations. The model's adjusted R^2 values above 0.85 indicate a high degree of reliability and explanatory power.

Discussion and Conclusion

The findings highlight that both internal banking characteristics and external macroeconomic variables significantly influence the interbank interest rate in Iran. Strengthening credit provision mechanisms, enhancing banking efficiency, and ensuring stability in exchange and inflation rates can improve the performance of the money market and monetary policy outcomes. Future studies are recommended to employ **Fuzzy Multi-Criteria Decision-Making (MCDM)** techniques, **Fuzzy Ontology modeling**, **Artificial Intelligence algorithms**, and **System Dynamics approaches (Vensim)** to explore the interrelationships among these variables more comprehensively.

References

1. Reale, Jessica, 2024. Interbank Decisions and Margins of Stability: an Agent-Based Stock-Flow Consistent Approach. *Journal of Economic Dynamics and Control* 29 January 2024
2. Jiang, Hai, et al. 2023. Interbank liquidity transmission and the credit channel of monetary policy in China. *Research in International Business and Finance* 7 June 2023
3. Nückles, Marc, 2020. Interest rate policy and interbank market breakdown. *Economic Modelling*. Volume 91, September 2020, Pages 779-789



4. Téllez-León, Isela-Elizabeth, et al. 2021. How are network centrality metrics related to interest rates in the Mexican secured and unsecured interbank markets?. *Journal of Financial Stability* 20 May 2021.
5. Sümer, Tuba Pelin & Süheyla Özyıldırım, 2022. Network structure of Turkish interbank market. *Central Bank Review* 1 December 2022
- 6.. Delechat, C., et al. (2019). The determinants of banks' liquidity buffers in Central America. *International Monetary Fund* ahmoud Ahmadpour Dariani, Tehran, Amirkabir Publ.





رابطه بین رهبری دانش محور، توسعه منابع انسانی، جو نوآوری و رفتار کاری خلاقانه با مزیت رقابتی پایدار با نقش میانجی نوآوری سازمانی

* علی خاکشور

** قاسم قاسمی

* دانش‌آموخته مدیریت، گروه حسابداری و مدیریت، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.

khakiasghar@gmail.com

** استادیار گروه حسابداری و مدیریت، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.

g.ghasemi627@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۸

چکیده

سازمان‌ها با افزایش رهبری دانش محور، اقدامات مدیریتی بیشتری انجام می‌دهند و با ارتقا سطح نوآوری در نهایت سبب بهبود عملکرد می‌شوند. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین رهبری دانش محور، توسعه منابع انسانی، جو نوآوری و رفتار کاری خلاقانه با مزیت رقابتی پایدار با نقش میانجی نوآوری سازمانی می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش ۸۰ نفر از مدیران و کارکنان شرکتهای کوچک و متوسط در سطح شهرستان سبزوار هستند که با استفاده از نمونه گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه است که روایی و پایایی آن با استفاده از روش اعتبار محتوا و آلفای کرونباخ تایید شده است. در این پژوهش برای بررسی و آزمون فرضیه‌ها، رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری و نرم افزار **spss** و **pls** به کار رفت. یافته‌ها نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵/۰ بین رهبری دانش محور و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد. بین توسعه منابع انسانی و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد. بین رهبری دانش محور و جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد. بین توسعه منابع انسانی و جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین رهبری دانش محور و رفتار کاری خلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد. بین توسعه منابع انسانی و رفتار کاری خلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد. بین رفتار کاری خلاقانه و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: رهبری دانش محور، توسعه منابع انسانی، جو نوآوری، رفتار کاری خلاقانه، مزیت رقابتی پایدار.

نوع مقاله: علمی

۱- مقدمه

دنباله‌داری است که به عملکرد عالی و رقابت‌پذیری سازمان منجر می‌شود. یعنی این‌که در صورتی‌که سازمان بتواند به واسطه شایستگی‌های خود، مزیت رقابتی پایدار خلق نماید که برای مشتریان ارزشمند بوده و همواره برتر از رقبای باشد، در واقع عملکردی شایسته از خود بر جای گذاشته و رقابت‌پذیری را به ارمغان آورده است. دوم، بخاطر افزایش پیچیدگی‌های محیطی و شدت رقابت، مزیت رقابتی پایدار یا

مفهوم مزیت رقابتی پایدار، ارتباط مستقیم با ارزش‌های مورد نظر مشتری دارد به نحوی که در یک طیف مقایسه‌ای هر چه قدر ارزش‌های عرضه شده یک سازمان به ارزش‌های مورد نظر مشتری نزدیک‌تر یا با آن منطبق‌تر باشد می‌توان گفت که سازمان، نسبت به رقبای خود در یک یا چند معیار رقابتی دارای برتری و مزیت است. در مسیر ایجاد مزیت رقابتی پایدار دو نکته مهم قابل تعمق می‌باشد: نخست، این مسیر فرآیند

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: قاسم قاسمی G.ghasemi627@iau.ac.ir



حیاتی کرده است. لذا در این پژوهش محقق به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا بین رهبری دانش محور، توسعه منابع انسانی، رفتار کاری خلاقانه با مزیت رقابتی پایدار با نقش میانجی نوآوری سازمانی و جو نوآوری رابطه‌ی وجود دارد؟

۲- مبانی نظری پژوهش

با تمرکز بر سطح سازمان، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه رهبری می‌تواند نقش‌هایی را برای استفاده از تحول صنعتی ایفا کند. چندین سبک رهبری در ادبیات وجود دارد که یکی از آنها رویکرد "رهبری استراتژیک" است که ترکیبی از سبک‌های مختلف رهبری رهبر را توضیح می‌دهد. رهبری دانش محور یکی از ویژگی‌های قابل توجه استراتژی است [۱۰]. رهبری دانش محور به معنی بکارگیری دانش جدید در جهت ایجاد شیوه‌های نوین در سازمان است. این نوع رهبری باید در جهت استخراج، ایجاد و یا تسهیم دانش گام بردارد. سازمان‌هایی که سطح رهبری دانش محور خود را ارتقا می‌دهند، در نهایت نوع تفکر بهتری دارند. این سازمان بهتر می‌اندیشند و نسبت به شرایط بهتر پاسخگو هستند. سازمان‌ها با افزایش رهبری دانش محور، اقدامات مدیریتی بیشتری انجام می‌دهند و با ارتقا سطح نوآوری در نهایت سبب بهبود عملکرد می‌شوند. رهبری دانش محور در سازمان مرتبط اقتدار رسمی می‌باشد. سازمان‌هایی که از رهبری دانش محور استفاده می‌کنند معمولاً اقتدار رسمی بهتری دارند. این رهبران ممکن است جایگاهی بهتر در بین کارکنان به دست بیاورند [۶]. رهبری دانش محور قادر است مکانیسمی برای پاسخگویی و کنترل کارکنان خلق کند. این رهبری می‌تواند با استفاده از مدیریت دانش مشتری به اشتراک‌گذاری، یکپارچه‌سازی اطلاعات مشتریان کمک کند. نقش رهبری دانش ترویج یک دیدگاه فرهنگی مثبت نسبت به کسب و به اشتراک‌گذاری دانش است. به طوری که یادگیری مداوم را ارج نهاده و تجربه، تخصص، و نوآوری را جایگزین سلسله‌مراتب سازمانی نماید. علاوه بر این، رهبری دانش باید به جای ترویج رفتارهای منفی که انتقال، به اشتراک‌گذاری و به کارگیری دانش را به خطر می‌اندازد از اقدامات مدیریت دانش، کارکنان خود را تقدیر کرده و به آن‌ها پاداش دهند. رهبری دانش، باید نقش برجسته‌ای در سازمان به منظور دستیابی به اهداف آموزشی داشته باشد تا کارکنان بتوانند فرصت‌های نوآوری را درک و

به راحتی توسط رقبا تقلید می‌شود یا از نظر مشتریان به زودی رنگ می‌بازد و بایستی با مزیت‌های جدیدی جایگزین شوند. بر این اساس سازمان باید به فکر پیدا نمودن مزیت‌های رقابتی خود باشد. ایجاد و حفظ پایداری مزیت رقابتی پایدار، مستلزم شایستگی‌هایی است که با تکیه بر قابلیت‌های سازمان، برای مشتریان ارزش ایجاد می‌کند. منابع شرکت شامل انواع دارایی‌ها، توانمندی‌ها، فرآیندهای سازمانی، اطلاعات، دانش و... است که شرکت آن‌ها را طوری کنترل می‌کند که استراتژی‌های ارزش آفرین را توسعه داده و اجرا نماید. این منابع را در سه دسته‌بندی محسوس، نامحسوس و توانمندی‌های سازمانی می‌توان ملاحظه کرد [۱۲].

نوآوری و قابلیت‌های پویای سازمانی یکی از پرکارترین مفاهیم در ادبیات مدیریت استراتژیک است. در یک دهه اخیر شمار پژوهش‌های که درخصوص این موضوع انجام پذیرفته همواره رو به افزایش بوده است. این مفهوم در سال‌های اخیر در کشور خودمان نیز با استقبال مواجه شده است. با این حال عمده کسانی که از مفهوم نوآوری در گفته‌ها یا نوشته‌های خود بهره می‌برند، درک درستی از معنای آن ندارند. رقابت در دنیای امروز با گذشته متفاوت شده است. برخی از ابعاد این تفاوت‌ها عبارتند از: افزایش جهانی شدن رقابت، فشردگی تر شدن رقابت، اتکای بیشتر به نوآوری و فناوری‌های جدید و افزایش نقش منابع غیرفیزیکی در رقابت. آثار این تغییرات بر سازمانها به طوری است که تطابق و سازگاری سازمانها با این تغییرات به چالشی مهم تبدیل شده است. در نتیجه، صاحب نظران و نظریه پردازان برای غلبه بر آن مفاهیم و نظریه‌های جدیدی را توسعه داده‌اند. یکی از مفاهیمی که برای توضیح و تبیین چگونگی سازگار شدن با تغییرات شدید محیطی و کسب برتری رقابتی در طی حدود ده سال گذشته مطرح شده است، نوآوری پویا است. این مفهوم، ریشه در نظریه‌های جدید اقتصادی دارد و به همین دلیل، این حسن را دارد که می‌تواند برای سیاست‌گذاری‌های دولت برای ایجاد تحرک اقتصادی نیز مورد استفاده قرار گیرد. البته مطالعه و پژوهش بر روی نوآوری همچنان ادامه دارد و تصور بر این است که این روند ادامه نیز داشته باشد. نوآوری یکی از منابع کلیدی برای موفقیت یک شرکت است. در دو دهه گذشته، رقابت شدید و فناوری‌های چشمگیری در شکل دادن به صنعت کسب و کار ایفا کرده است و نوآوری را بیش از هر زمان دیگری

۱. García

۲. Banmairuroy

با توجه به اینکه رهبری دانش‌محور حاکی از تغییر چشمگیر چالش‌های فراروی مدیران در راستای ارزش‌آفرینی برای سازمان می‌باشد. امروزه چالش اصلی مدیران، افزایش دانایی و ارتقای کارایی کارکنان سازمان است. رهبری دانش می‌کوشد دانشی را که کارکنان تولید می‌کنند، تقویت نماید. رهبری دانش در سازمان سبب افزایش ارزش بازاری سازمان می‌گردد. رفتارهای کاری نوآورانه به اقدامات کارکنان برای خلق و پیاده سازی ایده‌های جدید در محصولات و فرایندها گفته می‌شود. توسعه منابع انسانی فرایند افزایش دانش و مهارت و قابلیت‌های افراد یک جامعه تعریف شده است که در سازمان‌ها به دنبال دستیابی به اهدافی نظیر انگیزش، یادگیری، عملکرد، توانایی تغییر، بهبود دانش، مهارت و شایستگی‌هاست در همین راستا رفتارهای کاری نوآورانه به عنوان تمام فعالیت‌های فردی در یک سازمان که در جهت توسعه و ترویج ایده‌های جدید و اجرای آن توسط افراد، تیم‌ها یا سازمان‌هاست بر توسعه منابع انسانی تاثیر می‌گذارد. رهبری دانش محور اقدام مشاهده شده یا اسناد شده است که خلق، تسهیم و کاربرد دانش جدید را بهبود می‌دهد و باعث می‌شود مدیریت دانش نقش برجسته‌ای در سازمان پیدا کن و فرصت‌های نوآوری و ایده‌های جدید درک و استفاده شوند. رفتارهای کاری خلاقانه شامل بررسی فرصت‌ها و تولید ایده‌های جدید، رفتارهای معطوف برای اعمال تغییر، به کار بستن دانش جدید یا بهبود فرایندهای برای تقویت عملکرد شخصی و شغلی باشد لذا برای اکتشاف و بهره برداری از ایده‌های کارکنان آن‌ها به حمایت رهبری نیاز دارند به بیان دیگر کارکنان به بهترین شکل می‌آموزند و وقتی رهبران‌شان از دریافت و ایده‌های جدید حمایت می‌کنند و آن‌ها را به ارتقاء تشویق می‌کنند واکنش بهتری نشان می‌دهند [۱۴].

اقتصاد دانش‌بنیان، دانش را در پرورش مزیت‌های رقابتی و طول عمر برای سازمان‌ها بیش از پیش برجسته می‌کند. به دلیل کمبود منابع انسانی و سرمایه، اکثر شرکت‌های کوچک و متوسط موظف به بهره برداری از دانش بیرونی برای رفاه شرکت‌ها هستند، از آنجایی که رهبران دانش‌محور یادگیری را تشویق می‌کنند و از یک محیط یادگیری که خطاها را تحمل می‌کند، حمایت می‌کنند، کارکنان می‌توانند از طریق رهبری دانش‌محور دانش را به نفع شرکت خود کشف و بهره‌برداری کنند. به عبارت دیگر، زمانی که رهبران آنها از

استفاده کنند. رهبری دانشی باید اطلاع‌رسانی شفاف در خصوص انتظارات نقش از کارمندان دانشی و اهداف شرکتی و ارائه مؤلفه‌های انگیزشی را در دستور کار خود قرار دهد [۱۳].

مدیریت منابع انسانی به عنوان یکی از با ارزش‌ترین دارایی‌های سازمانی، مهم‌ترین مزیت رقابتی و کمیاب‌ترین منبع در اقتصاد دانش محور به حساب می‌آید و به لحاظ برخورداری از قدرت اندیشه، خلاقیت و نوآوری بزرگترین دارایی هر سازمانی محسوب می‌شود، چرا که هرگونه بهبود و پیشرفت در ساختارهای فنی و سازمانی توسط نیروی انسانی صورت می‌گیرد. برای سازمان‌ها ضروری است که فرهنگ سازمانی آن‌ها از یادگیری سازمانی حمایت کند و کسب، بهبود و انتقال دانش مورد نیاز را تسهیل کند. علاوه بر این، اعتماد بین مدیران و کارکنان تأثیر زیادی بر موفقیت سازمان یادگیرنده دارد. به دلیل این که کارکنان به طور عمیقی بر فرهنگ سازمانی و فعالیت سازمان یادگیرنده تأثیر می‌گذارند، رابطه بین کارکنان و سازمان یادگیرنده موضوع مهم و حیاتی می‌باشد. کارکنان و فرهنگ سازمانی رابطه مهمی با ایجاد و توسعه سازمان یادگیرنده دارند و موجب تشویق کارکنان به استفاده از مکانیسم‌های یادگیری می‌شوند. هم‌چنین کارکنان و فرهنگ سازمانی به طور قابل توجهی بر برون داد کارکنان مثل بهره‌وری، غیبت کاری، و رضایت شغلی تأثیر می‌گذارند [۳].

مزیت رقابتی پایدار موضوع مهم بعدی است که سازمان‌ها باید در طول دوره‌های تکامل صنعتی به آن توجه کنند. در رقابت جهانی دو نوع مزیت رقابتی وجود دارد. یکی مزیت رقابتی موقتی است که معمولاً منجر به سود بالا، در مدت زمان محدود می‌شود. دیگری مزیت رقابتی پایدار است که زمانی ادامه می‌یابد که رقبای نتوانند از منبع مزیت استفاده کنند منابع سازمانی با ویژگی‌های دارای ارزش، کمیاب، تقلیدپذیری و غیرقابل جایگزینی بر اساس نظریه دیدگاه مبتنی بر منابع، عوامل کلیدی برای ایجاد مزیت رقابتی پایدار هستند. مشخص شد که مزیت رقابتی پایدار می‌تواند برای شرکت‌ها مفید باشد تا در تغییر سریع چرخه عمر فناوری و وضعیت پویا، کسب‌وکار را به آرامی حفظ کنند. از این رو سازمان را قادر می‌سازد تا به مزایای بلندمدت دست یابد و از هرگونه رقابت استراتژیک بالقوه در صنعت اجتناب کند [۲].



وضعیت نیروی انسانی را بهبود بخشیده و تحولات مثبتی ایجاد نمایند، افراد نیز برای پیشرفت و نیل به اهداف شغلی، نیاز به آگاهی از سطح شایستگی‌های خود دارند. این آگاهی سبب می‌شود که ایشان به نقاط قوت و قابل بهبود خود و میزان انطباق فعالیت‌هایشان با اهداف سازمان پی برده و تمهیدات لازم را برای اثربخشی بیشتر تلاش‌هایشان به کار بفرهنگ سازمانی. در جهان متلاطم امروزی شرکت‌های پیشرو بیش از هر دوره و زمان دیگری به اهمیت و توجه به کارکنان خود پی برده‌اند آن‌ها دریافتند که چگونه می‌توان با تاکید بیشتر بر حفظ و توسعه مدیریت منابع انسانی خود در بالاترین نقطه اقتصاد جهانی جای گرفت [۳].

۴- پیشینه‌ی پژوهش

ظریف و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی به بررسی تاثیر توسعه منابع انسانی بر مزیت رقابتی پایدار با نقش میانجی نوآوری سازمانی (مورد مطالعه شرکت پالایش گاز پارسین) پرداختند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که: توسعه منابع انسانی بر مزیت رقابتی پایدار با نقش میانجی نوآوری سازمانی تاثیر دارد. توسعه منابع انسانی بر مزیت رقابتی پایدار تاثیر معناداری دارد. نوآوری سازمانی بر مزیت رقابتی پایدار تاثیر معناداری دارد. [۴]، در پژوهشی به ارزیابی عملکرد بلندمدت بانک‌های تجاری مبتنی بر رویکرد مزیت رقابتی پایدار با تاکید بر نقش کارایی مدیریت: رویکردی مبتنی بر مقایسه بانک‌های دولتی و خصوصی ایران پرداختند. نتایج نشان داده است که بین متغیرهای قابلیت بازاریابی و مزیت رقابتی پایدار، قابلیت یادگیری بازار و نوآوری سازمانی، قابلیت بازاریابی و نوآوری سازمانی، قابلیت یادگیری بازار و قابلیت بازاریابی، نوآوری سازمانی و مزیت رقابتی پایدار، رابطه معن اداری و رابطه خطی وجود دارد. [۸]، در پژوهشی به بررسی تبیین و شناسایی عوامل تشکیل‌دهنده مزیت رقابتی در سازمانها بر اساس تکنیک کیفی پرداخت. نتایج تجربی نشان‌دهنده آن است که: ۱. قابلیت نوآوری به طور مستقیم کارآفرینی و مزیت رقابتی پایدار را تحت تاثیر قرار میدهد. ۲. کارآفرینی تاثیر غیرمستقیم بر نوآوری و تاثیر مستقیم بر مزیت رقابتی پایدار دارد. [۱]، در پژوهشی به تاثیر رهبری دانش محور بر رفتار نوآورانه شغلی با نقش میانجی توانمندسازی روانشناختی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد سبک رهبری دانش‌محور بر توانمندسازی روانشناختی کارکنان و رفتار

شرکت‌ها برای کسب و به اشتراک گذاری دانش حمایت می‌کنند، کارمندان به بهترین وجه یاد می‌گیرند و نسبت به عدم اطمینان واکنش بهتری نشان می‌دهند. بنابراین، رهبری دانش‌محور به نظر می‌رسد به شرکت‌ها در بالابردن مزیت رقابتی خود کمک کند. اگرچه پیوند بین رهبری دانش‌محور و مزیت رقابتی در مقالات اخیر مورد مطالعه قرار گرفته است، تأثیر رهبری دانش‌محور بر مزیت رقابتی و نوآوری هنوز محدود است. از آنجایی که دانش به عنوان یکی از حیاتی‌ترین دارایی‌ها در نظر گرفته می‌شود برای مدیریت امروزه، شرکت‌ها به مدیریت دانش اولیه و دانش درخواستی از مشتریان نیاز دارند. که در این پژوهش به بررسی رابطه بین رهبری دانش محور، توسعه منابع انسانی، جو نوآوری و رفتار کاری خلاقانه با مزیت رقابتی پایدار با نقش میانجی نوآوری سازمانی در شرکتهای کوچک و متوسط شهرستان سبزوار پرداخته شد.

۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

مدیریت منابع انسانی بخشی حیاتی در هر سازمان می‌باشد. تغییرات سریع فناوری، بعد از انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ لزوم تخصصی شدن وظایف و جذب نیروهای متخصص را مشخص نمود. امروز همه می‌دانند که وجود نیروی انسانی مناسب در هر سازمانی یکی از ابعاد اصلی تولید می‌باشد. منابع انسانی باید طوری مدیریت گردند که تمامی افراد و اعضای سازمان را تحت پوشش خود قرار بدهد. امروز، منابع انسانی تنها معطوف به ملزومات کاری در سازمان، ارزیابی‌ها، اخراج از خدمت و سایر امور مشخص نمی‌باشد. این روزها مدیریت منابع انسانی به بخشی حیاتی در امور مدیریتی بدل گشته است و حتی ابعاد جدیدی از جمله مدیریت منابع انسانی سبز به آن اضافه گردیده است. اهمیت فهم مدیریت منابع انسانی در ایجاد توسعه اقتصادی بلند مدت ملل را نمی‌توان نادیده گرفت. انتظار می‌رود که سیاست‌های اقتصاد کلان همه ملت‌ها به سمت توسعه انسانی و توسعه اقتصادی متمرکز می‌شود. مدیریت منابع انسانی ستون فقرات توسعه انسانی و توسعه اقتصادی در هر ملت است. مهروم (۲۰۱۸) پیشنهاد کرد که در سطح کلان، مدیریت منابع انسانی در حول سه ظرفیت کلیدی است، ظرفیتی برای توسعه استعداد، ظرفیتی برای به کارگیری استعداد و ظرفیتی برای ترسیم استعداد و... جمعاً، این سه ظرفیت ستون فقرات رقابت‌های مدیریت منابع انسانی کشورها را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، همان‌گونه که سازمان‌ها به شناخت کارکنان خود نیاز دارند تا بر اساس آن



رقابتی پایدار از طریق عوامل مؤلفه نوآوری سازمانی تأثیر گذاشتند. [۱۱]، پژوهشی با عنوان قابلیت‌های پویا، توانایی خلاقیت و نوآوری و تأثیر آن بر مزیت رقابتی و عملکرد شرکت: نقش مدرن جهت‌گیری کارآفرینی انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که قابلیت‌های پویا اثر غیر مستقیمی بر عملکرد دارند و رقابت، از طریق خلاقیت و قابلیت‌های پویا عمل می‌کنند تا به شرکت‌ها کمک می‌کند تا رقابتی‌تر و عملکرد بهتری داشته باشند.

۵- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین رهبری دانش‌محور و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین توسعه منابع انسانی و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین رهبری دانش‌محور و جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین توسعه منابع انسانی و جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین جو نوآوری و رفتار کاری خلاقانه رابطه معناداری وجود دارد.
- ۶- بین رفتار کاری خلاقانه و نوآوری سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۷- بین نوآوری سازمانی و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد.
- ۸- بین رهبری دانش‌محور و رفتار کاری خلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- ۹- بین توسعه منابع انسانی و رفتار کاری خلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۰- بین رفتار کاری خلاقانه و مزیت رقابتی با نقش میانجی نوآوری سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۱- بین رهبری دانش‌محور و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۲- بین توسعه منابع انسانی و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۳- بین رهبری دانش‌محور و جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۴- بین توسعه منابع انسانی و جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد.

نوآورانه آن‌ها در محیط کار تأثیر مثبت دارد. همچنین، نقش میانجی توانمندسازی روانشناختی در رابطه بین رهبری دانش‌محور و رفتار نوآورانه کارکنان مورد تأیید قرار می‌گیرد. یکی از نوآوری‌های پژوهش حاضر، انتخاب سازمان‌های عمومی به عنوان جامعه آماری پژوهش است. همچنین با توجه به اینکه در پژوهش‌های قبل، بیشتر به نقش واسطه مدیریت دانش در رابطه بین رهبری دانش‌محور و رفتار نوآورانه پرداخته شده است، بررسی نقش میانجی توانمندسازی روانشناختی نوآوری دیگر پژوهش حاضر محسوب می‌شود. [۹]، در پژوهشی به تأثیر توسعه منابع انسانی بر مزیت رقابتی پایدار با نقش میانجی جو نوآوری و رفتار نوآورانه پرداختند. یافته‌ها نشان داد توسعه منابع انسانی تأثیر مستقیمی بر مزیت رقابتی پایدار ندارد. [۷]، در پژوهشی به نقش رفتارهای نوآورانه بر مزیت رقابتی پایدار با نقش میانجی خلاقیت پرداختند. نتایج حاصل از تحقیقات نشان داد که رفتارهای نوآورانه بر مزیت رقابتی پایدار موثر است. و حاکی از آن است که رفتارهای ایجاد شده برای مشتریان، به طور غیرمستقیم رقابت را از طریق جهت‌گیری بازاریابی افزایش می‌دهد. علاوه بر این، توسعه نوآوری به طور مستقیم و مثبت علاوه بر ایجاد ارزش، بر رقابت پذیری نیز تأثیر می‌گذارد. همچنین پاسخ به رفتارهای نوآورانه بر خلاقیت کارکنان تأثیرگذار است. همچنین خلاقیت کارکنان بر مزیت رقابتی پایدار موثر است.

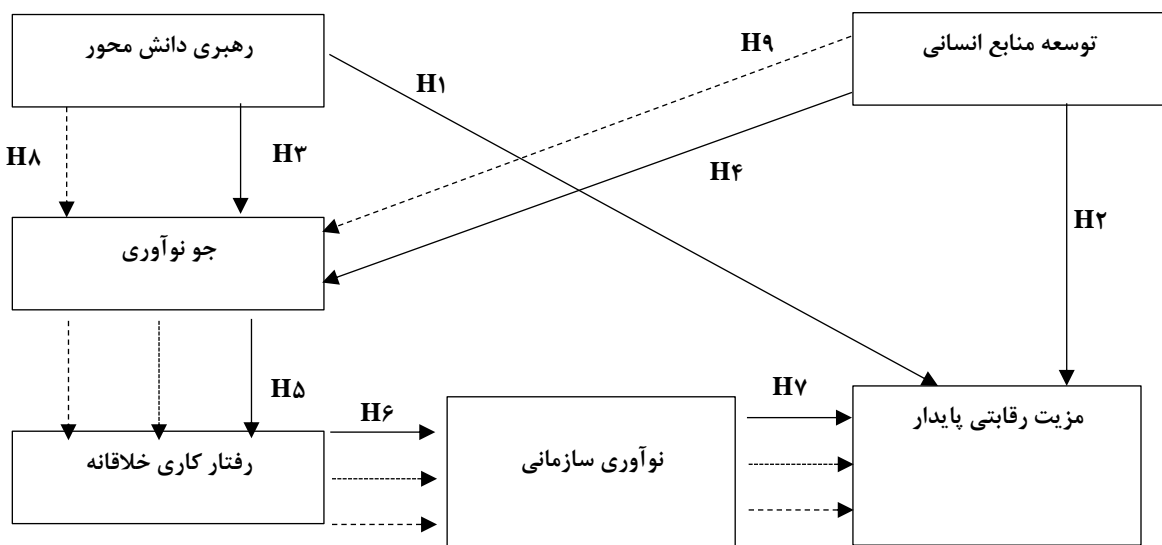
[۱۵]، در پژوهشی به بررسی تأثیر نوآوری باز بر مزیت رقابتی پایدار با نقش تعدیلی قابلیت مدیریت دانش و نقش میانجی یادگیری سازمانی از بعد دو سوتوانی اکتشاف و استخراج پرداختند. نتایج نشان داد؛ که نوآوری باز از طریق افزایش یادگیری سازمانی از جمله یادگیری اکتشافی و بهره‌کشی و همچنین تعادل آن‌ها به مزیت رقابتی پایدار کمک می‌کند. علاوه بر این، قابلیت مدیریت دانش به طور مثبت روابط نوآوری باز با اکتشاف و بهره‌برداری و همچنین ترکیب آن‌ها را تعدیل می‌کند. تحقیقات و مفاهیم عملی مورد بحث قرار می‌گیرد. [۱۰]، در پژوهشی به بررسی تأثیر رهبری دانش‌محور و توسعه منابع انسانی بر مزیت رقابتی پایدار از طریق عوامل مؤلفه نوآوری سازمانی پرداختند. نتایج نشان داد که رهبری دانش‌محور به طور مستقیم بر مزیت رقابتی پایدار تأثیر می‌گذارد، در حالی که توسعه منابع انسانی تأثیر مستقیم معناداری بر مزیت رقابتی پایدار ندارد. علاوه بر این، رهبری دانش‌محور و توسعه منابع انسانی به طور غیرمستقیم بر مزیت



در واقع نتایج حاصل از پژوهش قابل بکارگیری در سازمانهای مربوطه می‌باشد. علاوه بر این پژوهش در بازه زمانی خاصی صورت می‌گیرد این تحقیق از نوع توصیفی است. که در آن از روش تحقیق همبستگی استفاده می‌شود. برای بررسی روابط میان متغیرها، روش تحقیق همبستگی رابطه میان متغیرها بر اساس هر هدف تحقیق را تحلیل می‌کند و ضریب محاسبه شده ضریب همبستگی پیرسون است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل مدیران و کارکنان شرکت‌های کوچک و متوسط در سطح شهرستان سبزوار می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش بصورت تمام شماری بوده و کلیه افراد جامعه آماری را شامل می‌شود. پژوهش حاضر در دوره زمانی تیرماه تا آذرماه ۱۴۰۳ انجام شده است.

۷- مدل و متغیرهای پژوهش

در شکل زیر مدل مفهومی پژوهش آورده شده است:



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

- ۱۵- بین جو نوآوری و رفتار کاری اخلاقانه رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۶- بین رفتار کاری اخلاقانه و نوآوری سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۷- بین نوآوری سازمانی و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۸- بین رهبری دانش محور و رفتار کاری اخلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۹- بین توسعه منابع انسانی و رفتار کاری اخلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲۰- بین رفتار کاری اخلاقانه و مزیت رقابتی با نقش میانجی نوآوری سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.

۶- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر روش جمع آوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی است. براساس هدف این تحقیق کاربردی است. استراتژی پژوهش از نوع قیاسی و روش پژوهش، کتابخانه‌ای و پیمایش و از نوع کاربردی و مقطعی می‌باشد.

در جدول زیر نیز نحوه اندازه‌گیری متغیرهای این پژوهش در قالب پرسشنامه‌های مورد استفاده آورده شده است:

جدول ۱. نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نوع متغیر	شیوه‌ی محاسبه	داده‌های مورد نیاز	منبع گردآوری
رهبری دانش محور	مستقل	طیف لیکرت	پرسشنامه	سؤالات ۱ تا ۶ مقاله‌ی دونات و سانچه ۲۰۱۵
توسعه منابع انسانی	مستقل	طیف لیکرت	پرسشنامه	سؤالات ۷ تا ۱۶ مقاله تونکه نژاد و داوری ۱۳۸۸
جو نوآوری	مستقل و میانجی	طیف لیکرت	پرسشنامه	سؤالات ۱۷ تا ۲۸ مقاله وینر ۲۰۱۶
رفتار کاری خلاقانه	مستقل	طیف لیکرت	پرسشنامه	سؤالات ۲۹ تا ۳۸ مقاله‌ی هیل و جونز (۲۰۱۰)
نوآوری سازمانی	مستقل و میانجی	طیف لیکرت	پرسشنامه	سؤالات ۳۹ تا ۴۱ مقاله‌ی وان تای ۲۰۲۱
مزیت رقابتی پایدار	وابسته	طیف لیکرت	پرسشنامه	سؤالات ۴۲ تا ۵۶ مقاله هیل و و جونز (۲۰۱۰)

۸- یافته‌های پژوهش

خصوصیات جمعیت شناختی مشتریان مورد مطالعه به شرح زیر است:

الف- آمار توصیفی

جدول ۲. خصوصیات جمعیت شناختی مشتریان

جنسیت	تعداد	درصد
مرد	۶۶	۸۲٫۵
زن	۱۴	۱۱٫۵
رده سنی / کمتر از ۳۰ سال	۱۰	۱۲٫۵
۳۰ تا ۴۰ سال	۳۸	۴۷٫۵
۴۱ سال به بالا	۳۲	۴۰
تحصیلات / کاردانی و پایین‌تر	۳۳	۴۱٫۲۵
کارشناسی	۳۷	۴۶٫۲۵
کارشناسی ارشد	۱۰	۱۲٫۵

آمار توصیفی کلیه متغیرهای تحقیق از نظر شاخص‌های آماری به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نمونه آماره	میانگین آماره	انحراف معیار آماره	کمترین آماره	بیشترین آماره
توسعه منابع انسانی	۸۰	۳/۳۱۷	۰/۸۴۷	۱/۲۹	۵
جو نوآوری	۸۰	۲/۹۴۱	۰/۹۵۹	۱	۵
رفتار کاری خلاقانه	۸۰	۰/۳۰۳	۰/۷۸۶	۱	۵
نوآوری سازمانی	۸۰	۳/۲۰۳	۰/۷۸۰	۱	۵
مزیت رقابتی پایدار	۸۰	۳/۶۰۳	۰/۸۳۲	۱	۵



ب- آمار استنباطی

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش

متغیرها/ شاخص‌های برازش	رهبری دانش محور	توسعه منابع انسانی	جو نوآوری	رفتار کاری خلاقانه	نوآوری سازمانی	مزیت رقابتی پایدار
R^2			۰/۵۱۸	۰/۴۳۴	۰/۴۰۸	۰/۸۳۲
Composite reliability	۰/۸۴۱	۰/۸۶۸	۰/۹۳۰	۰/۷۴۲	۰/۸۱۸	۰/۵۵۷
Cronbach's alpha	۰/۷۷۹	۰/۷۹۷	۰/۹۲۱	۰/۶۶۶	۰/۷۵۵	۰/۸۶۴
Dijkstra's reliability	۰/۸۳۶	۰/۹۲۵	۰/۹۲۵	۰/۸۵۳	۰/۸۸۴	۰/۶۴۳
AVE	۰/۵۵۷	۰/۶۲۲	۰/۵۷۲	۰/۵۹۶	۰/۵۶۰	۰/۶۰۲
VIF	۱/۹۲۴	۲/۹۰۵	۳/۶۷۵	۰/۹۶۵	۲/۷۱۷	۰/۸۲۱
Q^2			۰/۵۲۱	۰/۴۳۲	۰/۴۱۰	۰/۴۷۱

مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای شدت رابطه معرفی می‌کنند. همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، معیار قدرت پیش‌بینی مدل برای تمامی متغیرهای وابسته و میانجی، بالاتر از ۰/۳۵ است، بنابراین قدرت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل در حد مطلوب برازش می‌شود.

برای سنجش ضریب تعیین هیر و همکاران (۱۳۹۵) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به‌عنوان مقادیر ضعیف متوسط و قوی برای ضریب تعیین معرفی می‌کنند. طبق نتایج جدول فوق، متغیرهای وابسته از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی متوسط رو به بالایی برخوردارند. همچنین طباطبایی و همکاران (۱۳۹۵) برای قدرت پیش‌بینی مدل سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به‌عنوان

جدول ۵. شاخص‌های برازش نهایی مدل

شاخص‌های برازش	میزان	ملاک	معناداری	برازش
میانگین نرخ تورم واریانس ^۱	۱/۵۶۵	$5 \leq$ قابل قبول $3/3 \leq$ ایده آل	-	مطلوب
شاخص نیکویی برازش کلی ^۲	۰/۴۸۳	$0/1 \geq$ ضعیف $0/25 \geq$ متوسط $0/36 \geq$ عالی	-	مطلوب
میانگین ضریب مسیر ^۳	۰/۳۴۸	$< 0/05$	$< 0/001$	مطلوب
میانگین ضریب تعیین ^۴	۰/۴۵۴	$< 0/05$	$< 0/001$	مطلوب

جدول ۶. نتایج بررسی فرضیه اول

آماره	ضریب مسیر مستقیم	T-value
رهبری دانش محور ← مزیت رقابتی پایدار	۰/۶۴	۳/۹۲۴

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، مقدار ضریب مسیر بین رهبری دانش محور بر مزیت رقابتی

پایدار مقدار ۰/۶۴ و معناداری $T\text{-value} = 3/924$ بدست آمد، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار

۱. Average Variance Inflation Factor (AVIF)

۲. Goodness-of Fit Index (GOF)

۳. Average path coefficient (APC)

۴. Average R-squared (ARS)

است از اینرو احتمال H_0 رد و احتمال H_1 پذیرفته می شود بنابراین نتیجه فرضیه اول به شرح زیر است: «بین رهبری دانش محور و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد».

جدول ۷. نتایج بررسی فرضیه دوم

T-value	ضریب مسیر	نوع رابطه
۳/۹۰۷	۰/۶۶	توسعه منابع انسانی ← مزیت رقابتی پایدار

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، مقدار ضریب مسیر بین توسعه منابع انسانی بر مزیت رقابتی پایدار شرکت مقدار ۰/۶۶ و معناداری $T\text{-value}=۳/۹۰۷$ بدست آمد، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است از اینرو احتمال H_0 رد و احتمال H_1 پذیرفته می شود بنابراین نتیجه فرضیه اول به شرح زیر است: «بین توسعه منابع انسانی و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد».

جدول ۸. نتایج بررسی فرضیه سوم

T-value	ضریب مسیر مستقیم	آماره
۲/۹۵۰	۰/۲۹	رهبری دانش محور ← جو نوآوری

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، مقدار ضریب مسیر بین رهبری دانش محور بر جو نوآوری مقدار ۰/۲۹ و معناداری $T\text{-value}=۲/۹۵۰$ بدست آمد، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است از اینرو احتمال H_0 رد و احتمال H_1 پذیرفته می شود بنابراین نتیجه فرضیه اول به شرح زیر است: «بین رهبری دانش محور و جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد».

جدول ۹. نتایج بررسی فرضیه سوم

T-value	ضریب مسیر مستقیم	آماره
۳/۴۵۰	۰/۴۳	توسعه منابع انسانی ← جو نوآوری

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، مقدار ضریب مسیر بین توسعه منابع انسانی و جو نوآوری مقدار ۰/۴۳ و معناداری $T\text{-value}=۳/۴۵۰$ بدست آمد، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است از اینرو احتمال H_0 رد و احتمال H_1 پذیرفته می شود بنابراین نتیجه فرضیه اول به شرح زیر است: «بین توسعه منابع انسانی و جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد».

جدول ۱۰. نتایج بررسی فرضیه پنجم

T-value	ضریب مسیر مستقیم	آماره
۵/۷۲۴	۰/۵۷۶	جو نوآوری ← رفتار کاری خلاقانه

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، مقدار ضریب مسیر بین جو نوآوری بر رفتار کاری خلاقانه مقدار ۰/۶۷۸ و معناداری $T\text{-value}=۵/۷۲۴$ بدست آمد، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است از اینرو احتمال H_0 رد و احتمال H_1 پذیرفته می شود بنابراین نتیجه فرضیه اول به شرح زیر است: «بین جو نوآوری و رفتار کاری خلاقانه رابطه معناداری وجود دارد».



رد و احتمال H_1 پذیرفته می‌شود بنابراین نتیجه فرضیه اول معناداری وجود دارد.

به شرح زیر است: «بین جو نوآوری رفتار کاری خلاقانه رابطه

جدول ۱۱. نتایج بررسی فرضیه ششم

آماره	ضریب مسیر مستقیم	T-value
مدیریت دانش مشتری ← عملکرد شرکت	۰/۸۹۳	۴/۹۴۳

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، مقدار ضریب مسیر بین رفتار کاری خلاقانه و نوآوری سازمانی مقدار ۰/۸۹۳ و معناداری $T\text{-value} = ۴/۹۴۳$ بدست آمد، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است از اینرو احتمال H_0 رد و احتمال H_1 پذیرفته می‌شود بنابراین نتیجه فرضیه اول به شرح زیر است: «بین رفتار کاری خلاقانه و نوآوری سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲. نتایج بررسی فرضیه هفتم

آماره	ضریب مسیر مستقیم	T-value
نوآوری سازمانی ← مزیت رقابتی پایدار	۰/۷۹۶	۴/۲۲۳

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، مقدار ضریب مسیر بین نوآوری سازمانی و مزیت رقابتی پایدار مقدار ۰/۷۹۶ و معناداری $T\text{-value} = ۴/۲۲۳$ بدست آمد، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است از اینرو احتمال H_0 رد و احتمال H_1 پذیرفته می‌شود بنابراین نتیجه فرضیه اول به شرح زیر است: «بین نوآوری سازمانی و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۳. نتایج بررسی کل متغیرهای میانجی فرضیه هشتم

نوع رابطه	رابطه مستقیم	رابطه غیر مستقیم	رابطه کل براساس مدل سوبل (۱۹۷۲) $t = \frac{ab}{\sqrt{a^2 s_b^2 + b^2 s_a^2 + s_a^2 s_b^2}}$
بین توسعه منابع انسانی و رفتار کاری خلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری را معناداری وجود دارد.	۰/۳۸۰	۰/۴۴۱ × ۰/۵۰۹	۲/۱۴

منبع: محاسبات آماری محقق

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، مقدار رابطه کلی طبق مدل سوبل (۱۹۷۲) بر مبنای آماره t فرضیه فوق مقدار ۲/۱۴ بدست آمد، از اینرو فرضیه H_1 تأیید می‌گردد لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است. بنابراین نتیجه فرضیه یازدهم به شرح زیر است: بین توسعه منابع انسانی و رفتار کاری خلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری را معناداری وجود دارد. لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است.

جدول ۱۴. نتایج بررسی کل متغیرهای میانجی فرضیه نهم

نوع رابطه	رابطه مستقیم	رابطه غیر مستقیم	رابطه کل براساس مدل سوبل (۱۹۷۲)
بین توسعه منابع انسانی و رفتار کاری خلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری را معناداری وجود دارد.	۰/۴۴۱	۰/۳۷۵ × ۰/۵۰۹	$t = \frac{ab}{\sqrt{a^2s_b^2 + b^2s_a^2 + s_a^2s_b^2}}$
			۳/۱۱

منبع: محاسبات آماری محقق

معنی دار است. بنابراین نتیجه فرضیه یازدهم به شرح زیر است: بین توسعه منابع انسانی و رفتار کاری خلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد. لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است.

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، مقدار رابطه کلی طبق مدل سوبل (۱۹۷۲) بر مبنای اماره t فرضیه فوق مقدار ۳/۱۱ بدست آمد، از اینرو فرضیه H_۱ تأیید می گردد لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد

جدول ۱۵. نتایج بررسی کل متغیرهای میانجی فرضیه نهم

نوع رابطه	رابطه مستقیم	رابطه غیر مستقیم	رابطه کل براساس مدل سوبل (۱۹۷۲)
بین رفتار کاری خلاقانه و مزیت رقابتی با نقش میانجی نوآوری سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۴۶۱	۰/۳۰۷ × ۰/۴۱۹	$t = \frac{ab}{\sqrt{a^2s_b^2 + b^2s_a^2 + s_a^2s_b^2}}$
			۲/۸۹

منبع: محاسبات آماری محقق

اهمیت یافته است. اعتقاد بر این بود که رهبری دانش محور می تواند به جستجوی نوآوری باز کمک کند و در نهایت، به مزیت رقابتی پایدار منجر شود. امروزه، اجرای رهبری دانش محور به عنوان یکی از مؤلفه های شایستگی های مدیریت به منظور موفقیت شرکت ها و مؤسسات، امری ضروری تلقی می شود که به طرز چشم گیر مورد توجه پژوهشگران در سراسر جهان قرار گرفته است. رهبری دانش محور به کشف دانش جدید، تغییر و بهبود روش و توسعه فرآیندها منجر می شود و از این طریق، مزیت های رقابتی را در سازمان پدید می آورد. مزیت رقابتی برتری شرکت در مقایسه با رقبا است. مزیت رقابتی پایدار باعث ایجاد قابلیت های پایدار و برتر از رقبا برای سازمان خواهد شد که توسط دیگر رقبا تقلیدناپذیری، کشفناپذیری و جایگزین ناپذیر است. این نشان می دهد که هر چه این رهبری از مدیریت دانشی بالایی برخوردار باشد از مزیت رقابتی بالاتری برخوردار است که این نتیجه با یافته های [۴] و [۱۰] منطبق است. با توجه به تایید فرضیه اول می توان پیشنهاد نمود که برنامه های مدیریت دانش نیز همانند تمامی برنامه های بهبودی نیازمند حمایت مدیران ارشد می باشد. اجرای اقدامات مدیریت دانش تنها با وجود

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، مقدار رابطه کلی طبق مدل سوبل (۱۹۷۲) بر مبنای اماره t فرضیه فوق مقدار ۲/۸۹ بدست آمد، از اینرو فرضیه H_۱ تأیید می گردد لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است. بنابراین نتیجه فرضیه یازدهم به شرح زیر است: بین رفتار کاری خلاقانه و مزیت رقابتی با نقش میانجی نوآوری سازمانی رابطه معناداری وجود دارد. لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است.

۹- بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول؛ بین رهبری دانش محور و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به تغییرات روزافزون در سازمان ها در دهه های اخیر، موضوع مدیریت و رهبری سازمان ها یکی از بحث های چالش برانگیز است که مورد توجه بسیاری از صاحب نظران در حوزه مطالعات سازمانی قرار گرفته است. بیش تر صاحب نظران با این موضوع که بقای سازمان در دنیای کنونی به توانایی پاسخ اثربخش به تغییرات وابسته است، توافق نظر دارند. رهبری دانش محور یکی از ویژگی های جالب توجه رهبری راهبردی است و هم اکنون در سازمان ها

به این که نیروی انسانی نباید به عنوان یک منبع نگریده شود، بلکه سرمایه‌ای استراتژیک است که می‌تواند سازمان‌ها را به مزیت رقابتی پایدار مجهز کند. جذب و توسعه استعدادها به همراه ایجاد محیطی انگیزشی، نقش مهمی در موفقیت سازمان‌ها دارد.

فرضیه سوم؛ بین رهبری دانش محور و جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد. نوآوری به عنوان عامل مهم و حیاتی برای سازمان‌ها به منظور ایجاد ارزش و مزیت رقابتی پایدار است. سازمان‌ها با نوآوری بیشتر، در پاسخ به محیط‌های متغیر و ایجاد و توسعه قابلیت‌های جدیدی که به آن‌ها اجازه دهد به عملکرد بهتری برسند، موفق‌تر خواهند بود ولی این فرآیند کاملاً پیچیده است و مستلزم مدیریت موثر و کارآمد در بسیاری از فعالیت‌های مختلف است. با بررسی ادبیات موجود در زمینه ی نوآوری مشخص می‌شود که شاخه‌های مختلفی از علوم برای پاسخ به سؤال بالا بوجود آمده‌اند. با ظهور مدیریت دانش به عنوان یک رشته، سازه جدیدی برای خلق و بهبود نوآوری (تولید، محصول، رویه‌ها، فرآیندها و ...) حاصل شده است. برای تقویت نوآوری، سبک‌های رهبری را پیشنهاد می‌نمایند. رهبران دانشی باید رفتارهایی بسته به تقاضای هر وضعیت داشته باشند. برای رسیدن به سطح بالای نوآوری شرکت‌ها باید اکتشاف و بهره‌برداری از دانش را ترکیب کنند. این بیان می‌کند که رهبری دانش محور در توسعه مدیریت دانش، جنبه‌های سبک‌های رهبری قابل تغییر و تبادلی را ترکیب کرده و هم‌چنین شامل عناصر انگیزشی و ارتباطی است. این‌ها همگی از ابعاد رهبری دانش محور هستند، که بر جو نوآوری تاثیر می‌گذارند و گویای ارتباط معنادار این دو متغیر بر همدیگر هستند. که با باینومری و همکاران (۲۰۲۱) منطبق است. با توجه به تایید فرضیه سوم می‌توان پیشنهاد نمود که با توجه به این که مدیریت دانش به ارتباط بین افراد و چگونگی به کارگیری فناوری اطلاعات وابسته است؛ قابل درک است؛ که هدف از رهبری دانش محور معرفی راهکارهایی است که سازمان را در نیل به سوی اهدافش یاری رساند. در این راستا نوآوری به عنوان یک ابزار حیاتی توانمندسازی برای خلق ارزش و پایداری مزیت رقابتی سازمان‌ها در محیط بسیار متغیر با پیچیدگی‌های روزافزون شناخته می‌شود. سازمان‌های دارای قدرت نوآوری بیشتر، در پاس به محیط‌های متغیر

رهبری توانمند، تاثیرگذار، انعطاف‌پذیر، پویا و مشتاق با موفقیت امکان‌پذیر است؛ بنابراین از انتخاب افراد با نگرش منفی اجتناب کنید. علاوه بر این اعضای تیم مدیریت دانش نیز باید با توانمندی و برقراری ارتباط مناسب مانع از شکست برنامه‌های مدیریت دانش شوند این برنامه‌ریزی‌ها خود به کسب تمایز در فروش و مزیت رقابتی کمک می‌نمایند.

فرضیه دوم؛ بین توسعه منابع انسانی و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد. محیط اقتصادی متلاطم و متغیر شرکت‌ها که مشخصه اصلی آن جهانی شدن بازارها، تغییر نیازهای مشتریان و افزایش رقابت در بازار محصولات می‌باشد شرکت‌ها را مجبور می‌سازد تا بطور مداوم بدنال بهبود عملکردشان باشند. در این عرصه رقابت، شرکت‌ها بدنال کسب مزیت‌هایی هستند که نه تنها برای شرکت ایجاد ارزش می‌نمایند بلکه امکان کپی‌برداری و تقلید آن توسط رقبا مشکل باشد. در میان منابع شرکت، منابع انسانی بخاطر دو ویژگی ابهام علی و وابستگی به مسیر در کسب مزیت رقابتی، می‌تواند منشاء مزیت رقابتی پایدار برای شرکت گردد. در حالی که بسیاری از مطالعات ارتباط معنی‌دار میان فرآیندهای منابع انسانی و ارزش ایجاد شده برای سودآوری شرکت را نشان داده‌اند، اما این مطالعات بندرت به بررسی فرآیند ایجاد ارزش پرداخته‌اند. تغییر جهت در ادبیات مدیریت استراتژیک از تاکید بر محیط‌های خارجی به منابع درون سازمانی بر مبنای نگرش منبع‌مدار، بستری را برای محققان مدیریت منابع انسانی فراهم آورده است تا اهمیت منابع انسانی، به عنوان مهم‌ترین منبع درون سازمانی، را مورد بحث قرار دهند. لذا در دهه اخیر، کتب و مقالات متعددی در زمینه کسب مزیت رقابتی از طریق منابع انسانی ارائه گشته‌اند. البته اغلب این متون صرفاً به توصیف وجود ارتباط میان سیستم‌های منابع انسانی و عملکرد برتر شرکت اشاره نموده‌اند و بندرت به این موضوع پرداخته‌اند که این سیستم‌ها چگونه موجب کسب مزیت رقابتی می‌شوند. لذا می‌توان بیان داشت در چنین عرصه‌ای منابع انسانی می‌تواند یک منشاء بسیار مهم از مزیت رقابتی باشد. بر خلاف سایر منابع، منابع انسانی یک دارایی غیرملموس می‌باشد که با قرار گرفتن در سیستم‌های عملیاتی یک شرکت، قابلیت‌های آن را افزایش داده و موجب ایجاد ارزش می‌گردد که در مجموع بهبود توسعه منابع انسانی باعث افزایش مزیت رقابتی شرکت می‌شود. این نتیجه با یافته‌ی [۱۰] منطبق است. اما با پژوهش [۹] تناقض دارد. با توجه به تایید فرضیه دوم می‌توان پیشنهاد نمود که با توجه

و ایجاد قابلیت‌های جدیدی که به آن‌ها اجازه نیل به نوآوری بهتر را می‌دهد، موفق تر هستند. که بر مبنای رویکرد موفق رهبری سازمان جو نوآوری هم در جهت موفقیت امیز می‌تواند به تحقق اهداف عالی سازمان کمک نماید.

فرضیه چهارم؛ بین توسعه منابع انسانی و جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد. منابع انسانی مهم‌ترین سرمایه و مزیت رقابتی هر سازمان بوده و توسعه منابع انسانی از محوری‌ترین فرآیندها در مدیریت منابع انسانی است. سازمان‌ها برای حفظ بقای خود در دنیای رقابتی امروز راهی جز کسب مزیت رقابتی ندارند. از طرفی، امروزه که عصر ارتباطات و اطلاعات است تغییرات به قدری شدید شده که طول عمر فناوری‌ها و محصولات را به حداقل رسانده است، در چنین شریطی خلق و حفظ پایدار مزیت رقابتی با تکیه بر قابلیت‌ها و شایستگی‌های سنتی و قدیمی برای حضور موفق بنگاه در محیط و بازارهای رقابتی کافی نیست. این امر مستلزم تدابیری نو و رویآوری به شایستگی‌های جدیدی بوده است. نوآوری به معنای کاربردی ساختن آن افکار نو و تازه است. نوآوری سازمانی عبارت از پذیرفتن یک عقیده یا رفتاری که برای محیط عمومی سازمان تازگی دارد. گرایش به نوآوری سازمانی می‌تواند در بخش نیروی انسانی مطالعات رفتاری و روانشناختی کارکنان و شناخت ارزش‌ها و توانایی‌های آنان یا در بخش فنی و تکنولوژی تجهیزات مدرنیزه و فنون جدید و یا در بخش ساختار که شامل مجموعه قواعد، روش‌ها، هنجارها و ضوابط می‌باشد، روی دهد. باید اهمیت نوآوری را در هنگام مواجهه با تغییر سریع در زمینه کسب و کار که ناشی از نوآوری و فناوری است، درک کرد. مزیت رقابتی پایدار موضوع حیاتی دیگر سازمان برای تضمین بقا در زمان مواجهه با یک محیط نامطمئن و چالش برانگیز بود. نوآوری باعث می‌شود سازمان‌ها از رقابت بیش‌تری برخوردار شوند. مزیت رقابتی برای پیروزی در هر سازمان بسیار مهم است. برای مزیت رقابتی پایدار، معیار فراتر از سطح عملیاتی است و به دامنه وسیعی از سطوح زنجیره ارزش، استراتژیک، عملیاتی و پروژه می‌رود. در بازارهای بین‌المللی عدم اطمینان محیطی، رقابت، پیچیدگی، جهانی سازی و تغییرات فرآیند و فناوری نقش مهمی در عملکرد سازمان ایفا می‌کنند. این در حالی است که مهم‌ترین دغدغه سازمان‌ها، تدوین و پیاده‌سازی استراتژی‌هایی است که عملکرد سازمان‌ها را در شرایط رقابتی بازارهای بین‌المللی

تضمین کند. دلیل اصلی رکود شرکت‌ها و این‌که عملکرد بسیاری پایینی دارند، عدم استفاده از استراتژی‌های نوآوری است. نبود نوآوری، سازمان‌ها را در تولیدات گذشته خود محصور کرده و این باعث می‌شود که تولیدات کهنه و قدیمی دیگر توانایی کسب سهم بازار، فروش و سود بیش‌تر را نداشته باشند. پس می‌توان بیان داشت که بین توسعه منابع انسانی و جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد. و با [۹]، [۵] و [۱۰] منطبق است. با توجه به تایید فرضیه چهارم پژوهش می‌توان به مدیران پیشنهاد نمود که افراد هدف‌گرا را در سازمان شناسایی نمایند و به آن‌ها موقعیت‌های مدیریتی بدهند که در آن نقش‌های مهم تصمیم‌گیری دارند. که باعث بهبود محیط نوآوری می‌گردد. فرضیه پنجم؛ بین رفتار کاری خلاقانه و نوآوری سازمانی رابطه معناداری وجود دارد. نوآوری به توانایی تلفیق منابع در روش تازه برای خلق کالا و روش‌های تولید جدید و گشودن بازارهای جدید و حتی بعضی اوقات به سازماندهی مجدد صنعت اشاره دارد. نوآوری تولید، پذیرش و اجرا و تحقق ایده‌ها، فرآیندهای کالاها و خدمات جدید است. در محیط‌های رقابتی امروز اگر سازمان‌ها بخواهند مزیت رقابتی کسب کنند به نوآوری مستمر متوسل خواهند شد. نوآوری یکی از راه‌هایی است که شرایط رشد مداوم را فراهم می‌کند. هم‌چنین یک عامل ضروری برای باقی ماندن در رقابت و تضمینی برای آینده نا شناخته (احتمالی) سازمان نیز است. نوآوری سازمانی محرک رشد سازمانی پدید آورنده موفقیت‌های آتی و ابزاری است که اجازه می‌دهد کسب و کارها در اقتصاد جهانی موجودیتشان را ثابت کنند. پیتز دراکر به طور اختصار بیان می‌کند که هر سازمانی نیازمند یک قابلیت اصلی است که این شایستگی مهم نوآوری است. نوآوری به شرکت‌ها کمک می‌کند تا در محیط نامطمئن مزیت رقابتی کسب کنند و بر حریفان غالب شوند و این مهم روی عملکرد شرکت در بلندمدت تأثیر دارد و هم‌چنین عامل اصلی که موجب رشد کسب و کارها می‌شود نوآوری است. این باعث می‌گردد که رفتار کاری خلاقانه بر نوآوری سازمانی در محیط کار تأثیر مثبتی بگذارد که با یافته‌های بانیموری و همکاران (۲۰۲۱) منطبق است. با توجه به تایید فرضیه پنجم پژوهش می‌توان پیشنهاد نمود که فضایی را در سازمان ایجاد کنید که مدیران را تشویق می‌کند تا به کارمندان کمک کنند تا بر احساسات خود



مانند فشارهای اجتماعی، بی اثر بودن و غیره غلبه کنند. این را می‌توان با شروع برخی کارگاه‌ها یا جلسات مربوط به تمرینات و تکنیک‌های آرامش بخش برای ریشه‌یابی چنین نگرانی‌ها انجام داد.

فرضیه ششم؛ بین جو نوآوری و نوآوری سازمانی رابطه معناداری وجود دارد. تغییرات و تحولات پیوسته و مدام که با شتابی چشمگیر در حال وقوع است یکی از بارزترین ویژگی‌های عصر حاضر است که در بسیاری از ابعاد زندگی به چشم می‌خورد. این تغییر و تحولات مداوم همراه با پیشرفت تکنولوژی، دستیابی سازمان‌ها را به اهدافشان را در مسیر پیچیده و دشواری قرار داده است. امروزه سازمان‌ها برای بقا و ادامه حیات نیاز دارند که بتوانند به سرعت خود را با تحولاتی که در عرصه‌های مختلف روی می‌دهد تطبیق دهند تا در عرصه رقابت باقی بمانند و جوابگوی نیازهای جامعه باشند. در همین راستا خلاقیت و نوآوری به عنوان عامل تعیین کننده در عملکرد سازمان موفقیت و بقای بلند مدت آن محسوب می‌شوند. پیتز راکر معتقد است در جهانی که دستخوش دگرگونی بوده و امنیت آن هر روز در معرض تهدید می‌باشد. تنها راه ابقاء، خلاقیت است. بدین منظور توجه به خلاقیت و نوآوری به عنوان یک دیدگاه که برای سازمان مزیت راهبردی به همراه دارد نگرینسته می‌شود. پیشرفت روزافزون دانش و فناوری و جریان گسترده اطلاعات، سازمان‌های امروزی را نیازمند آموزش مهارت‌هایی نموده است که با کمک آنها بتوانند همگام با توسعه علم و فناوری به پیش بروند. هدف پرورش انسان‌هایی است که بتوانند با تفکری خلاق، با مشکلات روبرو شده و به حل آنها بپردازند، به گونه‌ای که افراد بتوانند به خوبی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و با بهره‌گیری از دانش جمعی و تولید افکار نو، مشکلات را از میان بردارند. رشد فزاینده اطلاعات سبب شده است که هر انسانی از تجربه، علم و دانشی برخوردار باشد که دیگری فرصت کسب آنها را نداشته است، لذا به جریان انداختن اطلاعات حاوی علم، دانش و تجربه در بین انسان‌ها یکی از رموز موفقیت در دنیای امروز است. نوآوری نه صرفاً به عنوان یک خواسته مدیریتی بلکه به عنوان یک ضرورت در کسب و کار سازمان‌ها تلقی می‌گردد. تا حدی که برخی از تحقیقات، تحقق نوآوری در سازمان‌ها (نوآوری سازمانی) را امری حیاتی در رقابت پذیری و عاملی مؤثر برای ارتقاء عملکرد سازمان‌ها معرفی نموده اند که منجر به تغییر و بهبود در

استراتژی، ساختار، رویه‌ها، ارتباطات، سیاست‌های مربوط به کارکنان، کار تیمی، به اشتراک گذاری اطلاعات، تشریح مساعی و هماهنگی می‌گردد. به نظر بعضی محققین سازمان نوآور باید از نظر جو، متفاوت از سازمان‌های دیگر باشد؛ زیرا احساسات، نگرش‌ها و رفتارهای شکل‌دهنده نوآوری از یکسو و هم‌راستایی اهداف کلیدی سازمان با علایق و فعالیت‌های اعضای سازمان از سوی دیگر، از جمله مبانی کلیدی بوده که در ارتقای نوآوری سازمانی مؤثر می‌باشند. براین اساس در سازمان‌هایی که دارای جو نوآوری هستند، سطح آزادی، خودمختاری انعطاف پذیری و تحمل پذیری مخاطره بیشتر بوده. این گویای ارتباط معنادار بین جو نوآوری و نوآوری سازمانی می‌باشد. که نتایج این پژوهش با یافته‌های منطقی و همکاران (۱۳۹۷) و بانیموری و همکاران (۲۰۲۱) منطبق است. با توجه به تایید فرضیه ششم پژوهش می‌توان پیشنهاد نمود که با استفاده از چند ابزار استراتژیک، شغل و مسئولیت‌های کارمندان را برای بهبود جریان اطلاعات بین رشته‌ای، چه در تیم و چه در خارج از تیم، طراحی و نوآوری کنید. این خود باعث بهبود نوآوری در سازمان می‌گردد

فرضیه هفتم؛ بین نوآوری سازمانی و مزیت رقابتی پایدار رابطه معناداری وجود دارد. نوآوری بازاریابی از طریق استراتژی‌های رهبری هزینه و تمایز، به توسعه و حفظ مزیت رقابتی کمک می‌کند. یک شرکت برای ارتقاء ارزش مشتری و کسب مزیت رقابتی، به ایجاد ایده نو احتیاج دارد. بعضی محققین معتقدند که موضوع نوآوری خواه فناورانه و خواه غیر فناورانه، می‌تواند مزیت رقابتی پایدار شرکت را ارتقاء دهد. نوآوری می‌تواند به عنوان منبع مهم مزیت رقابتی در راه عملکرد بهتر باشد. همچنین نوآوری برای شرکت‌ها مکانیزمی است تا از دشواری تقلید دارایی‌های استراتژیک اطمینان حاصل کنند این امر تا زمانی تداوم می‌یابد که نوآوری ادامه داشته باشد و جریان منابع به موجودی دارایی‌های استراتژیک افزوده شود. یک شرکت برای اینکه بتواند به نوآوری برسد باید منبع مزیت رقابتی پایدار را حفظ کند. نوآوری و فرآیندهای مزیت رقابتی وابستگی زیادی به هم دارند. پورتر بیان می‌کند هر یک از شیوه‌های جدیدی که شرکت‌ها از طریق آن‌ها برای تنظیم فعالیت‌ها در زنجیره ارزش و ارائه ارزش بهتر به مشتریان، مزیت رقابتی ایجاد می‌کنند، یک اقدام نوآوری می‌باشد. شواهد تجربی از این دیدگاه که نوآوری منجر به مزیت رقابتی می‌شود مورد تایید قرار می‌گیرند که با یافته‌های [۵] و [۱۰]

رسمیت شناخته شوند و به خاطر نوآوری‌ها و ایده‌هایشان پاداش بگیرند. این کار می‌تواند پیامدهای بسیار خوبی برای سازمان داشته باشد. یکی از دلایلی که کارمندان معمولاً ایده‌های خود را بیان نمی‌کنند، ترس از مورد استقبال قرار نگرفتن ایده‌شان است. آن‌ها نمی‌خواهند اگر مشکلی پیش آمد مقصر محسوب شوند. این باعث می‌گردد که کیفیت نوآوری ارتقا یابد. همچنین قابلیت‌های پویای کارآفرینی با سرمایه‌گذاری در سیستم‌های فناورانه و آموزش تخصصی به مدیران و پرسنل خود، ضمن افزایش سطح درک محتوایی این فعالیت‌ها، نسبت به افزایش سطح قدرت شناخت تغییرات محیطی و پاسخگویی به این تغییرات با سرعت عمل بیشتر تلاش نمایند. شرکت‌ها لازم است با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناورانه تلاش نمایند تا داده‌های محیطی را جذب و نسبت به تحلیل آن‌ها در محیط شرکت جهت اتخاذ بهترین تصمیم تلاش کنند. که با یافته‌های [۱] و [۱۰] منطبق است. با توجه به تایید فرضیه نهم پژوهش می‌توان پیشنهاد نمود که با توجه به اهمیت نیروی انسانی کارا از جمله توانمندی‌هایی نظیر مهارت‌های حل مسئله، خلاقیت، مدیریت بحران، و مهارت‌های بین‌فردی از جمله ویژگی‌هایی هستند که به نیروی انسانی اجازه می‌دهند به سرمایه‌ای استراتژیک تبدیل شوند. این مهارت‌ها، همراه با دانش فنی، می‌توانند نوآوری و بهره‌وری را تقویت کنند که می‌تواند باعث بهبود رفتار کاری خلاقانه شود.

فرضیه دهم؛ بین رفتار کاری خلاقانه و مزیت رقابتی با نقش میانجی نوآوری سازمانی را بطه معناداری وجود دارد. همه سازمان‌ها برای رشد و بقاء نیازمند اندیشه‌های نو، نظرات بدیع و به عبارتی، نوآوری می‌باشند. نوآوری به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا یک مفهوم جدید است. در تعریفی دیگر گفته می‌شود نوآوری به معنی توانایی ترکیب ایده‌ها در یک روش منحصر به فرد یا ایجاد پیوستگی بین ایده‌هاست. نوآوری به فرآیند ادراک یا ایجاد دانش مربوط و تبدیل آن به محصولات و خدمات بهبود یافته و یا جدید، برای افرادی که خواهان آن هستند، می‌باشد. افکار و نظرات جدید همچون روحی در کالبد سازمان دمیده می‌شود و آن را از نیستی و فنا نجات می‌دهد. در عصر ما برای بقاء و حتی حفظ وضع موجود باید جریان تازه‌ی را در سازمان تداوم بخشید و از رکود و نابودی آن جلوگیری کرد. همچنین، برای آن که بتوان در دنیای متلاطم و متغیر امروز به حیات ادامه داد،

منطبق است. با توجه به تایید فرضیه ششم می‌توان پیشنهاد نمود که با توجه به محیط پویا و رقابتی کنونی، موفقیت هر سازمانی جهت افزایش و حفظ سهم بازار و بهبود وضعیت رقابتی در گرو شناسایی عواملی است که باعث ایجاد مزیت رقابتی می‌گردند. کسب توانمند یهای رقابتی در جهان امروز به یکی از چالش‌های اصلی صنایع مختلف تبدیل شده است که می‌طلبد توجه جدی به نوآوری شرکتها داشته باشند.

فرضیه هشتم؛ بین رهبری دانش محور و رفتار کاری خلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد. هر سازمانی دارای فرهنگ، آداب و رسوم و روش‌های علمی ویژه ای است که در مجموع جو آن سازمان را تشکیل می‌دهند. به طوری که این خصوصیات منحصر به فرد، جو سازمان‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. جو را مجموعه ویژگی‌های سازمانی یا موقعیتی تعریف می‌کنند که اعضای سازمان، آن‌ها را درک کرده اند. سازمان نوآور باید از نظر جوی متفاوت از سازمان‌های دیگر باشد؛ زیرا احساسات، نگرش‌ها و رفتارهای شکل‌دهنده نوآوری از یکسو و هم راستایی اهداف کلیدی سازمان با فعالیت‌های اعضای سازمان از سوی دیگر از جمله مبانی کلیدی جو سازمانی می‌باشند که در ارتقای نوآوری سازمانی مؤثر می‌باشند. بنابراین تغییر خلاقانه در هر بخش از جو سازمانی منجر به تغییر عمیق در نحوه عملکرد کارکنان می‌شود. در همین راستا ادواردز طی تحقیقی نشان داد در زمانی که جو سازمان، پذیرنده و تسهیل‌کننده تغییر باشد و رهبری خلاق و نوآور، سازمان را اداره کند؛ کارکنان به میزان بیشتری پذیرای نوآوری در سازمان هستند و به نوآوری روی می‌آورند که این باعث تاثیر رهبری دانش محور بر رفتار کاری خلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری می‌گردد که با یافته‌های بانیموری و همکاران (۲۰۲۱) منطبق است. با توجه به تایید فرضیه هشتم می‌توان پیشنهاد نمود که رهبران دانش‌محور نقش مهمی در شکل‌گیری گرش سیستم و رفتار نیروی انسانی خود دارند. این نوع رهبران می‌توانند بستر لازم را برای شکل‌گیری رفتار خلاقانه کارکنان در محیط ایجاد نمایند. بنابراین به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود که بستر لازم را برای شکل‌گیری رفتار خلاقانه در محیط کار برای کارکنان فراهم نمایند.

فرضیه نهم؛ بین رهبری دانش محور و رفتار کاری خلاقانه با نقش میانجی جو نوآوری رابطه معناداری وجود دارد. یکی از قوی‌ترین ابزارها برای ترویج نوآوری و خلاقیت کارکنان این است که آنها به رسمیت شناخته شوند. افراد می‌خواهند به



برای تبدیل ایده‌های نو به راهکارهای عملی و پیاده‌سازی آنها در فعالیت کاری سازمانی‌اش اشاره دارد. که با یافته‌های [۷] و [۱۰] سازگاری دارد. با توجه به تایید فرضیه دهم پژوهش می‌توان پیشنهاد نمود که عملکرد عالی کارمندان همیشه برای بدست آوردن یک مزیت رقابتی کافی نیست، بلکه در آن، رفتارها و خلاقیت‌های نوآورانه را می‌توان از ترکیبات ضروری برای ساختن آن دانست که می‌تواند نقش مهمی در مزیت رقابتی سازمان داشته باشد.

باید به نوآوری روی آورد. از تجمع انواع ایده‌ها یک برنامه شکل می‌گیرد و برنامه‌ریزی را برای کسب هدف معنی می‌بخشد. نوآورانه در محیط کار، رفتار پیچیده‌ای است که شامل سه زمینه تولید ایده، ترویج ایده و پیاده‌سازی ایده است. تولید ایده، به ایده‌پردازی و ارزیابی ایده‌های نو می‌پردازد و نشان‌دهنده میزانی است که یک فرد ایده‌های جدید را تولید می‌کند. ترویج ایده به تلاش افراد برای جلب پشتیبانی و تعهد دیگران در پیاده‌سازی ایده‌های جدید اشاره دارد. پیاده‌سازی ایده به تلاش‌های عملی‌تر

منابع

۱. تأمین اجتماعی استان گلستان). " فصل‌نامه تامین اجتماعی. ۱۶(۴). ۱۳۹۹: ۱۴۵-۱۷۰.
۷. فلاحتی ساروی، سید سینا، حسینی امیری، سید محمود، & علی نژاد، مریم. "نقش رفتارهای نوآورانه بر مزیت رقابتی پایدار با نقش میانجی خلاقیت." *مطالعات مدیریت، اقتصاد و کارآفرینی*، ۲(۱)، ۱۴۰۰: ۲۵-۳۹.
۸. کرمی‌خواه، بهزاد. "تبیین و شناسایی عوامل تشکیل دهنده مزیت رقابتی در سازمانها بر اساس تکنیک کیفی." *چشم انداز حسابداری و مدیریت*، ۵(۷۶)، ۱۴۰۱: ۱۲۸-۱۴۳.
۹. وظیفه، زهرا و قاسمی، کیمیا. "تأثیر توسعه منابع انسانی بر مزیت رقابتی پایدار با نقش میانجی جو نوآوری و رفتار نوآورانه." *فصلنامه مطالعات زیست بوم اقتصاد نوآوری*، ۲(۲)، ۱۴۰۱: ۴۸-۶۳.
۱۰. Banmairuoy, Wichai; Kritjaroen, Thiti; & Homsombat, Wanthana. "The effect of knowledge-oriented leadership and human resource development on sustainable competitive advantage through organizational innovation's component factors: Evidence from Thailand's new S-curve industries." *Asia Pacific Management Review*, ۲۰۲۱.
۱۱. Ferreira, Catherine, Cavusgil, Tamer, & Roath, Andrew. "Investigating the relationship between emotional feelings, work morale and job satisfaction of employees." *Journal of Vocational Behavior*, Vol. ۶۰, ۲۰۱۸.
۱۲. García-Machado, José Javier & Martínez-Ávila, "Environmental performance and green culture: The

۱. اکبری، مینا و قادری، هانیه و ارشک، زینب. "تأثیر رهبری دانش محور بر رفتار نوآورانه شغلی با نقش میانجی توانمندسازی روانشناختی"، *سومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری*، چاپهار، (۱۴۰۱).
۲. حسینی، عذرا و بابایی، لیلا. "بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی سبز و رهبری سبز بر روی مزیت رقابتی سبز در شرکت‌های صنایع غذایی استان زنجان"، *کنفرانس بین‌المللی مدل‌ها و تکنیک‌های کمی در مدیریت، قزوین*، (۱۳۹۹).
۳. سبک‌رو، مهدی، سعید اردکانی، سعید، کایدیان، آذین. "تأثیر مدیریت منابع انسانی سبز بر عملکرد محیطی با میانجی‌گری عوامل توانمندساز فرهنگ سازمانی سبز"، *تعهد سازمانی و رفتار زیست محیطی (مورد مطالعه هتل‌های شهر یزد)*. *گردشگری و توسعه*، ۳(۲)، ۱۴۰۰: ۸۶-۱۱۲.
۴. سجادی حمید، حمیدیان محسن، اسماعیل زاده مقری علی. ارائه الگویی از ارزیابی عملکرد بلندمدت بانک‌های تجاری مبتنی بر رویکرد مزیت رقابتی پایدار. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۱(۴۲)، ۱۴۰۱: ۷۱-۸۵.
۵. ظریف، افشین؛ خلیلی، عبدالجواد و رنجبر، مختار. "بررسی تأثیر توسعه منابع انسانی بر مزیت رقابتی پایدار با نقش میانجی نوآوری سازمانی (مورد مطالعه شرکت پالایش گاز پارسیان)". *فصلنامه آموزش و بهبود منابع انسانی*. دوره ۱۲، سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲ - شماره پیاپی ۱۲، آذر ۱۴۰۲: ۸۱-۶۷.
۶. فرهادی محلی، علی، شرافتی، نرجس. "تأثیر اقدامات توسعه رهبری بر عملکرد سازمان با میانجیگری سرمایه انسانی و اجتماعی در سازمان تأمین اجتماعی (مورد مطالعه: ...)



Innovation for Vietnamese SMEs: The Roles of Transformational Leadership and Organizational Culture.” *Journal of International Business and Management*. ۵(۱). ۲۰۲۲: ۰۱-۱۲.

۱۵. Zhang, Xiaoxiang, Chu, Zhenhua; Ren, Li & Xing, Jian. “Open innovation and sustainable competitive advantage: The role of organizational learning.” *Technological Forecasting & Social Change*. ۱۸۶. ۲۰۲۳: ۱۲۲-۱۱۴.

mediating effect of green innovation. An application to the automotive industry.” *Sustainability*, ۱۱(۱۸). ۲۰۱۹: ۴۸-۷۴.


۱۳. Nabi, Mohammad N., Liu, Zheng. & Hasan, Nabeel. “Investigating the effects of leaders’ stewardship behavior on radical innovation: a mediating role of knowledge management dynamic capability and moderating role of environmental uncertainty.” *Management Research Review*. ۲۰۲۲.

۱۴. Tung, Hoàng Thị ., & Dung, Trần Minh. “Antecedents of Product





The Relationship Between Knowledge-Based Leadership, Human Resource Development, Innovation Climate, and Creative Work Behavior with Sustainable Competitive Advantage and the Mediating Role of Organizational Innovation

* Ali Khakshour 

** Ghasem Ghasemi 

* Graduated of Management, Department of Accounting and Management, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran. khakiasghar@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Accounting and Management, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran. g.ghasemi627@iau.ac.ir

Received: 22.03.2025

Accepted: 08.01.2026

Abstract

Organizations take more management actions by increasing knowledge-based leadership and ultimately improve performance by improving the level of innovation. Therefore, the present study examines the relationship between knowledge-based leadership, human resource development, innovation climate, and creative work behavior with sustainable competitive advantage with the mediating role of organizational innovation. The statistical population of this study is 80 managers and employees of small and medium-sized companies in Sabzevar city, who were selected as samples using convenience sampling. The data collection tool in this study is a questionnaire, the validity and reliability of which has been confirmed using the content validity method and Cronbach's alpha. In this study, the structural equation modeling approach and SPSS and PLS software were used to examine and test the hypotheses. The findings showed, there is a significant relationship between knowledge-based leadership and sustainable competitive advantage. There is a significant relationship between human resource development and sustainable competitive advantage. There is a significant relationship between knowledge-based leadership and innovation climate. There is a significant relationship between human resource development and innovation climate. There is also a significant relationship between knowledge-based leadership and creative work behavior with the mediating role of innovation climate. There is a significant relationship between human resource development and creative work behavior with the mediating role of innovation climate. There is a significant relationship between creative work behavior and competitive advantage with the mediating role of organizational innovation.

Keywords: Creative Work Behavior, Human Resource Development, Innovation Atmosphere, Knowledge-Based Leadership, Sustainable Competitive Advantage.

Corresponding Author: Ghasem Ghasemi- G.ghasemi627@iau.ac.ir



Introduction

• Statement of the Problem

Focusing on the organizational level, the question arises as to how leadership can play roles in harnessing industrial transformation. There are several leadership styles in the literature, one of which is the “strategic leadership” approach, which explains a combination of different leadership styles of the leader. Knowledge-based leadership is a notable feature of the strategy (Banimori, 2021). Knowledge-based leadership establishes accountability mechanisms, facilitates the sharing and integration of customer information through customer-knowledge management, and fosters a culture that values continuous learning, expertise, and innovation over strict hierarchy. It rewards employees for effective knowledge-management practices and discourages behaviors that hinder knowledge transfer, thereby enabling staff to recognize and exploit innovation opportunities and achieve organizational learning goals. Knowledge leadership should include clear communication about role expectations from knowledge workers and corporate goals and provide motivational components. Human resource management (HRM) is the most valuable, rarest asset in a knowledge-based economy, providing the core of thought, creativity and innovation that drive technical and organizational improvement. For a firm to leverage this asset, its culture must promote organizational learning—facilitating knowledge acquisition, improvement, and transfer, build high trust between managers and employees, which is pivotal to a learning organization’s success. Because employees shape and are shaped by the learning culture, their engagement is essential for creating and sustaining a learning organization. Employees and organizational culture also significantly affect employee outcomes such as productivity, absenteeism, and job satisfaction (Sabok-Ro et al., 2020). The knowledge-based economy makes knowledge the primary source of organizational competitiveness and longevity. Because many SMEs lack sufficient human capital and financial resources, they must rely on external knowledge. Knowledge-based leaders create a learning-friendly climate that tolerates mistakes, encourages knowledge acquisition and sharing, and enables employees to discover and apply knowledge for the firm’s benefit. This support improves employees’ ability to cope with uncertainty and strengthens the firm’s competitive advantage. Although recent studies have linked knowledge-based leadership to competitive advantage, the specific effects on innovation and sustained advantage remain under-researched. (Tung and Dung, 2022).

• Aims of the Study

The aim of the study is to determine the relationship among knowledge-based leadership, human resource development, innovation climate, and creative work behavior with sustainable competitive advantage, with organizational innovation acting as a mediating variable so that within a comparative spectrum, the closer or more aligned an organization’s offered values are to the values desired by the customer, the more the organization can be said to have superiority and advantage over its competitors in one or several competitive criteria." Since knowledge is considered as one of the most critical assets for management today, companies need to manage both basic knowledge and knowledge requested by customers. This study examined the relationship between knowledge-based leadership, human resource development, innovation climate, and creative work behavior with sustainable competitive advantage and the mediating role of organizational innovation in small and medium-sized companies in Sabzevar, Iran. The research hypotheses are as follows:

• Hypothesis

There is a significant relationship between the following variables:
knowledge-based leadership and sustainable competitive advantage,



human resource development and sustainable competitive advantage,
knowledge-based leadership and innovation climate,
human resource development and innovation climate.
innovation and creative work behavior,
creative work behavior and organizational innovation,
organizational innovation and sustainable competitive advantage,
knowledge-based leadership and creative work behavior with the mediating role of innovation climate,
human resource development and creative work behavior with the mediating role of innovation climate, &
creative work behavior and competitive advantage with the mediating role of organizational innovation.

Background of the Study

Zarif and colleagues (2023/2024) examined the effect of human-resource development (HRD) on sustainable competitive advantage (SCA) with organizational innovation as a mediating variable (the study was conducted on Parsian Gas Refining Company). Their findings indicate that HRD influences SCA through the mediating role of organizational innovation. It has a statistically significant direct effect on SCA and has a statistically significant effect on organizational innovation, which can have a statistically significant effect on SCA. Sajadi and colleagues (2022/2023) evaluated the long-term performance of commercial banks based on a sustainable-competitive-advantage approach, emphasizing managerial efficiency, through comparing Iranian public and private banks. The results showed that there are both administrative (significant) and linear relationships among variables such as marketing capability and SCA, market-learning capability and organizational innovation, marketing capability and organizational innovation, market-learning capability and marketing capability, and, organizational innovation and SCA. Zhang and colleagues (2023) investigated the effect of open innovation on sustainable competitive advantage, examining the moderating role of knowledge-management capability and the mediating role of organizational learning – specifically the dual dimensions of exploratory and exploitative learning. The results showed that open innovation contributes to sustainable competitive advantage by enhancing organizational learning, including both exploratory and exploitative learning, as well as by balancing these two types of learning. Moreover, knowledge-management capability positively moderates the relationships between open innovation and both exploration and exploitation, as well as the combined effect of the two.

Methodology

This research is descriptive in terms of data collection method, survey type. Based on the purpose of this research, it is applied. The research strategy is deductive and the research method is library and survey and is of applied and cross-sectional type. In fact, the results of the research can be used in relevant studies. In addition, this research is conducted in a specific time period. This research is descriptive. In which the correlation research method is used. To examine the relationships between variables, the correlation research method analyzes the relationship between variables based on each research objective and the calculated coefficient is the Pearson correlation coefficient. The statistical population of the present study includes managers and employees of small and medium-sized companies in Sabzevar city. The sampling method in this study is a complete count and includes all individuals in the statistical population. The present study was conducted in the period from July to December 1403.

Findings

According to the research findings from the hypothesis test, a summary table of results is given.

R	Hypotheses	T-value	Test result
1	knowledge-based leadership and sustainable competitive advantage.	3.924	Approval
2	human resource development and sustainable competitive advantage.	3.907	Approval
3	knowledge-based leadership and the climate of innovation.	2.950	Approval
4	human resource development and the climate of innovation.	3.450	Approval
5	innovation and creative work behavior.	5.724	Approval
6	creative work behavior and organizational innovation.	4.943	Approval
7	organizational innovation and sustainable competitive advantage.	4.223	Approval
8	knowledge-based leadership and creative work behavior with the mediating role of the climate of innovation.	2.14	Approval
9	human resource development and creative work behavior with the mediating role of innovation climate.	3.11	Approval
10	creative work behavior and competitive advantage with the mediating role of organizational innovation.	2.89	Approval

Conclusion

There is a significant relationship between knowledge-based leadership and sustainable competitive advantage. This shows that the higher this leadership has knowledge management, the higher the competitive advantage. The confirmation of the first hypothesis indicates that knowledge-management initiatives, like any improvement program, require senior-management support. Such initiatives can succeed only under capable, effective, flexible, dynamic, and motivated leadership; individuals with a negative attitude should be excluded. Knowledge-management team members must also possess sufficient competence and communicate properly, otherwise the risk of program failure rises. Ultimately, these initiatives contribute to sales differentiation and the attainment of competitive advantage. Human resource development (HRD) significantly boosts sustainable competitive advantage because employees are a strategic, intangible asset that enhances organizational capabilities and value. When HRD is strong, firms gain a lasting edge. The second-hypothesis confirmation suggests that treating people as a strategic asset—by attracting, developing, and motivating talent—is crucial for organizational success. The study confirms a strong link between knowledge-based leadership and an innovative climate. Innovation is identified as a crucial driver of value creation and sustainable competitive advantage. Because knowledge management hinges on interpersonal relations and the use of information technology, knowledge-based leaders must devise solutions that help the organization meet its objectives. In volatile, complex environments, innovation serves as an essential mechanism for maintaining advantage. Firms with higher innovative capability adapt more readily to change and develop new competencies that boost performance. Consequently, an innovative atmosphere, fostered by effective leadership, enables organizations to achieve their strategic goals more successfully. Human resource development (HRD) strongly drives innovation. Since employees constitute an organization's core capital and competitive edge, HRD—a key HRM process—should be leveraged by appointing goal-oriented individuals to decision-making managerial roles, thereby



enhancing the innovation climate. Creative work behavior is significantly linked to organizational innovation—the ability to recombine resources into new products, processes, markets, or even industry structures. To reinforce this link, managers should cultivate a supportive climate that helps employees overcome social pressure and feelings of ineffectiveness, for example by offering workshops and relaxation-technique sessions. Regarding innovation climate and Organizational innovation, a strong link exists. Redesigning jobs and responsibilities with strategic tools to enhance interdisciplinary information flow (both within and across teams) boosts organizational innovation. With regard to organizational innovation and Sustainable competitive advantage, Marketing-driven innovation (cost leadership and differentiation) is a key source of lasting competitive advantage. Identifying and developing the capabilities that generate this advantage is essential in today's dynamic market. As to knowledge-based leadership and creative work behavior (mediated by innovation climate), knowledge-based leaders shape the organizational climate and, a supportive platform, foster employees' creative behavior. Managers should therefore cultivate such a climate to enable creativity. There is a significant relationship between knowledge-based leadership and creative work behavior with the mediating role of the innovation climate. Recognizing employees is a key lever for fostering their innovation and creativity. The tenth hypothesis confirms that superior performance alone does not guarantee competitive advantage; instead, innovative and creative behaviors are essential drivers of an organization's sustainable competitive edge.

Resources

1. Farahadi-Mahalli, Ali; Sharafati, Narges . “The effect of leadership-development actions on organizational performance mediated by human and social capital in the Social Security Organization (case study: Social Security of Golestan Province).” *Social Security Quarterly*, 16(4). 2020:145-170.
2. García-Machado, J. J., & Martínez-Ávila, M. Environmental performance and green culture: The mediating effect of green innovation. An application to the automotive industry. *Sustainability*, 11(18), 2019: 48-74.
3. Hosseini, Azra; Babayi, Leila. “The effect of green organizational culture and green leadership on green competitive advantage in food-industry firms of Zanjan Province.” *International Conference on Quantitative Models and Techniques in Management*, Qazvin. 2020.
4. Sabok-Ro, Mahdi, Saeida Ardakani, Saeed, Kaydian, Azin. “The effect of green human resource management on environmental performance through the mediation of enabling factors of green organizational culture, organizational commitment and environmental behavior (case study of hotels in Yazd city).” *Tourism and Development*. 3(2), 2020:86-112.
5. Sabokrou, Mehdi; Saeedi-Ardakani, Saeed; Kaydian, Azin. “The effect of green human-resource management on environmental performance mediated by empowerment factors of green organizational culture, organizational commitment, and pro-environmental behavior (case study: hotels in Yazd City).” *Tourism and Development*, 3(2). 2021: 86-112.
6. Sajadi, Hamid; Hamidian, Mohsen; Esmaeili-Zadeh, Ali Maghri. “A model for evaluating the long-term performance of commercial banks based on a sustainable competitive-advantage approach.” *Accounting Knowledge and Management Auditing*, 11(42). 2022: 71-85.
7. Tung, H. T., & Dung, T. M. “Antecedents of Product Innovation for Vietnamese SMEs: The Roles of Transformational Leadership and Organizational Culture.” *Journal of International Business and Management*. 5(1). 2022: 01-12.
8. Zarif, Afshin; Khalili, Abdol-Javad; Ranjbar, Mokhtar. “The impact of human-resource development on sustainable competitive advantage with organizational innovation as a mediating



variable (case study: Parsian Gas Refining Company).” *Journal of Education and Human-Resource Improvement*, Vol. 12, No. 3, Autumn 2023. 2023: 67-81.

9. Zhang, X; Chu, Z; Ren, L and Xing, J (2023). Open innovation and sustainable competitive advantage: The role of organizational learning. *Technological Forecasting & Social Change* 186. 2023: 122-114.

نقش اراضی خالصه، مستحده و ساحلی در تولید و کارآفرینی

* اباذر اشتری مهرجردی

* استادیار گروه مطالعات علم و فناوری موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران.

ashtari@iscs.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۶

چکیده

این مقاله بر آن است که با بررسی چالش های حقوقی و اجرایی اراضی خالصه، مستحده و ساحلی، پیشنهادهایی در جهت بهره گیری در تولید و کارآفرینی ارائه نماید. نظام ثبتی ایران با وجود آن که نظامی منسجم است و قابلیت ایجاد امنیت حقوقی را دارد با نیازها و منافع جامعه، تولید و کارآفرینی هماهنگ نیست و منجر به چالش هایی در این زمینه گردیده است، فلذا مستلزم اصلاحاتی جهت کارایی بهتر آن می باشد تا بسیاری از اختلاف نظرها در خصوص مقررات ثبتی املاک که ناشی از عدم توجه به نوع نظام ثبتی ایران است، پایان دهد. این مقاله از نظر هدف توسعه ای و از نظر روش نهادی، تطبیقی و تاریخی می باشد. داده ها با روش کتابخانه ای گردآوری و به صورت استنباطی و با روش منطق استقرایی ربایشی تحلیل شده است. بنابراین این پژوهش سعی دارد تا چالش های حقوقی اراضی را مورد بررسی و کنکاش قرار داده، تا زیرساخت های ثبتی که اهداف و سیاست های آن در همه کشورها از اهمیت ویژه ای برخوردار است را به سمت و سوی بهتری در این راستا سوق دهد. مهمترین یافته ها حاکی از آن است که با وجود صراحت قانونی در تعریف دستگاه های مجاز، نهادهایی هستند که در قالب قانون خدمات قرار گرفته اما مجاز به تملک نباشند. همچنین، در مورد واگذاری اراضی ملی به اشخاص حقیقی (مانند کارآفرینان)، علیرغم وجود قوانین مرتبط، رویه قضایی (مانند دیوان عدالت اداری) گاهی مانع از واگذاری به اشخاص حقیقی می شود.

واژه های کلیدی: اراضی خالصه، اراضی مستحده، اراضی ساحلی، تولید و کارآفرینی.

نوع مقاله: علمی

۱- مقدمه و طرح مساله

زمین در ادبیات اقتصاد کلاسیک، در کنار کار، سرمایه و کارآفرینی، به عنوان یکی از چهار عامل اصلی تولید شناخته می شود. در این نگرش، زمین عمدتاً به مثابه منبعی طبیعی، نسبتاً منفعل و محدود در نظر گرفته می شود که بستر فیزیکی فعالیت های تولیدی و منشأ بسیاری از مواد اولیه است. با این حال، تحولات چند دهه اخیر در حوزه های اقتصاد نهادی، اقتصاد منطقه ای، جغرافیای اقتصادی و ادبیات کارآفرینی، نشان داده است که زمین صرفاً یک «پس زمینه فیزیکی» برای تولید نیست، بلکه دارای ای استراتژیک و تا حد زیادی «برساخته ای نهادی و فضایی» است که می تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم فرایند تولید و کارآفرینی را شکل دهد.

از یک سو، ویژگی های عینی و مادی زمین - همچون موقعیت جغرافیایی، اقلیم، کیفیت خاک، دسترسی به منابع آب و انرژی، همجواری با بازارهای مصرف و مراکز شهری، و پیوند با شبکه های حمل و نقل و زیرساختی - الگوی استقرار فعالیت های تولیدی و نوع فرصت های قابل تصور برای کارآفرینان را تعیین می کند. بدین معنا، بسیاری از ایده های کارآفرینانه، به ویژه در حوزه های کشاورزی، صنایع تبدیلی، گردشگری، لجستیک و انرژی های تجدیدپذیر، ماهیتاً «مکان مند» و «زمین محور» هستند و بدون درک ظرفیت ها و محدودیت های سرزمینی، قابل فهم و تحلیل نیستند. از سوی دیگر، زمین واجد بُعدی نهادی و حقوقی است که به صورت تعیین کننده بر امکان پذیری و چگونگی فرایند

مستحده»، باید گفت این اراضی به زمین‌هایی گفته می‌شود که در نتیجه خشک شدن آب دریاها، دریاچه‌ها یا تغییر بستر رودخانه‌ها ایجاد می‌شوند [۲۲]. همچنین «اراضی ساحلی» زمین‌هایی هستند که در مجاورت حریم دریاها، دریاچه‌ها یا اراضی مستحده قرار دارند و از نظر حقوقی، بسته به موقعیت، تابع یکی از انواع مذکور به‌شمار می‌آیند [۳۶]. به‌طور کلی، اراضی خالصه، مستحده و ساحلی شامل زمین‌هایی هستند که به دولت تعلق دارند و خرید و فروش آن‌ها صرفاً با اجازه دولت امکان‌پذیر است. در نظام حقوقی ایران، اراضی خالصه از دیرباز وجود داشته و در منابع تاریخی با عنوان «خالصات» از آن‌ها یاد شده است. برای اداره این املاک، نهادی تحت عنوان دیوان خالصات تشکیل شد که وظیفه نظارت بر املاک دولتی را بر عهده داشت [۸].

فروش و واگذاری اراضی خالصه در ایران بر اساس قانون فروش خالصات مصوب ۳۰ آبان ۱۳۳۴ صورت می‌گیرد [۱۶]. بر این اساس، شرط تملک اراضی و املاک خالصه، مستحده و ساحلی، رعایت تشریفات قانونی مصوب دولت است. به موجب این مقررات، پس از تعیین محدوده مورد تملک، پرونده به کمیسیون ماده ۱۲ وزارت مسکن و شهرسازی ارجاع می‌شود و در صورت تأیید قانونی و شرعی، به ذی‌نفع اعلام می‌گردد که روال تملک انجام شده است.

با وجود اقدامات حقوقی و اجرایی صورت‌گرفته (که در این مقاله بدان خواهیم پرداخت)، به نظر می‌رسد نظام ثبتي ایران هنوز در زمینه اراضی خالصه، مستحده و ساحلی با چالش‌ها و خلأهای متعددی جهت بهره‌برداری در حوزه تولید و کارآفرینی روبه‌روست. این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی و تاریخی و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است، می‌کوشد تا ضمن بررسی مبانی فقهی و حقوقی این اراضی، چالش‌ها، موانع و خلأهای موجود در فرآیند تملک و ثبت آن‌ها و کاربرد آنها را در تولید و کارآفرینی تبیین نماید.

کارآفرینی اثر می‌گذارد. نظام حقوق مالکیت، شفافیت و استحکام اسناد، قابلیت وثیقه‌گذاری، سهولت یا دشواری نقل‌وانتقال و تغییر کاربری، و نیز سیاست‌های حاکم بر تخصیص و قیمت‌گذاری زمین، همگی می‌توانند زمین را به ابزاری تسهیل‌گر برای تأمین مالی، کاهش عدم قطعیت و مدیریت ریسک در کسب‌وکارهای نو تبدیل کنند یا برعکس، آن را به منبع رانت، سفته‌بازی و مانعی ساختاری بر سر راه کارآفرینان بدل سازند. در بسیاری از اقتصادها، به‌ویژه اقتصادهای در حال توسعه، نابرابری در دسترسی به زمین و کارکرد رانت‌جویانه آن، به بازتولید نابرابری فرصت‌های کارآفرینانه در سطوح فردی و منطقه‌ای انجامیده است.

با وجود اهمیت بدیهی و چندلایه زمین در فرایند تولید و کارآفرینی، مرور ادبیات نشان می‌دهد که در بسیاری از پژوهش‌ها، زمین یا به‌صورت عنصری ثابت و بدیهی در حاشیه تحلیل باقی مانده، یا صرفاً در قالب متغیر «کاربری اراضی» و «مکان استقرار» به‌طور محدود مورد توجه قرار گرفته است. به بیان دیگر، پیوند میان «کارکردهای اقتصادی، نهادی و فضایی زمین» و «مراحل مختلف فرایند کارآفرینی» - از شناسایی فرصت و طراحی مدل کسب‌وکار تا تأمین مالی، استقرار، رشد و خلق ارزش افزوده - کمتر به‌صورت نظام‌مند و یکپارچه واکاوی شده است.

در فرهنگ لغت، واژه‌ی «خالصه» به معنای ملک متعلق به دولت یا خاندان سلطنتی آمده است [۵]. در اصطلاح حقوقی نیز خالصه به املاک دولتی گفته می‌شود؛ املاکی مانند ابنیه، باغ‌ها، زمین‌های دایر و بایر، اراضی مسلوب‌المنفعه، کویری، باتلاقی و منابع آبی نظیر قنوات و چشمه‌هایی که درآمد آن‌ها به خزانه دولت واریز می‌شد [۱۶]. این املاک دارای سه منشأ اصلی بودند: رقبات نادری، خالصه‌های محمدشاهی و رقبات ناصری. عمده‌ترین گونه‌های خالصه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: خالصه‌های انتقالی (که برای مدت محدود به بهره‌بردار واگذار می‌شدند)، خالصه‌های تیولی (که به تیول‌داران در مقابل تعهدات نظامی داده می‌شدند) و خالصه‌های دیوانی (که توسط دولت به زارعان واگذار می‌گردید و حقوق دولتی از آن‌ها اخذ می‌شد) [۱۷]؛ [۲۴]. در تعریف «اراضی

۲- چارچوب مفهومی

الف) انواع و حدود اراضی

۱- اراضی خالصه

طبق تبصره ۲ ماده ۱ قانون راجع به واگذاری زمین به تحصیل کرده‌های کشاورزی (مصوب ۱۳۳۸/۱۰/۲۲)، خالصه نقطه مقابل مشترکات و اموال عمومی، مال غیرمنقولی است که دولت آن را مانند یک مالک خصوصی، مالک می‌گردد [۳۵]؛ [۱۶]. سابقاً به املاک شاهی (اعم از زمین، باغ، قلاع، مراتع، جنگل‌ها، معادن و شیلات و غیره) معروف بود که پس از مشروطه، جزئی از املاک دولت محسوب شد [۲۲]. به عبارت دیگر، خالصه در ایران به زمین‌ها و مراتع و املاک دولتی و حکومتی گفته می‌شد که با توجه به سیاست‌های حکومتی در راستای اصلاحات اراضی و احیای اراضی، مد نظر قانون‌گذار قرار داشته‌اند [۳۰]؛ [۲۶]. با توجه به وسعت بالای این اراضی اعم از قراء، مزارع، باغ‌ها، قنوت دائر و بائر و مستغلات و ابنیه که ملک دولتی و متعلق به شاهان، حکمرانان و والیان مناطق مختلف کشور محسوب می‌شده و پس از قانون اصلاحات اراضی می‌بایست به اشخاص حقیقی و حقوقی واگذار می‌شد، در قانون خالصه به تفصیل به شرح تقسیم و فروش املاک خالصه پرداخته شده است [۳۸]؛ [۱۶].

تفاوت املاک خالصه و املاک عمومی (نظیر خیابان‌ها، پارک‌ها و میدان‌های عمومی) در شمول قانون بر آن‌ها است. بر خالصه، حقوق خصوصی و قانون مدنی حاکم است؛ حال آنکه بر املاک عمومی قانون مدنی حاکم نیست [۲۹]؛ [۳۴].

به همین دلیل، نمی‌توان نسبت به املاک عمومی، تقاضای ثبت داد، در صورتی که پذیرش تقاضای ثبت املاک خالصه از نظر برخی دکترین حقوقی بلااشکال است، هرچند این دیدگاه خالی از مناقشه نیست [۱۵]؛ [۲۱].

املاک خالصه، املاکی بود که مالکیت آن در اختیار دولت قرار داشت. مبدأ پیدایش آن در ایران به زمان تشکیل دولت‌های منطقه‌ای و مرکزی بازمی‌گردد و این املاک به شرح زیر قابل تقسیم است [۲۲]؛ [۱۹].

الف) خالصجات تیولی: این نوع خالصجات از طرف حکومت (پادشاه) به استانداران، حکام نظامی و سایر اشخاص خاص در مقابل دریافت وجوهی به عنوان مالیات یا تهیه سرباز برای مدتی معین یا به صورت موروثی واگذار می‌شد.

ب) خالصجات انتقالی: املاکی بود که از طرف دیوان با حق انتقال به اشخاص واگذار می‌گردید.

ج) خالصجات دیوانی: خالصجاتی بود که در تصرف کامل دیوان قرار داشت و در سال‌های نخست مشروطیت برخی از آن‌ها به اشخاص فروخته شد. این امر به‌ویژه در مناطق کرمان، سیستان و بلوچستان، خوزستان و نواحی مرزی رخ داد.

۲- اراضی ساحلی

مطابق بند ب ماده یک قانون اراضی مستحده و ساحلی مصوب ۱۳۵۴، اراضی ساحلی پهنه ای است با عرض مشخص از اراضی مجاور دریا و دریاچه‌ها یا خلیج که حداقل از یک سو به کنار دریا یا دریاچه متصل باشد. در خصوص ثبت اراضی ساحلی مطابق بند ۲۷۱ مجموعه بخشنامه ثبتی، دعوت از نماینده وزارت کشاورزی و حضور وی را الزامی می‌داند شاید بدین علت است که حضور نماینده مذکور به دلیل تفکیک اراضی مجاور ساحلی از اراضی مستحده ساحلی بوده است. [۱۶]؛ [۳۰].

۳- اراضی مستحده

بر طبق بند الف ماده یک قانون اراضی مستحده و ساحلی مصوب ۱۳۵۴، واژه «اراضی مستحده» اینگونه تعریف شده: اراضی مستحده عبارت است از زمین‌هایی که در نتیجه پایین رفتن سطح آب یا هر نوع جریان آب در کرانه‌های دریا و جزایر یا در نتیجه پایین رفتن آب یا خشک شدن تالاب‌ها ظاهر و ایجاد می‌شوند. این اراضی متعلق به دولت محسوب و مطابق بند ۲۷۱ م.ب.ث تقاضای ثبت آن از هیچکس پذیرفته نمی‌شود. [۳۰]؛ [۱۹].

۳- روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، از نوع توسعه‌ای-کاربردی است؛ زیرا نتایج حاصل از آن می‌تواند در اصلاح و بهبود سیاست‌ها و ساختارهای حقوقی و ثبتی مرتبط با اراضی

مورد استفاده قرار گیرد. از نظر ماهیت و روش پژوهش، این مطالعه در زمره تحقیقات نهادی با رویکرد تطبیقی-تاریخی قرار دارد. در این چارچوب، تلاش شده است تا سیر تحول نهادهای حقوقی مرتبط با اراضی و نظام ثبت در ایران و برخی کشورها مورد تحلیل تطبیقی قرار گیرد تا نقاط قوت، ضعف و تجارب قابل انتقال شناسایی شوند. داده‌های این تحقیق از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. منابع مورد استفاده شامل قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی، اسناد تاریخی، مقالات علمی، کتب تخصصی، و گزارش‌های سازمان‌های حقوقی و ثبتی بوده است. روش گردآوری داده‌ها به صورت نظام‌مند و مبتنی بر تحلیل محتوای منابع مکتوب انجام گرفته است تا دقت و جامعیت داده‌ها تضمین شود. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش استنباطی و منطق استقرایی-ربایشی^۱ صورت گرفته است؛ بدین معنا که ابتدا با استخراج مفاهیم، نظریه‌ها و رویه‌های حقوقی از منابع مختلف، مبانی نظری و تجربی تحقیق تبیین شده، سپس با استنتاج منطقی و تطبیق آنها در بستر تاریخی و نهادی، الگوی تحلیلی پژوهش ارائه گردیده است. به این ترتیب، هدف نهایی پژوهش بررسی و تبیین چالش‌های حقوقی مرتبط با اراضی و نظام ثبت است تا از رهگذر تحلیل تطبیقی و تاریخی، راهکارهایی برای بهبود زیرساخت‌های ثبتی و تحقق اهداف سیاست‌های حقوقی در این حوزه پیشنهاد شود. بر همین اساس، در بخش‌های بعدی، به تبیین سیر تاریخی، مبانی حقوقی، و تحلیل تطبیقی نهادهای ثبتی و مالکیتی پرداخته خواهد شد تا تصویر جامعی از تحولات و چالش‌های موجود ارائه شود.

۴- یافته‌های پژوهش

چالش‌های حقوقی و اجرایی اراضی خالصه، مستحدثه و ساحلی در این بخش چالش‌ها و ملاحظات قانونی را در سه دسته اصلی طبقه بندی کرده ایم که در ابتدا بطور کلی مطرح و در ادامه، مفصل خواهیم پرداخت:

۱. محدودیت‌های کاربری و منطقه‌بندی^۲
مهم‌ترین ابزار قانونی که دولت‌ها برای کنترل توسعه استفاده می‌کنند، مقررات منطقه‌بندی است. این قوانین، کاربری مجاز زمین را بر اساس طرح‌های جامع شهری و منطقه‌ای مشخص می‌کنند و برای کارآفرینان محدودیت‌های جدی ایجاد می‌کنند:

• **عدم انطباق کاربری فعلی و مورد نیاز:** یک کارآفرین ممکن است یک انبار یا کارگاه را در منطقه‌ای که قبلاً صنعتی بوده خریداری کند، اما به دلیل بازنگری در طرح‌های توسعه شهری، کاربری آن منطقه به مسکونی یا تجاری تغییر یافته باشد. در این حالت، کارآفرین باید مراحل اداری طولانی و پرهزینه "تغییر کاربری" را طی کند یا فعالیت خود را محدود سازد.

• **محدودیت در تراکم و ارتفاع:** قوانین ساختمانی و کاربری، حداکثر میزان ساخت و ساز (تراکم) و ارتفاع مجاز بر روی زمین را تعیین می‌کنند. این امر مستقیماً بر مقیاس‌پذیری سرمایه‌گذاری کارآفرین، به‌ویژه در بخش املاک، ساخت و ساز، و انبارداری، تأثیر می‌گذارد. کارآفرین باید سرمایه‌گذاری خود را طوری برنامه‌ریزی کند که در چارچوب این محدودیت‌ها (مثلاً سطح اشغال مفید) باقی بماند.

• **اثر بر قیمت زمین:** مناطقی که کاربری‌های با ارزش اقتصادی بالاتر (مانند تجاری یا گردشگری) در آنها مجاز است، قیمت زمین به شدت بالاتری دارند. این امر ورود کارآفرینان جدید و کم‌سرمایه را به این مناطق بسیار دشوار می‌سازد و به طور ناخواسته به نفع سرمایه‌گذاران بزرگ عمل می‌کند.

۲. چالش‌های دسترسی مستقیم (تملك و واگذاری دولتی)

همانطور که در خلاصه قبلی اشاره شد، دولت مالک بخش قابل توجهی از اراضی است و نحوه دسترسی کارآفرینان به این زمین‌ها حیاتی است:

• **فرآیند تملك و جابه‌جایی:** اگر زمین مورد نیاز یک کارآفرین (به عنوان مثال برای احداث یک کارخانه تولیدی) در مسیر یک پروژه عمومی قرار گیرد، فرآیند تملك دولتی می‌تواند منجر به جابه‌جایی اجباری کارآفرین شود. اگرچه حق غرامت وجود دارد، اما این فرآیند باعث اختلال در زنجیره تأمین، از دست دادن مشتریان محلی و تأخیر در برنامه توسعه می‌شود که جبران آن دشوار است.

2. Zoning Regulations

1. Inductive-Deductive Reasoning

بازرگانی و در ۱۳۴۱ به وزارت اقتصاد، و در ۱۳۴۵ به وزارت دارایی و بالاخره در سال ۱۳۵۲ به وزارت راه و ترابری انتقال یافت.) مطابق قانون مذکور: توسعه، تکمیل، اداره و نظارت بر امور بندر و توسعه کشتیرانی، در تمام بندر، لنگرگاه ها، ترعه ها، دریاچه ها، رودخانه های قابل کشتیرانی و آب های ساحلی کشور و همچنین تنظیم و اجرای مقررات مربوط که به تبع شامل آباد کردن اراضی مستحدثه و حریم در ارتباط بندر نیز بوده، بر عهده این سازمان قرار گرفت چنانکه مطابق بند های ۲۱ و ۲۲ فهرست ضمیمه این قانون (وظایف سازمان) صدور اجازه تأسیس اسکله و سایر تأسیسات و تجهیزات ضمن تصویب طرح مربوط با داشتن حق نظارت در اجراء و بهره برداری و همچنین صدور اجازه تأسیس دفتر، خانه ملوانان، رستوران و انبار و سایر تأسیسات لازم به درخواست متقاضیان صلاحیت دار، بر عهده سازمان مزبور قرار گرفت. سازمان اختیار دار شد با توجه به امکانات خود در بندر، زمین برای تأسیسات مزبور از طریق اجاره واگذار نماید.

بعدها و با تصویب قانون اراضی مستحدثات ساحلی مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹ اولین قانون جدی در این باره تصویب شد. در ماده ۱ قانون اصطلاح "اراضی مستحدث" به زمینهایی که در نتیجه پایین رفتن سطح آب یا هر نوع جریان آب در کرانه های دریا و دریاچه ها و جزایر یا در نتیجه پایین رفتن آب یا خشک شدن تالابها ظاهر و یا ایجاد می شود. اطلاق می گردد و "اراضی ساحلی": پهنه ای با عرض مشخص از اراضی مجاور دریا و دریاچه ها یا خلیج که حداقل از یک سو به کنار دریا یا دریاچه یا خلیج متصل باشد. تعریف می شود. و "تالاب"، اعم از اراضی مرداب، باتلاق یا آب بندان طبیعی که سطح آن در حداکثر ارتفاع آب از پنج هکتار کمتر نباشد. و "حریم"، قسمتی از اراضی ساحلی یا مستحدث است که یک طرف آن متصل به آب دریا یا دریاچه یا خلیج یا تالاب باشد، توصیف میشود. مطابق مواد ۳ و ۴ قانون مذکور کلیه اراضی مستحدث کشور (علیالاطلاق) و نیز اراضی ساحلی دریای عمان و خلیج فارس و دریاچه رضاییه (که تا تاریخ تصویب قانون به نام اشخاص در دفتر املاک به ثبت نرسیده باشد) متعلق به دولت اعلام شده است و اشخاص حق تقاضای ثبت آنها را ندارند و در صورتی که نسبت به اراضی مذکور از ناحیه اشخاص تقاضای ثبت شده باشد، در مورد اراضی مستحدث مطلقاً و در مورد اراضی ساحلی هرگاه منجر به ثبت ملک به نام متقاضی در دفتر املاک نشده باشد، درخواست ثبت داده شده باطل می شود، و ادارات ثبت مکلفند تقاضای ثبت این قبیل اراضی را صرفاً از وزارت کشاورزی و منابع طبیعی (فعلاً وزارت جهاد کشاورزی) و نیرو و یا سایر سازمانهای دولتی متصرف با تأیید وزارت مذکور

• **واگذاری اراضی ملی و دولتی:** یکی از معضلات مورد اشاره در متن اصلی، نحوه واگذاری اراضی دولتی (مانند اراضی ملی یا منابع طبیعی) به اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی برای اهداف تولیدی بود. در بسیاری از موارد، قوانین اجازه واگذاری مشروط را می دهند، اما روبه های اجرایی و تصمیمات قضایی (مانند آرای دیوان عدالت اداری) گاهی این واگذاری ها را به چالش می کشند. کارآفرینانی که روی این زمین ها سرمایه گذاری می کنند، با ریسک ابطال یا پس گرفتن زمین مواجه هستند، زیرا هدف اصلی واگذاری باید همسو با منافع عمومی و قوانین بالادستی باشد.

• **انحصاری بودن تملک:** در نظام حقوقی ایران، تملک قهری بیشتر معطوف به دستگاه های اجرایی تعریف شده است. این امر ممکن است کارآفرینانی که زمین های آن ها برای پروژه های توسعه ای غیردولتی (اما دارای منفعت عام) مورد نیاز است را در موقعیت ضعف قرار دهد، زیرا نهاد خصوصی مستقیماً قدرت عمومی تملک را ندارد.

۳. ملاحظات حقوقی و محیطی

علاوه بر قوانین شهری، مقررات خاص دیگری نیز بر استفاده از زمین حاکم هستند:

• **قوانین محیط زیست:** کارآفرینانی که فعالیت های تولیدی پرخطر (مانند صنایع شیمیایی، دباغی یا معادن) راه اندازی می کنند، باید تأییدیه های زیست محیطی دریافت کنند. این تأییدیه ها ممکن است مستلزم رعایت حریم های خاص (دور از رودخانه ها، مناطق حفاظت شده یا سکونتگاه ها) باشند که دسترسی کارآفرین به زمین های مطلوب از نظر موقعیت تجاری را محدود می سازد.

• **حقوق اشخاص ثالث:** حتی در صورت مالکیت زمین، کارآفرین باید حقوق اشخاص ثالث را در نظر بگیرد. مثلاً، حق عبور (ارتفاق) برای تأسیسات عمومی (لوله گاز یا برق) که از زمین عبور می کنند، می تواند دامنه استفاده کارآفرین از ملک خود را محدود سازد.

• **مالکیت و اسناد رسمی:** پیچیدگی های ثبت اسناد، اختلافات مالکیت، و وجود اراضی مشترک یا موقوفه، می تواند زمان برترین چالش حقوقی برای یک کارآفرین در هنگام خرید زمین و اخذ مجوزهای ساخت باشد.

شاید اولین قانون که در مورد اراضی مستحدث ساحلی، مقرراتی را بنا گذارد ماده واحده قانون اجازه تأسیس سازمان بندر و کشتیرانی مصوب ۴ خرداد ۱۳۳۹ بود که بر اساس آن، سازمان بندر و کشتیرانی تحت نظارت وزارت گمرکات و انحصارات به وجود آمد (بعدها تشکیلات این سازمان در ۱۳۴۰ به وزارت

املاک نسبت به تفکیک و تعیین حدود اراضی مورد مالکیت خود اقدام کنند. و بر اساس ماده ۲ آیین نامه ادارات ثبت اسناد و املاک مکلفند در موقع تفکیک اراضی ساحلی متعلق به اشخاص به منظور حفظ منافع دولت در اراضی مستحدث و ساحلی و منابع ملی شده و اراضی مشمول مقررات اصلاحات ارضی قوانین مربوط به اراضی مستحدث و ساحلی و ملی شدن جنگلها و مراتع کشور و اصلاحات ارضی را مورد توجه قرار دهند. و بالاخره ماده ۳ همان آیین نامه ضابطه عمران و بهره برداری متناسب از اراضی انتقال یافته به اشخاص در مورد انواع زراعت باغبانی دامداری و دامپروری و پرورش طیور و آب زیان و ساختمانی و غیره را موکول به تشخیص کمیسیون مندرج در ماده ۱۲ قانون دانسته و کمیسیون باید تشخیص دهد که پیشرفت عملیات انجام یافته در جهت عمران و بهره برداری طوری است که تا قبل از پایان سه سال و در شرایط عادی نتایج مطلوب متناسب با وضع زمین تأمین شود یا خیر؟

ب (قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۶/۱۲/۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اولین ماده از قانون، در ماده ۲ اراضی ساحلی و اراضی مستحدثه که در اثر پایین رفتن سطح آب دریاها و دریاچه ها و یا خشک شدن مردابها و باتلاق ها پدید آمده باشد را در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران دانسته است لیکن در قسمت اخیر ماده ملاک احیاء و تصرفات مالکانه افراد نسبت به این قبیل اراضی را تا تاریخ تصویب لایحه قانونی نحوه احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی (۲۶/۲/۱۳۵۹) ذکر کرده است که بدین ترتیب به نظر میرسد با توجه به مؤخرالتصویب بودن قانون توزیع عادلانه آب و صراحت آن، قانون اراضی مستحدث و ساحلی مصوب ۲۹/۴/۱۳۵۴ از این نظر (تفویذ تصرفات مالکانه و شرعی افراد در فاصله ۵۴ و ۵۹ و قبل از سال ۵۴) و نیز به لحاظ تفویض بعضی وظایف به وزارت نیرو در خصوص اراضی مورد بحث نسخ جزئی کرده است. در تبصره ۳ ماده ۲ قانون ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در حریم قانونی سواحل دریاها و دریاچه ها اعم از طبیعی و یا مخزنی جز با اجازه وزارت نیرو ممنوع اعلام شده است. و همچنین در ماده ۴ قانون صدور اجازه بهره برداری یا واگذاری بهره برداری از شن و ماسه و خاک رس حریم قانونی سواحل دریاها و دریاچه ها منوط به کسب موافقت قبلی وزارت نیرو شده است.

پ (همچنین با تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ و اصلاحات و تصویب قوانین بعدی و نیز تصویب آیین نامه نحوه استفاده از زمین و منابع ملی در مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران

بپذیرند و ماده ۷ قانون موصوف، حریم منابع مذکور ولو آنکه متصرفین این قبیل اراضی، اسناد مالکیت گرفته باشند. را در زمره مشترکات عمومی محسوب نموده که از ناحیه اشخاص خصوصی قابل تملک و تصرف نمی باشد. ولی استفاده از حریم مزبور برای ایجاد تأسیسات ضروری دولتی که جنبه اختصاصی نداشته باشد با رعایت مقررات آیین نامه اجرایی این قانون و تصویب هیات وزیران مجاز دانسته شده است.

پس از پیروزی انقلاب، با تصویب اصل ۴۵ ق.ا.ج.ا.ا، انفال و ثروت های عمومی از قبیل زمین های موات و رها شده، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها و سایر آب های عمومی، کوه ها، دره ها، جنگل ها، نزارها، بیسه های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، و... در اختیار حکومت اسلامی قرار گرفت تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. و تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک بر عهده قانون عادی قرار گرفت و با تصویب و اجرای مقررات زیر مواجه هستیم:

الف (بند "ط" ماده ۱ قانون نحوه واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۵/۶/۱۳۵۸، اراضی ساحلی را زمینهایی تعریف می کند: «که در مجاورت حریم دریا و دریاچه و یا اراضی مستحدثه قرار دارد و بر حسب مورد در حکم یکی از انواع اراضی موات و دایر و بایر است.

بر اساس ماده ۱۹ همان قانون، اراضی ساحلی در حکم موات را اراضی دانسته است که در آنها هیچ احیاء و اقدام عمرانی انجام نشده و به صورت طبیعی باقیمانده است. این قبیل اراضی را قانونگذار از آن دولت می داند و ادارات ثبت مکلف شده اند تا حریم و اراضی مستحدثه و آباد را با رعایت قانون اراضی مستحدث و ساحلی از اراضی دایر و بایر و منابع ملی تفکیک کند.

همچنین ماده ۱۹ قانون نحوه واگذاری و احیاء اراضی در حکومت... مالکین و متقاضیان ثبت یا اشخاصی که اراضی بایر ساحلی را در اختیار داشته ولی مالکیت اراضی رسماً به آنها منتقل نشده بود را مکلف نموده تا ظرف سه سال از تاریخ تصویب قانون نسبت به عمران و بهره برداری متناسب از آن اقدام کنند، در غیر این صورت اراضی احیاء نشده موجود مطابق ماده ۹ قانون در اختیار وزارت کشاورزی و عمران روستایی قرار میگرفت تا با تصویب هیأت وزیران برای استفاده عمومی اختصاص داده شود.

همچنین ماده ۱ آیین نامه اجرایی ماده ۱۹ قانون نحوه واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۰۹/۲۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، صاحبان اراضی ساحلی که در آنها اقدامات عمرانی انجام نیافته است را مکلف کرده بود تا از طریق ادارات ثبت اسناد و

یکپارچه سواحل و رعایت ضوابط و استانداردهای زیست محیطی و لزوم بررسی و بازبینی حریم دولت موظف گردید تا پایان سال اول برنامه چهارم، به منظور ساماندهی و جلوگیری از آلودگی و تخریب سواحل، با اولویت دریای خزر، طرح جامع ساماندهی سواحل را که متضمن اقدام های ضروری همچون تعیین و آزادسازی حریم، استقرار یکپارچه، مدیریت یکپارچه سواحل، ضوابط و استانداردهای زیست محیطی و دریانوردی، صیادی و آبی پروری بازبینی و اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات را همراه با تعیین مسئولیت دستگاه های ذیربط در زمینه سیاست گذاری اجرا و نظارت تدوین کند. و همچنین تبصره ذیل ماده بالا دولت را موظف کرد تا کلیه وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی را به شکلی ساماندهی کند که تا پایان برنامه چهارم، عقب نشینی ۶۰ متر حریم دریا صد درصد انجام شود.

آیین نامه اجرایی ماده (۶۳) قانون برنامه چهارم توسعه به تصویب هیأت دولت رسیده و طی شماره ۵۱۷۲۲/ت ۳۶۴۱۰ هـ - ۱۳۸۶/۴/۶ به همه دستگاه های ذیربط ابلاغ شده است. در ماده ۱ آیین نامه مناطق ساحلی مشمول، شامل پهنه های ساحلی دریای خزر در استانهای گیلان، مازندران و گلستان و پهنه های ساحلی خلیج فارس و دریای عمان در استانهای خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان و پهنه های ساحلی سایر دریاچه های کشور اعلام شده است. و در ماده ۲ طرح جامع ساماندهی سواحل به صورت آرمانی تعریف و بازبینی، اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات و استقرار مدیریت یکپارچه بر اساس اقدامات مشروح در آیین نامه بر عهده وزارت مسکن و شهرسازی گذارده شده که باید ظرف یکسال تهیه و به تأیید کارگروه موضوع ماده ۳ برسد. در بند ب از ماده ۲ وزارت جهاد کشاورزی موظف است شده است ظرف چهار ماه معیارهای تعیین حریم دریا را (با اولویت دریای خزر)، با همکاری وزارتخانه های نیرو، کشور، دادگستری، مسکن و شهرسازی و راه و ترابری و سازمانهای حفاظت محیط زیست و مدیریت و برنامه ریزی کشور مشخص و به کار گروه موضوع ماده (۳) این آیین نامه ارائه نماید.

در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۲ به وسیله شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران (با توجه به اختیارات تفویضی هیأت وزیران)، مطابق مواد ۴ الی ۷ و ۱۵ و ۱۶ این آیین نامه اراضی در اختیار سازمان مناطق آزاد در حکم اموال دولتی تلقی و سازمان به نمایندگی از طرف دولت همان اختیارات و وظایف و حقوق وزارتخانه های ذیربط را داراست. چنان که مطابق ماده ۵ کلیه حقوق مربوط به اراضی مشمول قانون زمین شهری و قانون ملی شدن جنگل ها و مراتع کشور و نیز قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع کشور و قانون اراضی مستحدثات و ساحلی، واقع در محدوده هر منطقه از طریق سازمان مناطق آزاد اعمال می شود. و حسب ماده ۶ ادارات ثبت اسناد و املاک مربوط، در دفتر املاک، اراضی دولتی را به نام دولت و به نمایندگی سازمان منطقه آزاد مربوط تنفیذ و اخبار می نماید و اسناد صادره قبلی را بر این اساس اصلاح خواهد نمود. و همچنین کلیه اختیاراتی که در رابطه با تجاوز و تصرف و تخریب اراضی دولتی و ملی و اراضی ساحلی و حریم آن براساس قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع کشور مصوب سال ۱۳۴۸ و اصلاحات بعدی آن و قانون اراضی مستحدثات و ساحلی مصوب سال ۱۳۵۴ به وزارتخانه های مسئول محول شده و غیره و نیز اختیارات خاصی که در این مورد به سایر نهادهای دولتی محول گردیده است، از تاریخ تصویب آیین نامه در محدوده مناطق آزاد به سازمان تفویض می شود. (ماده ۱۵) و واگذاری بهره برداری از منابع ملی به اشخاص حقیقی و حقوقی با رعایت کلیه قوانین موضوعه در این مورد، در اختیار این سازمان می باشد. (ماده ۱۶)

ت) و بالاخره ناکارآمدی قوانین مصوب و اجرا نکردن همین میزان مقررات ناقص که باعث تصرفات غیر مجاز و مخربانه و ساخت و سازهای غیراصولی خصوصی و عمومی در سواحل کشور (خاصه دریای خزر) گردید به نحوی که به نظر می رسید دیگر در شمال کشورمان ساحلی برای مردم و گردشگران معمولی باقی نماند، از این رو قانونگذار وادار شد تا به منظور آزادسازی حریم دریای خزر بدواً به تصویب بند هـ ماده ۱۰۴ برنامه سوم توسعه مبادرت ورزد. سپس و جدی تر ماده ۶۳ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ تصویب گردید. در قانون اخیرالتصویب با تأکید بر لزوم اعمال مدیریت

۵- فرآیند تملک اراضی در ایران جهت بهره گیری در فرایند کارآفرینی

تملك قهری اراضی عملی است که بر اساس حقوق عمومی، مقام دارای صلاحیت، در چارچوب قانون و برای تأمین منافع عمومی، مالکیت اموال غیرمنقول اشخاص را با پرداخت بها یا معوض به خود منتقل می‌سازد. این اختیار یک قدرت عمومی است که صرفاً با مجوز قانونی قابل اعمال بوده و قانون باید به صورت شفاف، اشخاص صالح و مورد/موضوع تملک را تعیین کند تا از سوءاستفاده جلوگیری شود. یکی از اصول اساسی تملک قهری، محدودیت در هدف استفاده است؛ زمینی که برای یک هدف خاص (مانند حفاظت ساحلی) تملک می‌شود، نباید برای اهداف دیگر (مانند ایجاد تفرجگاه) مورد استفاده قرار گیرد، حتی از طریق قرارداد. کلیه این اقدامات تنها در صورتی معتبر است که در جهت منافع عامه باشد.

اصطلاح «مرجع تملک» به نهاد اعمال‌کننده این قدرت اشاره دارد. این اختیار معمولاً به ادارات دولتی، حکومت‌های محلی و اشخاص عمومی با وظایف قانونی (مانند شرکت‌های خدمات‌رسان) اعطا می‌شود. در ایران، مطابق ماده ۱ «لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای «دستگاه‌های اجرایی» شامل وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها داده شده است. این دستگاه‌ها باید عهده‌دار اجرای بخشی از برنامه سالانه کشور باشند. این تعریف، امکان شمول مؤسسات عمومی غیردولتی را محدود می‌سازد، هرچند شهرداری‌ها به صورت جداگانه تصریح شده‌اند. اهداف مورد نظر برای تملک قهری بسیار گسترده است و شامل کاربردهای حمل و نقلی (جاده‌ها، راه‌آهن)، ساخت ساختمان‌های عمومی (مدارس، بیمارستان‌ها، مسکن عمومی) و صنایع عمومی (آب، برق، گاز) می‌شود، اگرچه فهرست آن‌ها انحصاری نیست و نیازهای عمومی جدید نیز می‌تواند موجب تملک شود. در راین میان فرآیند تملک قهری شامل شش مرحله اصلی است:

۱. برنامه‌ریزی: تعیین و انتخاب زمین مناسب توسط مرجع تملک و مشخص کردن دقیق محل و اندازه مورد نیاز.

۲. آگهی: انتشار اطلاعیه برای اطلاع مالکان و ساکنان، تشریح هدف تملک و دعوت از افراد متأثر برای ارائه نظرات و ادعاهای خسارت.

۳. تقویم و تسلیم ادعاها: بررسی ادعاهای مالکان و تعیین غرامت معادل، که ممکن است شامل مذاکره باشد.

۴. پرداخت غرامت: پرداخت پول یا جایگزینی زمین به جای زمین تملک شده.

۵. تصرف و تملک: پس از پرداخت غرامت، دولت مجاز به تصرف فیزیکی زمین می‌شود.

۶. تجدیدنظر: فراهم کردن فرصت اعتراض به مالکان نسبت به تصمیم، فرآیند یا میزان غرامت تعیین شده.

در نظام حقوقی ایران، آغاز فرایند تملک و خرید قهری منوط به وجود طرح مصوب، تأمین اعتبار و اعلام رسمی وجود طرح از طریق آگهی عمومی و ابلاغ به مالک و تشریفات ثبتی است. مطابق ماده یک قانون لایحه قانونی نحوه خرید و تملک سازمانها و شرکتها و موسساتی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است در صورتی که به آراضی و ابنیه و مستحدثات و تاسیسات متعلق به اشخاص حقیقی و یا حقوقی نیاز داشته باشد می‌تواند مورد نیاز را مستقیماً و یا به وسیله هر سازمان خاصی تملک نماید، با تامل در این ماده و دیگر مواد منعکس در لایحه قانونی نحوه خرید می‌توان دریافت که موضوع تملک به مفهوم حق مالکیت است و آنچه که مورد تملک واقع می‌شود مالکیتی است که یک شخص نسبت به یک مال دارد که این مالکیت می‌تواند ناظر به عین یا منفعت باشد. (قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک، ۱۳۵۸).

تملك املاک باید بر مبنای اصولی باشد که به افراد جامعه اطمینان کافی در جهت حمایت از حقوقشان را بدهد و بر اساس آن اصول قانونگذار می‌بایست ضمانت اجرایی که تضمین‌کننده خسارت وارده به متأثرین از تملک از سوی مراجع متملك است را فراهم نماید. [۲۷].

قواعد تملک باید محدودیت معقولی بر روی قدرت دولت‌ها جهت تملک قهری زمین ایجاد کنند تا بدین وسیله مانع سوء استفاده از قدرت و فساد برخی مراجع متملك گردد. ممکن است دولت نسبت به زمین‌های خصوصی نیاز پیدا کند و بدون پرداخت غرامت کافی آن زمین را به تصرف خود درآورد یا اینکه زمینی که از حالت دایر خارج



شده و تا زمانی که در وضعیت دایر و در تصرف مالک بوده ولی مالک به ناچار اقدام به تغییر وضعیت زمین به دلیل تغییرات آب و هوایی نموده و همین اقدام وی سبب شده که مرجع ناظر، زمین را از تصرف مالک خارج و در زمره اراضی ملی قرار دهد؛ چنین تصرفاتی نیز نباید به گونه ایی باشد که جای اعتراض را از مالک سلب نماید و یا اعتراض وی جنبه تشریفاتی به خود گیرد و در مراحل پایانی نتیجه ایی عاید وی نشود و در صورتی که مستحق تادیه خسارت بیشتر بوده و یا اینکه اقداماتی که بر روی زمین به دلیل شرایط ایجاد شده فوق الاشاره انجام شده، با تصرف و تملک دولت منجر به خسارت جبران ناپذیری گردد و عواقبی چون دلسرد شدن سرمایه گذاران و تضعیف بازار زمین و کاهش انگیزه مردم در داشتن املاکشان را در پی داشته باشد.

بنابراین اهدافی را که دولت در تملک قهری اراضی در سر می پروراند نباید موجب اضرار به غیر و سلب حسن نیت افراد جامعه نسبت به حکومت اسلامی گردد بلکه می بایست ضمن جلوگیری از سوء استفاده قدرتهای اجرایی، با مدیریت و برنامه ریزی و حتی در صورت نیاز به املاک خصوصی، می بایست از عنوان مشارکت مردمی استفاده نموده تا بتواند به بهترین نحو به اهداف خود که همان ایجاد رفاه و آسایش و حفظ نظم عمومی است، جامه عمل بپوشاند. [۱۳].

مطابق با قانون لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت،

می بایست سلسله اقداماتی انجام شود که قبل از انجام آن، ضرورت ایجاد آن مورد سنجش قرار گرفته و باید به تایید و تصویب بالاترین مقام اجرایی دستگاه اجرایی اجرا کننده طرح برسد. بنابراین به طور کل فرایند تملک و اجرای آن طی مراحل ذیل و بر طبق قوانین مربوطه مورد اشاره صورت خواهد گرفت. [۱۵].

۶- وجود طرح مصوب

باید توجه داشت که طرح عمومی و عمرانی با طرح شهری با وجود اشتراک لفظ، تفاوت دارند. طبق بند ۱۰ ماده ۱ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱، طرح عمرانی، «مجموعه عملیات و خدمات مشخصی است که بر اساس مطالعات توجیهی فنی و اقتصادی یا اجتماعی که توسط

دستگاه اجرایی انجام می شود؛ طی مدت معین و با اعتبار معین برای تحقق بخشیدن به هدفهای برنامه عمرانی پنج ساله به صورت سرمایه گذاری ثابت شامل: هزینه های غیرثابت وابسته در دوره مطالعه و اجرا و یا مطالعات اجرا می گردد و تمام یا قسمتی از هزینه های اجرای آن از محل اعتبارات عمرانی تأمین می شود و به سه نوع انتفاعی و غیرانتفاعی و مطالعاتی تقسیم می گردد.» بنابراین در یک طرح اعم از عمرانی یا عمومی و یا نظامی حسب مورد باید اولاً: کلیه مراحل از شروع تا پایان، مشخص و معین شده باشد، ثانیاً: این مراحل براساس مطالعات و کارهای کارشناسی، برنامه ریزی شده باشد و با توجه به هدفی که در اجرای طرح دنبال می شود، توجیه پذیر باشد و ثالثاً: مدت آن مشخص و اعتبار آن نیز تعیین شده و به تصویب بالاترین مقام اجرایی رسیده باشد؛ در حالی که طرح مصوب شهری صرفاً نحوه استفاده از اراضی و منطقه بندی مربوطه و نوع کاربریها و ضوابط حاکم بر ساخت و ساز در آن را معین می کند (ویژه و حجتی، ۱۳۹۲: ۱۲۴). در این خصوص باید به نظریه شماره ۷/۴۰۲۹ مورخ ۲۹/۶/۱۳۷۷ اداره حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به این سؤال که «آیا وجود طرح به معنی تصویب طرح جامع یا هادی شهر است یا خیر؟»، توجه کرد. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مذکور چنین اظهار کرده است: «وجود طرح به معنی تصویب طرح جامع یا هادی نیست.» منظور از وجود طرح در نظریه فوق، طرح مصوب شهری نیست و مقصود از اجرای طرح، طرح عمرانی و تملک است.» (ویژه و حجتی، ۱۳۹۲: ۱۲۵)

۷- تأمین اعتبار

یکی از لوازم اساسی تصویب هر طرحی، پیش بینی منابع مالی مورد نیاز برای اجرای طرح است. در بخش پایانی ماده ۱ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ آمده است: برای اجرای طرح باید «اعتبار آن قبلاً به وسیله «دستگاه اجرایی» یا از طرف سازمان برنامه و بودجه تأمین شده باشد» و در این صورت، «دستگاه اجرایی» می تواند خریداری و تملک کند. طبق ماده ۱۸ قانون محاسبات عمومی، «تأمین اعتبار عبارت است از اختصاص دادن تمام یا قسمتی از اعتبار مصوب برای هزینه معین»؛ بنابراین «منظور از تأمین اعتبار آن

نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ و نیز تبصره ۴ قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها مصوب ۱۳۷۰ به لزوم «اعلام دستگاه اجرایی» اشاره کرده اند. بخش پایانی فراز اول ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک ۱۳۶۷ نیز «اعلام رسمی وجود طرح» را مطرح کرده است؛ به همین ترتیب، قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری مصوب ۱۳۸۹ مقرر داشته است که: «... طرح‌های مصوب به نحو مطلوب و مناسب به ساکنان و مالکان اطلاع رسانی... شود.»

به باور برخی، اطلاع رسانی به مالکان، می‌تواند جلوه‌های از اصل مشارکت و همچنین «حکمرانی خوب» توصیف شود [۲۴]؛ اما آگاهی شهروندان و اطلاع اشخاص ذیحق از وجود طرح و فرایند اجرای آن، به مفهوم مشارکت عمومی نیست و صرفاً به منظور آگاهی شهروندان و نیز مالک یا ذینفع متأثر از رأی از طرح است. طبق اصل مشارکت عمومی، شهروندان می‌بایست در کلیه تصمیمات اداری به ویژه تصمیماتی که بناست به طور مشخص حقوق خصوصی اشخاص و نیز سرنوشت اجتماعی شهروندان را تحت تأثیر قرار دهد، مشارکت داشته باشند. همانطور که بیان شد؛ در نظام حقوقی ایران در خصوص اطلاع رسانی و اعلام رسمی طرح جهت تملک بدین صورت است که صرفاً دستگاه اجرایی ملزم به اعلام رسمی طرح به مالک یا مالکین و صاحبان سایر حقوق قانونی از طریق ابلاغ کتبی و انتشار در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و آگهی در محل است.

باید توجه داشت که در ایران، اعلام رسمی وجود طرح فقط دو ثمره و اثر قانونی دارد: اول آن که برای مالک تکلیف ایجاد می‌کند که در فرایند تملک، با دستگاه تملک کننده، همکاری و تعامل داشته باشد و نهایتاً نسبت به انجام معامله و انتقال رسمی ملک اقدام کند. به هر حال، عدم اقدام مالک موجب توقف عملیات تملک نمی‌شود. دوم این که برای دستگاه مجری طرح، این تکلیف را ایجاد

است که می‌بایست مبلغی که باید صرف خرید ملک و پرداخت به اشخاص ذیحق شود، وجود داشته باشد. [۲۴]. در خصوص تأمین اعتبار دستگا‌های مشمول قانون محاسبات عمومی با توجه به اصل سالانه بودن بودجه باید اعتبار مربوط به تملک املاک هر سال در بودجه سال قبل در نظر گرفته شود [۲۴]. در مورد شهرداریها که مشمول قانون محاسبات عمومی نیستند نیز باید برنامه و عملیات اجرایی طرح به تصویب شورای شهر برسد و در بودجه سالانه شهرداری پیش بینی شود. طبق ذیل ماده ۶۸ قانون شهرداری اصلاحی ۱۳۴۵، بودجه عمرانی شهرداری در هر سال مالی باید حداقل ۴۰ درصد بودجه سالانه باشد.

در آرای دیوان عدالت اداری نیز به مساله تأمین اعتبار برای اجرای طرح اشاره شده است. از جمله در رأی شماره ۹۱۸ مورخ ۱۳۸۴/۰۴/۱۱ شعبه چهارم تجدیدنظر که برای اجرای قانون نحوه خرید سه شرط را لازم دانسته است: ۱ - طرح مورد نظر برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی، نظامی باشد ۲ - مورد نیاز باشد ۳ - بودجه آن تأمین شده باشد.

علاوه بر این، ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی قانون زمین شهری در رابطه با تملک زمین‌های بایر و دایر مقرر می‌دارد: «برای تملک زمین‌های بایر و دایر از سوی دولت و شهرداریها و کلیه دستگاههایی که طبق قانون حق خرید و تملک دارن رعایت ضوابط زیر ضروری است:

- ۱- دستگاه تملک کننده دارای طرح مصوب بوده و اعتبار خرید زمین نیز تأمین شده باشد.
- ۲ - بالاترین مقام اجرایی دستگاه تملک کننده نیاز به تملک زمین را تأیید نماید.
- ۳ - وزارت مسکن و شهرسازی عدم امکان تأمین زمین مناسب را از زمینهای موات و دولت در آن شهر اعلام نموده باشد.
- ۴- در شهرهایی که دارای طرح‌های مصوب شهری است، کاربری زمین مورد نیاز منطبق با طرح باشد.

۸- اطلاع رسانی و اعلام رسمی طرح

یکی دیگر از مقدمات تملک و اجرای طرح، این است که مالک و صاحبان حقوق عینی املاک واقع در محدوده طرح از وجود طرح و فرایند تملک آگاه شوند. تبصره ۲ ماده ۴، تبصره ۳ ماده ۵، همچنین ماده ۸ لایحه قانونی



اجرای آن مورد تشخیص واقع نشود. بالاترین مقام اجرایی در وزارتخانه‌ها، وزیر است و در شهرداریها، شهردار است. در مورد شرکت‌های دولتی و نهادها و سایر دستگاههایی که مجاز به تملک هستند، در هر مورد بایستی به اساسنامه قانونی و یا قانون تأسیس این سازمانها مراجعه کرد.» [۳۶]. مطابق دادنامه شماره ۱۴۰۳ مورخ ۳۰/۱۱/۱۳۸۶ هیأت عمومی دیوان، تصرفات بیش از نیاز دستگاه، باطل اعلام شده است. در این رأی، شعبه یاد شده با استناد به ماده ۱ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ و با این استدلال که شهرداری بیش از میزان نیاز خود اقدام به تملک کرده است؛ رأی به بطلان تصرفاتی داد که بیشتر از میزان نیاز شهرداری بوده است.

این مرحله از فرایند تملک در ایران، مشابه «تأیید دستورنامه خرید» از سوی بالاترین مقام اجرایی دستگاه تملک کننده در حقوق انگلستان است؛ با این تفاوت که در حقوق انگلستان، این مرحله پس از اعمال حق اعتراض مالک به اساس طرح، محقق می‌شود؛ اما در حقوق ایران، تا این بخش از فرایند؛ مالک یا شخص متأثر از طرح، امکان اعتراض به اساس طرح را از طریق سازوکار اداری ندارد.

۵- تشریفات ثبتی و تملک اراضی

تبصره ۲ ماده ۲ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی مقرر داشته «اداره ثبت اسناد و املاک محل مکلف است محل وقوع و وضع ثبتی ملک را با توجه به نقشه ارائه شده، ظرف حداکثر ۱۵ روز از تاریخ استعلام پاسخ دهد.» طبق این تبصره، اداره ثبت مکلف است محل وقوع و وضع ثبتی ملک را در مهلت ۱۵ روز، از تاریخ استعلام دستگاه اجرایی تعیین کند. دستگاه اجرایی برای تملک محدوده موردنظر باید از اداره ثبت اسناد و املاک محل استعلام کند. این استعلام با هدف تعیین دقیق محل وقوع ملک و وضعیت ثبتی آن صورت می‌گیرد. در واقع دستگاه اجرایی در فرآیند تملک، نیازمند شناسایی مالک یا مالکان و تعیین دقیق محدوده املاک مورد نظر جهت تملک است و مطابق گواهی اداره ثبت هویت مالکان روشن می‌شود و محدوده دقیق املاک نیز معین می‌شود [۱۵]؛ اما فرصت مقرر برای مرجع تملک، در ماده واحده اصلاحی

می‌کند که با رعایت مواعد مقرر در قوانین، اقدام به تملک و پرداخت غرامت ملک کند.

بنابراین به منظور جلوگیری از وقفه یا تاخیر در اجرای طرح چنانکه مالک ظرف یکسال از تاریخ اعلام دستگاه اجرایی به یکی از انحاء مقرر در تبصره دو ماده چهار لایحه قانونی نحوه خرید و تملک مصوب ۵۸ مراجعه نکند یا از انجام معامله استنکاف ورزد برای بار دوم نیز به مالک اعلام و پس از انقضاء ۱۵ روز مهلت مجدد ارزش تقویمی ملک که طبق نظر هیات کارشناسی و مطابق با قوانین محاسبه گردیده به صندوق ثبت محل تادیه و از طریق دادستانی یا نماینده مالک سند به نام دولت منتقل و ظرف یکماه نسبت به تخلیه و خلع ید اقدام خواهد نمود.

۹- تشخیص ضرورت اجرای طرح

یکی دیگر از مقدمات تملک و اجرای طرح در ایران، تشخیص ضرورت اجرای طرح مصوب از سوی بالاترین مقام اجرایی دستگاه اجرایی است. ماده ۲ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ مقرر می‌دارد: «برنامه‌های مذکور در ماده یک شامل برنامه‌هایی است که اجرای آن به موقع برای امور عمومی و امنیتی دستگاه اجرایی لازم و ضروری باشد. ضرورت اجرای طرح باید به تأیید و تصویب بالاترین مقام اجرایی دستگاه اجرایی برسد.» همچنین مطابق ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک ۱۳۶۷: «کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها... مکلف می‌باشند در طرحهای عمومی یا عمرانی که ضرورت اجرای آن توسط وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی با رعایت ضوابط مربوطه تصویب و اعلان شده باشد... طبق قوانین مربوطه اقدام نمایند.» مطابق قوانین فوق، صرف وجود طرح نمی‌تواند توجیه کننده تملک باشد؛ بلکه می‌بایست ضرورت اجرای طرح نیز به تصویب وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی رسیده باشد. موضوع تهیه و تصویب طرح (وجود طرح مصوب) و تصویب ضرورت آن، دو مقوله متفاوت هستند؛ «چراکه برای اجرای هر برنامه‌ای اعم از عمومی، عمرانی و نظامی باید طرح مصوب وجود داشته باشد و این موضوع ضرورتاً با تملک پیوستگی ندارد.» [۲۴]. ممکن است طرحی در مراجع صالح و قانونی به تصویب رسیده باشد؛ اما ضرورت

۱۰. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

زمین، چه به عنوان خاک حاصلخیز برای تولید مواد غذایی، چه به عنوان بستر زیرساختی برای تکنولوژی‌های نوین، و چه به عنوان یک دارایی استراتژیک برای توسعه املاک، ستون فقرات تمام فعالیت‌های تولیدی و کارآفرینی محسوب می‌شود.

هدف این مقاله، ارائه چارچوبی تحلیلی برای فهم چندبعدی نقش و کارکرد زمینهای غیر قابل استفاده در دست دولت، در فرایند تولید و کارآفرینی است؛ چارچوبی که زمین را نه تنها به‌عنوان عامل فیزیکی تولید، بلکه به‌مثابه منبع فرصت‌های کارآفرینانه، وثیقه نهادی برای تأمین مالی، و بستر فضایی شکل‌گیری شبکه‌های تولید، نوآوری و زنجیره‌های ارزش در نظر می‌گیرد. بر پایه این چارچوب، مقاله کوشیده با تکیه بر ادبیات نظری اقتصاد و کارآفرینی و نیز تجربه‌های عملی در سطح منطقه‌ای/ملی، نشان دهد که چگونه بازانديشي در سياست‌ها و نهادهاي مرتبط با زمين، مي‌تواند به ارتقاي کارآيي توليد، گسترش کارآفرینی مولد و پیشبرد اهداف توسعه پایدار کمک کند.

در اقتصاد کلاسیک، زمین در کنار کار و سرمایه، یکی از عوامل بنیادین تولید تلقی می‌شود. ریکاردو با طرح مفهوم «رانت زمینی»، زمین را به دلیل کمیابی، ناهمگنی و عدم تحرک فضایی آن، واجد جایگاهی ویژه در تحلیل‌های توزیع درآمد معرفی می‌کند. در این چارچوب، تفاوت بهره‌وری اراضی مختلف، به شکل‌گیری رانت می‌انجامد؛ رانت به‌مثابه درآمدی مازاد که نه ناشی از کار و سرمایه‌گذاری جدید، بلکه حاصل برتری طبیعی یا مکانی زمین نسبت به سایر قطعات است. این تحلیل اگرچه معطوف به کشاورزی است، اما از منظر کارآفرینی نیز حائز اهمیت است؛ زیرا نشان می‌دهد که «کیفیت» و «موقعیت» زمین، به‌خودی‌خود نوعی مزیت یا عدم‌مزیت برای فعالیت‌های تولیدی و کارآفرینانه ایجاد می‌کند. در رویکرد نئوکلاسیک، زمین معمولاً در کنار سایر نهاده‌ها در تابع تولید گنجانده می‌شود و اهمیت تحلیلی آن تا حدی در قالب یک نهاده همگن و قابل‌جانشینی با سرمایه تقلیل می‌یابد. تمرکز بر تعادل‌های بازار و قیمت‌های نسبی، موجب شده است که بُعد «مکانی» و «نهادی» زمین در بسیاری از مدل‌های کلان، کم‌رنگ شود. با این حال، ویژگی‌های متمایز زمین - به‌ویژه عدم تحرک جغرافیایی و ناهمگنی کیفی - همچنان آن را از سایر نهاده‌ها متمایز

۲۲/۱/۱۳۸۰ قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداریها، ۱۸ ماه است و مطابق رأی شماره ۴۸۹ مورخ ۲/۷/۱۳۸۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: «در صورت عدم اجرای طرح مصوب در مهلت مقرر قانونی، طرح در مقام اعمال حقوق مالکانه منتفی و کأنلم یکن بوده و مفید استحقاق اشخاص به احداث حسب مورد بنای مسکونی، تجاری و یا اداری، بدون ذکر طرح و لزوم اجرای آن از طرف مالک است»

۱- مصرحات حکم مقرر در ماده یک لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ و همچنین مقررات قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷ مبین جواز تملک اراضی و ابنیه اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی در حد نیاز شهرداری در جهت اجرای برنامه‌های عمومی و عمرانی شهری بر اساس طرحها و نقشه‌های مصوب مراجع و مقامات ذیصلاح است و تمسک به قوانین فوق‌الذکر به منظور تملک اراضی و ابنیه زائد بر آن که تابع احکام قانون مدنی است؛ وجاهت قانونی ندارد و نظر به اینکه ماده ۲۴ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ با اصلاحیه بعدی و ماده ۸ لایحه قانونی فوق‌الاشعار منصرف از مورد است، بنابراین دادنامه‌های شماره ۱۸۰۸ و ۱۸۰۷ و ۱۸۰۶ مورخ ۱۳/۸/۱۳۸۲ شعبه ششم بدوی، شماره ۶۸۳ مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ شعبه دوم تجدیدنظر، شماره ۹۱۸ مورخ ۱۱/۴/۱۳۸۴، شعبه چهارم تجدیدنظر مبنی بر ورود شکایت شاکیان به خواسته ابطال تملک اراضی خارج از محدوده طرح‌های مصوب موافق اصول و موازین قانونی است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است مطابق قوانین تملک در ایران به ویژه لایحه قانونی نحوه خرید و تملک مصوب ۱۳۵۸، اساس تملک، توافق است و تملک و تصرف قهری ملک، صرفاً در موارد عدم پذیرش بهای تعیین شده از سوی ذینفع و استنکاف یا اختلافات مالکیت، مجهول بودن مالک، رهن یا بازداشت ملک، فوت مالک و هر وضعیتی که انجام معامله قطعی ممکن نشود، مصداق می‌یابد. همچنین طبق تبصره ۲ ماده ۳ لایحه مذکور، در صورت توافق بر روی بهای ملک، دستگاه تکلیف دارد ظرف ۳ ماه اقدام به خرید کند.

۱۱- پیشنهادات

- قبل از اینکه اراضی بلا تکلیف مورد طعمه زمین خواران و کلاهبرداران واقع شود، و قبل از اینکه افراد واجد شرایط متقاضی آن باشند خود دولت در واگذاری و تعیین تکلیف این اراضی برای حوزه تولید و کارآفرینی پیش قدم شود و با استفاده از طرح های متنوع و سرمایه گذاری سرمایه داران، در زمینه های کشاورزی، دامپروری و یا غیر کشاورزی و غیره اقدامات مفید و موثر انجام دهد.
- نظارت و اداره و تعیین تکلیف اراضی خالصه و مستحده و ساحلی بر مبنای اصول و قواعد خاص استوار گردد که امکان تقاضای زمین به جهت کار آفرینی چه برای اشخاص حقیقی و چه برای اشخاص حقوقی در شرایط یکسان و برابر مقرر گردد.
- قبل از اینکه روستائیان مورد طعمه زمین خواران و کلاهبرداران و یا مورد سوء استفاده برخی قدرتهای اجرایی و یا قدرتهای مالی واقع شوند و زمینهای زراعی آنان را که دیگر قابل کشت و زرع نمی باشد و به حالت بایر تغییر وضعیت پیدا کرده با قیمت ناچیز مورد معامله قرار دهند، مراجع مربوطه در اصطلاح پیش دستی کرده و کشاورزان و ساکنین بومی منطقه را نسبت به چنین شرایطی آگاه نموده و با نظارت و یک مدیریت حساب شده در صورتیکه شرایط و اوضاع احوال ایجاب می کند کشاورزان و بومیان را برای تولید ثروت و اشتغال از طریق کارآفرینی توانمند کنند.

می کند و همین ویژگیها، برای تحلیل فرایند کارآفرینی مبتنی بر مکان، اهمیت دارد.

اقتصاد نهادگرا، زمین را نه فقط به عنوان منبع طبیعی، بلکه به مثابه «دارایی نهادی» مورد توجه قرار می دهد. در این دیدگاه، کیفیت نهادها - به ویژه شفافیت و استحکام حقوق مالکیت - نقشی تعیین کننده در انگیزه سرمایه گذاری و کارآفرینی دارد. بر اساس این رویکرد، زمین هنگامی می تواند به موتور محرک فعالیت های کارآفرینانه بدل شود که الف: حقوق مالکیت بر آن تعریف و تضمین شده باشد؛ یعنی مرزهای مالکیت مشخص، قابل ثبت و دفاع پذیر باشد. ب: قابلیت وثیقه گذاری و تبدیل به دارایی مالی را داشته باشد؛ به گونه ای که کارآفرین بتواند از آن برای دسترسی به اعتبار و کاهش ریسک استفاده کند و ج: انتقال و تغییر کاربری آن با هزینه های مبادله معقول و قابل پیش بینی همراه باشد؛ نه با عدم قطعیت حقوقی، فساد اداری و رانت جویی.

در فقدان این شرایط، زمین به جای آن که نقش «وثیقه نهادی» برای کارآفرینی ایفا کند، به منبع نااطمینانی، تعارض و رانت تبدیل می شود. این نکته، به ویژه در اقتصادهای در حال توسعه که در آنها تنوع شکل های مالکیت (خصوصی، دولتی، وقفی، عمومی) و ضعف نظام ثبت و نقشه برداری وجود دارد، اهمیت دوچندان می یابد.


منابع

۱. ابراهیمی، محمد حسین، (۱۳۸۲)، نظام اقتصاد اسلامی، جلد پنجم، قم: نشر تامین، چاپ اول.
۲. اشتری مهرجردی، ابذر، امامی، مونا (۱۴۰۳). سنخ شناسی زنان کارآفرین اجتماعی بر مبنای صورت بندی نظام ارزش های شخصی؛ مورد مطالعه: زنان کارآفرین اجتماعی شهر تهران. پژوهشنامه زنان شماره ۴۹.
۳. امامی، مونا، خادیمان، طلیعه، اشتری مهرجردی، ابذر، (۱۴۰۱). سنخ بندی ارزش های کارآفرینانه (مورد مطالعه: زنان کارآفرین اجتماعی شهر تهران) دوفصلنامه صنعت و دانشگاه شماره ۵۷.
۴. اشتری مهرجردی، ابذر (۱۴۰۱)، پیدا و پنهان استارت آپها: درآمدی بر چالشها و امکان تحقق استارت آپها با نظر به آموزش عالی، نشر موسسه مطالعات فرهنگی اجتماعی. تهران.
۵. اشتری مهرجردی، ابذر (۱۴۰۲)، پیدا و پنهان نوآوری های اجتماعی: تبیین گفتمان های سه گانه دولتی، دانشگاهی و کارآفرینی، نشر موسسه مطالعات فرهنگی اجتماعی. تهران.
۶. اصفهانی، سید حسن، (۱۳۸۵)، وسیله النجاه، جلد دوم، تهران: انتشارات رضویه، چاپ پنجم.
۷. امامی، محمد، (۱۳۸۵). کلیات حقوق مالی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

۸. امین، سید حسن، (۱۳۸۵)، دیوان استیفاء، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.
- ۹- امینی، اعظم، (۱۳۸۵)، مالیات در اسلام، تهران: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، چاپ اول.
۱۰. انصاری، ولی الله، (۱۳۸۷)، کلیات حقوق اداری، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۱۱. ایمانی علی و قطمیری، (۱۳۸۸)، قانون اساسی در نظام حقوقی کنونی، تهران: نشر نامه هستی، چاپ اول.
۱۲. آقایی بناتی، علی و شریعتی، شهرام، (۱۳۸۶)، مجموعه کامل قوانین و مقررات بخش معدن و صنایع معدنی ایران، تهران: نشر آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، چاپ اول.
۱۳. بخشی، لطفعلی، (۱۳۸۹)، آشنایی با مالیه عمومی، تهران: نشر اقتصاد فردا، چاپ اول.
۱۴. بشیری عباس و همکاران، (۱۳۹۲)، شرایط فنی و ضوابط قانونی انواع حریم در حقوق کاربردی ایران، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم.
۱۵. بهشتیان، سید محسن، (۱۳۸۷)، بررسی نظم حاکم بر حقوق مالکانه در برابر طرح های عمومی شهرداری، تهران: انتشارات طرح نوین، چاپ دوم.
۱۶. تفکریان، محمود، (۱۳۹۸)، حقوق ثبت اسناد، تهران: انتشارات نگاه بینه.
۱۷. جامه بزرگ، محمد، (۱۳۶۹)، تملک اراضی توسط دولت و شهرداریها، تهران: انتشارات برزین مهر.
۱۸. حبیبی، محمدحسن، (۱۳۸۷)، «ملاک تمیز انفال و نسبت آن با سایر عناوین مالکیت عمومی»، مجله حقوق خصوصی، شماره ۱۵.
۱۹. حسن زاده، بهرام، (۱۳۹۰)، حقوق تحلیلی اراضی و املاک، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم.
۲۰. درخشانی مسعود، (۱۳۷۳)، ملاحظاتی در مفاهیم و نقش مالیات در اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات معاونت امور اقتصادی و دارایی، چاپ اول.
۲۱. رازانی، محمد علی، (۱۳۸۷)، نظام حکومت اسلامی، جلد اول، تهران: نشرمام، چاپ اول.
۲۲. راوندی، مرتضی، (۱۳۷۶)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نشر امیرکبیر، جلد پنجم، چاپ چهارم.
۲۳. رحمانی، محمد، (۱۳۸۵)، «انفال از منظر فقه شیعی و سنی»، مجله طلوع-فلسفه، کلام و اسلام، شماره ۱۳ و ۱۴.
۲۴. زرگوش، مشتاق، (۱۳۹۱)، حقوق اداری؛ تمک املاک، شبه تملک ها و سلب مالکیت از سرمایه‌ها توسط دولت"، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۲۵. سالارنصری، حسین علی، (۱۳۸۰)، «حقوق مالی»، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۹.
۲۶. سالاری، مصطفی، (۱۳۹۱)، تحصیل و تملک اراضی توسط دولت، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
۲۷. سجادی سیدمحسن، (۱۳۹۱)، «نقش انفال در مالیات‌های اسلامی»، مجموعه مقالات دومین همایش مالیات‌های اسلام و متعارف و ارتباط متقابل آنها، نشریه دانشگاه مفید.
۲۸. شاحیدر، عبدالکریم، (۱۳۸۰)، «اصول حاکم بر حقوق مالیاتی»، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۵.
۲۹. شعبانلو، داود، (۱۳۹۲)، گزیده آرای شعب دیوان عدالت اداری، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
۳۰. شمس، احمد، (۱۳۸۹)، نظام حقوقی اراضی ملی شده، تهران: نشر دادگستر، چاپ چهارم.
۳۱. صانعی، مهدی، (۱۳۸۰)، انفال و آثار آن در اسلام، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۳۲. طباطبائی مدرس، حسین، (۱۳۶۲)، زمین در فقه اسلامی، جلد دوم، تهران: دفتر فرهنگ نشر اسلامی، چاپ اول.
۳۳. علوی، محمود، (۱۳۸۵)، «تشریح ماده ۹ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک»، نشریه قضاوت، شماره ۴۶.
۳۴. فراهانی فرد، سعید، (۱۳۸۵)، «بهره برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصاد اسلام»، مجله اقتصاد اسلامی، سال ششم.
۳۵. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، اموال و مالکیت، تهران: نشر میزان، چاپ ششم.
۳۶. کامیار، غلامرضا، (۱۳۸۹)، حقوق شهری و شهرسازی، تهران: انتشارات مجد، چاپ چهارم.
۳۷. گیلک حکیم آبادی، محمد تقی، (۱۳۸۱)، «آیا نظام مالیاتی ایران اسلامی است؟»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال دوم شماره ۷.
۳۸. میرزایی، علیرضا، (۱۳۹۲)، تملک اراضی توسط دولت و شهرداری‌ها، تهران: انتشارات بهنامی، چاپ سوم.



The Role of Crown Lands, Newly-Formed Lands, and Coastal Lands in Production and Entrepreneurship

* Abazar Ashtari Mehrjerdi 

* Assistant Professor, Department of Social Studies, Technology, Institute of Cultural and Social Studies, Tehran, Iran. ashtari@iscs.ac.ir

Received: 26.01.2026

Accepted: 26.04.2026

Abstract

With regard to the topic under discussion, namely: "The role of limited, developed, and coastal lands in production and entrepreneurship", this article aims to examine the legal challenges in Iran and some countries in order to solve existing problems and amend laws in the field of limited, developed, and coastal lands, and to present suggestions for their use in production and entrepreneurship. Despite being a coherent system and capable of creating legal security, Iran's registration system is not in line with the needs and interests of society, production, and entrepreneurship, and has led to challenges in this area. Methodologically, this research is developmental in purpose and institutional-historical in approach. Data have been collected through library research and analyzed using inferential reasoning based on the inductive-deductive logic method. Accordingly, this study seeks to explore and critically analyze the legal challenges of state-owned, newly formed, and coastal lands, in order to direct property registration infrastructures—whose objectives and policies hold significant importance in all nations—toward a more effective and coherent framework. The most important findings indicate that despite the legal clarity in defining authorized agencies, there are entities that are included in the framework of the Services Law but are not authorized to acquire. Also, regarding the transfer of national lands to natural persons (such as entrepreneurs), despite the existence of relevant laws, judicial practice (such as the Administrative Court of Justice) sometimes prevents the transfer to natural persons.

Keywords: Khalesa Lands, New Lands, Coastal Lands, Production and Entrepreneurship.



Introduction

In classical economic literature, land, alongside labor, capital, and entrepreneurship, is recognized as one of the four primary factors of production. Within this framework, land is predominantly regarded as a natural resource—relatively passive and finite—serving as the physical foundation for productive activities and the source of many raw materials. However, developments over recent decades in institutional economics, regional economics, economic geography, and entrepreneurship literature have demonstrated that land is not merely a "physical backdrop" for production; rather, it is a strategic asset, largely "institutionally and spatially constructed," capable of directly and indirectly shaping the processes of production and entrepreneurship.

In lexicographical terms, the term *khāleseh* (crown lands) refers to property belonging to the state or the royal dynasty. Such estates had three primary origins: *raqabāt-e nāderi*, *khālesehā-ye mohammadi*, and *raqabāt-e nāseri*. The principal categories of *khāleseh* can be divided into three types: transitional crown lands (temporarily assigned to beneficiaries), feudal-tenure crown lands (granted to fief-holders in return for military obligations), and administrative crown lands (allocated by the state to cultivators, from whom governmental dues were collected). Regarding the definition of newly-formed lands (*arāzi-ye mostahdaseh*), these refer to lands created as a result of the drying up of seas, lakes, or changes in riverbeds. Additionally, coastal lands (*arāzi-ye sāheli*) are those situated adjacent to the littoral zones of seas, lakes, or newly-formed lands; legally, depending on their location, they fall under one of the aforementioned categories. In general, crown lands, newly-formed lands, and coastal lands comprise territories owned by the state, the purchase and sale of which are permissible only with governmental authorization. Within Iran's legal system, crown lands have long existed and are referred to in historical sources under the rubric of *khālesāt*. For the administration of these estates, an institution known as the *Divān-e Khālesāt* (Bureau of Crown Lands) was established, tasked with overseeing state-owned properties. The sale and transfer of crown lands in Iran are conducted pursuant to the Law on the Sale of Crown Lands (*Khālesejāt*), ratified on November 21, 1955. Accordingly, the prerequisite for the ownership of crown lands, newly-formed lands, and coastal lands is compliance with the legally prescribed procedures approved by the state.

Notwithstanding the legal and administrative measures undertaken (which will be examined in this article), Iran's registration system appears to still face numerous challenges and gaps with respect to crown lands, newly-formed lands, and coastal lands—particularly regarding their utilization in the domains of production and entrepreneurship. This article, conducted through a descriptive-analytical and historical methodology employing library-based research, endeavors to examine the jurisprudential and legal foundations of these lands while elucidating the challenges, obstacles, and gaps existing in the process of their acquisition and registration, as well as their application in production and entrepreneurship.

Methodology

This study is developmental-applied in terms of its objective, as its findings can contribute to the reform and improvement of policies as well as the legal and registration frameworks pertaining to land. In terms of its nature and method, the research falls within the category of institutional studies employing a comparative-historical approach. Within this framework, an effort has been made to conduct a comparative analysis of the evolution of legal institutions related to land and the registration system in Iran and selected countries, with the aim of identifying strengths, weaknesses, and transferable experiences. The data for this study were collected through documentary and library-based research. The sources utilized include national and international



laws and regulations, historical documents, scholarly articles, specialized books, and reports from legal and registration organizations. Data collection was carried out systematically, grounded in content analysis of written sources, to ensure the accuracy and comprehensiveness of the data. Data analysis was conducted using inferential methods and inductive logic.

Legal and Executive Challenges of Crown Lands, Newly-Formed Lands, and Coastal Lands

In this section, the challenges and legal considerations are categorized into three main groups, which are first outlined in general terms and will subsequently be addressed in detail:

1. Land-Use and Zoning Restrictions

The most significant legal instrument employed by governments to control development is zoning regulations. These laws determine the permitted use of land based on comprehensive urban and regional plans, thereby imposing serious constraints on entrepreneurs:

- **Mismatch between current and required land use:** An entrepreneur may purchase a warehouse or workshop in an area previously designated as industrial, only to find that due to revisions in urban development plans, the land use of that area has been reclassified as residential or commercial. In such a case, the entrepreneur must undergo lengthy and costly administrative procedures for "land-use change" or else restrict their activities.
- **Density and height limitations:** Building and land-use regulations impose maximum construction density and permissible building height. This directly affects the scalability of the entrepreneur's investment, particularly in the real estate, construction, and warehousing sectors. The entrepreneur must plan their investment so as to remain within these constraints (e.g., the permissible floor area ratio).
- **Impact on land prices:** Areas where higher-value land uses (such as commercial or tourism) are permitted command significantly higher land prices. This makes it extremely difficult for new, undercapitalized entrepreneurs to enter these areas and inadvertently favors large investors.

2. Challenges of Direct Access (State Ownership and Transfer)

As previously indicated, the state owns a substantial portion of land, and the manner in which entrepreneurs gain access to these lands is of critical importance:

- **Compulsory acquisition and relocation:** If the land required by an entrepreneur (e.g., for establishing a manufacturing plant) falls within the path of a public project, the process of compulsory acquisition by the state can result in the forced relocation of the entrepreneur. Although the right to compensation exists, this process disrupts supply chains, results in the loss of local clientele, and causes delays in development plans—damages that are difficult to fully remedy.
- **Transfer of national and state lands:** A key challenge raised in the main text concerns the procedure for transferring state lands (such as national lands or natural resources) to private natural or legal persons for productive purposes. In many instances, laws permit conditional transfers; however, executive procedures and judicial decisions (e.g., rulings of the Administrative Court of Justice) sometimes challenge such transfers. Entrepreneurs who have invested in these lands face the risk of annulment or reclamation of the land, given that the primary purpose of the transfer must align with the public interest and higher-level legislation.



- **Exclusivity of compulsory acquisition:** In Iran's legal system, compulsory acquisition is largely defined with reference to governmental agencies. This may place entrepreneurs whose lands are needed for non-governmental development projects (albeit of public benefit) in a weak position, since a private entity does not directly possess the public power of compulsory acquisition.

3. Legal and Environmental Considerations

In addition to urban regulations, specific provisions govern land use:

- **Environmental regulations:** Entrepreneurs launching high-risk productive activities (e.g., chemical industries, tanneries, or mining operations) must obtain environmental certifications. Such certifications may require compliance with specific buffer zones—away from rivers, protected areas, or human settlements—thereby restricting the entrepreneur's access to commercially desirable land.
- **Third-party rights:** Even in cases of land ownership, the entrepreneur must account for third-party rights. For instance, easements for public utilities (gas pipelines or power lines) passing through the land may limit the scope of the entrepreneur's use of their own property.
- **Ownership and official documentation:** The complexities of deed registration, ownership disputes, and the existence of common or endowed (*waqf*) lands can constitute the most time-consuming legal challenge for an entrepreneur when purchasing land and obtaining construction permits.

Summary and Conclusion

The objective of this article is to provide an analytical framework for a multidimensional understanding of the role and function of state-owned unused lands in the process of production and entrepreneurship—a framework that conceives of land not merely as a physical factor of production, but as a source of entrepreneurial opportunities, an institutional collateral for financing, and the spatial substrate for the formation of production networks, innovation, and value chains. Drawing upon the theoretical literature of economics and entrepreneurship, as well as practical experiences at the regional and national levels, the article endeavors to demonstrate how a rethinking of land-related policies and institutions can enhance productive efficiency, expand productive entrepreneurship, and advance the goals of sustainable development.

In classical economics, land is regarded—alongside labor and capital—as one of the fundamental factors of production. Ricardo, through his formulation of the concept of "land rent," assigned land a distinctive position in the analysis of income distribution, owing to its scarcity, heterogeneity, and spatial immobility. Institutional economics, however, considers land not merely as a natural resource but as an "institutional asset." From this perspective, the quality of institutions—particularly the transparency and robustness of property rights—plays a decisive role in shaping incentives for investment and entrepreneurship. According to this approach, land can serve as an engine of entrepreneurial activity only when: (a) property rights over it are clearly defined and guaranteed—that is, ownership boundaries are specified, registrable, and defensible; (b) it is capable of being pledged as collateral and converted into a financial asset, thereby enabling the entrepreneur to access credit and mitigate risk; and (c) its transfer and change of use involve reasonable and predictable transaction costs—rather than legal uncertainty, administrative corruption, and rent-seeking.

In the absence of these conditions, land ceases to function as "institutional collateral" for entrepreneurship and instead becomes a source of uncertainty, conflict, and rent. This point is of

particular significance in developing economies, where a diversity of ownership forms (private, state, endowed, public) coexists alongside weaknesses in the registration and cadastral systems.



ارزیابی ابعاد نظری و عملی نظام‌های آموزشی هنرستان‌های دخترانه فنی و حرفه‌ای

* محیا رحمانی * * مجید دارابی * * طیبه موسوی امیری *
* دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

mahya.rahmani@shahed.ac.ir

* عضو هیات علمی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

majid.darabi@shahed.ac.ir

* * * عضو هیات علمی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

t.mousavi@shahed.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶

چکیده

در دنیای پرشتاب امروز که فناوری و صنعت با سرعتی بی‌سابقه در حال تحول هستند و فاصله میان مهارت‌های آموزش‌داده‌شده و نیازهای واقعی بازار کار به یکی از چالش‌های اصلی نظام‌های آموزشی تبدیل شده است، نظام آموزشی کارآمد نه تنها باید دانش نظری را انتقال دهد، بلکه باید آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را به عنوان پلی حیاتی میان کلاس درس، صنعت و اشتغال پایدار طراحی کند. این پژوهش با هدف ارزیابی ابعاد نظری و عملی نظام آموزشی هنرستان‌های دخترانه فنی و حرفه‌ای انجام شد. پژوهش از حیث هدف در زمره مطالعات کاربردی و از نظر روش‌شناسی، رویکردی توصیفی از نوع ارزشیابی است. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی هنرآموزان و هنرجویان شاغل در هنرستان‌های منطقه- تهران است که با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای خوشه‌ای نمونه‌های تحقیق انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های محقق‌ساخته بود که با بررسی پیشینه پژوهشی، مولفه‌های بعد نظری (ارائه دانش پایه و تئوری‌های مرتبط با رشته‌های فنی و حرفه‌ای) و بعد عملی (توسعه مهارت‌های عملی و توانایی انجام کارهای فنی) شناسایی و بر اساس آن پرسشنامه‌های تحقیق تهیه شد. به منظور بررسی روایی محتوایی از شاخص روایی محتوایی لاوشه (CVR) و (CVI) و برای بررسی پایایی از آلفای کرونباخ استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از منظر هنرآموزان و هنرجویان، نظام آموزشی هنرستان‌های دخترانه فنی و حرفه‌ای در هر دو بُعد نظری و عملی با آسیب‌هایی روبه‌رو است که در مرز بحرانی بین سطح آسیب متوسط و زیاد قرار دارد. میانگین آسیب در بُعد نظری (۳/۱۴) و (۳/۲۹) در مرز بالایی سطح متوسط آسیب (۳/۳۳-۱/۳۴) و در آستانه ورود به سطح آسیب زیاد (۳/۳۴) است و در بُعد عملی با میانگین آسیب (۳/۲۸) و (۴) حساس‌تر است. این میانگین در گروه هنرآموزان تنها ۰,۰۶ واحد با آستانه سطح آسیب زیاد (۳,۳۴) فاصله داشته و در گروه هنرجویان در بازه سطح آسیب زیاد جای می‌گیرد که هشدار جدی برای کاهش قابلیت اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان و ناهماهنگی با نیازهای صنعت و بازار کار محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، نظام آموزشی، بعد عملی، بعد نظری.

نوع مقاله: علمی

۱- مقدمه

جامعه را فراهم می‌سازد [۲۰]. در ادبیات نظری، آموزش به‌عنوان زیربنای توسعه پایدار فردی و اجتماعی شناخته می‌شود؛ زیرا پژوهشگران بر این باورند که آموزش رسمی نقش اساسی در ارتقای سطح دانش عمومی، تقویت

آموزش فرایندی نظام‌مند و هدفمند است که با سازمان‌دهی تجارب یادگیری، به انتقال دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها به فراگیران می‌پردازد و زمینه رشد فردی، توانمندسازی جمعی و مشارکت مؤثر افراد در

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد است.

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: مجید دارابی Majid.darabi@shahed.ac.ir



فنی و حرفه‌ای، تأکید آن بر یادگیری کارمحور، کسب مهارت‌های عملی و کاربردی و انطباق مستمر با نیازهای بازار کار است؛ امری که آن را از آموزش عمومی و نظری جدا می‌سازد [۵].

آموزش فنی و حرفه‌ای به‌طور مستقیم به تجهیز نیروی انسانی با مهارت‌های شغلی موردنیاز بازار کار کمک می‌کند و در بسیاری از کشورها به‌عنوان رویکردی مؤثر برای کاهش بیکاری جوانان و تأمین نیروی کار ماهر شناخته می‌شود [۳۸]. در این چارچوب، فارغ‌التحصیلان با توانایی‌های عملی و قابل‌استفاده وارد بازار کار می‌شوند؛ به بیان دیگر، آموزش فنی و حرفه‌ای فرایند «انتقال از آموزش به اشتغال» را تسهیل می‌کند [۱۰]. از سوی دیگر، تربیت نیروی کار متخصص سبب ارتقای بهره‌وری در سازمان‌ها و واحدهای تولیدی شده و پیامدهایی همچون رشد اقتصادی، افزایش رقابت‌پذیری و تقویت توسعه پایدار را به همراه دارد [۱۵].

با توجه به شتاب تحولات فناوری و تغییرات سریع در ماهیت مشاغل، آموزش فنی و حرفه‌ای از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار است و قادر است مهارت‌های موردنیاز بازار کار را به‌روز و متناسب با شرایط جدید ارائه دهد [۹]. این نظام آموزشی همچنین برای افرادی که تمایل یا امکان ادامه تحصیل دانشگاهی ندارند، مسیر جایگزین و مشروعی برای یادگیری مهارت و ورود به بازار کار فراهم می‌کند و بدین‌وسیله به عدالت آموزشی و اجتماعی یاری می‌رساند [۳]. تحقق کارکردهای اثربخش آموزش فنی و حرفه‌ای مستلزم برقراری توازن میان آموزش‌های نظری و عملی است [۲۵]. در الگوی اولیه شکل‌گیری این نوع آموزش در ایران نیز، درس‌های نظری و عملی به‌صورت مکمل ارائه می‌شدند تا فراگیران بتوانند ضمن کسب مهارت‌های فنی، از بنیان‌های علمی مرتبط نیز بهره‌مند شوند. کسب مهارت مستلزم آن است که یادگیرنده بتواند دانش خود را در عمل به‌کار گیرد و از طریق تعامل با مسائل واقعی، شایستگی فنی خود را تقویت کند [۲۸].

باین‌حال، جدایی یا ناهماهنگی میان آموزش نظری و عملی می‌تواند به ضعف در انتقال یادگیری منجر شود؛ به‌گونه‌ای که فراگیر مهارت‌ها را صرفاً در محیط کارگاه تمرین کند، اما نسبت به اصول علمی زیربنای آن آگاهی

مهارت‌های اجتماعی و شکل‌دهی شایستگی‌های شهروندی دارد [۲]. از این منظر، آموزش فراتر از انتقال صرف محتوای علمی بوده و هدف آن تربیت همه‌جانبه افراد برای ایفای نقش‌های اجتماعی، حرفه‌ای و شهروندی است. هنگامی که آموزش بر پایه برنامه‌ریزی دقیق، بهره‌گیری از هنرآموزان متخصص، فراهم‌سازی محیط یادگیری مناسب و ارزیابی مستمر استوار باشد، قادر است رسالت تربیتی و پرورشی خود را به طرز مؤثری محقق سازد [۱۱]. نظام آموزشی نیز به مجموعه‌ای ساخت‌یافته از نهادها، سیاست‌ها، برنامه‌های درسی، منابع انسانی، شیوه‌های تدریس و سازوکارهای ارزشیابی اطلاق می‌شود که به‌منظور تربیت نسل‌ها، انتقال دانش و مهارت و آماده‌سازی افراد برای زندگی فردی و اجتماعی طراحی و اجرا می‌گردد [۲۴]. این نظام بر بستر مقررات، برنامه‌ریزی آموزشی، مدیریت منابع و زیرساخت‌های نهادی استوار است و تلاش می‌کند مأموریت‌های آموزشی، تربیتی و اجتماعی جامعه را به‌طور جامع محقق کند. افزون بر این، نظام آموزشی تنها محدود به آموزش‌های عمومی و نظری نیست، بلکه با توجه به تحولات اجتماعی و نیازهای بازار کار، زیرنظام‌های متنوعی همچون آموزش‌های مهارتی، حرفه‌ای و تخصصی را دربرمی‌گیرد که هر یک بر اساس اهداف و کارکردهای خاص خود سازمان‌دهی می‌شوند [۷].

باید در نظر گرفت که در جهان امروز که شتاب تحولات علمی و فناوری، مرزهای سنتی آموزش را درنوردیده است، نظام‌های آموزشی دیگر نمی‌توانند تنها به انتقال محفوظات بسنده کنند. یکی از عرصه‌هایی که این چالش را به‌روشنی بازتاب می‌دهد، هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای است؛ جایی که فاصله میان آنچه تدریس می‌شود و آنچه بازار کار مطالبه می‌کند، هر روز عمیق‌تر احساس می‌شود. در ادبیات بین‌المللی، آموزش فنی و حرفه‌ای به مجموعه‌ای از فرایندهای آموزشی و تربیتی اطلاق می‌شود که هدف آن ارتقای مهارت‌ها، دانش و شایستگی‌های موردنیاز برای انجام یک حرفه یا شغل خاص است [۶]. این نوع آموزش تلفیقی از آموزش نظری و مهارت‌آموزی فنی بوده و می‌تواند در قالب مدرسه‌های فنی و حرفه‌ای، کارگاه‌های آموزشی، برنامه‌های کارآموزی در محیط واقعی کار، دوره‌های ضمن خدمت و حتی برنامه‌های یادگیری مادام‌العمر ارائه شود [۱۹]. ویژگی متمایزکننده آموزش



سطحی و کوتاه‌مدت منجر می‌شود. یافته‌های حسن و وای^۱ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که بسیاری از فراگیران در برنامه‌های فنی و حرفه‌ای درک محدودی از نظریه‌های یادگیری و مفاهیم پایه‌ای ارائه‌شده در کلاس‌های تئوری دارند. این ضعف در حوزه نظری سبب می‌شود عملکرد آنان در بخش عملی نیز تحت‌تأثیر قرار گیرد؛ زیرا مهارت عملی زمانی مؤثر و پایدار است که بر بنیان نظری محکم استوار باشد. همسو با این یافته‌ها ودکیند^۲ و همکاران (۲۰۲۵) بر ضرورت توسعه «پداگوژی نظری و موضوع‌محور» برای هنرآموزان فنی و حرفه‌ای تأکید می‌کنند. بر اساس این دیدگاه، هنرآموز باید علاوه بر دانش فنی، تسلط کافی بر مبانی نظری داشته باشد و بتواند این دانش را به صورت ساخت‌یافته و قابل‌فهم به فراگیران منتقل کند. به بیان دیگر، توانایی هنرآموز در تبیین ارتباط میان اصول علمی و اجرای عملی، بخش مهمی از کیفیت بعد نظری را شکل می‌دهد. یافته‌های کاگارا^۳ و همکاران (۲۰۱۷) نیز اهمیت طراحی برنامه درسی تلفیقی را تأیید می‌کند؛ برنامه‌ای که بتواند دانش نظری، اصول فنی، ایمنی، استانداردها، قوانین حرفه‌ای و تحلیل فرایندهای کاری را در کنار توسعه مهارت‌های عملی ارائه دهد. این نوع طراحی برنامه درسی باعث می‌شود که دانش‌آموختگان نه تنها مهارت فنی لازم را کسب کنند، بلکه توانایی حل مسئله، تحلیل موقعیت‌های پیچیده و سازگاری با تغییرات بازار کار را نیز داشته باشند. در سطح ملی، نتایج پژوهش اخشابی و طاهر (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که اگرچه کیفیت کلی فرایندهای آموزش، یادگیری و ارزشیابی در برخی مراکز فنی و حرفه‌ای مناسب ارزیابی شده است، اما بخش نظری همچنان نیازمند بهبود در حوزه‌های محتوا، ارتباط با عمل و روش‌های تدریس است. مرور نظام‌مند مانته^۴ و همکاران (۲۰۲۵)، نیز نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای با درآمد متوسط، «دانش نظری» در برنامه‌های فنی و حرفه‌ای کمتر مورد توجه قرار گرفته و این غفلت موجب افت کیفیت آموزشی و ایجاد شکاف میان دانش علمی و مهارت فنی می‌شود.

کافی نداشته باشد، امری که مانع کاربست مطلوب مهارت در محیط واقعی کار می‌شود [۲۶].

بعد نظری در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای بخش بنیادین برنامه درسی را تشکیل می‌دهد و به آموزش مبانی علمی، اصول کلی و دانش پایه‌ای رشته‌ها می‌پردازد [۲۲]. ارزیابی این بعد به معنای تحلیل نظام‌مند کیفیت، تناسب و اثربخشی محتوای نظری است که در کلاس‌های درسی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای ارائه می‌شود. در این ارزیابی، مهم‌ترین محورها شامل میزان همخوانی محتوا با استانداردهای علمی و صنعتی، روزآمدی دانش ارائه‌شده، روش‌های انتقال مفاهیم نظری و ارتباط آن با نیازهای واقعی یادگیرندگان و بازار کار است.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که یکی از چالش‌های اساسی در بعد نظری، عدم انطباق کامل محتوای درسی با تحولات فناوری و نیازهای مهارتی روز است. نتایج مطالعه شریف و همکاران (۱۴۰۳) تأکید می‌کند که محتوای کتاب‌های درسی و منابع آموزشی نیازمند بازنگری مستمر بر اساس استانداردهای نوین صنعت، فناوری‌های نوظهور و نیازهای بازار کار است. این عدم انطباق موجب شکاف میان دانش نظری آموزش‌دیده و مهارت‌های موردنیاز محیط واقعی کار می‌شود. از سوی دیگر، حجم گسترده مباحث نظری یکی دیگر از مشکلات شناسایی‌شده در پژوهش‌های میدانی است. عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) گزارش کردند که انباشت مطالب تئوریک بدون توجه به ظرفیت شناختی هنرجویان و بدون پیوند کافی با فعالیت‌های عملی، موجب کاهش درک مفهومی، افت انگیزش یادگیری و کاهش انتقال یادگیری به محیط عمل می‌شود. در چنین شرایطی یادگیرندگان به جای فهم عمیق ساختارهای علمی، صرفاً به حفظ سطحی مفاهیم نظری گرایش پیدا می‌کنند؛ امری که با ماهیت «کار-محور» آموزش فنی و حرفه‌ای در تعارض است. بر این اساس، ارزیابی بعد نظری باید با تمرکز بر روزآمدی محتوا، تناسب مطالب نظری با نیازهای عملی، کفایت روش‌های تدریس و میزان ارتباط نظریه با عمل انجام شود تا امکان ارتقای کیفیت یادگیری و کاهش شکاف میان آموزش مدرسه‌ای و نیازهای حرفه‌ای فراهم گردد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بعد نظری یکی از پایه‌های اساسی آموزش فنی و حرفه‌ای است؛ زیرا یادگیری مهارت‌های عملی بدون درک مبانی تئوریک، به یادگیری

1. Hassan, A., & Wai

2. Wedekind

3. Kagara

4. Mante

را به فعالیتی کوتاه‌مدت، عملیاتی و فاقد عمق شناختی تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، در حوزه هنرستان‌ها، تمرکز پژوهش‌ها بیشتر بر مهارت‌های عملی، مدیریت کارگاهی یا اشتغال‌پذیری بوده و مطالعات کمتری به بررسی کیفیت محتوای نظری، انسجام برنامه درسی تئوری، روش‌های ارزشیابی دانش پایه و نقش این مؤلفه‌ها در توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای پرداخته‌اند. به‌ویژه ملسه^۳ و همکاران (۲۰۲۳) گزارش می‌کنند که پژوهش‌های مربوط به تأثیر دانش نظری بر انعطاف‌پذیری شغلی، توانایی حل مسئله، تصمیم‌گیری حرفه‌ای و سازگاری با تحولات فناورانه در آموزه‌های فنی و حرفه‌ای بسیار محدود است. این فقدان داده‌های تجربی، خلأ مهمی را در ادبیات پژوهشی رقم می‌زند؛ لذا بر این اساس باید در نظر داشت که آموزش فنی و حرفه‌ای، اگر به‌درستی طراحی و اجرا نشود، به‌جای آن‌که موتور محرک توسعه مهارت و توانمندسازی جوانان باشد، به نقطه‌ای آسیب‌زا در ساختار نظام آموزشی تبدیل می‌شود. بررسی میزان و الگوی این آسیب‌ها، به‌ویژه در هنرستان‌های دخترانه، نه تنها یک ضرورت علمی، بلکه پیش‌شرط اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی به شمار می‌آید.

آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای

آموزش فنی و حرفه‌ای به فرآیند یادگیری مهارت‌ها و دانش‌های عملی در زمینه‌های مختلف اشاره دارد که به منظور آماده‌سازی افراد برای ورود به بازار کار طراحی شده است. این نوع آموزش معمولاً شامل دوره‌های آموزشی تخصصی است که به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا مهارت‌های لازم برای اشتغال در حرفه‌های خاص را کسب کنند. هدف اصلی آموزش فنی و حرفه‌ای، ارتقاء توانمندی‌های شغلی و افزایش فرصت‌های شغلی برای دانش‌آموزان است. آموزش فنی و حرفه‌ای می‌تواند در سطوح مختلفی ارائه شود، از جمله دوره‌های کوتاه‌مدت، دیپلم‌های حرفه‌ای و دوره‌های کارشناسی. این نوع آموزش معمولاً در مراکز آموزشی خاص، هنرستان‌ها و دانشگاه‌های فنی برگزار می‌شود و به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا با روش‌های عملی و نظری آشنا شوند.

در همین راستا، خوری (۱۴۰۲) تأکید می‌کند که تحلیل بعد نظری آموزش در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای مستلزم شناسایی دقیق محتوای درسی، اهداف دانشی و مبانی علمی هر رشته است تا بتوان نقاط قوت و کاستی‌های موجود را به‌درستی ارزیابی کرد.

افزون بر این، کارشناسان آموزشی معتقدند که کیفیت هنرآموز، دانش نظری او و توانایی‌اش در ارائه ساخت‌یافته محتوا نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای بعد نظری دارد [۴]. به طور کلی، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که ارتقای بعد نظری آموزش فنی و حرفه‌ای مستلزم روزآمدسازی محتوا، تقویت پیوند نظریه و عمل، ارتقای شایستگی‌های پداگوژیک هنرآموزان و طراحی برنامه‌های درسی تلفیقی است؛ امری که در نهایت می‌تواند کیفیت آموزش و آمادگی واقعی فراگیران برای ورود به بازار کار را به شکل قابل‌توجهی بهبود بخشد.

با وجود گسترش برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای و تأکید روزافزون بر مهارت‌های عملی و اشتغال‌پذیری، شواهد پژوهشی اخیر نشان می‌دهد که ابعاد نظری این نظام آموزشی به‌طور نظام‌مند و جامع مورد بررسی قرار نگرفته است. بسیاری از مطالعات موجود عمدتاً بر مهارت‌های کاربردی، آموزش کارمحور و میزان انطباق آموزش با نیازهای بازار کار متمرکز بوده‌اند؛ در نتیجه، جنبه‌های شناختی-تئوریک یادگیری کمتر مورد توجه قرار گرفته و تصویر ناقصی از کیفیت کلی آموزش فنی و حرفه‌ای شکل گرفته است [۵۲]. این کم‌توجهی به حوزه نظری، اهمیت بررسی عمیق‌تر محتوای پایه‌ای، اصول علمی هر رشته و سازوکارهای انتقال دانش در کلاس‌های تئوری را برجسته می‌سازد. علاوه بر این، پژوهش‌چیدون^۲ و همکاران (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که میزان ادغام دانش نظری در برنامه‌های فنی و حرفه‌ای از دیدگاه هنرآموزان و هنرجویان یکسان نیست و در بسیاری از محیط‌های آموزشی، این ادغام ناکافی، نامنسجم یا در حد انتقال سطحی گزارش شده است. چنین شکافی منجر به تضعیف «پیوند نظریه و عمل» شده و می‌تواند انتقال یادگیری از محیط آموزشی به موقعیت‌های واقعی کار را با چالش مواجه سازد. ضعف در بنیان نظری در نهایت مهارت‌آموزی

1. Yusop

2. Jaedun

3. Melesse

اینکه معلمین برخی از ساعات کار خود را در محیط‌های کار می‌گذرانند تا دانششان از محیط کار افزایش یابد روش دیگر این است که دانش‌آموزان در برخی از جلسات برای بازدید از محیط‌های کار به آن محیط‌ها برده می‌شوند. به جهت اینکه از نظر اجرا این روش‌ها هزینه بر هستند و یا تمایلات لازم به تبادلات بین متخصصین بین دو محیط کم باشد در این راستا این الگو به صورت کامل نمیتواند پاسخ‌گوی تلفیق بین دو محیط باشد [۳۴].^۳

روش دیگر سازماندهی بازدیدهای صنعتی برای دانش‌آموزان است. انتقال دانش‌آموزان به محیط‌های واقعی کار، فرصتی فراهم می‌کند تا آنان با ماهیت مشاغل، شرایط محیط کار و نیازهای مهارتی آشنا شوند و یادگیری تجربی در آنان تقویت گردد [۳۶].^۴ با تحولاتی همچون جهانی‌شدن، رشد سریع فناوری و تغییر ساختار مشاغل، نظام‌های آموزش فنی و حرفه‌ای به سمت الگوی متمرکز بر برنامه درسی حرکت کرده‌اند. در این الگو، تأکید اصلی بر تدوین برنامه‌های درسی مبتنی بر نیازهای واقعی صنعت قرار دارد و به همین دلیل، نخبگان و متخصصان صنعت همراه با متخصصان آموزشی در فرایند طراحی برنامه درسی مشارکت فعال دارند. این رویکرد با هدف کاهش فاصله میان مدرسه و محیط کار، بر تحلیل شغل، شایستگی‌های موردنیاز بازار کار، و روندهای جهانی اشتغال استوار است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مشارکت صنعت در تدوین برنامه درسی، کیفیت آموزش مهارتی را افزایش داده و انتقال‌پذیری مهارت‌ها را برای بازار کار جهانی تضمین می‌کند [26].^۵ همچنین این الگو در درون خود از دو الگوی پیشین یعنی الگوی معلم‌محور و الگوی صنعت‌محور بهره می‌گیرد و آن‌ها را در قالب یک نظام برنامه‌درسی یکپارچه تلفیق می‌کند؛ بدین معنا که هم تعامل مستقیم معلمان با صنعت حفظ می‌شود و هم نقش متخصصان صنعتی در مدارس تقویت می‌گردد [۳۳].^۶

در الگوی بازارمحور تأکید اصلی بر ایجاد ارتباط پیوسته، متقابل و مبتنی بر تقاضا میان نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و بخش صنعت است. در این الگو، آموزش و

همچنین، این نوع آموزش می‌تواند به توسعه مهارت‌های نرم، مانند کار تیمی و حل مسئله، نیز توجه کند [۲۹]. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها می‌باشند بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌نمایند. به‌علاوه این آموزش‌ها راه میان‌بری در مسیر تربیت نیروی انسانی نیز به شمار می‌روند چرا که از یک سو با توجه به بهره‌مندی این آموزش‌ها از مبانی علمی و استفاده از روش‌های پذیرفته‌شده آموزش‌های کلاسیک راه خود را از یادگیری بر مبنای تجربه عملی صرف جدا کرده و از این طریق راه دراز مدت و غیرعلمی این نوع فراگیری را کوتاه نموده و این توانایی را در آموزش‌دیده فراهم می‌کنند تا به توان خود را در مقابل تغییرات تکنولوژیکی به‌آسانی هماهنگ نماید [۱۴]. در عصر اطلاعات کشورها ناگزیر به سمت اقتصاد مبتنی بر دانش در حال حرکت هستند و همین امر موجب توجه به بهبود شایستگی‌های مادام‌العمر در افراد و توسعه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شده است. در این راستا آموزش فنی و حرفه‌ای در آموزش و پرورش کشورهای مختلف جایگاه ویژه‌ای دارد [۳۲].^۱

الگوهای آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای

از دهه ۱۹۷۰ با توسعه دیدگاه‌های تعلیم و تربیت و نیازهای بازار کار، تأکید زیادی روی همسویی آموزش‌ها و نیازهای بازار کار صورت گرفت یکی از این اقدامات تلفیق کار و آموزش بود. برای این منظور الگوهای مختلفی ظهور نمودند که هر کدام محاسن و معایب خاص خود را داشتند. از جمله این الگوها میتوان به الگوی معلم‌محور، الگوی دانش‌آموز‌محور، الگوی متمرکز بر برنامه درسی و الگوی بازار محور اشاره نمود [۴۹].^۲ الگوی معلم‌محور به تبادل بین معلم و متخصصین بین دو محیط آموزش و محیط کار اشاره دارد و به این روش تلفیق بین محیط آموزش و کار صورت می‌گیرد برای این منظور، با متخصصین از محیط کار به مدارس دعوت میشوند و یا

3. Boud, D., & Garrick,

4. Guile, D., & Griffiths,

5. Wheelahan, L., & Moodie,

6. Nahm

1. Bai

2. Pilz

یعنی شناسایی آسیب‌ها و مشکلاتی که فرآیند یاددهی - یادگیری را دچار اختلال می‌کند.»

مدل‌ها و الگوهای آسیب‌شناسی / تحلیل در نظام آموزشی

چند مدل مهم که در ادبیات آموزش و پژوهش‌های آسیب‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

مدل CIPO (Context-Input-Process-Output)

مدل CIPO یک مدل سیستماتیک در تحلیل کیفیت آموزش است که توسط استیفان بیم مطرح شده است. این مدل آموزش را به مثابه یک «فرآیند تولیدی» می‌بیند که اجزای آن (بافت / زمینه؛ ورودی‌ها)؛ (فرآیندها و روش‌ها) (خروجی‌ها / نتایج) است. در این چارچوب، هر یک از اجزا بر دیگری تأثیر می‌گذارد: بافت بر ورودی‌ها و فرآیندها تأثیر دارد، ورودی‌ها منابع و امکانات مورد نیاز را تأمین می‌کنند، فرآیند شکل‌دهنده اعمال آموزشی است و خروجی نتیجه نهایی تعلیم و تربیت است. این مدل برای تحلیل آسیب‌های نظام آموزشی بسیار مناسب است، زیرا با استفاده از این مدل می‌توان نقاط ضعف را در هر بخش (مثلاً ضعف ورودی، فرآیند ناکارآمد، یا خروجی نامطلوب) شناسایی و تبیین کرد. این مدل یک چارچوب ارزیابی است و نه یک مجموعه فرمول. این مدل، ارزیابی را به عنوان یک فرایند تحلیلی و قضاوتی تعریف می‌کند که مستلزم جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات مرتبط است تا بتوان در مورد ارزش یک برنامه یا پروژه تصمیم‌گیری کرد [۲۳].

مدل ساختار-فرآیند-نتیجه (مدل دانابدیان): مدل ساختار-فرآیند-نتیجه یا S-P-O که ابتدا در حوزه سلامت مطرح شد (دانابدیان) برای ارزیابی کیفیت خدمات، اما بعدها در حوزه‌های دیگر از جمله آموزش اقتباس شده است. دونابدیان برای ایجاد یک چارچوب سیستماتیک در بهبود کیفیت مراقبت‌های سلامت مدلی ۳ قسمتی ارائه نموده است. دونابدیان معتقد بود که سنجش کیفیت خدمات تا زمانی که ابزارهای قابل سنجش وجود نداشته باشد بی نتیجه خواهد بود در نتیجه مدل خودش را که دارای سه بخش ساختار، فرایند و بازده بود برای سنجش کیفیت خدمات سلامت ارائه نمود. (ساختار): ویژگی‌های زیرساختی و زمینه‌ای که خدمات

پرورش فنی و حرفه‌ای به‌منزله یک تأمین‌کننده مهارت عمل می‌کند و دوره‌هایی را ارائه می‌دهد که مستقیماً بر اساس نیازهای واقعی و متغیر بازار کار طراحی شده‌اند [۴۱]. در مجموع می‌توان گفت که هر یک از الگوهای اخیر دارای شرایط و ملاحظات خاص خود بوده و مزایا و معایب خاص خود را دارند و از هر کدام میتوان به فراخور شرایط موجود بهره گرفت. الگوهای مختلف برای اجرای صحیح در سطوح کلان و خرد به پیش بایسته‌های زیادی نیاز دارد. یکی از عوامل مهمی که به توسعه افق‌های فکری در انتخاب الگوهای مناسب کمک می‌کند بررسی تطبیقی نظام‌های آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای در کشورهای مختلف است.

آسیب‌شناسی و ابعاد آن

تعریف آسیب: واژه «آسیب» غالباً در زمینه‌های زیستی و پزشکی به معنای «صدمه، ضایعه، اختلال یا نقصان در ساختار یا عملکرد طبیعی یک پدیده» به کار می‌رود. در علوم انسانی و اجتماعی، «آسیب» به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن یک سیستم، نهاد یا فرآیند از حالت مطلوب یا کارآمد خود منحرف شده و به دلیل عوامل داخلی یا بیرونی دچار اختلال در تحقق اهداف و عملکرد می‌شود. در قلمرو آموزش، آسیب به آن‌چه مانع فرآیند مطلوب آموزش و یادگیری یا کارکرد بهینه نظام آموزشی است گفته می‌شود—یعنی وجود خلأها، نارسایی‌ها، ضعف‌ها یا موانعی که عملکرد آموزشی را کاهش می‌دهند یا اهداف آموزشی را به مخاطره می‌اندازند [۳۰].

مفهوم آسیب‌شناسی: «آسیب‌شناسی» در معنای عام به مطالعه علل، نشانه‌ها، ساختارها و فرآیندهای بروز آسیب می‌پردازد. وقتی این مفهوم به حوزه آموزش تسری داده شود، «آسیب‌شناسی آموزشی» به معنا و هدف زیر است: فرآیند شناسایی، تحلیل و تبیین آسیب‌ها، نارسایی‌ها و علل آن‌ها در نظام آموزشی با هدف ارائه راهکارهای اصلاحی و پیشگیرانه. به عبارتی، آسیب‌شناسی آموزشی نه به معنای صرفاً انتقاد، بلکه به معنای تشخیص دقیق نقاط ضعف و کاستی‌ها به منظور ارتقاء کیفیت آموزش است [۱۳]. «آسیب‌شناسی فرآیند یاددهی - یادگیری

1. Kreisman, D., & Stange,

داخلی در حوزه فنی و حرفه‌ای بر هنرستان‌های پسرانه یا مراکز آموزش عالی فنی (دانشگاه فنی و حرفه‌ای) متمرکز بوده‌اند و هنرستان‌های دخترانه به عنوان جامعه آماری مستقل کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. نکته بعدی اینکه مطالعات اندکی که به ارزیابی هر دو بعد پرداخته‌اند. لذا این پژوهش بطور همزمان به آسیب‌شناسی ابعاد نظری و عملی را با تمرکز بر هنرستان‌های دخترانه به عنوان جمعیتی مغفول در پژوهش‌های پیشین می‌پردازد.

۲- روش‌شناسی

پژوهش حاضر از حیث هدف در زمره مطالعات کاربردی و از نظر روش‌شناسی، رویکردی توصیفی از نوع ارزشیابی است. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی هنرآموزان و هنرجویان در هنرستان‌های منطقه- تهران است که با روش نمونه‌گیری چند مرحله خوشه‌ای، نمونه‌های تحقیق انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های محقق‌ساخته بود که با بررسی پیشینه پژوهشی از جمله مطالعات فتحی واجارگاه (۱۳۹۵)؛ کارلند (۲۰۱۶)؛ رستگارپور (۱۴۰۰)؛ موسوی و همکاران (۱۳۹۷)؛ حسینی (۱۴۰۱)؛ نظریه یادگیری تجربی کلب (۱۹۸۴)؛ شریف و همکاران (۱۴۰۳)؛ الهی و دولتخواه (۱۴۰۳)؛ عباس زاده و همکاران (۱۳۹۷)؛ کریمی دستجردی (۱۴۰۲)؛ کرمی و بهرامی (۱۴۰۳)؛ غفرانی و همکاران (۱۳۸۸) مولفه‌های بعد نظری (ارائه دانش پایه و تئوری‌های مرتبط با رشته‌های فنی و حرفه‌ای) و بعد عملی (توسعه مهارت‌های عملی و توانایی انجام کارهای فنی) فرایند یاددهی-یادگیری شناسایی و بر اساس آن پرسشنامه‌های تحقیق تهیه شد؛ به منظور بررسی روایی محتوایی از شاخص **روایی محتوایی (CVR) و (CVI)** لاوشه استفاده گردید؛ شاخص **CVR** گوپه‌ها را در سه سطح «ضروری»، «مفید ولی غیرضروری» و «غیرضروری» قضاوت می‌کند و شاخص **CVI** برای بررسی **وضوح، سادگی و مرتبط بودن**

گوپه‌هاست؛

جدول ۱. نتایج محاسبه **CVR** برای ابعاد پرسشنامه

ابعاد پرسشنامه	CVR	CVI	نتیجه
بعد نظری	۱	۰/۹۲	تأیید
بعد عملی	۰/۷۸	۰/۸۸	تأیید

آموزشی را ممکن می‌سازد (مانند تجهیزات، نیروی انسانی، سیاست‌ها). (فرآیند): فعالیت‌ها، روش‌ها و تعاملات آموزشی که صورت می‌گیرد. (نتیجه): تأثیر نهایی بر نتایج آموزشی و کیفیت یادگیری در کاربرد به آموزش، می‌توان گفت که نقاط ضعف ساختاری منجر به اختلال در فرآیند می‌شود و نهایتاً خروجی نامطلوب تولید می‌کند. این الگو این امکان را فراهم می‌کند تا علت‌یابی معقول‌تری انجام شود (کبیر و همکاران، ۱۴۰۳).

مدل تعالی سازمانی (EFQM): در پژوهش [۳۰] در حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای، مدل تعالی سازمانی مانند EFQM به عنوان چارچوبی برای ارزیابی کارکرد و شناسایی آسیب‌ها به کار رفته است. این یک چارچوب غیرتجویزی (توصیه‌ای) برای بهبود مستمر کیفیت است که می‌تواند توسط هر نوع سازمانی (فارغ از بخش، اندازه، ساختار یا بلوغ) استفاده شود. عناصر اساسی که مدل EFQM را تشکیل می‌دهند، مفاهیم بنیادی تعالی هستند. این مفاهیم، مدل، محتوا و ساختار مدل (معیارهای هفت‌گانه) را پشتیبانی می‌کند. در این روش، معیارهایی مانند رهبری، استراتژی، منابع انسانی، فرآیندها، نتایج عملکرد و رضایت ذی‌نفعان بررسی می‌شوند و نقاط ضعف و قوت در هر معیار مشخص می‌شوند [۱۲].

مدل آسیب‌شناسی نظام آموزشی خاص (پژوهشی): برخی پژوهشگران اقدام به طراحی مدل‌های اختصاصی آسیب‌شناسی برای وضعیت ایران یا نظام آموزش خاص کرده‌اند. مثلاً در پژوهشی با موضوع «آسیب‌شناسی سرمایه اجتماعی در نظام آموزش و پرورش»، مدل اختصاصی ارائه شده است که مؤلفه‌هایی مانند آسیب‌های ارتباطی، برنامه‌ریزی، نهادی و فردی را در بر می‌گیرد [۱۷]. یکی از ابعاد آسیب‌شناسی برای نظام ارزشیابی تشریحی طراحی شده ابعاد اجتماعی، فردی و سازمانی است [۲۷].

با عنایت به اینکه مطالعات پیشین اغلب به صورت تک‌بعدی یا به ابعاد نظری (مانند شریف و همکاران، ۱۴۰۳) یا به ابعاد عملی (مانند عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷) پرداخته‌اند و تاکنون پژوهشی که هر دو بعد را به‌طور همزمان و در ارتباط سیستمی با یکدیگر بررسی کند، انجام نشده است همچنین بیشتر پژوهش‌های

قراردادی: سطح آسیب کم □ نمره بین ۰ تا ۱/۳۳؛ سطح آسیب متوسط □ نمره بین ۱/۳۴ تا ۳/۳۳ و سطح آسیب زیاد □ نمره بین ۳/۳۴ تا ۵ استفاده شد.

۳- یافته‌های پژوهش

الف-اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش

بر اساس نتایج تمامی ابعاد پرسشنامه دارای CVR بالاتر یا مساوی با مقدار بحرانی (۰,۷۸) CVI بالاتر با مقدار بحرانی ۰/۸ بوده و در سطح مطلوب قرار دارند؛ پایداری پرسشنامه‌ها بر اساس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه برای پرسشنامه هنرجویان ۰/۹۵۷ و پرسشنامه هنرآموزان (۰/۹۷۲) به دست آمد. به منظور تحلیل داده های پژوهش علاوه بر ازمون تی تک نمونه‌ای و با توجه به مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از طبقه‌بندی نمره آسیب در سه سطح

جدول ۲. توزیع فراوانی هنرجویان و هنرآموزان بر اساس سن و پایه تحصیلی

گروه	ویژگی	طبقه	فراوانی	درصد
هنرجویان	سن	۱۵ سال	۳	۲,۴
		۱۶ سال	۳۰	۲۳,۸
		۱۷ سال	۶۶	۵۲,۴
		۱۸ سال	۲۴	۱۹
		۱۹ سال	۳	۲,۴
		مجموع	۱۲۶	۱۰۰
	پایه تحصیلی	پایه دهم	۳۲	۲۵,۴
		پایه یازدهم	۵۳	۴۲,۱
		پایه دوازدهم	۴۱	۳۳,۵
		مجموع	۱۲۶	۱۰۰
هنرآموزان	سن	۲۱ تا ۳۲ سال	۱۰	۱۳,۲
		۳۳ تا ۴۴ سال	۲۳	۳۰,۳
		۴۵ تا ۵۶ سال	۳۸	۵۰
		۵۷ سال به بالا	۵	۶,۶
		مجموع	۷۶	۱۰۰

۳۲ نفر (۲۵/۴ درصد) بود. (ب) هنرآموزان: از میان ۷۶ هنرآموز شرکت‌کننده، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۴۵ تا ۵۶ سال با ۳۸ نفر (۵۰ درصد) بود و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۵۷ سال به بالا با ۵ نفر (۶/۶ درصد) بود. میانگین سنی هنرآموزان حدود ۴۴ سال برآورد می‌شود که نشان‌دهنده وجود کادری نسبتاً با سابقه اما در آستانه بازنشستگی است.

ب- تحلیل توصیفی و استنباطی یافته های پژوهش

در این پژوهش، تعداد ۱۲۶ هنرجو و ۷۶ هنرآموز از هنرستان‌های دخترانه فنی و حرفه‌ای مشارکت داشتند؛ (الف) هنرجویان: از میان ۱۲۶ هنرجوی شرکت‌کننده، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۷ سال با ۶۶ نفر (۵۲/۴ درصد) بود و کمترین فراوانی مربوط به سنین ۱۵ و ۱۹ سال (هر کدام ۳ نفر، ۲/۴ درصد) بود. از نظر پایه تحصیلی، بیشترین فراوانی مربوط به پایه یازدهم با ۵۳ نفر (۴۲/۱ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به پایه دهم با

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

گروه	آسیب‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	نتایج آزمون K-S	
						آماره	معنی‌داری
هنرآموزان	بعد نظری	۳/۱۴	۰/۵۹	-۰/۱۰۱	-۰/۶۵۷	۰/۰۹۴	۰/۰۹۴
	بعد عملی	۳/۲۸	۰/۷۵	-۰/۱۱۸	-۰/۳۳۳	۰/۰۹۲	۰/۰۸۸
هنرجویان	بعد نظری	۳/۲۹	۰/۷۱	-۰/۰۳۲	-۰/۳۸۹	۰/۰۶۳	۰/۲۰۰
	بعد عملی	۴/۰۰	۰/۶۲	-۰/۴۵۹	-۰/۴۹۶	۰/۰۸۶	۰/۲۰۰

نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (معناداری بزرگتر از ۰,۰۵، برای هر دو بُعد) نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها در هر دو متغیر نرمال بوده و امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک فراهم است.

میانگین بالاتر در بُعد عملی در هر دو گروه نسبت به بعد نظری، حاکی از اتفاق نظر بیشتر در بین پاسخ‌دهندگان درباره شدت آسیب‌ها در بعد عملی در این حوزه است؛ همچنین انحراف معیار بالاتر در بُعد عملی در گروه هنرآموزان و بعد نظری در گروه هنرجویان، حاکی از پراکندگی و عدم اتفاق نظر بیشتر در بین پاسخ‌دهندگان درباره‌ی شدت آسیب‌های این حوزه است.

شاخص‌های توصیفی مندرج در جدول (۱) نشان می‌دهد که میانگین آسیب در بُعد نظری (۳,۱۴) با انحراف معیار (۰,۵۹) و در بُعد عملی (۳,۲۸) با انحراف معیار (۰,۷۵) است. شاخص‌های توصیفی مندرج در جدول (۱) نشان می‌دهد که در خصوص هنرآموزان؛ میانگین آسیب در بُعد نظری (۳,۱۴) با انحراف معیار (۰,۵۹) و در بُعد عملی (۳,۲۸) با انحراف معیار (۰,۷۵) و در خصوص هنرجویان؛ میانگین آسیب در بُعد نظری (۳,۲۹) با انحراف معیار (۰,۷۱) و در بُعد عملی (۴) با انحراف معیار (۰,۶۲) است. بررسی شاخص‌های کجی و کشیدگی (که در هر دو بُعد نزدیک به صفر و در محدوده ± 2 هستند) و همچنین

جدول ۴. آزمون t تک‌نمونه‌ای ابعاد آسیب‌های نظام یاددهی-یادگیری

حد بالا	حد پایین	میانگین اختلاف	معناداری	آماره t	میانگین	ابعاد	هنرآموزان
۰/۲۷۷	۰/۰۰۷	۰/۱۴۲	۰/۰۳۹	۲/۰۹	۳/۱۴	بعد نظری	هنرآموزان
۰/۴۵۴	۰/۱۱۱	۰/۲۸۲	۰/۰۰۲	۳/۲۸۴	۳/۲۸	بعد عملی	
۰/۴۲۰	۰/۱۶۹	۰/۲۹۴	۰/۰۰۱	۴/۶۴	۳/۲۹	بعد نظری	هنرجویان
۱/۱۱۳	۰/۸۹۴	۱/۰۰	۰/۰۰۰	۱۸/۱۰۸	۴	بعد عملی	

نشان‌دهنده آن است که آسیب‌های عملی که شامل مواردی مثل کمبود تجهیزات، عدم انطباق با استانداردهای صنعتی، عدم ارتباط پروژه‌ها با چالش‌های واقعی، ناهماهنگی با نیازهای بازار کار و... می‌شود، از دید هر دو گروه بسیار نگران‌کننده‌تر و فوری‌تر از آسیب‌های نظری است و موقعیت آن‌ها در طبقه‌بندی، حاکی از وضعیت هشدار و شکننده است که می‌تواند در صورت عدم مداخله هدفمند، به سطوح آسیب گسترده‌تر تبدیل شود.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که نظام آموزشی هنرستان‌های دخترانه فنی و حرفه‌ای تهران از منظر هنرآموزان و هنرجویان در هر دو بعد نظری (میانگین ۳,۱۴) و (۳,۲۹) و در بعد عملی (میانگین ۳,۲۸) و (۴) در مرز «آسیب زیاد» قرار دارد و کل فرایند یاددهی-یادگیری را در وضعیت «هشدار و شکننده» قرار می‌دهد. این نتایج بیانگر نوعی آسیب سیستماتیک است؛ به این معنا که اختلال فقط در یک جزء منفرد (مثلاً محتوا یا تجهیز) نیست، بلکه در زنجیره‌ای از عناصر برنامه درسی (محتوا، روش، ارزشیابی، امکانات، ارتباط با صنعت و سیاست‌های کلان) به صورت درهم‌تنیده بروز کرده است

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از منظر هنرآموزان و هنرجویان، نظام آموزشی هنرستان‌های دخترانه فنی و حرفه‌ای در هر دو بُعد نظری و عملی با آسیب‌هایی روبه‌رو است که در مرز بحرانی بین سطح آسیب متوسط و زیاد قرار دارد.

بر اساس آزمون t تک‌نمونه‌ای، میانگین‌ها در هر دو گروه و هر دو بعد به‌طور معناداری بالاتر از حد مبنا (۳) هستند که این تفاوت برای بُعد عملی هم از نظر آماری قوی‌تر است و هم از نظر مقداری به مرز آسیب زیاد نزدیک‌تر می‌باشد.

میانگین آسیب در بُعد نظری (۳/۱۴) و (۳/۲۹) در مرز بالایی سطح متوسط آسیب (۳/۳۳-۱/۳۴) و در آستانه ورود به سطح آسیب زیاد (۳/۳۴) است. این میانگین که از ارزیابی مؤلفه‌های کلیدی نظری حاصل شده، حکایت از چالش‌هایی جدی بخصوص در هماهنگی محتوا با مهارت‌های شغلی، روزآمدی منابع، تعادل ساعات درسی، روش‌های ارزشیابی، کاربردی‌سازی مباحث، آماده‌سازی برای حل مسائل واقعی و... دارد. وضعیت در بُعد عملی با میانگین آسیب بالاتر (۳/۲۸) و (۴) حساس‌تر است. این میانگین در گروه هنرآموزان تنها ۰/۰۶ واحد با آستانه سطح آسیب زیاد (۳/۳۴) فاصله داشته و در گروه هنرجویان در بازه سطح آسیب زیاد جای می‌گیرد. این امر

مستقیماً بر آمادگی شغلی و قابلیت اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان اثر منفی دارد [۳۱]؛ [۳۷]؛ [۵۳]؛ [۴۰].^۳ از منظر نظری، می‌توان اختلاف شدت آسیب در بعد عملی نسبت به نظری را با مفهوم «شکاف نظر و عمل» و به‌ویژه ایده «دوگانگی گسست»^۴ در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توضیح داد [۳۵]. بر اساس دیدگاه پراگماتیسم و آرای جان دیوئی، یادگیری واقعی زمانی رخ می‌دهد که فرد در مواجهه با مسائل واقعی، از دانش نظری برای «بازسازی تجربه» و حل مسئله استفاده کند. وقتی در هنرستان‌ها تجهیزات فرسوده است، استانداردهای ایمنی و فنی به‌روز نیست و پروژه‌ها با نیازها و فناوری‌های واقعی صنعت منطبق نیست، فضای کارگاه دیگر نقش «محیط یادگیری تجربه‌محور» را ایفا نمی‌کند و به محیطی نمادین و کم‌اثر کاهش می‌یابد. در این شرایط، هنجاریان فرصت کمی برای تجربه «چرخه کامل یادگیری تجربی» (تجربه عینی، بازاندیشی، مفهوم‌سازی و آزمون در عمل) دارند [۵۴] و [۳۹].^۵

از سوی دیگر، نظریه یادگیری تجربی و رویکردهای نوین در آموزش مهارت بر این نکته تأکید دارند که تجربه عملی بدون بنیان نظری مستحکم به یادگیری سطحی و وابسته به موقعیت منجر می‌شود. بنابراین، آسیب در بعد نظری - به دلیل قدمت محتوا، فقدان اتصالات مفهومی، حجم بالای مطالب انتزاعی و ارزشیابی‌های کم‌عمق - سبب می‌شود که حتی در حضور برخی امکانات عملی، هنجاریان نتوانند از آن‌ها برای ساختن درک عمیق و انتقال‌پذیر استفاده کنند. در نتیجه، فعالیت‌های کارگاهی به «تمرین‌های مکانیکی» فروکاسته می‌شود و انتقال یادگیری به محیط واقعی کار مختل می‌شود؛ الگویی که هم در یافته‌های داخلی و هم در مطالعات بین‌المللی «کیفیت آموزش فنی» مشاهده شده است [۴۳]؛ [۵۳]؛ [۴۴].

یافته‌های این پژوهش با برخی مطالعات که وضعیت را نسبتاً مطلوب‌تر توصیف کرده‌اند نیز ناهمسو است. برای نمونه، اخشابی و طاهر (۱۴۰۲/۱۳۹۸) گزارش کرده‌اند که کیفیت فرایندهای آموزش، یادگیری و ارزشیابی در برخی

[۴۸].^۱ به نحوی که اگر یک حلقه از یک زنجیر آسیب ببیند مابقی نیز به تبعیت آن گسیخته می‌شود. در بعد نظری، هم‌سویی نتایج با پژوهش‌های شریف و همکاران (۱۴۰۳) و عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که دو مسئله محوری در هنرستان‌ها وجود دارد: مورد اول: عدم انطباق محتوای درسی با تحولات فناوری و نیازهای مهارتی روز؛ مورد دوم انباشت مطالب تئوریک بدون پیوند با فعالیت‌های عملی و مسائل واقعی شغل.

این وضعیت باعث کاهش درک مفهومی، افت انگیزش و تقلیل یادگیری به «حفظ سطحی» می‌شود. هم‌زمان، یافته‌های حسن و وای (۲۰۱۹) و مانته و همکاران (۲۰۲۵) نیز نشان می‌دهد که غفلت از بنیان‌های نظری و دانش پایه در برنامه‌های فنی و حرفه‌ای منجر به افت کیفیت آموزشی و ایجاد شکاف‌های عمیق در یادگیری می‌شود؛ زیرا مهارت بدون بنیان نظری، پایدار، قابل تعمیم و قابل انتقال نیست. چنین الگوهایی در ادبیات بین‌المللی نیز به‌کرات گزارش شده است؛ برای مثال، در پژوهش‌های مربوط به مدارس فنی چین و نظام‌های TVET، به «ناقص بودن ساختار برنامه درسی»، «ضعف پیوستگی عمودی و افقی محتوا» و جدایی دانش نظری از تجربه عملی اشاره می‌شود [۵۴]؛ [۵۳]؛ [۴۷] و [۵۱].^۲

در بعد عملی، میانگین بالاتر آسیب (۳،۲۸) و نزدیکی آن به آستانه «آسیب زیاد»، نشان می‌دهد که هنجاریان کیفیت آموزش عملی را از نظری نیز بحرانی‌تر می‌بینند. این یافته با پژوهش موسوی (۱۴۰۳) - که به ناهماهنگی جدی بین آموزش نظری و عملی و ضعف انتقال یادگیری اشاره دارد - همسو است. در پژوهش حاضر نیز «عدم انطباق پروژه‌ها و فعالیت‌های کارگاهی با چالش‌های واقعی بازار کار» و «فرسودگی و ناکارآمدی تجهیزات» به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی آسیب عملی شناسایی شده‌اند. مطالعات بین‌المللی گوناگون در مدارس فنی اوکراین، اندونزی و چین نیز نشان داده‌اند که فقدان کارگاه‌های مجهز، آزمایشگاه‌های استاندارد و فرصت‌های کارآموزی واقعی،

3. Arban et al., 2024; Lytvyn et al., 2019; Zhang et al., 2025; Maharani et al., 2024

4. dual disconnection

5. Inderanata & Sukardi

1. Omidvandchali.

2. Zhou, 2024; Chen, 2025; Minuzzi & Coutinho, 2020; Yazgm.2024

مدیریت، محیط کلان و ارزشیابی به‌عنوان اجزای یک سیستم پیچیده و پویا در نظر گرفته می‌شوند که تغییر در هر یک، آثار زنجیره‌ای بر سایر اجزا دارد [۴۸]. مشاهده هم‌زمان آسیب در دو بعد نظری و عملی در این پژوهش، تأییدی میدانی بر این دیدگاه است که اصلاح وضعیت، تنها با مداخله در یک عنصر (مثلاً صرفاً نوسازی تجهیزات یا صرفاً بازنگری محتوا) به نتیجه پایدار نمی‌رسد و نیازمند اصلاحات هماهنگ و چندسطحی است.

در نهایت، نرمال بودن داده‌ها و معناداری آزمون t نشان می‌دهد که ارزیابی هنرجویان از وضعیت موجود، تصادفی یا حاشیه‌ای نیست، بلکه بازتاب یک «الگوی پایدار نارضایتی» در هر دو بعد نظری و عملی است. چنین الگویی، در کنار شواهد گسترده‌ای که از شکاف میان سیاست‌های رسمی و واقعیت اجرا در آموزش فنی و حرفه‌ای در کشورهای مختلف گزارش شده، ضرورت طراحی مداخلات مبتنی بر شواهد را دوچندان می‌کند [۳۱]؛ [۴۸]؛ [۵۱].

مراکز فنی و حرفه‌ای - به‌خصوص در حوزه آموزش الکترونیکی در دانشگاه فنی و حرفه‌ای یا دانشگاه ملی مهارت - در سطح مناسبی قرار دارد. در مقابل، پژوهش حاضر وضعیت هنرستان‌های دخترانه آموزش‌وپرورش در تهران را در هر دو بعد نظری و عملی در سطح هشدار و نزدیک به آسیب زیاد توصیف می‌کند. این ناهم‌سویی را می‌توان با تفاوت در جامعه آماری (دانشگاه فنی و حرفه‌ای که الان دانشگاه ملی مهارت است در مقابل هنرستان‌های متوسطه) سطح و نوع فراگیران، سطح منابع و زیرساخت‌ها، و سیاست‌های حمایتی و مدیریتی توضیح داد. ادبیات سیاست‌گذاری در TVET نیز به‌روشنی نشان می‌دهد که کیفیت ادراک‌شده از آموزش فنی، به‌شدت وابسته به زمینه نهادی، سطح سرمایه‌گذاری، نوع رهبری آموزشی و فرهنگ سازمانی است [۳۱]؛ [۴۸]؛ [۵۱].

نتایج پژوهش حاضر همچنین با یافته‌های مطالعاتی که رهبری آموزشی در هنرستان‌ها را در چارچوب پارادایم پیچیدگی تحلیل کرده‌اند، هم‌خوان است. در این رویکرد، معلم، محتوا، محیط یادگیری، فرایند یاددهی-یادگیری،

جدول ۵. خلاصه محورهای نظری و تجربی بحث پژوهش

محور	مضمون اصلی	پیوند با ادبیات پژوهش
بعد نظری	محتوای قدیمی، انباشت مباحث تئوریک، ضعف پیوند با عمل	ناسازگاری محتوا با نیاز بازار، ضعف بنیان نظری (Zhou, 2024; Chen, 2025; Minuzzi & Coutinho, 2020; Yazgin, 2024)
بعد عملی	فرسودگی تجهیزات، پروژه‌های غیرواقعی، ضعف انتقال یادگیری	کمبود زیرساخت، کارآموزی ناکافی، گسست از صنعت (Arban et al., 2024; Lytvyn et al., 2019; Zhang et al., 2025; Maharani et al., 2024; Mitchell & Buntic, 2022)
شکاف نظر و عمل	دوگانگی گسست، عدم بازسازی تجربه، یادگیری سطحی	نظریه دیوئی، یادگیری تجربی، dual disconnection (Zhou, 2024; Chen, 2025; Inderanata & Sukardi, 2023)
تفاوت با مطالعات مطلوب‌تر	تفاوت زیرنظام‌ها، منابع، سیاست‌ها و فرهنگ سازمانی	شکاف سیاست-اجرا و ناهمگونی نهادی (Arban et al., 2024; Silin, 2025; Omidvandchali et al., 2025; Le et al., 2021; Mitchell & Buntic, 2022; Yazgin, 2024)

۶- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر هنرستان‌های دخترانه فنی و حرفه‌ای تهران، نشان داد که این مراکز در انجام مأموریت اصلی خود - یعنی تربیت نیروی کار ماهر، برخوردار از دانش نظری معتبر و توانمند در انتقال مهارت به محیط واقعی کار - با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند. شاخص‌های به‌دست‌آمده بیانگر آن است که سطح آسیب در بعد نظری در بین هنرآموزان با (میانگین ۳،۱۴) و هنرجویان با (میانگین ۳،۲۹) و به‌ویژه در بعد عملی نظری

در بین هنرآموزان با (میانگین ۳،۲۸) و هنرجویان با (میانگین ۴) به‌طور معناداری بالاتر و حساس‌تر از حد متوسط است و هر دو بعد در مرز ورود به سطح «آسیب زیاد» قرار دارند.

در بعد نظری، ترکیب محتوای تاریخ‌گذشته، عدم انطباق با تحولات فناوریانه، غلبه مباحث انتزاعی و روش‌های ارزشیابی کم‌عمق، منجر به شکل‌گیری الگویی از یادگیری شده است که در آن هنرجویان بیشتر به سمت حفظ‌گرایی سوق می‌یابند تا درک عمیق ساختاری، این

از این منظر، یافته‌های پژوهش حاضر «هشدار» است، اما هم‌زمان «نقشه راه» نیز محسوب می‌شود:

- در سطح **محتوا**، بازنگری عمیق در کتب و سرفصل‌های نظری، برای روزآمدسازی و پیوند با مسائل واقعی لازم است.

- در سطح **زیرساخت عملی**، نوسازی و استانداردسازی تجهیزات کارگاهی، ضروری‌ترین گام برای احیای نقش کارگاه به‌عنوان محیط یادگیری تجربی است.

- در سطح **رابطه با صنعت**، ایجاد سازوکارهای پایدار همکاری با بنگاه‌های اقتصادی، توسعه کارآموزی و پروژه‌های مشترک می‌تواند شکاف مدرسه-کار را کاهش دهد.

- در سطح **منابع انسانی**، توانمندسازی معلمان و هنرآموزان در استفاده از روش‌های فعال، شایستگی‌محور و مبتنی بر یادگیری تجربی، حلقه مفقوده چرخه نظریه-عمل را ترمیم می‌کند.

به‌طور خلاصه، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ادامه وضع موجود، هنرستان‌های دخترانه فنی و حرفه‌ای را به‌سوی «آسیب بحرانی» سوق خواهد داد؛ اما استفاده هوشمندانه از همین نتایج در سطح سیاست‌گذاری و مدیریت، می‌تواند نقطه شروعی برای گذار به یک نظام آموزش فنی و حرفه‌ای کارآمد، منعطف، عادلانه و همسو با الزامات توسعه ملی و جهانی باشد (تصویر چهار بعد کلیدی نقشه راه پیشنهادی پژوهش برای آموزش فنی حرفه‌ای در بخش پیوست‌ها ارائه شده است).

از محدودیت‌های که بر سر راه این پژوهش قرار داشت میتوان به موارد زیر اشاره داشت که پیچیدگی موضوع و تعدد مؤلفه‌ها، امکان واکاوی عمیق همه ابعاد آسیب‌شناسی را محدود کرد. عدم همکاری یا همکاری ناقص برخی هنرستان‌ها و پاسخ‌دهندگان (خستگی، بی‌انگیزگی) می‌تواند بر دقت پاسخ‌ها اثر گذاشته باشد. محدودیت‌های زمانی و مالی، دامنه جغرافیایی و امکان به‌کارگیری روش‌های کیفی مکمل (مصاحبه عمیق، مشاهده میدانی) را کاهش داد و محدودیت تعمیم‌پذیریکه نتایج فقط به هنرستان‌های دخترانه فنی و حرفه‌ای تهران مربوط است و تعمیم به سایر مناطق یا هنرستان‌های پسرانه باید با احتیاط انجام شود.

وضعیت انگیزش، خودکارآمدی و احساس «معنادار بودن» آموزش را تضعیف می‌کند و با الگوهای گزارش‌شده در مطالعات داخلی و خارجی درباره نقص در بنیان‌های نظری آموزش فنی و حرفه‌ای همسو است [۵۴]؛ [۳۵]؛ [۵۱].

در بعد عملی، شدت بالاتر آسیب بیانگر آن است که تجارب کارگاهی و مهارتی، نتوانسته‌اند نقش جبرانی یا تقویتی نسبت به کاستی‌های نظری ایفا کنند؛ بلکه در مواردی خود به منبع جدیدی از سرخوردگی تبدیل شده‌اند. فرسودگی تجهیزات، نبود استانداردهای صنعتی به‌روز، ناهمخوانی پروژه‌ها با واقعیت‌های محیط کار و ضعف ارتباط ساختاری با صنعت باعث شده است که هنرجویان فرصت کافی برای تمرین "مهارت‌های اصیل"^۱ نداشته باشند [۳۱]؛ [۵۳]؛ [۴۴]؛ [۴۳]. در نتیجه، شکاف میان انتظارات بازار کار و قابلیت‌های واقعی فارغ‌التحصیلان تعمیق یافته و خطر افزایش بیکاری تحصیل‌کردگان فنی تشدید می‌شود.

برآیند این یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام آموزشی هنرستان‌های دخترانه فنی و حرفه‌ای تهران در معرض نوعی آسیب سیستماتیک در پیوند نظریه-عمل است؛ آسیبی که در آن محتوا، روش تدریس، محیط یادگیری، امکانات، ارزیابی و ارتباط با صنعت، به جای تقویت یکدیگر، در مواردی اثرات منفی هم‌افزا دارند. اگر این وضعیت بدون مداخله هدفمند و ساختاری ادامه یابد، احتمال حرکت از سطح آسیب متوسط به سمت «آسیب بحرانی» بسیار زیاد است؛ وضعیتی که پیامدهای آن نه‌تنها متوجه کیفیت یادگیری هنرجویان، بلکه متوجه بازار کار، اقتصاد ملی و جایگاه اجتماعی مسیر فنی و حرفه‌ای خواهد بود.

در عین حال، نتایج این پژوهش را می‌توان فرصتی برای بازاندیشی در سیاست‌ها و رویه‌های موجود دانست. ادبیات جهانی TVET نشان می‌دهد که با طراحی و اجرای مداخلات منسجم - از جمله بازنگری برنامه‌های درسی، نوسازی زیرساخت‌ها، ارتقای صلاحیت حرفه‌ای معلمان، تقویت پیوند با صنعت و استفاده هوشمندانه از فناوری اطلاعات - می‌توان کیفیت آموزش فنی را به‌طور چشمگیری ارتقا داد و آن را به موتور توسعه مهارت‌های مورد نیاز در اقتصادهای در حال تحول تبدیل کرد.

1. authentic skills

به هنجرویان کمک کنند تا دانش نظری را در بستر عملی به کار گیرند و شایستگی‌های حرفه‌ای خود را تقویت کنند. همچنین، گسترش همکاری‌های نظام‌مند و ساختاریافته با بخش صنعت و بنگاه‌های اقتصادی، به ویژه با توجه به پتانسیل منطقه تهران، از طریق برنامه‌ریزی برای دوره‌های کارآموزی اثرگذار، بازدیدهای میدانی هدفمند و تعریف پروژه‌های مشترک کاربردی در رشته‌های پرتقاضا، می‌تواند پلی مستحکم میان هنرستان و بازار کار ایجاد کند و در نهایت، توانمندسازی هنرآموزان به عنوان عاملان اصلی اجرای آموزش‌های کیفی، نقش محوری دارد. این توانمندسازی باید بر به‌کارگیری روش‌های تدریس فعال و مشارکتی، مهارت در ارزشیابی شایستگی‌محور (و نه صرفاً دانش‌محور)، و تسلط بر استفاده و آموزش فناوری‌های نوین در فرآیند یاددهی-یادگیری متمرکز شود. اجرای دوره‌های آموزشی مستمر برای هنرآموزان در این حوزه‌ها، تضمینی برای تحقق اهداف آموزشی تجدید نظر شده خواهد بود.

براساس یافته‌های این پژوهش پیشنهادها می‌شود برنامه‌های درسی نظری مورد بازنگری اساسی قرار گیرند. این بازنگری باید با محوریت روزآمدسازی محتوای آموزشی، حذف یا کاهش مباحث صرفاً انتزاعی و تئوری‌محور، و تقویت پیوند مستقیم آموزش‌های نظری با مسائل واقعی محیط کار و پروژه‌های شغلی عینی همراه باشد تا انگیزه و درک هنجرویان افزایش یابد. در کنار به‌روزرسانی محتوای نظری، نوسازی و استانداردسازی زیرساخت‌های عملی از اولویت‌ها به شمار می‌آید. پیشنهاد می‌شود تجهیزات، ماشین‌آلات و فناوری‌های موجود در کارگاه‌ها با استانداردهای روز صنعت همگون شده و ضمن تأمین ایمنی کامل محیط‌های عملی، کیفیت این فضاها برای شبیه‌سازی شرایط واقعی کار ارتقا یابد. این امر مستلزم تخصیص بودجه‌های هدفمند و تجهیز کارگاه‌ها به فناوری‌های نوین است. برای پرکردن شکاف شناسایی شده میان نظریه و عمل هم طراحی و اجرای واحدهای درسی تلفیقی پیشنهاد می‌شود. رویکردهایی مانند یادگیری مبتنی بر پروژه، حل مسئله و روش‌های تجربی می‌توانند

منابع

۱. اخشاب، مجید و طاهر، نیلوفر. (۱۴۰۲). تعیین اثربخشی سامانه مدیریت یادگیری الکترونیکی دانشگاه فنی و حرفه‌ای در آموزش دروس نظری-عملی رشته گرافیک (مطالعه موردی: دانشگاه فنی و حرفه‌ای دخترانه شهرضا)، نشریه کارافن، ۲۰(۶۳)، ۴۲۱-۴۳۹.
۲. اسدزاده حاجی خواجه لو، منوچهر؛ نقی لو، سجاد؛ باقری، مهرباب و زهانی، علی. (۱۴۰۲). نقش آموزش در توسعه پایدار و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اولین همایش بین‌المللی معلمان برتر و مدارس پیشرو در هزاره سوم، بوشهر.
۳. آقایی، مهدی. (۱۴۰۰). تحلیل نسبت آموزش فنی و حرفه‌ای با تعلیم و تربیت، همایش علمی - پژوهشی فتح الفتوح (۱) با موضوع تعلیم و تربیت تمدنی، شیراز.
۴. امین بیدختی، علی اکبر؛ نجفی، محمود و شریعتی، فرهاد. (۱۳۹۷). شناسایی و اکتشاف عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: مطالعه‌ای با رویکرد آمیخته. تدریس پژوهی، ۶(۳)، ۲۳-۳۸.
۵. انصافی، علی و شکرسخن، راضیه. (۱۴۰۴). بررسی میزان انطباق آموزش‌های هنرستان‌های فنی با نیازهای بازار کار ایران. دومین همایش ملی علوم انسانی با رویکرد نوین و اولین همایش بین‌المللی پژوهشی فرهنگیان نوین.
۶. برون، مهرداد. (۱۴۰۳). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اولین همایش بین‌المللی معلمان استعدادیاب و فرهنگ ساز در توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در مسیر توسعه پایدار.
۷. بهلولی فسخودی، محسن؛ ضرغامی، سعید؛ قانیدی، یحیی و برخوردار، رمضان. (۱۳۹۵). تحلیل نسبت آموزش فنی و حرفه‌ای با تعلیم و تربیت نظری. فصلنامه علمی-پژوهشی خانواده و پژوهش، ۱۳(۴)، ۷۷-۹۶.
۸. خوری، فاطمه. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر محتوای برنامه درسی بر ایجاد شکاف بین دروس نظری و عملی رشته‌های فنی و حرفه‌ای بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای شهرستان بستک، هفتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات جهانی در علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره، تهران.

۹. رضایپور، صدیقه. (۱۴۰۴). طراحی هنرستان فنی و حرفه‌ای دختران: با تاکید بر انعطاف‌پذیری. ناشر: زبان علم
۱۰. زمانی، بهنام. (۱۴۰۴). نقش آموزش فنی و حرفه‌ای و تاثیر آن بر اشتغال مولد. مهندسی مدیریت، (۱۸) ۸۷، ۷۸-۰.
۱۱. سرمستی، ژیلا؛ کیان مرجان؛ مهدوی نسب یوسف و علی عسگری، مجید. (۱۴۰۱). شناسایی بسترها، موانع و راهبردهای سواد دیجیتال به منظور ارتقای سطح صلاحیت حرفه‌ای معلمان. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، (۲) ۹، ۴۵۵-۴۶۴.
۱۲. شمس مورکانی، غلامرضا؛ قهرمانی، محمد؛ معارفوند، زهرا و زنگنه، فاطمه. (۱۳۹۳). ارزیابی عملکرد دانشگاه شهید بهشتی براساس مدل تعالی سازمانی EFQM. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، (۱) ۷، ۳۹-۶۷.
۱۳. شهامت و اسماعیلی، فاطمه. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی آموزشی و ارزشیابی آموزشی، پانزدهمین همایش پژوهش‌های نوین در علوم و فناوری.
۱۴. صابری، نگار؛ عسگر جمشیدی، علی؛ مرادخواه، وحید و اکبرزاده، عبدالله. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از دیدگاه هنرآموزان دختر هنرستان‌های ناحیه ۴ شیراز، دومین کنفرانس ملی روانشناسی و مشاوره، اصفهان.
۱۵. طالبی، ریحانه؛ فرساد، آتنا و هاشمی، سیدجواد. (۱۴۰۴). بررسی نقش آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای در توسعه اشتغال پایدار روستایی (مطالعه موردی: استان خراسان جنوبی). بیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
۱۶. عباس زاده، سعید؛ شاهی، سکینه و مهر علیزاده، یداله. (۱۳۹۷). تناسب آموزش‌های هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای آموزشی صنایع کوچک شهر اهواز. مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، (۱۴) ۷، ۴۸-۷۰.
۱۷. عبدل زاده، سعید؛ عباس زاده سهرور، یدالله و یارمحمدزاده، پیمان. (۱۴۰۳). ارائه مدل آسیب‌شناسی سرمایه اجتماعی در نظام آموزش و پرورش. علمی مدیریت سرمایه اجتماعی، (۱۱) ۳، ۲۶۹-۲۸۵.
۱۸. علی نژاد، سهراب؛ هاشمی فارسی، آسیه؛ بهرامی، سعید و چشمگان زاده، سارا. (۱۳۹۸). تکنیک‌های
- کلاسداری معلمان و راههای عملی اداره کلاس درس. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، (۸) ۳، ۲۷۴-۲۹۵.
۱۹. فرخی، داوود؛ شهرکی پور، حسن و کریم زاده، صمد. (۱۳۹۸). مدیریت استراتژیک سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و تدوین مدل کیفی آن. مهارت‌آموزی، (۲۷) ۷، ۴۵-۷۱.
۲۰. قیطاسی رضائی، سجاد. (۱۴۰۳). بررسی اثر آموزش مشارکتی و گروهی بر رشد خلاقیت و مهارت‌های بین فردی دانش‌آموزان، اولین همایش بین‌المللی آموزش و پرورش با رویکرد مدارس هوشمند، معلمان خلاق و دانش‌آموزان متفکر در افق ۱۴۰۴، بوشهر.
۲۱. کبیر، محمدجواد؛ حیدری، علیرضا؛ کر، عایشه و خطیرنمانی، زهرا. (۱۴۰۳). ارزیابی اجرای برنامه‌ی پزشک خانواده از دیدگاه مدیران و کارشناسان اجرایی بر اساس مدل دونابدیان: مطالعه‌ی مقطعی در سال ۱۴۰۱. مجله تحقیقات سلامت در جامعه، (۱۰) ۲.
۲۲. کریمی دستجردی، علیرضا. (۱۴۰۲). نقش روان‌شناسی در تقویت مهارت‌های ارتباطی معلمان در فرآیند یاددهی-یادگیری، اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و فلسفه با رویکرد توسعه فرهنگی، بابل.
۲۳. مبین، میثم؛ اسمی، محمد و رزاقی، حمید. (۱۳۹۴). ارزیابی نظام پیشنهادها بر اساس مدل سیپ (CIPP) مطالعه موردی: شرکت توزیع نیروی برق استان قم. همایش نظام پیشنهادها (ششمین جشنواره ملی).
۲۴. ملک زاده، فاطمه؛ مرادی، جمیله؛ جمالی آرند، مدینه و حیدریان، مهرانگیز. (۱۴۰۴). تاثیر روش‌های تدریس فعال بر عملکرد تحصیلی و انگیزش دانش‌آموزان در نظام آموزشی. اولین همایش بین‌المللی دستاوردهای نوین علمی پژوهشی در آموزش و پرورش و علوم انسانی با رویکرد آسیب‌شناسی تربیتی، دینی و فرهنگی در ایران و جهان.
۲۵. منتظری، زهراسادات؛ آقاموسی، رضا؛ نعیمی، عبدا... و فاطمی، عادل. (۱۴۰۰). طراحی و اعتباریابی الگوی بهبود کیفی آموزش و اشتغال‌زایی (مطالعه موردی: آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای شهر تهران). فناوری آموزش، (۴) ۱۵، ۷۰۷-۷۲۱.

Journal of Exploration of Vocational Education.

<https://doi.org/10.63650/jeve.v1i1.25>

36. Guile, D., & Griffiths, T. (2001). Learning through work experience. *Journal of education and work*, 14(1), 113-131.

37. Hassan, A., & Wai, L. K. (2019). Exploring the learning theories underpinning in Technical, Vocational. *Education and Training (TVET) Curriculum Perceived by TVET Students. International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 9(11), 1372-1381.

38. Hassan, R. H., Hassan, M. T., Sameem, M. S. I., & Rafique, M. A. (2024). Personality-aware course recommender system using deep learning for technical and vocational education and training. *Information*, 15(12), 803.

39. Inderanata, R., & Sukardi, T. (2023). Investigation study of integrated vocational guidance on work readiness of mechanical engineering vocational school students. *Heliyon*, 9. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e13333>

40. Jaedun, A., Nurtanto, M., Mutohhari, F., Saputro, I. N., & Kholifah, N. (2024). Perceptions of vocational school students and teachers on the development of interpersonal skills towards Industry 5.0. *Cogent Education*, 11(1), 2375184.

41. Kreisman, D., & Stange, K. (2020). Vocational and career tech education in American high schools: The value of depth over breadth. *Education Finance and Policy*, 15(1), 11-44.

42. Leung, S. F., Mok, E., & Wong, D. (2008). The impact of assessment methods on the learning of nursing students. *Nurse education today*, 28(6), 711-719.

43. Lytvyn, A., Lytvyn, V., Rudenko, L., Pelekh, Y., Didenko, O., Muszkieta, R., & Zukow, W. (2019). Informatization of technical vocational schools: Theoretical foundations and practical approaches.

۲۶. موسوی، سید جلال. (۱۴۰۳). شناسایی و صورت‌بندی چالش‌های حوزه آموزش‌های مهارتی کشور. *فصلنامه مهارت‌آموزی*، (۱۲) ۴۸، ۴۲-۷.

۲۷. نجاریان، رویا؛ مهدی زاده، امیرحسین؛ شفیعی، ناهید؛ برزگر، نادر و فقیه آرام، بتول. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی نظام ارزشیابی توصیفی و ارائه الگوی مناسب در دوره‌ی ابتدایی آموزش و پرورش استان البرز. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، (۱۴) ۶، ۱۹۰-۲۰۷.

۲۸. نصرتیه، غلامرضا. (۱۴۰۳). مرکز تربیت مربی فنی و حرفه‌ای، پیشینه و فرایندها. ناشر: مهارت‌آموزی و مربیان زبان.

۲۹. نیکوروش، اقدس، سلیمانی، شفیق زاده، محمد داودی. (۱۴۰۰). الگوی آموزش مبتنی بر شایستگی در هنرستان‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش: نظریه داده‌بنیاد. *دوماهنامه علمی-پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۴(۵)، ۲۹۳-۳۰۳.

۳۰. همتی، پری، صفری، محمود، اولادیان، معصومه. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای براساس مدل تعالی سازمانی. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۴(۴۹)، ۱۶۳-۱۸۵.

31. Arban, J., Enad, F., & Pabalan, A. (2024). The Senior High School Technical-Vocational-Livelihood Track: Implementation and Challenges. *SSRN Electronic Journal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.4975284>

32. Bai, S., Kolter, J. Z., & Koltun, V. (2019). Deep equilibrium models. *Advances in neural information processing systems*, 32.

33. Billett, S. (2020). Perspectives on enhancing the standing of vocational education and the occupations it serves. *Journal of Vocational Education & Training*, 72(2), 161-169.

34. Boud, D., & Garrick, J. (2012). Understandings of workplace learning. In *Understanding learning at work* (pp. 1-11). Routledge.

35. Chen, H. (2025). A Study on the "Dual Disconnection" Problem Between Theory and Practice in Vocational Education Under High-Quality Development.

Personal Development and Organizational Transformation.

<https://doi.org/10.61838/kman.jpdot.3.1.2>

49. Pilz, M. (2016). Typologies in comparative vocational education: Existing models and a new approach. *Vocations and Learning*, 9(3), 295-314.

50. Wedekind, V., Russon, J. A., Zungu, Z., Liu, Z., & Li, M. (2025). Dimensions of a Quality Vocational Teacher: Future Issues and Research. *World Vocational and Technical Education*, 1(2), 192-218.

51. Yazgın, Ö. (2024). VOCATIONAL AND TECHNICAL EDUCATION: A COMPREHENSIVE REVIEW. *Istanbul Journal of Social Sciences and Humanities*.

<https://doi.org/10.62185/issn.3023-5448.2.1.1>

52. Yusop, S. R. M., Rasul, M. S., Mohamad Yasin, R., Hashim, H. U., & Jalaludin, N. A. (2022). An assessment approaches and learning outcomes in technical and vocational education: A systematic review using PRISMA. *Sustainability*, 14(9), 5225

53. Zhang, F., Liu, Y., & Fan, L. (2025). How to promote the quality of technical education? A fuzzy-set qualitative analysis of 16 technical colleges in China. *PLOS One*, 20. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0332115>

54. Zhou, K. (2024). The Research on Cultivating Pathways for Vocational High School Students' Professional Qualities. *Journal of Modern Educational Theory and Practice*. <https://doi.org/10.70767/jmetp.v1i2.266>

Education and Information Technologies, 25, 583 - 609.

<https://doi.org/10.1007/s10639-019-09966-4>

44. Maharani, W., Zauhar, S., Makmur, M., & Haryono, B. (2024). Understanding The Gap Between Policy and Implementation of Vocational Secondary Education To Realize Sustainable Development: The Case of East Java Province, Indonesia. *Journal of Law and Sustainable Development*.

<https://doi.org/10.55908/sdgs.v12i1.2291>

45. Mante, D. A., Okoye, M. C., & Hui, X. (2025). A Systematic Literature Review of Technical and Vocational Education and Training (TVET) Systems: An insight from China and Sub-Saharan Africa. *Pedagogy and Psychology of Sport*, 23, 64486-64486.

46. Melesse, S., Haley, A., & Wärvik, G. B. (2023). Bridging the skills gap in TVET: a study on private-public development partnership in Ethiopia. *International Journal of Training Research*, 21(3), 171-186.

47. Minuzzi, E., & Coutinho, R. (2020). PRODUÇÃO DE CONHECIMENTO SOBRE ENSINO MÉDIO INTEGRADO À EDUCAÇÃO PROFISSIONAL: UM PANORAMA CIENCIOMÉTRICO. *Educational Review*, 36. <https://doi.org/10.1590/0102-4698228443>

48. Omidvandchali, A., Pali, S., & Moafimadani, S. (2025). Re-examining the Nature of Educational Leadership in the Complexity Paradigm with Reference to the Core Elements of Technical and Vocational Schools Based on the Fundamental Transformation Document of Education and Its Subsystems. *Journal of*



Evaluating the Theoretical and Practical Dimensions of the Educational System in Girls' Technical and Vocational Schools

* Mahya Rahmani  ** Majid Darabi  ***Tayebeh Mousavi Amiri 

* MA Student of Educational Planning, Educational Sciences, Shahed University, Tehran, Iran.

mahya.rahmani@shahed.ac.ir

** Faculty Member, Department of Educational Sciences, Shahed University, Tehran, Iran.

majid.darabi@shahed.ac.ir

*** Faculty Member, Department of Educational Sciences, Shahed University, Tehran, Iran.

t.mousavi@shahed.ac.ir

Received: 15.02.2026

Accepted: 02.06.2026

Abstract

In today's fast-paced world, an efficient educational system must focus on technical and vocational training as a vital bridge between the classroom and the labor market to train a skilled workforce for the sustainable development of society. Accordingly, this study aimed to evaluate the theoretical and practical dimensions of the educational system in girls' technical and vocational schools. The research method was descriptive-evaluative, and the statistical population consisted of all teachers and students in technical and vocational schools in Tehran. The samples were selected using a multi-stage cluster sampling method, and data were collected through researcher-made questionnaires. The findings showed that, from the perspective of the statistical population, the educational system of girls' technical and vocational schools faces critical vulnerabilities in both theoretical and practical dimensions. The mean score of vulnerability in the theoretical dimension (3.14 for teachers and 3.29 for students) is on the verge of entering the high vulnerability level. This situation is more critical in the practical dimension, with higher means (3.28 in the teachers' group and 4.00 in the students' group) falling within the high vulnerability range.

Keywords: Practical Dimension, Theoretical Dimension, Educational System, Technical and Vocational Schools.

Corresponding Author: Majid Darabi- Majid.darabi@shahed.ac.ir



Introduction

Systematic education plays a fundamental role in shaping professional competencies and preparing individuals for personal and social life. Educational systems, especially in the field of technical and vocational training, are organized to improve skills and continuously adapt to the needs of the labor market. However, realizing the effective functions of skills training requires establishing a precise balance between theoretical and practical education. Separation or inconsistency between these two parts leads to a weakness in the transfer of learning and disrupts the application of skills in the real work environment. In technical and vocational schools, the theoretical dimension teaches the scientific foundations of each field, while the practical dimension deals with the development of workshop skills. The main problem is that, based on evidence, the theoretical dimensions of this educational system have not been comprehensively evaluated, and the focus has mainly been on applied skills. This neglect has led to a decline in educational quality, insufficient integration of theoretical knowledge with skills, and ultimately the weakening of the "theory-practice link". Therefore, the present study seeks to comprehensively evaluate the theoretical and practical dimensions of the educational system of girls' technical and vocational schools in Tehran and identify the pattern of existing vulnerabilities in this system.

Methodology The present study is applied in terms of its purpose and descriptive-evaluative in its methodology. The statistical population includes all students and teachers of technical and vocational schools in Tehran, selected through a multi-stage cluster sampling method. Researcher-made questionnaires were used for data collection, the components of which were identified and set based on the research background. To investigate content validity, Content Validity Ratio (CVR) and Content Validity Index (CVI) were used ; the results showed that the obtained values for the theoretical dimension (CVR=1 and CVI=0.92) and the practical dimension (CVR=0.78 and CVI=0.88) were higher than the critical values, confirming the tools. Reliability was also obtained by calculating Cronbach's alpha coefficient for the students' questionnaire at 0.957 and the teachers' questionnaire at 0.972. The data were organized on a 5-point Likert scale and evaluated through descriptive and inferential statistical tests (one-sample t-test).

Findings The findings from the statistical analysis indicate that, from the perspective of the studied population, the educational system of technical and vocational schools experiences serious vulnerabilities in both dimensions, which are significantly higher than the baseline. In examining the theoretical dimension, the mean vulnerability from the perspective of teachers was 3.14 and from the perspective of students was 3.29, indicating serious challenges in content coordination, resource up-to-dateness, and the practical application of topics, which is on the verge of entering a high level of vulnerability. In contrast, the vulnerabilities in the practical dimension are reported to be much more critical. The mean vulnerability of the practical dimension for the teachers' group was evaluated at 3.28 (only 0.06 units away from the threshold of high vulnerability) and for the students' group at 4.00, which is classified in the definite and high vulnerability range. These figures indicate that problems such as the depreciation of workshop equipment and the non-compliance of education with industrial standards are felt with much greater urgency and intensity.

Conclusion The results of this study confirm the existence of a systematic vulnerability in the theory-practice link in the educational system of girls' technical and vocational schools. In the theoretical dimension, the dominance of abstract topics and the lack of alignment of content with

technological developments have promoted superficial learning and memorization. In the practical dimension, problems such as a lack of infrastructure and unrealistic projects have distanced workshop spaces from their primary role as experiential learning environments. This vicious cycle prevents theoretical knowledge from properly supporting practical experience and makes skills untransferable to the real work environment. To correct this trend, it is suggested that theoretical curricula be fundamentally revised and updated, and non-applicable abstract topics be replaced with knowledge linked to real work issues. In the practical dimension, modernizing workshop equipment based on current standards and creating integrated (project-based) courses should be prioritized. Also, expanding systematic cooperation with the industrial sector and holding continuous courses to empower teachers in using competency-based teaching methods are strongly recommended to reduce the school-to-labor-market gap.

References

1. Abbaszadeh, S., Shahi, S., & Mehr Alizadeh, Y. (2018). The compatibility of technical and vocational high school education with the training needs of small industries in Ahvaz city. *Educational Planning Studies*, 7(14), 48-70.
2. Khorram, F. (2023). Investigating the impact of curriculum content on creating a gap between theoretical and practical courses in technical and vocational fields... The Seventh International Conference on Global Studies in Educational Sciences, Psychology and Counseling, Tehran.
3. Arban, J., Enad, F., & Pabalan, A. (2024). The Senior High School Technical-Vocational-Livelihood Track: Implementation and Challenges. *SSRN Electronic Journal*.
4. Chen, H. (2025). A Study on the "Dual Disconnection" Problem Between Theory and Practice in Vocational Education Under High-Quality Development. *Journal of Exploration of Vocational Education*.
5. Zhou, K. (2024). The Research on Cultivating Pathways for Vocational High School Students' Professional Qualities. *Journal of Modern Educational Theory and Practice*.



راهنمای نگارش مقاله

می‌تواند شامل روش تحقیق، مدت زمان اجرا، مکان اجرای پژوهش، جامعه مورد مطالعه، رعایت موازین اخلاقی در پژوهش، نحوه جمع‌آوری اطلاعات، ابزارهای اندازه‌گیری و آزمون‌های آماری باشد.

● **یافته‌ها:** در این بخش باید یافته‌های به دست آمده از تحقیق بدون بحث بیان گردد و نباید داده‌های جدول‌ها، شکل‌ها و نمودارها مجدداً در این قسمت تکرار شوند. شماره‌ی جدول‌ها، تصاویر و نمودارها باید با دقت در متن آورده شوند و هر کدام در صفحات جداگانه‌ای آورده و شماره‌گذاری شوند.

● **بحث و نتیجه‌گیری:** در این بخش نویسنده (ها) تفسیری منطقی از یافته‌های به دست آمده ارائه نموده و هم‌چنین یافته‌های به دست آمده را با مطالعات انجام شده مقایسه می‌نمایند. محدودیت‌های مطالعه و هم‌چنین پیشنهادها برای مطالعات آینده از قسمت‌های مهم بحث و نتیجه‌گیری می‌باشد.

● **سپاسگزاری:** از منابع کمک‌های مالی، افراد یا سازمان‌های همکار در انجام این پژوهش

● **منابع:** منابع به ترتیب حروف الفبا شماره‌گذاری شده (منابع فارسی ابتدا و بعد منابع انگلیسی) و به صورت زیر آورده می‌شوند.

منابع فارسی:

● **مقاله:** نام خانوادگی نویسنده (ها)، نام کوچک نویسنده (ها)، عنوان مقاله، نام کامل مجله، شماره‌ی جلد، شماره‌ی صفحه، محل برگزاری، شهر، ماه، سال.

● **مثال:** شفیعی، مسعود، ارتباط دانشگاه و صنعت: موانع اساسی و راهکارهای توسعه‌ای، مجموعه مقالات هشتمین کنگره سراسری همکاری‌های دولت، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی، صفحات 41-50، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران، آذر، 1383.

● **کتاب:** نام خانوادگی نویسنده (ها)، نام کوچک نویسنده (ها)، نام کتاب، شماره چاپ، نام ناشر، محل انتشار، سال انتشار.

● **مثال:** شفیعی، مسعود، ارتباط صنعت و دانشگاه: آینده‌ای تابناک، پیشینه‌ای تاریک، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران، 1386.

منابع انگلیسی:

● **مقاله:** نام خانوادگی نویسنده (ها)، نام کوچک نویسنده (ها)، عنوان مقاله، نام کامل مجله، شماره‌ی جلد، شماره صفحه، سال انتشار.

مثال:

Antonelli, C, "The evolution of the Industrial organization of the production of Knowledge". Cambridge Journal of Economics, 1999, 23, pp.243-260, 1999.

● **کتاب:** نام خانوادگی نویسنده (ها)، نام کوچک نویسنده (ها)، نام کتاب، شماره چاپ، نام ناشر، محل انتشار کتاب، سال انتشار.

1. مجله صنعت و دانشگاه به صورت فصلنامه منتشر می‌شود. این فصلنامه حاوی مقالاتی در زمینه‌های گوناگون می‌باشد.

2. نوع مطالبی که در فصلنامه چاپ می‌شود عبارتند از:

● مقالات مروری که معمولاً توسط سردبیر از صاحب‌نظران درخواست می‌شود.

● مقالات تحقیقاتی

● مقالات کوتاه

3. مقاله باید در مجلات دیگر به چاپ نرسیده و هم‌زمان برای چاپ به نشریه‌ی دیگری ارسال نشده باشد.

4. مسئولیت صحت مطالب مندرج در مقاله به عهده‌ی نویسنده (ها) است.

5. مقاله‌ی ارسال شده، توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و فصلنامه در ویرایش ادبی و محتوایی و در صورت لزوم حذف بخش یا بخش‌هایی از مقاله مجاز است.

6. زبان فصلنامه فارسی است، لذا حتماً بایستی یک چکیده انگلیسی هم داشته باشد و حتی المقدور از واژه‌های فارسی برای بیان مطالب علمی استفاده شود. لازم است مقاله فاقد اشکالات املائی یا نکات دستوری باشد.

7. تمامی مطالب متن و منابع باید با فاصله یک خط در میان با نرم افزار word تایپ شده و دارای حاشیه‌ی 2 سانتی‌متر از هر طرف باشد. قلم به کار رفته نازنین و اندازه آن 12 باشد.

8. تمامی مقالات باید مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:

● **عنوان مقاله:** عنوان مقاله با قلم سیاه تایپ شود، آنگاه نام نویسنده یا نویسندگان، رتبه‌ی علمی، نشانی (شامل نام دانشگاه یا دانشکده، مؤسسه و واحد تحقیقاتی مرتبط و ...) قید شود.

● **چکیده مقاله:** چکیده‌ی فارسی ساختارمند باید پس از مقدمه‌ای کوتاه هدف از تحقیق، روش تحقیق، یافته‌ها و نتیجه‌گیری را به طور اختصار بیان نماید (حداقل 150 کلمه و حداکثر 250 کلمه). این نکته برای چکیده‌ی مقاله به زبان انگلیسی نیز صادق است. در پایان چکیده مقاله، کلیدواژه باید شامل تعدادی کلمات کلیدی (حداقل 3 و حداکثر 5 کلمه)، در چکیده‌ی فارسی به زبان فارسی و در چکیده‌ی انگلیسی به زبان انگلیسی، باشد.

● **مقدمه:** مقدمه باید ضمن بیان هدف و مسأله‌ی مورد تحقیق، حاوی خلاصه‌ای از مطالعات و مشاهدات مرتبط با تحقیق مورد نظر (داخلی و خارجی) در چند سال اخیر همراه با یادآوری منابع آن‌ها باشد. لازم به یادآوری است که نباید در این قسمت داده‌ها و یا نتیجه‌گیری کار گزارش شود.

● **روش بررسی:** به نحوی باید نوشته شود که هر خواننده‌ای بتواند با استفاده از آن، تجربه‌ی نویسنده مقاله را تکرار نماید و

مثال:

Etzkowitz, H. and Leydesdorff, L. "Universities in the Global Economy: A triple Helix of university-industry-government relations, Cassell Academic, London, 1997.

آوردن اسامی تمامی نویسندگان کتابها یا مقالات الزامی است.

9. شماره‌گذاری بخش‌ها: تمامی بخش‌های مقاله، به غیر از بخش‌های ستاره خورده بالا به صورت نمونه شماره‌گذاری شود.

2. مبانی نظری مرتبط با کیفیت در آموزش عالی

1.2 جایگاه و نقش آموزش عالی در نظام نوآوری ملی

1.1.2 سیر تکاملی الگوهای نوآوری

▪ **نگاره‌ها، نمودارها و جدول‌ها:** نسخه‌ی اصلی نگاره‌ها، نمودارها و جدول‌ها هر کدام در صفحات جداگانه و در کاغذ A4 (حتی‌الامکان

گلاس‌ه) ارسال گردد. آوردن شماره‌ی هر کدام، نام نویسنده‌ی اول و جهت درج تصویر، در پشت هر صفحه ضروری است. لازم است تعداد نگاره‌ها، نمودارها و جدول‌ها با حجم کلی مقاله متناسب باشد و عکس‌ها به صورت سیاه و سفید تهیه شده باشند.

11. زیرنویس شکل‌ها و نمودارها: در این بخش زیرنویس شکل‌ها و نمودارها در صفحه‌ای جداگانه با آوردن شماره‌ی آنها به دقت شرح داده می‌شود. لازم است اختصارات موجود در نگاره‌ها در زیرنویس فارسی توضیح داده شود.

12. ارسال مقاله: نویسنده‌ی مسئول باید یک نسخه از مقاله کامل را، به آدرس دفتر مجله و یا به صورت فایل ضمیمه با پست الکترونیکی به آدرس پست الکترونیکی مجله ارسال نماید.

معرفی جمعیت ایرانی پیشبرد ارتباط صنعت و دانشگاه

اهداف

- جمعیت ایرانی پیشبرد ارتباط صنعت و دانشگاه در سال 1383 با اهداف زیر تشکیل شد:
- کمک به پیشبرد برنامه‌های توسعه صنعتی کشور از طریق ارتباط دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی با صنعت.
- حمایت از گسترش فعالیت‌های تحقیق و توسعه صنعتی در بخش‌های دولتی و خصوصی.
- مشارکت در برنامه‌های توسعه ملی از طریق بازنگری مسائل، طرح موانع و ارائه راهبردها و راهکارها

وظایف

- ایجاد و تقویت زمینه‌های همکاری بین مراکز علمی تحقیقاتی و صنایع کشور
- ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی، علمی و مشاوره‌ای به بخش‌های مختلف صنعتی
- تشکیل هسته‌های تخصصی برای بررسی نیازهای صنایع مسئله‌یابی و تلاش در جهت رفع آنها با کمک دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی
- اجرای بازدیدهای علمی و صنعتی در جهت همکاری‌های متقابل
- برگزاری همایش‌های علمی از جمله کنگره سراسری همکاری‌های دولت، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی
- تلاش در جهت انطباق برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها با نیازهای واقعی صنعت
- تلاش در جهت ایجاد تسهیلات کارآموزی دانشجویان و کارورزی دانش‌آموختگان در بخش‌های اقتصادی و صنعتی و فرصت‌های مطالعاتی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در صنایع
- تلاش در جهت ایجاد زمینه‌های مناسب جذب دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در صنایع
- همکاری مؤثر با دیگر حلقه‌های واسط بین دانشگاه و صنعت نظیر شهرک‌های علمی تحقیقاتی، مراکز رشد فناوری، واحدهای تحقیق و توسعه، صندوق‌های مالی توسعه فناوری و مراکز تجاری‌سازی فناوری
- همکاری با نهادهای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی کشور در جهت حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها از جمعیت و برنامه‌های توسعه ارتباط دانشگاه و صنعت
- حمایت از انتخاب و اجرای پایان‌نامه‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی در جهت مسائل و مشکلات مبتلا به صنعت
- ایجاد ارتباط مؤثر با انجمن‌ها، تشکلهای سازمان‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مشابه
- انجام مطالعات امکان‌سنجی در اجرای پروژه‌های مشترک در حوزه‌های مرتبط با فعالیت‌های جمعیت از جنبه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی
- انتشار فصلنامه و خبرنامه و اشاعه اطلاعات مرتبط در حوزه‌های علمی تحقیقاتی و صنعتی و به ویژه عرضه و تقاضای فناوری

برنامه‌ها

جمعیت به‌منظور تحقق اهداف خود، برنامه‌های زیر را در اولویت فعالیت‌هایش قرار داده است:

- ترویج و توسعه فرهنگ پژوهش و فرهنگ صنعتی در کشور
- افزایش کارایی تحقیقات و وارد کردن نتایج تحقیقات در چرخه برنامه‌های تولیدی و صنعتی کشور
- کمک به ایجاد فضایی مناسب برای بروز ابتکارات، نوآوری و پیشرفت فناوری از طریق تقویت علایق بین دولت، دانشگاه و صنعت و تأمین آن به جامعه‌ی تجاری و عامه مردم
- سازگارسازی آموزش‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی با نیازهای صنعت ملی و نیز همگامی با برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه صنعتی کشور
- آشنا سازی صنعت و دانشگاه با نیازها و توانایی‌های یکدیگر و ایجاد فضای مناسب گفت‌و شنود و تبادل نظر بین متخصصین صنعت و دانشگاه در جهت رفع موانع و تنگناها موجود

کمیته‌های اجرایی جمعیت

- کمیته مالی و پشتیبانی
- کمیته عضویت و اطلاع‌رسانی
- کمیته آموزش و پژوهش
- کمیته ارتباط با دانشگاه
- کمیته ارتباط با صنعت
- کمیته ارتباط با دولت و مجلس

از کلیه اندیشمندان، اساتید دانشگاه، پژوهشگران، کارشناسان، دانشجویان و نهادهای دولتی و خصوصی دعوت می‌شود با عضویت در جمعیت، ما را در تحقق اهداف والای آن یاری نمایند.

نشانی دبیرخانه:

تهران - خیابان حافظ - دانشگاه صنعتی امیرکبیر - ساختمان ابوریحان - طبقه ششم - اتاق 612.

تلفن: 021-66485856 ، تلفکس: 021-66495433

برگه اشتراک



هزینه اشتراک:

هزینه اشتراک یکساله:	پست عادی: 12.000 تومان	پست پیشتاز: 16.000 تومان
هزینه اشتراک دوساله:	پست عادی: 20.000 تومان	پست پیشتاز: 28.000 تومان

اطلاعات متقاضی:

● عضویت حقیقی:	نام و نام خانوادگی:
	رشته و مقطع تحصیلی:
	سمت:
	نام محل تحصیل:
● عضویت حقوقی:	نام شرکت / سازمان:
	سمت:
	نام متقاضی:
	تعداد نسخه درخواستی از هر شماره:
	نسخه شروع اشتراک از شماره:
	<input type="checkbox"/> اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک
	(شماره اشتراک قبلی:) :

نشانی:

آدرس:
استان:
شهر:
کدپستی:
تلفن:
همراه:
پست الکترونیک:

از علاقه‌مندان به اشتراک فصلنامه‌ی «صنعت و دانشگاه» درخواست می‌نماییم برگ اشتراک را به دقت و با خط خوانا تکمیل نموده و وجه اشتراک را براساس تعرفه، به حساب جاری شماره 56762418 نزد بانک تجارت، شعبه کارگر شمالی، به نام جمعیت ایرانی پیشبرد ارتباط صنعت و دانشگاه واریز کرده و اصل فیش بانکی و فرم اشتراک را به یکی از دو شیوه‌ی زیر برای ما ارسال نمایند.

1. از طریق دورنگار با شماره 021-66495433

2. از طریق پست به آدرس: تهران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ساختمان ابوریحان، طبقه ششم، اتاق 612

- اعضای جمعیت از 20 درصد تخفیف برخوردار می‌شوند.
- خواهشمند است، مشترکان محترم در صورت تغییر نشانی، امور مشترکین را مطلع فرمایند.
- باتوجه به اینکه تنها عدم وصول مجلاتی که به صورت پیشتاز ارسال می‌شوند قابل پیگیری است لذا توصیه می‌شود از خدمات پست پیشتاز استفاده شود.

فرم سفارش آگهی

گرامی ارجمند

احتراماً به استحضار می‌رساند مجله علمی - ترویجی «صنعت و دانشگاه» توسط جمعیت ایرانی پیشبرد ارتباط صنعت و دانشگاه بصورت فصلنامه و با تیراژ یک هزار نسخه انتشار می‌یابد.

انتظار می‌رود با سفارش چاپ آگهی ضمن معرفی توانمندی‌های آن سازمان به خبرگان صنعت، نخبگان، دانشگاه‌ها و نیز مدیران اجرائی باعث پیشبرد اهداف این جمعیت گردد.

سمت:

شرکت:

نام سفارش دهنده:

شماره تماس:

نشانی کامل:

ضمن قبول شرایط مندرج در این فرم تقاضای قرار گرفتن در نوبت آگهی به شرح ذیل می‌باشم:

نوع سفارش	تعرفه چاپ سیاه و سفید	تعرفه چاپ رنگی	ابعاد
	-	همت عالی	پشت جلد
	-	2500000	داخل جلد
	1000000	1500000	یک صفحه کامل
	500000	1000000	نیم صفحه
	250000	500000	یک چهارم صفحه
	100000	-	کادر راهنما 6×4 (حداقل برای سه‌ماه)

دفعات چاپ:

شماره درخواستی:

شرایط:

- طرح آگهی بر عهده سفارش دهنده می‌باشد و می‌بایست همراه فرم ارسال گردد.
- 20% تخفیف برای شرکت‌های حقوقی عضو جمعیت.
- 10% تخفیف برای 4 شماره چاپ متوالی.
- 20% تخفیف برای 8 شماره چاپ متوالی.
- جهت تخصیص کادر سفارش حداقل چهار شماره متوالی لازم می‌باشد.

لطفاً جهت هماهنگی بیشتر و رزرو با شماره تلفن 66485856 تماس حاصل فرمایید و پس از تکمیل فرم آنرا به شماره 66495433 فاکس نمایید.

مهر و امضاء



«فرم درخواست عضویت حقوقی»

لطفاً در این قسمت چیزی ننویسید

شماره عضویت:

«جمعیت ایرانی پیشبرد ارتباط صنعت و دانشگاهی» در ادامه یک دهه فعالیت‌های کمیته دائمی «کنگره سراسری همکاری‌های دولت، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی» و به منظور ارتقاء سطح همکاری‌های فی‌مابین صنعت و دانشگاه در سال 1383 تأسیس شده است.

1- مشخصات مؤسسه:

نام دانشگاه/ شرکت/ سازمان: تعداد کارکنان:
نوع فعالیت: سال تأسیس:
نشانی:
تلفن ثابت: دورنگار:
پست الکترونیکی: وب سایت:

2- مشخصات رییس/مدیر:

نام خانوادگی: نام:
آخرین مدرک تحصیلی: دانشگاه: کشور:
رشته تحصیلی: تاریخ فارغ‌التحصیلی: سابقه کار:

3- مشخصات فرد رابط مؤسسه با جمعیت:

نام خانوادگی: نام: سمت:
تلفن ثابت: تلفن همراه: پست الکترونیکی:
نشانی:

4- حق عضویت:

حق عضویت سالانه برای عضویت حقوقی حداقل ده میلیون ریال می‌باشد. مؤسسات دارای امکانات مالی مناسب می‌توانند مبلغ بیشتری جهت توسعه جمعیت پرداخت نمایند شماره حساب: 266111444 بانک تجارت، شعبه امیراکرم، بانه دانشگاه امیرکبیر و شماره کارت مجازی 5859837000154845
مبلغ پیشنهادی:
*مؤسسات می‌توانند با تکمیل این فرم و پرداخت حق عضویت، درخواست عضویت حقوقی خود را اعلام نمایند.

مضاء و مهر مدیر مؤسسه:

تاریخ:

Contents

<ul style="list-style-type: none"> • Evolution in the Content of the Multimedia Industry Case Study: The Future of Iranian TV Program Genres in the Horizon of 1410 Hosseinali Afkhami 	1
<ul style="list-style-type: none"> • The Strategies for Improving Financial and Economic Interactions of Municipalities and Service Companies (Case Study: Tehran Municipality and Water and Electricity Providers Reza Mahdi 	17
<ul style="list-style-type: none"> • The Effects of Internal and External Factors on the Interbank Interest Rate in Iran Ali Hosseini Naveh Akbarabadi, Sajjad Barkhordari Dorbash 	37
<ul style="list-style-type: none"> • The Relationship Between Knowledge-Based Leadership, Human Resource Development, Innovation Climate, and Creative Work Behavior with Sustainable Competitive Advantage and the Mediating Role of Organizational Innovation Ali Khakshour, Ghasem Ghasemi 	57
<ul style="list-style-type: none"> • The Role of Crown Lands, Newly-Formed Lands, and Coastal Lands in Production and Entrepreneurship Abazar Ashtari Mehrjerdi 	81
<ul style="list-style-type: none"> • Evaluating the Theoretical and Practical Dimensions of the Educational System in Girls' Technical and Vocational Schools Mahya Rahmani, Majid Darabi, Tayebeh Mousavi Amiri 	101